

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجله سیاست دفاعی

نشریه مرکز مطالعات راهبردی دفاع و امنیت ملی

سال بیست و ششم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۰۴

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

مدیر مسئول: دکتر محمدرضا شعبانی اصل

سردبیر: دکتر سید یحیی صفوی

ویراستار ادبی: دکتر سهراب فاضل

مدیر اجرایی و جانشین سردبیر: دکتر خسرو حسن لو

مدیر داخلی: حسن ابوطالبی

### اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

استادیار مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

دانشیار گروه سیاست دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

دانشیار مدیریت، دانشگاه مالک اشتر

استاد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه تهران

استاد روابط بین الملل، دانشگاه تهران

دکتر علی اکبر احمدیان

دکتر هادی مراد پیری

دکتر حسین حسینی

دکتر حسین دهقان

دکتر سید جلال دهقانی

دکتر سید یحیی صفوی

دکتر جهانگیر کرمی

دکتر ابراهیم متقی

### همکاران علمی و داوران این شماره

محمد جواد سبحانی فر، غلامرضا علاماتی، سعید کافی، محمدرضا آهنی، ابوالفضل پاسبان، محمدرضا شعبانی اصل، مهدی حشمتی، محمد مبینی، مهدی زروندی، خسرو حسنلو، حسن بلوغزاده، سید حمیدرضا قریشی، حسن ابوطالبی، عباس چگینی، ناصر وارثی، علیرضا نصرافهانی، ابوالفضل امیری، هادی آقایی، محمدرضا بشارتی، محمود پاکیزه، داود جعفری، رضا مقیسه، محمد حسین جمشیدی، عباس حیدری، حسین حسینی، مصطفی خودسیانی، مسعود دهقانی، اله مراد سیف، محمد شاهینی، علیرضا طاقتی، محمدعلی عابدی پور، محمدرضا عرب بافرانی، حسین علایی، بهزاد قاسمی، احمد کارگر، مصطفی مردانیان..

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، پژوهشکده دفاعی امنیتی، دفتر فصلنامه

شماره تماس: ۰۹۱۹۴۶۲۲۵۹ - ۷۴۱۸۸۲۷۰

پایگاه اینترنتی: <http://dp.ihu.ac.ir>

پست الکترونیک: [dp@ihu.ac.ir](mailto:dp@ihu.ac.ir)

این نشریه در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

[www.srlst.com](http://www.srlst.com)

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

[www.SID.ir](http://www.SID.ir)

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

[www.magiran.com](http://www.magiran.com)

بانک اطلاعات نشریات کشور

[www.noormags.com](http://www.noormags.com)

پایگاه مجلات تخصصی نور

درجه علمی مجله سیاست دفاعی، طبق نامه شماره ۳/۴۴۲۸۶ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۳۰ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، به عنوان نشریه علمی - پژوهشی، مورد تأیید قرار گرفته است.

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه

## راهنمای نگارش و ارسال مقاله به فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست دفاعی

با سپاس فراوان از تلاش پرازش علمی شما پژوهشگران ارجمند؛ خواهشمند است، هنگام نگارش و ارسال مقالات پژوهشی خود به موارد زیر توجه فرمایید.

### الف: مقررات پذیرش (مقاله‌های علمی - پژوهشی)

- ۱ - مقاله‌های ارسالی دستاورد یک یا چند پژوهش‌دانشی نویسنده یا نویسندگان بوده و مستندات آن برآمده از منابع معتبر باشد.
- ۲ - مقاله‌های ارسالی در حوزه تخصصی فصلنامه شامل موضوع دفاع (نظامی و غیرنظامی)، موضوع امنیت (ملی و بین‌المللی) و موضوعات همگرا شده دفاعی - امنیتی باشد.
- ۳ - مقاله‌های ارسالی در سطوح راهبردی و عملیاتی باشد.
- ۴ - نظر به اینکه مقالاتی که چاپ می‌شوند در سایت‌ها به صورت نمایه ارائه می‌شوند مقاله‌های ارسالی باید از استاندارد لازم یک مقاله علمی - پژوهشی برخوردار بوده و شرایط پایگاه‌های استنادی که در این دستورالعمل آمده را داشته باشد.

### ب: شیوه نگارش (مقاله‌های علمی - پژوهشی)

مقاله علمی - پژوهشی باید گویا، نوآورانه و روان همراه با پاسداشت زبان فارسی باشد. همچنین بدون هیچ‌گونه غلط‌های املائی نگارش شده و قواعد ویراستاری آن رعایت شود. در ادامه ویژگی‌های هر بخش و بایسته‌های (الزامات) نگارش مقاله علمی - پژوهشی آورده شده است.

#### ۱ - ویژگی‌های نگارش بخش‌های مقاله:

- ۱ - **صفحه نخست:** به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام مؤلف یا مؤلفین، چکیده، واژگان کلیدی و بدون پاورقی واژگان لاتین است. (در پاورقی عناوین و رتبه نویسندگان همراه با رایانامه ایشان آورده می‌شود).
- ۲ - **عنوان مقاله:** گویا، مرتبط با مطلب / کوتاه و فشرده / بدون واژگان لاتین و فرمول نویسی / بدون واژگان اختصاری و نامأنوس، با تیتراژ **B Zar 11 Bold** باشد.
- ۳ - **چکیده فارسی:** شامل شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسئله، هدف‌ها، روش‌ها و نتیجه‌گیری است. چکیده در یک پاراگراف و حداکثر در ۳۰۰ کلمه (حداکثر ۸ سطر) بدون استفاده از جدول، شکل و منابع تنظیم شود.
- ۴ - **کلید واژگان:** (۳ تا ۵ واژه) واژه‌های کلیدی به گونه‌ای تعیین شود که بتوان از آن‌ها به منظور تهیه فهرست موضوعی (Index) استفاده کرد. / متن چکیده و کلیدواژگان **B Lotus 10 Italic**

۵ - **پاورقی چکیده:** درج مرتبه علمی و محل اشتغال یا تحصیل نویسنده به همراه رایانامه (پست الکترونیک) (E-Mail) به ترتیب میزان سهم‌شان در تدوین مقاله در پاورقی صفحه چکیده مرسوم است.

۶ - **مقدمه یا پیش نوشتار:** دربرگیرنده؛ بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش تحقیق، پیشینه موضوع پژوهش و قلمرو پژوهش هم‌چنین مشخص کردن محدوده زمانی مورد بررسی است.

۷ - **مبانی نظری پژوهش (داده‌های پژوهش):** هدف این بخش شناسایی فضای پژوهش و برقراری ارتباط بین ادبیات موضوع با موضوع مورد تحقیق است. این موارد شامل؛ تعریف واژگان، تعریف واژه ویژه‌گان (اصطلاحات)، معرفی علائم، ارائه دسته‌بندی‌ها، معرفی نظر اشخاص و دیدگاه‌ها و مکاتب معرفی نماد و نمایه‌ها (مدل و الگو) دیگران و... است.

۸ - **پردازش داده‌ها (تجزیه و تحلیل) و یافته‌های پژوهش:** در این بخش ابتدا به صورت بسیار کوتاه روشگان (متدولوژی) پردازش داده‌ها توضیح داده می‌شود. سپس با روش یادشده به پردازش داده‌ها (روابط و نوع تأثیر آن‌ها بر یکدیگر) به یافته‌های اولیه پژوهش خواهیم رسید.

۹ - **پیامد و دستاوردهای پژوهش (نتیجه‌گیری):** در این بخش با توسعه، ترکیب، تقاطع و تعمیم یافته‌ها به اصول و روابط (فرمول‌ها) نگره (نظریه یا تئوری) نماد و نمایه (مدل و الگو) رهیافت‌ها (راهبرد، طرح، برنامه و...) نوین دست می‌یابیم. (در اینجا مجاز به ارائه پیشنهاد یافته‌های جدید خود و یا رد نتیجه سایر پژوهش‌ها خواهیم بود).

#### ۱۰ - فهرست منابع:

روایی یک مقاله علمی - پژوهشی به مستندات معتبر آن است و منابع ارزش بالایی دارند. از این رو، نخست منابع فارسی سپس منابع لاتین و در ادامه فهرست سایت‌های اینترنتی آورده شود. نکته مهم: تنها منابع و مأخذ استفاده شده در متن، در فهرست پایانی مقاله آورده شوند.

#### - چگونگی ارجاع دهی (رفرنس دهی) و فهرست نویسی منابع:

ارجاع مأخذ در متن مقاله داخل پرانتز به روش APA باشد و در قسمت مراجع مشخصات کامل منبع به ترتیب حروف الفبا آورده شود. (اطلاعات تکمیلی در سامانه فصلنامه) چکیده انگلیسی: برگردان (ترجمه) چکیده فارسی به زبان انگلیسی (حداکثر در ۳۰۰ است) می‌باشد. هم‌چنین کلیدواژه‌های انگلیسی مشابه چکیده‌نویسی فارسی ۳ تا ۵ واژه است.

#### ۲ - بایسته‌های نگارش مقاله علمی - پژوهشی:

در نگارش مقاله علمی - پژوهشی به بایسته‌های (الزامات) زیرین توجه فرمایید.

۱ - **اندازه و نوع قلم بخش‌های مقاله:** در قطع یکسان حداکثر در ۲۰ صفحه A4 (۶۰۰۰ کلمه) فاصله تقریبی میان سطور یک سانتیمتر و با فاصله دو سانتیمتری از چپ و راست و فاصله سه سانتیمتری از بالا و پایین کاغذ انجام شود. در محیط Microsoft Word 2003-2007 یا ویرایش‌های بالاتر و قلم B Lotus و فونت ۱۲ و متن انگلیسی با ۱۰ Calibri و برای متن‌های عربی با قلم B Badr 12 آماده و ارسال گردد.

۲ - **سرلوحه‌های درون‌متن (تیترها):** تیترهای اول، دوم و سوم به ترتیب با فونت‌های مشخص‌شده (B Zar Bold و اندازه‌های ۹، ۱۰ و ۱۱) باشد.

۳ - **شکل‌ها، عکس‌ها، جدول‌ها و نمودارها:** همه شکل‌ها، نمودارها و تصاویر با واژه «شکل» و همه جداول با واژه «جدول» و همه عکس‌ها با واژه «تصویر» نام‌گذاری و شماره‌گذاری شوند. عنوان شکل نمودارها و تصاویر در زیر آن‌ها و جداول در بالای آن درج شود. برای درج عنوان هر شکل و یا جدول، پس از کلمه شکل و یا جدول و شماره آن، خط تیره و سپس عنوان ذکر گردد. عکس‌ها باید به‌وضوح با فرمت JPG یا 300 DPI و با کیفیت بالا در مقاله آورده شوند. شکل‌ها و جدول‌ها باید هرکدام جداگانه دارای شماره‌های متوالی باشند و بدون نیاز به مراجعه به توضیحات متن گویا باشند.

۴ - **واژه‌ها، واژه ویژه‌ها (اصطلاحات) و نام‌های لاتین:** تا حد امکان متن فارسی از هر واژه بیگانه پالایش شود و این واژگان و نام‌ها به‌صورت فارسی در متن آورده شوند. لیکن برای تلفظ درست حتماً در پای نوشت (پاورقی) همان صفحه واژه لاتین آن نوشته شود. از آوردن اصطلاحات خارجی که معادل دقیق و ابلاغ‌شده فارسی دارد، پرهیز شود.

۵ - **عبارات رایج و مصطلح:** به‌طور کامل و درست آورده شود.

- عبارات (صلی‌الله علیه و آله)، (علیه‌السلام) به‌طور کامل ذکر شود

- ادامه عنوان امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، به‌طور کامل ذکر شود.

- ادامه عنوان امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌طور کامل ذکر شود.

- به‌جای «اسرائیل» عبارت «رژیم صهیونیستی» بکارگیری شود.

- عبارت «جمهوری اسلامی ایران» کامل نوشته شود.

### **پ: روش ارسال و مراحل پذیرش (مقاله‌های علمی - پژوهشی)**

۱ - مقاله‌ها منحصراً از طریق پایگاه نشریه [journals.ihu.ac.ir](http://journals.ihu.ac.ir) دریافت می‌شود و به مقاله‌های ارسال‌شده از طریق نامه یا پست الکترونیک نشریه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۲ - از قرار دادن مشخصات نویسنده و یا نویسندگان در فایل WORD مقاله ارسالی از طریق سامانه خودداری و فقط در هنگام ثبت‌نام در سامانه موارد خواسته‌شده را به‌طور کامل تکمیل شود/ در فایل pdf ارسالی مجاز به درج مشخصات نویسنده و یا نویسندگان می‌باشید.

۳ - تکمیل فرم تعهد اصالت مقاله.

{ تذکر: بعد از تکمیل و امضا فرم اسکن و به‌عنوان فایل مکمل از طریق سامانه نشریه ارسال شود. }

پس از مطالعه و پذیرفتن ضوابط چنانچه مقاله شما حائز شرایط است وارد مراحل ثبت‌نام و بارگذاری مقاله برای ارسال به دفتر فصلنامه شوید.

### ت: موارد حقوقی و تعهدات (مقاله‌های علمی - پژوهشی)

- ۱ - فصلنامه در پذیرش و یا چاپ مقالات دارای اختیار کامل بوده و در صورت عدم پذیرش و یا چاپ مقاله الزام به پاسخ ندارد. (دریافت و پذیرش مقاله از سوی مجله الزاماً به معنای قبول قطعی آن برای چاپ نیست)
  - ۲ - فصلنامه در ویرایش، ویراستاری، تلخیص یا اصلاح مقاله‌های پذیرش شده آزاد است. ضمن اینکه حق ویرایش مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد، از بازگرداندن مقاله ویرایش شده معذور است.
  - ۳ - اصل مقاله‌های رد شده یا انصراف داده شده پس از شش ماه از آرشيو مجله خارج خواهد شد و مجله هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر آن نخواهد داشت.
  - ۴ - نسخه چاپی محدود است لذا پس از چاپ مقاله تنها یک نسخه از نشریه حاوی مقاله موردنظر به نویسنده مسئول تعلق می‌گیرد.
  - ۵ - مسئولیت صحت و سقم مطالب مقاله به لحاظ علمی و حقوقی و مسئولیت آراء و نظرات ارائه شده به عهده نویسنده مسئول است و چاپ مقاله به معنی تأیید همه مطالب آن نیست.
  - ۶ - فرصت اعلام انصراف تا قبل از پاسخ داوری مقاله است در غیر این صورت نویسنده ملزم به پرداخت خسارت همراه یا درج امتیاز منفی در پذیرش مقالات بعدی است.
  - ۷ - نویسنده متعهد می‌شود مقاله ارسالی هم‌زمان به نشریات دیگر و یا همایش‌ها ارائه نشده باشد.
  - ۸ - روگرفت و نقل مطالب درج شده در این فصلنامه تنها با نگارش نشانی دقیق آن در فصلنامه مجاز است.
- ث: سخن پایانی** مقالاتی که بیشترین ارجاع دهی را از شمارگان پیشین این فصلنامه و نشریات دیگر دانشگاه جامع امام حسین (علیه اسلام) داشته باشند از امتیاز بیشتری در پذیرش و چاپ مقاله برخوردار خواهند بود

تمامی حقوق برای مرکز مطالعات دفاع و امنیت ملی دانشگاه جامع امام حسین (ع) محفوظ است.

## فهرست مطالب

مجله سیاست دفاعی، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۴، پاییز ۱۳۹۷

صفحه

عنوان

- 
- |     |   |   |
|-----|---|---|
| ۹   | پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا ..... | حسین مینائی، فرهاد هادی نژاد                          |
| ۲۹  | الگوهای هویتی غرب آسیا و نظم امنیت منطقه‌ای .....   | سید حامد موسوی، حشمت‌الله فلاحت پیشه، محمدباقر خرمشاد |
| ۷۳  | تجزیه و تحلیل دلایل دگردیسی در سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه .....                    | حمید درج، حسین مسعودنیا                               |
| ۱۰۷ | بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی شیعه با محوریت ایران و تأثیر آن بر جایگاه سیاسی شیعیان غرب آسیا ..... | سجاد کمری، عزت‌الله عزتی                              |
| ۱۲۷ | ارزیابی روش‌های تحقیق در عملیات برای بررسی مسائل نظامی .....                                  | محمد رضا فتاحی، محمد حسن ملکی، میلاد آقایی            |
| ۱۵۵ | تحلیل استعاره‌های شناختی در بیانات دفاعی مقام معظم رهبری .....                                | حدیث اقبال، رویا فرزین راد                            |
| ۱۸۸ | چکیده‌های برگردان شده به انگلیسی .....  | سید سعادت حسینی                                       |





## پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا

حسین مینائی<sup>۱</sup>

فرهاد هادی نژاد<sup>۲</sup>

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۲۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۱۷

### چکیده

دیپلماسی دفاعی ابزاری است که دولت‌ها می‌کوشند، به‌واسطه آن از امتیازات و توانایی‌های خود در حوزه دفاعی برای وابسته کردن دیگر کشورها به خود، افزایش وابستگی متقابل امنیتی، جلب اعتماد، جلوگیری از بروز منازعه، حل منازعه‌ها، ایجاد چارچوب‌های امنیتی منطقه‌ای و نظیر این‌ها استفاده کنند. از ویژگی‌های دیپلماسی دفاعی در شرایط موجود این است که به‌عنوان یکی از ابزارهای هویت‌یابی و مشروعیت‌سازی سیاست دفاعی و راهبردی کشورها تلقی می‌شود. روابط ایران و عربستان در سالهای اخیر از رقابت به سمت رویارویی مستقیم در حال حرکت است. جنگ‌های نیابتی عربستان با ایران در منطقه غرب آسیا به‌ویژه در کشورهای عراق و سوریه و تلاش همه‌جانبه برای جلوگیری از قدرت‌گیری شیعیان در یمن و بحرین باعث شده سعودی‌ها خود را درگیر جنگ‌های فرسایشی کنند که یکی از اثرات آن بحرانی‌شدن روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران است. شناسایی پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی یکی از الزامات اساسی هر پروژه آینده‌نگاری است؛ بر این اساس این مقاله باهدف شناسایی پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران با کشور عربستان در منطقه غرب آسیا نگارش و با ترکیب روش‌های آینده‌پژوهی مانند مرور منابع، پانل خبرگی و تحلیل ماتریس مقاطع و با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک انجام شده است؛ در راستای اجرای این پژوهش از نظرات خبرگی صاحب‌نظران حوزه دفاعی و سیاست خارجی بهره‌برداری و پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی در نتایج ارائه شده است.

### کلید واژه‌ها

آینده‌نگاری، پیش‌ران، تحلیل ماتریس مقاطع، دیپلماسی دفاعی.

hoseinminae2@gmail.com

hadinejadfarhad@gmail.com

۱. استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران

## مقدمه

دیپلماسی دفاعی به منزله ارتقاء قابلیت‌های ساختاری برای تحقق اهدافی محسوب می‌شود که زمینه‌های لازم برای اجرای قدرت در محیط آنارشیک را به وجود می‌آورد. چنین روندی را باید بخشی از ضرورت تولید قدرت در محیطی دانست که معطوف به کاربرد ابزارهای متنوع نهادی، راهبردی و کارکردی محسوب می‌شود (ساعد و علیدوستی، ۱۳۹۰: ۲۰). دیپلماسی دفاعی، بخشی از سیاست‌های دولت است که به عنوان یک ابزار مهم در تحقق اهداف کلان نیروهای مسلح نقش‌آفرینی می‌کند و هدف آن را می‌توان ایجاد شرایط سیاسی و ملی و بین‌المللی مطلوب برای حفظ و گسترش ارزش‌های ملی و حیاتی کشور در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه دانست (مینائی و همکاران، ۱۳۹۵). در جمهوری اسلامی ایران، همکاری‌های دفاعی برآمده از چارچوب سیاست خارجی کشور است. سیاست خارجی، نوع و گستره همکاری‌های سیاسی و حتی اقتصادی و نظامی یک کشور با کشورهای دیگر را تعیین می‌کند. از آنجایی که دیپلماسی دفاعی برگرفته‌شده و در راستای سیاست خارجی کشور و یکی از منابع تأمین‌کننده قدرت ملی کشور محسوب می‌شود، می‌باید با سیاست کلی نظام در امور خارجه و امور دفاعی هماهنگ باشد؛ از سوی دیگر پژوهشگران معتقدند با توجه به اینکه هدف دیپلماسی دفاعی، تهدیدزدایی و امنیت‌زایی است، از این جهت تأثیر مستقیمی از سیاست دفاعی می‌پذیرد.

ایران و عربستان از نظر ایدئولوژیکی، در تقابل باهم قرار دارند. رشد و افول هم‌اندیشان هر یک از دو کشور عکس‌العمل طرف مقابل را به دنبال دارد. ضمن آنکه سقوط صدام با خارج کردن عراق از رقابت با ایران و عربستان، موجب شد تا رقابت میان ایران و عربستان در منطقه خلیج فارس که به لحاظ سنتی مهم‌ترین میدان سنتی منازعه آنان برای توسعه نفوذ بود، افزایش یابد (Trill, 2011). در دهه اخیر با قدرت‌گیری شیعیان، گفتمانی در قالب هلال فرضی شیعی مطرح شد و عربستان به عنوان قدرت رقیب به تکاپو جهت بازدارندگی راهبردی افتاد. تکاپوی عربستان نیاز به بستری برای مقابله با این هلال فرضی داشت؛ همچنین جغرافیای این هلال با قومیت‌ها، نژادها و مذاهب متفاوت بستری مناسب فراهم کرد که هم‌اندیشان سعودی در انطباق کامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی با این هلال فرضی قرار گیرند. دیپلماسی دفاعی می‌تواند به عنوان ابزاری در کاهش این تقابل نقش‌آفرینی نماید.

در عرصه سیاست‌گذاری به‌ویژه سیاست‌گذاری دفاعی در سطح منطقه، آینده‌پژوهی و پرداختن به آینده و برنامه‌ریزی آن جزء جدانشدنی فرایند سیاست‌گذاری است. غفلت از نیروهای کلیدی و پیش‌ران در فرایند سیاست‌گذاری دفاعی و توسعه، باعث تضعیف تدریجی آن‌ها و درنهایت تأثیرگذاری منفی آن‌ها بر کل سیستم دفاعی می‌شود. دیپلماسی، ابزاری صلح‌آمیز برای مدیریت روابط بین‌المللی در راستای برقراری نظم و امنیت است. در عصر کنونی، گستره و دامنه موضوعات بسیار توسعه یافته و این امر موجب شده تا یک نهاد نتواند تمامی حیطه‌های مرتبط با دیپلماسی را پوشش دهد. در دوران پیش از جنگ جهانی دوم، حوزه‌های دیپلماتیک سیاسی، اقتصادی، دفاعی و... ارتباط چندانی با یکدیگر نداشتند و هر مجموعه، کارکردهای ویژه خود را ایفا می‌کرد؛ اما در دوره جدید، این وضعیت دگرگون شده و از یک سو نظامیان در قلمروهای سیاسی نقش‌آفرینی دارند و از سوی دیگر، مجموعه‌های سیاسی در فرایند طرح‌ریزی راهبردی - دفاعی فعال هستند. به‌واقع باید اشاره کرد که هرچند دستگاه سیاست خارجی نقش اصلی را در قلمرو دیپلماسی ایفا می‌نماید، ولی نهادها و دستگاه‌های متعدد دیگری نیز درگیر فعالیت‌های دیپلماتیک هستند؛ در این رابطه می‌توان به سازمان‌های دفاعی کشورها اشاره کرد که نوع خاصی از دیپلماسی را تحت عنوان دیپلماسی دفاعی پیگیری می‌نمایند.

عربستان در تقابل با جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، از یک ثبات نسبی و رو به گسترش در روابط خود با امریکا و اروپا برخوردار است، متأسفانه بازیگر جدیدی به نام رژیم صهیونیستی که خود را متحد عربستان می‌داند در پشت پرده بسیاری از سیاست‌های تنش‌آفرین سعودی هاست. همکاری‌های پشت پرده اکنون علنی شده است و به‌موازات بهبود روابط ایران با اروپا، عربستان به رژیم صهیونیستی نزدیک‌تر شده است و با توجه به آنکه امریکا نسبت به اقدامات و ماجراجویی‌های رژیم صهیونیستی همیشه خاضع بوده، اقدامات عربستان در آتش‌افروزی‌های منطقه‌ای به‌ویژه در یمن و سوریه و همکاری نظامی رژیم صهیونیستی و عربستان در سرکوبی مردم مظلوم یمن با سکوت آنان مواجه بوده است.

از سوی دیگر موضوع عدم قطعیت در آینده و شناسایی بلندمدت آن در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و کشور عربستان از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ این مسئله مدت‌های طولانی مورد غفلت سیاست‌گذاران دفاعی و دانشگاهیان قرار گرفته است (مینایی، ۱۳۹۵: ۱۹۷).

نظر به اهمیت آینده‌نگاری راهبردهای منطقه‌ای دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، منطبق با منویات مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز، سند سیاست دفاعی و سایر اسناد بالادستی، این دغدغه وجود داشته است که پیشن‌ران‌های کلیدی و اصلی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا با کشور عربستان کدام‌اند. هدف کلی این تحقیق، شناسایی پیشن‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه غرب آسیا با کشور عربستان است. در مسیر اجرای تحقیق تلاش شده به این سؤال پاسخ داده شود که پیشن‌ران‌های اصلی و کلیدی، پیشن‌ران‌های تنظیمی، پیشن‌ران‌های تأثیرپذیر و پیشن‌ران‌های مستقل دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه با کشور عربستان کدام‌اند؟

#### اهمیت و ضرورت تحقیق

سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه دیپلماسی همواره با روش‌های مختلف به دنبال یافتن راه‌هایی جهت بهبود شیوه‌ها و کیفیت تصمیم‌سازی جهت سیاستمدار هستند. عدم شناخت هوشمندانه آینده دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران از ابزارهای تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی متأثر است. در واقع ابزارها و روش‌های برنامه‌ریزی و همچنین فرایندی که نتیجه عمل سیاست‌گذاری می‌شود، به شدت تحت تأثیر نحوه انتخاب ابزار و روش و عمل سیاست‌گذار است (Shea, 2005: 33). از آنجایی که اهداف اصلی دیپلماسی دفاعی تهدیدزدایی و امنیت‌زایی است، یکی از مهم‌ترین دلایلی که لزوم انجام تعیین پیشن‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران با عربستان را مطرح می‌نماید، مؤلفه تهدید و امنیت است. جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای مهم و راهبردی منطقه و جهان است که همواره با تهدیدهایی روبه‌رو بوده است. در طول تاریخ به‌ویژه دوران معاصر همواره سایه تهدید بر این کشور حاکم بوده است؛ هرچند که ممکن است گوناگونی آن‌ها در زمان‌ها و شرایط مختلف متفاوت بوده باشد. در سال‌های اخیر روابط ایران و عربستان به شدت بحرانی شده و تا مرز جنگ نیابتی پیش رفته است. بیم آن می‌رود، عدم توجه به مشکلات موجود بین دو کشور رویارویی مستقیم را در پی داشته باشد؛ بنابراین شناسایی پیشن‌ران‌های اصلی و کلیدی در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و عربستان اهمیت و ضرورت فراوانی دارد.

## مبانی نظری

### پیشینه تحقیق

برخی پژوهشگران در سالیان اخیر به مطالعه در حوزه دیپلماسی دفاعی پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

در پژوهشی با عنوان رهیافتی نظری بر دیپلماسی منطقه‌ای که توسط قاسمی (۱۳۹۱) انجام پذیرفته، نتایج بدین شرح است: دیپلماسی دفاعی، نوعی پیوند بین حوزه نظامی و سیاسی است و در حقیقت، فراهم‌کننده منابع قدرت در جهت اعمال سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی کشور محسوب می‌شود؛ به عبارتی دیپلماسی دفاعی، وظیفه تجمیع و تبدیل قدرت بالقوه به بالفعل را به‌منظور دفاع از تمامیت سرزمینی و سایر منافع ملی حیاتی کشور بر عهده دارد؛ در این راستا چند سطح متمایز از بازدارندگی به‌عنوان تجلی‌بخش دیپلماسی دفاعی کشورها قابل‌شناسایی است؛ مهم‌ترین سطح آن، ایجاد تهدید در برابر تهدیدات مقابل است. در نقاط عطف و مراحل گذار از نقاط عطف، تهدید از ناحیه متخاصم یا متخاصمان مشاهده می‌شود.

هم‌چنین در تحقیقی با عنوان نشانه‌ها و کارکردهای دیپلماسی دفاعی پویا، زهره پوستین‌چی و همکاران (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که: برای تبیین چارچوب مفهومی دیپلماسی دفاعی ایران، لازم است تا دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از یکدیگر تفکیک گردد. در شرایط موجود منطقه‌ای، نشانه‌هایی از بحران مشاهده می‌شود. در شرایط تهدید، دیپلماسی دفاعی به‌موازات الگوهای تولید قدرت مورد توجه قرار می‌گیرد؛ در این ارتباط، چندجانبه‌گرایی به‌موازات فرایندهای معطوف به مقاومت راهبردی به‌عنوان بخشی از نشانه‌های کنش راهبردی ایران در حوزه دیپلماسی دفاعی بوده است.

پژوهشی تحت عنوان دیپلماسی دفاعی نوین انگلستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران توسط میرزایی و همکاران (۱۳۹۳) صورت گرفته که نتایج آن بدین شرح است: دیپلماسی دفاعی انگلستان در راستای افزایش قدرت و امنیت برای اهداف و منافع راهبردی آن کشور طراحی شده است؛ به‌این‌ترتیب هریک از بخش‌های مؤثر در ساختار دفاعی انگلستان، کارویژه خاصی را عهده‌دار است. تمام حوزه‌های دفاعی انگلیس باید بتوانند از طریق مشارکت سازمانی، رفتاری و کارکردی خود به نتایج مطلوب و مؤثری برای امنیت و قدرت ملی انگلیس نائل گردند.

کارویژه‌های مربوط به دیپلماسی دفاعی انگلیس، معطوف به نقش ارتقاءدهنده و همچنین تکمیل‌کننده سایر مأموریت دفاعی است. هریک از حوزه‌های دفاعی و راهبردی می‌توانند بخشی از ضرورت‌های انگلستان را برای تأثیرگذاری بر محیط پیرامونی، کنترل منازعات، پیش‌دستی در فرایندهای راهبردی و همکاری چندجانبه برای تبدیل قدرت به امنیت را تأمین نمایند. شواهد نشان می‌دهد که مقامات و ساختار دفاعی انگلستان، همانند آمریکا، حساسیت ویژه‌ای نسبت به گسترش ابزارهای قدرت در حوزه‌های مختلف جغرافیایی دارند. در روند محدودسازی قابلیت‌های هسته‌ای ایران، دیپلماسی دفاعی انگلستان، نقش تعیین‌کننده‌ای را عهده‌دار بوده است.

در پژوهشی با عنوان تعیین پیش‌ران‌های اصلی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌الملل که توسط مینائی و همکاران (۱۳۹۵) انجام پذیرفت، محققان به این نتیجه رسیدند که پیش‌ران تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل به عنوان پیش‌ران کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل خواهد بود.

آرم (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که دلیل افزایش تنش در روابط ایران و عربستان چیست؟ فرض این پژوهش بر این مبنا استوار است که تداوم الگوی تعارض در روابط دو کشور به دلیل رقابت منطقه‌ای میان ایران و عربستان و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران بعد از توافق هسته‌ای در کنار تقابل ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی است.

هم‌چنین مینائی و هادی نژاد (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان روند پژوهی تهدیدهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ضمن بررسی توصیفی تهدیدات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در اسناد راهبردی منتشر شده و تحلیل روند راهبردهای تهدیدات استخراج شده، به تبیین روندهای آتی تهدیدات در ابعاد: منطقه‌ای، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و اندیشه‌ای، سایبری و فرهنگی پرداخته‌اند.

#### مفهوم شناسی

##### مفهوم سیاست دفاعی و دیپلماسی دفاعی

سیاست دفاعی در سطح ملی خطوط کلی اقدامات اصلی، کلیدی و فعالیت‌های نظامی کشور را مشخص می‌سازد و چارچوبی است که راهبرد نظامی در سطح ملی را شکل می‌دهد. به بیانی،

بر پایه سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌ها طراحی و تدوین می‌گردد (Jablonsky, 2004). دیپلماسی دفاعی به مثابه ساز و کاری است که نقش مهمی را در نیل به هدف‌های سیاست‌های امنیتی یا خارجی خاص کشورها ایفا می‌کند (Bishoyi, 2011: 64). دیپلماسی دفاعی با اهمیت دادن به عنصر پیشگیری، شرایطی را فراهم می‌کند که پیش از هرگونه برخوردی، واحد سیاسی بتواند منافع و هدف‌های خود را کسب نماید و به بهترین وجه، قدرت را در حوزه‌های گوناگون تقسیم کند (مینائی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۶).

#### چارچوب نظری دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران از نظر محیط منطقه‌ای یا ایدئولوژیک یا راهبردی، دشمنان متعددی داشته و در معرض تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد؛ از این رو ضرورت اقدام‌های برنامه‌ریزی شده در قالب دیپلماسی دفاعی بیشتر است. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مشروعیت و موقعیت خود در منطقه غرب آسیا باید از اسلام و ضرورت‌های ایدئولوژیک آن در تدوین راهبرد امنیتی / دفاعی خود بهره‌برداری نماید.

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در معرض تهدیدهای مختلف است، ایران و هر کشور دیگری با توجه به میزان آسیب‌پذیری ژئوپلیتیک منطقه، ضریب امنیتی منطقه‌ای و محیط پیرامونی خود، سطحی از اقدام‌های پدافندی را در قبال تهدیدهای دشمنان به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در دستور کار قرار می‌دهد (عسگرخانی و حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۸۸). اگر جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی دفاعی، نوعی موازنه در حوزه منطقه‌ای به‌موازات تعامل‌گرایی فرامنطقه‌ای ایجاد کند، در آن شرایط، بسیاری از مخاطره‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای خود را کاهش می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماسی دفاعی و با بهره‌گیری از توان دیپلماتیک و ابزارهای سیاسی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی در جهت مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای تلاش می‌کند؛ از این رو راهبرد دیپلماسی دفاعی ایران، موازنه‌گرایی و تعامل مبتنی بر اعتماد و تنش‌زدایی و همکاری است؛ بنابراین رویکرد و گفتمان حاکم بر دیپلماسی دفاعی در جهت مقابله با تهدیدهای پیرامون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و خنثی‌سازی آن‌ها، رویکرد ترکیبی تدافعی - تعاملی همه‌جانبه است. خصلت‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فعال

بودن، ایجاد درک متقابل از اهداف، خواسته‌ها، داشته‌ها و تقویت اراده جمعی در حل منازعات و کاهش تهدیدها و حرکت به سوی یک جهان آرام و امن، است (خداوردی، ۱۳۹۱: ۹).

#### دیپلماسی دفاعی عربستان در غرب آسیا

سیاست منطقه‌ای آمریکا در خلیج فارس ماهیت تغییر یابنده و دگرگون شونده دارد؛ علت آن را می‌توان ناشی از شکل‌بندی‌های متحول قدرت و امنیت در غرب آسیا دانست؛ زیرساخت تفکر امنیتی آمریکا نیز بر دگرگونی راهبردهای امنیتی در مناطقی قرار دارد که همواره در فرایند بحران‌های ساختاری و منطقه‌ای واقع می‌شوند؛ به عبارت دیگر هرگونه دگرگونی در راهبرد امنیتی آمریکا تابعی از شکل‌بندی‌های کنش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. عربستان از سال ۱۹۳۲ به بعد جایگاه خود را در ساختار سیاسی، اقتصادی و راهبردی آمریکا تثبیت نموده است (متقی، ۱۳۸۷: ۸۲).

در چنین فرایندی رهبران سیاسی و امنیتی عربستان مبادرت به ایجاد لابی‌های تأثیرگذار در ساختار امنیتی آمریکا نموده و از این طریق موقعیت خود را به‌عنوان کشوری که بیشترین صادرات نفت جهان را به انجام می‌رساند، در ساختار سیاسی آمریکا تثبیت نموده است؛ شاید بتوان این موضوع را مطرح نمود که از سال ۱۹۴۸ تاکنون، عربستان و رژیم صهیونیستی به‌عنوان دو کشور غرب آسیا محسوب می‌شوند که همواره مورد حمایت سیاست امنیتی آمریکا قرار گرفته‌اند. عربستان در دهه ۱۹۷۰ نقش موازنه‌کننده با ایران در ارتباط با موضوعات امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس را عهده‌دار بوده است. انقلاب اسلامی ایران منجر به ارتقاء نقش راهبردی عربستان در غرب آسیا گردید. در دهه ۱۹۸۰، عربستان به همراه عراق نقش موازنه دهنده قدرت ایران در خلیج فارس را ایفا نمودند؛ دو کشور یادشده را می‌توان به‌عنوان بازیگرانی دانست که توانستند در سیاست منطقه‌ای و راهبردهای امنیتی آمریکا در غرب آسیا به‌عنوان محور اصلی سیاست مهار ژئوپلیتیکی ایران ایفای نقش نمایند (ساعد و علیدوستی، ۱۳۹۲: ۸۹). عربستان در جنگ دوم خلیج فارس در ژانویه ۱۹۹۱ به همراه سوریه و مصر به‌عنوان متحدین منطقه‌ای آمریکا علیه صدام حسین ایفای نقش کردند. کشورهایی همانند عربستان، اردن، مصر و امارات عربی متحده در جنگ مارس ۲۰۰۳ آمریکا علیه عراق واکنش نشان دادند؛ آنان بر این اعتقاد بودند که نباید زمینه‌های عدم توازن



در منطقه خلیج فارس ایجاد شود؛ از دیدگاه کشورهای یادشده، هرگونه خلأ قدرت در عراق منجر به مازاد قدرت ژئوپلیتیکی ایران می‌شود (عسگری، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

#### راهبرد امنیتی و ژئوپلیتیکی عربستان در غرب آسیا و خلیج فارس

سیاست منطقه‌ای عربستان تابعی از شکل‌بندی‌های ژئوپلیتیکی، ایدئولوژیک، هویتی و راهبردی محسوب می‌شود. درآمدهای نفتی عربستان همواره یکی از عوامل اصلی قدرت اقتصادی و راهبردی این کشور در خلیج فارس، غرب آسیا و جهان اسلام محسوب می‌شود. در عربستان شیعیان در حدود ۱۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. اسلام به‌عنوان دین رسمی و آیین وهابیت زیربنای ایدئولوژی سیاسی عربستان از سال ۱۹۱۹ تاکنون بوده است. وهابیت که در اواخر قرن ۱۹ به‌عنوان اندیشه سیاسی مقابله با شریف حسین پرده‌دار خانه کعبه محسوب می‌شد، در سال‌های بعد از فروپاشی اتحاد شوروی نماد مقابله با گسترش اندیشه و جایگاه ساختاری شیعیان در غرب آسیا به کار گرفته شده است. تضادهای هویتی و ژئوپلیتیکی عربستان با ایران نه‌تنها در دوران جمهوری اسلامی ایران گسترش قابل توجهی پیدا کرده، بلکه چنین تضادهایی عامل مخاطره در روابط سیاسی و امنیتی دو کشور در دوران پهلوی بوده است. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبران عربستان در همکاری با عراق درصدد برآمدند تا موازنه با ایران را از طریق منازعه نظامی پیگیری نمایند. عراق در آگوست ۱۹۹۰ درصدد برآمد تا از نیروی موازنه‌گر منطقه‌ای عبور نماید. صدام حسین درصدد بود تا نقش هژمون منطقه‌ای را ایفا کند. اشغال نظامی کویت، موقعیت عربستان در خلیج فارس، غرب آسیا و سیاست بین‌الملل را کاهش داد (متمی، ۱۳۸۷: ۸۶).

جایگاه منطقه‌ای عربستان از دهه ۱۹۸۰ به گونه قابل توجهی ارتقاء پیدا کرد. حمایت اقتصادی و ایدئولوژیک عربستان از صدام حسین، زمینه‌های لازم برای سرکوب شیعیان در عراق را به وجود آورد؛ چنین اقداماتی در زمان جنگ ایران - عراق، از فراوانی و گسترش قابل توجهی برخوردار شده بود. صدام حسین در سال‌های بعد از جنگ با ایران، درصدد برآمد تا نقش محورایی را به‌عنوان مرکزیت قدرت بین‌النهرین ایفا نماید؛ تحقق چنین کارویژه‌ای ایجاب می‌کرد که از توان اقتصادی فراگیری برای حمایت از گروه‌های حاشیه‌ای جهان عرب برخوردار شود. جهان عرب در دهه ۱۹۸۰ به دو بخش برخوردار و نیازمند تقسیم شده بود. گروه‌های نیازمند درصدد بازیابی

اقتدار عربی بودند. شعارهای ناسیونالیستی صدام حسین می‌توانست الهام‌بخش آنان برای شکل‌گیری جدال‌های جدید در غرب آسیا باشد؛ چنین رویکردی منجر به اشغال کویت در دوم آگوست ۱۹۹۰ توسط نیروهای ارتش عراق گردید؛ کشورهای اتحادیه عرب، چنین اقدامی را محکوم نمودند. عربستان سعودی محور اصلی مقابله با صدام حسین بعد از اشغال کویت محسوب می‌شد. زمانی که ائتلاف علیه صدام شکل گرفت، کشورهای عربستان، مصر و سوریه خط مقدم جهان عرب برای مقابله با سیاست توسعه سرزمینی و کنترل منابع اقتصادی خلیج فارس توسط صدام حسین بودند. نقش‌یابی مجدد عربستان در ساختار امنیت منطقه‌ای مربوط به سال‌های بعد از اشغال عراق توسط نیروهای نظامی آمریکا است. دیوید پترائوس بر ضرورت بهره‌گیری از قابلیت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی عربستان برای کنترل قدرت منطقه‌ای ایران تأکید داشت. از سال ۲۰۰۶ به بعد، آمریکایی‌ها موافقت نمودند که عربستان نقش متوازن‌کننده بحران در غرب آسیا را ایفا نماید (عسگری، ۱۳۸۹: ۱۰۷)؛ تحقق این امر از طریق بحران‌سازی و تصاعد بحران امکان‌پذیر بود. هم‌اکنون حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی عربستان از منطقه شبه‌قاره شروع گردیده و به حوزه مدیترانه شرقی گسترش می‌یابد. در شرایط موجود، القاعده، داعش، جبهه النصره و... به عنوان گروه سیاسی ایدئولوژیک شده محسوب می‌شوند که به عنوان ابزار قدرت امنیتی عربستان ایفای نقش می‌کنند. بهره‌گیری از القاعده و داعش برای تحقق اهداف مذهبی، سیاسی و امنیتی نشان می‌دهد که عربستان در شرایط موجود نه تنها تمایلی به ایفای نقش تمرکزگرا در غرب آسیا ندارد، بلکه تلاش می‌کند تا تمایز بین گروه‌های مذهبی، نژادی و قومی در غرب آسیا را شدت بخشد؛ در چنین شرایطی شاهد تمایز مسلمانان سنی و شیعه، مسیحیان و یهودیان، اعراب، ترک‌ها و فارس‌ها، آذری‌ها، کردها، دروزی‌ها، علوی‌ها، مارونی‌ها، بنیادگرایان مذهبی و سکولارها هستیم؛ چنین تفاوت‌هایی دورنمای جغرافیای انسانی غرب آسیا را تشکیل می‌دهد.

#### مفهوم پیش‌ران<sup>۱</sup>

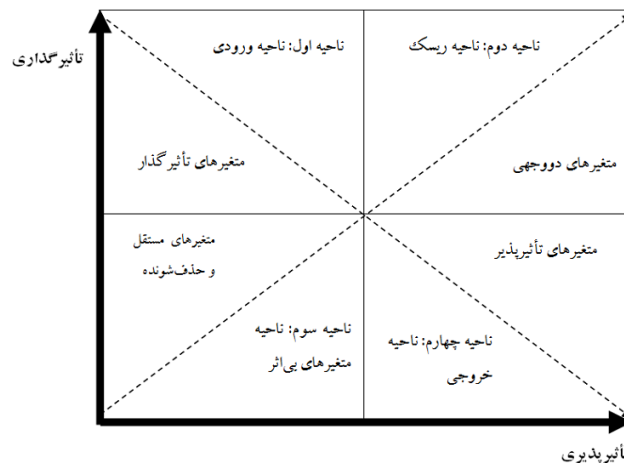
پیش‌ران‌ها نیروهایی هستند که بر پیامد رویدادها اثر دارند؛ به عبارت دیگر عناصری که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریوها شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند (شوارتز، ۱۳۸۸)؛ از سوی دیگر میزان پیش‌بینی‌ناپذیر بودن تحولات و نتایج آینده را عدم قطعیت

1. Driver

گویند. پیش‌ران‌ها از این حیث که عامل تغییرات آینده می‌باشند ضمن تأثیرگذاری بر عدم قطعیت‌ها (که به عواملی اشاره دارد که نتایج آن‌ها شناخته شده است اما هنوز اتفاق نیفتاده‌اند) بیشترین نقش راهبردی در آینده را بر عهده دارند (عیوضی، ۱۳۹۷: ۵۳).

### روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با ترکیب روش‌های آینده‌پژوهی مرور منابع، پانل خبرگی و تحلیل ماتریس متقاطع انجام شده است. روش تحلیل ماتریس متقاطع با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک اجرا گردیده است. روش تحلیل ماتریس متقاطع بر این سؤال بنا نهاده شده است که آیا پیش‌بینی آینده می‌تواند مبتنی بر تأثیرات احتمالی متقابل اتفاقات آینده بر یکدیگر باشد (GORDON, 1994: 12). روش تحلیل اثر متقابل در شناسایی متغیرها و روندهای کلیدی بسیار مفید است؛ در این نوع تحلیل دو نوع اثر مستقیم و غیرمستقیم از هم تفکیک می‌شوند: آثار مستقیم که از نتیجه تحلیل تأثیرات عوامل بر همدیگر به دست می‌آید و آثار غیرمستقیم از طریق توان‌های ۲، ۳، ۴ و... عوامل محاسبه می‌شود (Godet et al, 2003: 18). برای یک متغیر، ویژگی مهم بودن، داشتن ارتباط قوی با سیستم است که با تعداد و شدت این ارتباطات سنجیده می‌شود؛ متغیرهایی که چنین ویژگی دارند، متغیرهای کلیدی نامیده می‌شوند. از آنجایی که هرگونه تغییر در متغیرهای کلیدی، کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شایسته است در آینده بیشتر مورد توجه قرار گیرند. در بیشتر رویکردهای علمی از تحلیل تأثیر متقابل به منظور بررسی احتمال سناریوها استفاده می‌شود؛ در این مرحله پس از تحلیل ماتریس و تهیه نمودارهای مختلف در نرم‌افزار میک‌مک، چهار پیش‌ران جهت تدوین سناریو و پیش‌ران کلیدی نیز شناسایی می‌شود (Godet, 2006: 18). همان‌گونه که در شکل شماره ۱ مشاهده می‌شود این نرم‌افزار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها و فضای آن‌ها را تعیین می‌کند.



شکل ۱. مختصات تحلیل تأثیر متقابل متغیرها (Godet, 2006)

شکل فوق مشخص می‌نماید که پس از ورود متغیرهای تأثیرگذار به نرم‌افزار میک‌مک فضای متغیرهای کم تأثیر و یا متغیرهایی که قابل حذف شدن هستند در کجا قرار دارد و یا متغیرهایی که هدف و یا پیش‌ران کلیدی خواهند شد در کجا قرار می‌گیرند؛ همچنین موقعیت هندسی متغیرهای تأثیرگذار، تأثیرپذیر، بی‌تأثیر و دوجویی که شناسایی آن‌ها از اهداف تحقیق حاضر است، در شکل مشخص شده است.

جامعه آماری این تحقیق صاحب‌نظران و مدیران شاغل در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، وابسته‌های نظامی، مدیران وزارت امور خارجه و ستاد کل نیروهای مسلح که در روند فعالیت‌های خود به‌نوعی از دیپلماسی دفاعی و امور دفاعی جمهوری اسلامی ایران، آگاهی داشته و سابقه فعالیت اجرایی دارند و همچنین دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند را شامل می‌شود؛ در این پژوهش اینکه چه کسی را در چه زمانی و یا در چه مکانی برای پژوهش برگزینیم به ملاک‌های عینی بستگی دارد که با توجه به هدف پژوهش تعیین می‌شود؛ نمونه‌برداری هدفمند برای همین منظور به کار می‌رود. حداقل نفراتی که مدنظر محقق هستند پانزده نفر است که با توجه به هدف تحقیق و تخصص آن‌ها از بین جامعه آماری انتخاب شده‌اند.

## یافته‌های تحقیق

در این بخش گام‌های سه‌گانه تا احصاء پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و عربستان تشریح می‌گردد:

## گام اول: شناسایی پیش‌ران‌های اولیه

برای این منظور ابتدا از طریق مصاحبه و دریافت نظر خبرگی از خبرگان و مصاحبه با صاحب‌نظران، پیش‌ران‌های اولیه دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و عربستان مشخص گردید. جزئیات ۱۶ پیش‌ران به‌دست آمده در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. پیش‌ران‌های اولیه شناسایی شده

ردیف	پیش‌ران اولیه شناسایی شده
۱	تعامل سازنده در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان
۲	انجام اقدامات محدود از طریق جنگ نیابتی
۳	همزیستی مسالمت‌آمیز در روابط ایران و عربستان
۴	تنش‌زدایی و اعتمادسازی در دیپلماسی دفاعی
۵	اعمال فشار از طریق شیعه‌های طرفدار ایران در عربستان
۶	تشدید رقابت منطقه‌ای در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان
۷	درگیری مستقیم در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان
۸	همگرایی با عربستان در جهت امنیت دسته‌جمعی
۹	تهدید متقابل و مقاومت‌گرایی در دیپلماسی دفاعی مقابل عربستان
۱۰	ائتلاف با کشورهای دوست و هم‌پیمان
۱۱	تشدید تهدیدهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران
۱۲	تجهیز نیروهای حوثی در یمن
۱۳	اقدام نظامی مستقیم در یمن
۱۴	ایجاد اختلاف در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس
۱۵	محدودسازی قدرت عربستان در سوریه
۱۶	محدودسازی قدرت عربستان در لبنان

## گام دوم: تقلیل پیش‌ران‌ها با کمک پانل خبرگی

در این گام پیش‌ران‌های مشخص شده در مرحله قبل، در طی یک پانل خبرگی در اختیار ۱۰ نفر از خبرگانی که در مرحله قبل نیز شرکت داشتند، قرار داده شد و پس از بحث و بررسی، تعداد

هفت پیش‌ران به عنوان پیش‌ران‌های مهم در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان معرفی گردیدند که در جدول شماره ۲ ارائه شده است

جدول ۲. پیش‌ران‌های دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان

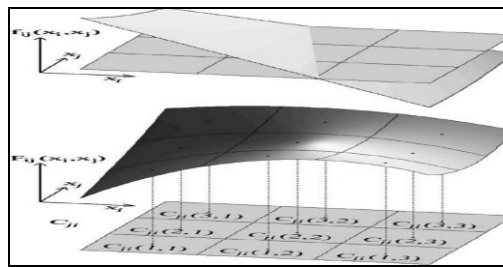
ردیف	پیش‌ران	برچسب
۱	تعامل سازنده در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان	A
۲	همزیستی مسالمت‌آمیز در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان	B
۳	تنش‌زدایی و اعتمادسازی در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان	C
۴	تشدید رقابت منطقه‌ای در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان	D
۵	درگیری مستقیم در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان	E
۶	همگرایی با عربستان در جهت امنیت دسته‌جمعی	F
۷	تهدید متقابل و مقاومت گرایي در دیپلماسی دفاعی با عربستان	G

#### گام سوم: تعیین پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی

در این گام جهت تعیین پیش‌ران‌های کلیدی و تشخیص روابط متقابل پیش‌ران‌ها از روش تحلیل ماتریس متقاطع<sup>۱</sup> (متقابل) با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است. نرم‌افزار میک‌مک جهت انجام محاسبات سنگین ماتریس متقاطع طراحی شده است؛ روش این نرم‌افزار این‌گونه است که ابتدا متغیرها و مؤلفه‌های مهم در حوزه موردنظر شناسایی می‌شود و سپس در ماتریسی مانند ماتریس تحلیل اثرات وارد می‌شود و میزان ارتباط میان این متغیرها با حوزه مربوط توسط خبرگان تشخیص داده می‌شود؛ برای این اقدام برابر جدول ماتریس متقاطع در نرم‌افزار به متغیرها امتیاز داده می‌شود. ارائه امتیاز توسط خبرگان از طیف (۰) تا (+۳) صورت می‌گیرد. متغیرهای موجود در سطرها بر متغیرهای موجود در ستون‌ها تأثیر می‌گذارند؛ بدین ترتیب متغیرهای سطرها و متغیرهای ستون‌ها تأثیرپذیرند. با تحلیل‌های میک‌مک و استخراج عوامل اصلی می‌توان روابط بین متغیرها را نیز بررسی کرد و به تهیه سناریوهای آینده پرداخت. شکل شماره ۲ نشان می‌دهد که چطور عوامل کلیدی در ارتباط با همدیگر به سناریوهای ممکن و محتمل منجر می‌شوند؛ همچنین این نمودار حاکی است، برخی عوامل کلیدی با همدیگر ارتباط‌های تقویت‌کننده و یا تضعیف‌کننده دارند و کنار یکدیگر سناریوی خاصی را به وجود

1. Cross Impact Analysis

می‌آورند؛ این وضعیت با تغییرات اندک در سایر ویژگی‌های هر یک از عوامل کلیدی به شکل‌گیری سناریوهای جدید می‌انجامد که میزان و تعداد آن‌ها به درجه تغییرات هر یک از عوامل اصلی در آینده بستگی دارد.



شکل ۲. تأثیرپذیری و تأثیرگذاری پیش‌ران‌های کلیدی

به‌طور کلی مراحل انجام تحلیل ماتریس متقاطع با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک به شرح زیر است:

- تهیه لیست پیش‌ران‌ها یا متغیرها به عنوان روندهایی با جهت‌های معین
- تهیه ماتریس قطری  $n$  در  $n$  به تعداد پیش‌ران‌ها (روندها)
- قضاوت در مورد این‌که روند  $A$  تا چه حد بر روند  $B$  تأثیر خواهد داشت؛ این تأثیر معمولاً با عددی در مقیاس صفر تا ۳ مشخص می‌شود. به‌طور کلی عدد صفر بدون تأثیر، عدد ۱ تأثیر کم، عدد ۲ تأثیر متوسط و عدد ۳ تأثیر زیاد را نشان می‌دهد؛ بنابراین اگر تعداد متغیرهای شناسایی شده برابر  $n$  باشد یک ماتریس  $n \times n$  به دست می‌آید که در آن تأثیرات متغیرها بر یکدیگر مشخص شده است (Asan, 2007).
- جمع‌بندی نتایج (جمع هر ردیف میزان قدرت پیش‌برندگی متغیر را نشان می‌دهد؛ این بدان معناست که این متغیر تا چه اندازه متغیرهای دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جمع هر ستون، سطح وابستگی هر متغیر را نشان می‌دهد).
- رسم روندها: متغیرها بر روی یک نمودار، وابستگی در یک محور و پیش‌رانی در محور دیگر.

در ادامه تحقیق و بر اساس نتایج به دست آمده و یافته‌های حاصل از تحلیل ماتریس متقاطع و خروجی‌های نرم‌افزار میک‌مک، پیش‌ران‌های اصلی و یا متغیرهای تعیین‌کننده در دیپلماسی

دفاعی جمهوری اسلامی ایران به تفکیک تشریح شده در شکل شماره ۱ به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

#### متغیرهای دوجهی ریسک و هدف

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل ماتریس متقاطع و خروجی‌های نرم‌افزار میک‌مک، پیش‌ران تنش‌زدایی و اعتمادسازی در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران با عربستان به عنوان متغیر دوجهی یا متغیر ریسک و هدف شناخته شد؛ این متغیر هم‌زمان به صورت بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر عمل می‌کنند.

#### متغیرهای مستقل

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل ماتریس متقاطع پیش‌ران‌های زیر به عنوان متغیرهای مستقل شناسایی شدند؛ این متغیرها بر اساس شکل شماره ۱ در قسمت جنوب غرب نمودار قرار گرفته‌اند و دارای کمترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هستند؛ همچنین متغیر تهدید متقابل و مقاومت‌گرایی را به دلیل قرار گرفتن در نزدیکی شمال غرب نمودار به عنوان خروجی سیستم می‌توان در نظر گرفت. مابقی متغیرهایی که در منطقه پایینی جنوب غرب نمودار قرار گرفته‌اند به‌عنوان متغیر مستقل به شرح زیر معرفی می‌شوند:

- درگیری مستقیم در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛
- تشدید رقابت منطقه‌ای در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛
- همگرایی با عربستان در جهت امنیت دسته‌جمعی.

#### متغیرهای تنظیمی

بر اساس نتایج حاصل از خروجی نرم‌افزار میک‌مک، متغیرهای تنظیمی باید در مرکز نمودار قرار بگیرد؛ به دلیل اینکه هیچ‌یک از پیش‌ران‌ها در مرکز نمودار قرار نگرفته است؛ بنابراین متغیر تنظیمی در این پژوهش شناسایی نشد.

#### متغیرهای تأثیرپذیر

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل ماتریس متقاطع و نرم‌افزار میک‌مک، پیش‌ران‌های زیر به‌عنوان متغیرهای تأثیرپذیر شناسایی شدند. این متغیرها در قسمت جنوب شرق شکل شماره ۱ قرار گرفته‌اند و دارای تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بسیار بالایی از سیستم هستند؛ این متغیرها نسبت



به تکامل متغیرهای تأثیرگذار دووجهی، بسیار حساس هستند؛ آن‌ها متغیرهای خروجی از سیستم هستند.

- تعامل سازنده در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛
- همزیستی مسالمت‌آمیز در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان.

### نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

به‌طور کلی دیپلماسی دفاعی ابزاری است که دولت‌ها می‌کوشند، به‌واسطه آن از امتیازات و توانایی‌های خود در حوزه دفاعی برای وابسته کردن دیگر کشورها به خود، افزایش وابستگی متقابل امنیتی، جلب اعتماد، جلوگیری از بروز منازعه، حل منازعه‌ها، ایجاد چارچوب‌های امنیتی منطقه‌ای و نظیر این‌ها استفاده کنند. از ویژگی‌های دیپلماسی دفاعی در شرایط موجود این است که به‌عنوان یکی از ابزارهای هویت‌یابی و مشروعیت‌سازی سیاست دفاعی و راهبردی کشورها تلقی می‌گردد. ایران و عربستان با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و تأثیری که بر روی سایر بازیگران منطقه‌ای دارند، از مهم‌ترین کشورهای حوزه خلیج فارس و غرب آسیا هستند و به نوعی رقیب منطقه‌ای یکدیگر محسوب می‌شوند. روابط دو کشور در طول تاریخ همواره روندی متغیر داشته و تحولات سال‌های اخیر و ظهور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر پیچیدگی روابط دو کشور افزوده است تا جایی که موجب اختلافات شدید و تقابل دو کشور در حوزه‌های مختلف شده است. مقاله حاضر با هدف شناسایی پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران با کشور عربستان تدوین گردیده و در این مسیر از ترکیب روش‌های آینده‌پژوهی مانند مرور منابع، پانل خبرگی و تحلیل ماتریس متقاطع و نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است. در انتها پیش‌ران‌های اصلی و کلیدی مستخرج از تحلیل نتایج به دست آمده به شرح ذیل حاصل شده است:

### پیش‌ران‌های اصلی

بر اساس نتایج حاصله از تحلیل ماتریس متقاطع و خروجی‌های نرم‌افزار میک‌مک، پیش‌ران‌های زیر به دلیل برخورداری از بیشترین نمره در جنبه‌های تأثیر مستقیم، وابستگی مستقیم، تأثیر غیرمستقیم و وابستگی غیرمستقیم به عنوان پیش‌ران‌های اصلی شناسایی شده‌اند:

- تعامل سازنده در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛
- همزیستی مسالمت‌آمیز در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛
- تنش‌زدایی و اعتمادسازی در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان؛
- تهدید متقابل و مقاومت گرایی در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان.

#### پیش‌ران کلیدی

متغیر تنش‌زدایی و اعتمادسازی در دیپلماسی دفاعی ایران و عربستان به دلیل عملکرد هم‌زمان به صوت بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر و نیز قرار گرفتن در ناحیه قطری شمال شرقی نمودار و همچنین برخورداری از بیشترین نمره در جنبه‌های تأثیر مستقیم، وابستگی مستقیم، تأثیر غیرمستقیم و وابستگی غیرمستقیم به عنوان پیش‌ران کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران شناسایی گردید.

در انتها با توجه به خروجی حاصل از تحقیق و پیش‌ران کلیدی شناسایی شده، پیشنهاد کاربردی ذیل قابل ارائه است:

مراکز تحقیقاتی در وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و نیروهای مسلح، زمینه همکاری مطالعاتی با مراکز تحقیقاتی کشور عربستان را بررسی نمایند تا از آن طریق بتوانند موجبات اعتمادسازی و کاهش تنش بین دو کشور را از طریق نخبه‌های علمی دو کشور فراهم نمایند.

## منابع

### فارسی

۱. پوستین چی، زهره؛ متقی، ابراهیم؛ مایی، طیبه؛ فقیه، مهدی (۱۳۹۱)، نشانه‌ها و کارکردهای دیپلماسی دفاعی پویا، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۴۰: ۷۲ - ۳۷.
۲. خداوردی، بهرام (۱۳۹۱)، دیپلماسی دفاعی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، گزیده مقالات ۲، تهران: انتشارات عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۳. آرم، آرمینا (۱۳۹۵)، ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره ۹، ۷۳ - ۸۱.
۴. ساعد، نادر؛ علیدوستی، قاسم (۱۳۹۰)، دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواره الگوی مدیریت آن در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۴: ۱۲۰ - ۸۵.
۵. شوارتز، پیتر (۱۳۸۸)، هنر دورنگری، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
۶. عسگرخانی، ابومحمد؛ حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۰)، تهدیدهای منطق‌های و راهبرد تسلیحاتی - امنیتی ج.ا.ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳: ۹۹ - ۶۹.
۷. عسگری، محمود (۱۳۸۹)، چارچوبی برای تبیین دیپلماسی دفاعی، نامه دفاع، شماره ۱۷.
۸. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۷)، کلیات و مبانی آینده‌پژوهی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۹. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، رهیافتی نظری بر دیپلماسی منطقه‌ای: واحدهای تجدید نظر طلب در گذار چرخه سیستمی قدرت، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴: ۳۴ - ۷.
۱۰. متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، نقش پیمان‌های دفاعی در قدرت ملی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ششم، شماره ۲۳: ۷۶ - ۴۹.
۱۱. میرزایی، سیداحمد؛ غریب آبادی، کاظم؛ رضاییان پور، محمدهادی (۱۳۹۳)، دیپلماسی دفاعی نوین انگلستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۱: ۱ - ۲۹.
۱۲. مینایی، حسین (۱۳۹۵)، آینده‌نگاری دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، تهران: جهاد دانشگاهی.

۱۳. مینائی، حسین؛ حاجیانی، ابراهیم؛ دهقان، حسین؛ جعفرزاده پور، فروزنده (۱۳۹۵)، تعیین پیش‌ران‌های اصلی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌الملل، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، سال اول، شماره ۱: ۷ - ۲۶.

۱۴. مینائی، حسین؛ حاجیانی، ابراهیم؛ دهقان، حسین؛ جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۹۳)، ارزیابی اثر فعالیت‌های مدیریت دانش بر دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۰: ۵۹ - ۳۹.

۱۵. مینائی، حسین؛ هادی نژاد، فرهاد (۱۳۹۷)، روندپژوهی تهدیدهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، سال سوم، شماره ۸: ۷ - ۲۸.

#### انگلیسی

1. Asan, S., Asan, U. (2007), Qualitative cross-impact analysis with time consideration, Technological forecasting and social change, vol74.
2. Bishoyi, S (2011), Defence Diplomacy in US-India Strategic Relationship, Journal of Defence Studies, Vol 5. No 1.
3. Godet, A. J., Meunier, M. F., Roubelat, F. (2003), Structural analysis with the MICMAC method & actors' strategy with MACTOR method, AC/UNU Millennium Project: Futures Research Methodology-V2.0, AC/UNU, Washington, DC.
4. Godet, M. (2006), Creating Futures: Scenario Planning as a Strategic Management Tool, France, Economica publish
5. Gordon, T. (1994) Trend Impact Analysis, AC/UNU Millennium project.
6. Shea, T. (2005), Transforming Military Diplomacy, Joint Forces Quarterly, Issue 38.
7. Jablonsky, D. (2004), Why is Strategy Difficult, in Boone Bartholomees (ed.), Guide to National Security Policy and Strategy, U.S Army War Collge
8. Terrill, A (2011), The Saudi-Iranian Rivalry and the Future of Middle East Security, Strategic Studies Institute (SSI), USA. "The OPEC Annual Statistical Bulletin 2010/2011", OPEC.

## الگوهای هویتی غرب آسیا و نظم امنیت منطقه‌ای

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه<sup>۱</sup>

محمدباقر خرمشاد<sup>۲</sup>

سید حامد موسوی<sup>۳</sup>

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۰۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱

### چکیده

با وجود ظهور خواتش‌های جدید اسلام سیاسی در غرب آسیا، حداقل سه الگوی گفتمان اسلام سیاسی شامل: الگوی اسلام سیاسی شیعی (انقلابی و مردمی) با محوریت جمهوری اسلامی ایران، الگوی اسلام سیاسی سلفی - وهابی (محافظه‌کار سنتی و خشن) به رهبری عربستان و الگوی اسلام سیاسی (مدنی عمل‌گرا) اخوانی در کشورهای مصر و ترکیه قابل شناسایی هستند؛ به دلیل ویژگی‌ها و ظرفیت‌های قابل توجه و تأثیرگذار کشورهای یاد شده در غرب آسیا، نظم امنیت منطقه‌ای نیز متأثر از رقابت این هویت گفتمان‌ها خواهد بود. براساس فرضیه مقاله به دلیل تعارض بنیادین در هنجارها، انگاره‌ها و باورها و بروز ماهیت رقابتی و استیلاجویی هویت گفتمان‌های منطقه غرب آسیا، استقرار نظم امنیتی منطقه‌ای مطلوب با تردید جدی روبه‌روست. در این تحقیق با روش تحلیل گفتمان، شکل‌گیری هویت گفتمان منطقه‌ای مبتنی بر اشتراکات هویتی اسلامی و تمدن اسلامی به‌عنوان دال مرکزی آن گفتمان به منظور استقرار نظم امنیتی منطقه‌ای پیشنهاد شده است.

### کلید واژه‌ها

هویت، گفتمان، اسلام سیاسی، تمدن اسلامی، نظم امنیتی

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی drfalahatpisheh@yahoo.com

۲. استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی mb.khorramshad@gmail.com

۳. دانشجوی دکترا، مجتمع امام خمینی (ره) s.hamedmosavi56@gmail.com

## مقدمه

جریان اسلام‌گرایی در سیر تطور خود در قالب خرده‌گفتمان‌های متفاوتی ظاهر شده است: تجدد دینی (تصحیح نحوه نگاه و برخورد با تمدن غرب)؛ اصلاح‌طلبی (اصلاح نوع نگاه به آموزه‌های دینی)؛ سنت‌گرایی (نگاه جزم‌گرایانه به تعالیم دین)؛ و اصول‌گرایی (بازگشت تمام و کمال و حقیقی اصول و مبانی دین) از جمله این خرده‌گفتمان‌ها بود (سراج و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹). به باور یک نظریه‌پرداز غربی «امروزه جهان اسلام بر سر ارزش‌ها، هویت و جایگاه خویش در جهان امروز به‌گونه‌ای درگیر کشمکش‌های درونی و بیرونی است. هر یک از طرف‌های رقیب در این کشمکش با تفسیر و برداشت ستیزه‌جویانه خویش در تلاش برای سلطه سیاسی و فکری بر طرف دیگر است» (بنارد، ۱۳۸۴: ۱۴). در این مجموعه، عناصر هویتی به کنشگران می‌گوید که چه هستند و دیگران کیستند؛ بدین ترتیب مجموعه روابط خود را با جهان بیرون، در قالب منازعه اسلام و غرب تعریف می‌کند (هالیدی، ۱۳۹۰: ۲۷۰).

تحولات و انقلاب‌های جهان عرب نقطه عطفی در هندسه قدرت و سیاست منطقه غرب آسیا بود؛ این انقلاب‌ها شرایط معناشناسی قدرت در غرب آسیا و شمال آفریقا را که منبعث از عوامل مادی و فیزیکی بود دگرگون و عنصر هویت و هویت‌گرایی اسلامی را در مناسبات سیاسی و قدرت پررنگ و تعیین‌کننده کرد؛ در چنین شرایطی کنشگران و نیروهای نوظهور قدرت در کشورها، نه بر مبنای ساختارهای سابق که آمیزه‌ای از پیوستگی جغرافیا با تشابهات قومی بود، بلکه بر مبنای ایده‌های اجتماعی و هنجارهای اعتقادی خارج از هندسه جغرافیایی و به عبارتی در یک تلفیق معنایی ذهنی به تولید قدرت پرداختند؛ با این اوصاف، این تحولات تمام معادله‌های سیاست و امنیت را در غرب آسیا دگرگون کرد؛ امری که تأثیرگذاری سازه‌های برون منطقه‌ای قدرت را با چالش هویتی جدی مواجه کرد (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷۰)؛ و رقابت گفتمان هویتی میان کشورهای مهم و تأثیرگذار غرب آسیا از جمله ایران، عربستان و ترکیه را تشدید نمود.

در شرایط کنونی نمی‌توان منکر این شد که هویت جمعی عربی - سنی خود را در برابر ایران - شیعی ارزیابی می‌کند و این ادعا مطرح می‌شود که ایران به دنبال مصالح خاص خود بر مبنای طائفه‌گری شیعه و احیای امپراتوری صفوی است و نه منافع امت اسلامی (جعفری،

۱۳۸۵)؛ ترکیه اردوغان نیز سعی در دستیابی به جایگاه برتر و مسلط در کشورهای عربی منطقه و تثبیت الگوی هویتی خود است؛ در چنین فضایی سه گونه گرایش اسلام‌خواه سنی فعال: اسلام‌خواهان بنیادگرای سلفی - جهادی (القاعده)، اسلام‌خواهان محافظه‌کار سلفی (عربستان) و اسلام‌خواهان بین‌الملل‌گرا (ترکیه) را می‌توان بازشناخت که هر سه آن‌ها با اسلام‌خواهان شیعی امت‌گرای جمهوری اسلامی ایران در رقابت و بعضاً در تضاد هستند.

با توجه به شرایط یاد شده، نظم مادی و معنایی منطقه با چالش‌های جدی مواجه گردیده و فرصت‌های مناسبی برای پر کردن حفره‌های استراتژیک پدید آمده است و بر همین اساس الگوها و مدل‌های موجود برای جایگزینی با ساختارهای پوسیده به رقابت با یکدیگر پرداخته‌اند. کشور ایران با مدل و گفتمان انقلاب اسلامی در کنار الگوی مورد نظر عربستان و الگوی ترکیه وارد میدان شده و هر یک سعی دارند از شرایط کنونی برای ازدیاد قدرت مولد (قدرت گفتمان سازی) استفاده نمایند (قدسی، ۱۳۹۰: ۱۵۴). تعارضات بنیادین گفتمان‌های هویتی و روند رقابتی هژمون‌سازی هویت اسلام سیاسی در غرب آسیا از سوی الگوهای یادشده، نظم منطقه‌ای غرب آسیا را متأثر از خود خواهد ساخت. به این ترتیب سؤال اصلی نوشتار حاضر عبارت از این خواهد بود که چگونه رقابت الگوهای نوین هویتی پدید آمده در منطقه غرب آسیا به نظم امنیت منطقه‌ای آینده آن شکل خواهد داد؟ فرضیه مقاله حاضر نیز این است که با تقابل هویت گفتمان‌های رقیب عملاً ایجاد نظم امنیتی بر پایه یک الگوی جامع و فراگیر دور از دسترس خواهد بود؛ و مهم‌ترین راه‌حل دستیابی به یک نظم منطقه‌ای، ایجاد یک هویت گفتمان منطقه‌ای مبتنی بر هویت اسلامی و باز تعریف تمدن اسلامی به‌عنوان دال مرکزی آن گفتمان خواهد بود.

## تعاریف و ادبیات تحقیق

### هویت

برخی از اندیشمندان هویت را با تأکید بر «وجه تشخیص» تعریف کرده‌اند نظیر آنچه شیخاوندی ارائه نموده است: «هویت مبین مجموعه خصایصی است که امکان تعریف صریح یک شیء یا یک شخص را فراهم می‌آورد» (شیخاوندی، ۱۳۸۰). برخی هویت را معناداری

جامعه دانسته‌اند، یعنی جامعه معنایی برای خودش قائل باشد و در چارچوب آن عمل کند و در صورت از دست دادن این معنا به هر دلیل گسستگی در معناداری با بحران هویت مواجه خواهد شد (رجایی، ۱۳۷۳)؛ برخی دیگر از جامعه‌شناسان مقوله هویت را با دید جدلی و تقابلی آن تعریف نموده‌اند؛ در نگاه این گروه اساساً هویت در مقابل غیرقابل طرح است. اگر فضا یکدست باشد، عنصر هویت خود را نشان نمی‌دهد؛ از این منظر هویت به معنی هستی و وجود است، چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد تا او را از دیگران متمایز کند. انسان‌ها هویت خویش را در حذف چیزی یا در برابر چیزی تعریف می‌کنند (تاجیک، ۱۳۷۹).

#### گفتمان

گفتمان مجموعه عناصر لوازم و شرایطی است که چنانچه گرد هم جمع شوند، متن را به وجود می‌آورند؛ بنابراین متن حاصل و نتیجه گفتمان است؛ به سخن دیگر گفتمان فرایند و متن فرآورده آن است. گفتمان پویا و متن ایستا است (صلح‌جو، ۱۳۷۷: ۶ - ۵). عناصر متعدد شکل‌دهنده یک گفتمان بر پایه هویت‌های جزئی و موقتی از متصل‌شدن آن جلوگیری می‌کنند. گفتمان‌ها همیشه مقاومتی در خود نهفته دارند. هر آنچه واجد نوعی رویارویی باشد را می‌توان یک گفتمان نامید (پوراحمدی، ۱۳۸۶: ۲۶۳). ون دایک درباره تعریف گفتمان می‌گوید: "متأسفانه مفهوم گفتمان مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ، مفهومی اساساً مبهم است". (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۵ - ۲۹). او گفتمان را هم شکل خاصی از کاربرد زبان و هم شکل خاصی از تعامل اجتماعی می‌داند که به صورت یک رویداد ارتباطی کامل در موقعیت اجتماعی تفسیر می‌شود (کوبلی، ۱۳۸۷: ۳/۶۰۰). از گفتمان دو تعبیر می‌شود؛ یک تعبیر آن را در قالب زمان و کلام و گفتار یا سخن می‌داند و تعبیر دیگر آن را فرازبانی قلمداد می‌کند و نقش و زمینه و بسترهای فرهنگی و سیاسی اجتماعی را در آن دخیل می‌داند. در تعبیر اول به صورت و شکل و فرم زبان توجه می‌شود و در تعبیر دوم به زمینه‌مندی یا دخالت عوامل برون‌زبانی (اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) یا فرازبانی توجه دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹).



## نظم امنیت منطقه‌ای

نظم به معنای وجود قواعد، ساختارها و روندهای نسبتاً مشخص رفتاری در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای یا نظام بین‌المللی است که موجب می‌شود تا بازیگران در برابر رویدادها، رفتار نسبتاً مشخص و قابل انتظاری را از خود بروز دهند. در سطح منطقه‌ای دولت‌ها یا واحدها به اندازه‌ای به هم نزدیک هستند که نمی‌توانند امنیت دیگران را جدا از امنیت خود در نظر گیرند. امنیت جهانی و ملی در سطح منطقه‌ای بر همدیگر تأثیر می‌گذارند و تصویر کلی در محل تقاطع این دو سطح شکل می‌گیرد.

بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیت، عدم امنیت یا هر دو آن‌ها به‌گونه‌ای با یکدیگر مرتبط است که مسائل امنیتی آن‌ها به صورت منطقی نمی‌تواند جدا از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته یا حل و فصل شود (داداندیش و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۹: ۷۹)؛ بوزان همچنین این مجموعه‌ها را براساس عامل جغرافیا شناسایی و تعیین می‌کند؛ اگرچه مرزهای آن‌ها ممکن است کدر و مبهم باشد؛ سرانجام اتخاذ چنین برداشت و مفهومی به‌منظور تأکید بر این نکته است که فرایندهای امنیتی منطقه‌ای ممکن است دارای حیاتی جدا از نظام جهانی بوده و تأثیر نظام جهانی را به صورت‌های متفاوت منعکس کنند (مورگان، ۱۳۸۱: ۴۶).

## هویت در نظریه سازه‌انگاری الکساندر ونت

هر جامعه‌ای، بر اساس امکانات و فرصت‌های تاریخی خود، اجزاء و عناصر فرهنگ خود و دیگران را درک نموده و هویت‌های خویش را بازسازی می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۹۱). دولت‌ها در تعاملات خود با سایر کنشگران، به پشتوانه و با انتساب به چنین پیشینه‌ها و الگوهای هویتی پا به عرصه روابط بین‌الملل گذاشته و شکل‌دهی الگوهای رفتاری خود را که از طریق سیاست خارجی و شیوه‌های تبیین منافع ملی در سیاست بین‌الملل تجلی می‌یابد، بر این مبنا تنظیم و هدایت می‌نمایند (قوام، ۱۳۸۴: ۱۲۲). شناسایی دولت‌ها در نظام بین‌الملل، بسته به نوع هویت منتسب به آن‌ها که ریشه در هویت‌های ملهم از فرهنگ، دین، نظام سیاسی، اقتصادی آن‌ها دارد، شکل‌بندی متنوعی از دولت‌ها را در انواع دولت‌های دموکراتیک، اسلامی،

اقتدارگرا، پادشاهی، ایدئولوژیک، سوسیالیستی و... رقم می‌زند و به الگوی رفتاری آن‌ها در درک و تفسیر سایر کنش‌گران نظام بین‌الملل رنگی تهدیدآمیز، دوستانه، همکاری‌جویانه یا معارض با نظام بین‌الملل می‌بخشد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۶).

الکساندر ونت نظریه‌پرداز مکتب سازه‌انگاری چهار نوع هویت را دسته‌بندی می‌کند: هویت شخصیتی مشترک، هویت نوعی، هویت نقشی، هویت جمعی. هویت شخصیتی یا مشترک به وسیله خودسازمان‌دهی، خودپایداری موجودیت می‌یابد و دولت‌ها چنین هویتی دارند. یک بازیگر منطقه‌ای می‌تواند هم‌زمان دارای چندین نوع هویت باشد. هویت نقشی به فرهنگ وابسته است. هویت جمعی بر اساس نتیجه‌گیری منطقی بین خود و دیگران یعنی شناخت ایجاد می‌شود؛ بنابراین هویت به‌عنوان پایه و اساس منفعت، نقش بسیار مهمی در سیاست ایفاء می‌کند. در قبال آن، منافع نیز در فرایند تعریف شرایط محیطی نقش مهمی دارد (Pollack, 2015: 43). عنصر غیریت از طریق شکل‌گیری هویت سیاسی بروز می‌کند. در غیریت مرزهای هویتی متمایز می‌شوند و هویت جنبه‌ اصیل خود را که همان جامعیت (برای خود بودن و واجد تمام ویژگی‌های خود بودن) و مانعیت (از غیر خود مبرا بودن) را پیدا می‌کند؛ بر این اساس هویت واجد دو گونه تنش است: تنش رفع شده و تنش رفع نشدنی. این دو گونه تنش شامل تعاریف موجود از "ما" می‌باشد؛ در واقع همواره شکافی بین تعریف ما از "ما" و تعریف دیگران از "ما" وجود دارد (دان، رابرت جی، ۱۳۸۵: ۹۰). تشخیص و تعیین هویت بر اساس مفهوم غیریت، به جای آنکه بر مبنای تعریفی که "ما" از "ما" داریم صورت گیرد بر اساس تعریفی که "دیگران" از "ما" ارائه می‌کنند یا تصویری که درباره "ما" دارند صورت می‌پذیرد.

از آنجا که پدیده هویت مفهومی ثابت و ایستا نیست و در نزد افراد بی‌شمار معانی متعدد به خود می‌گیرد؛ رویکردها و نگرش‌هایی که بر اساس آن افراد، جوامع و گروه‌ها و غیره خود را تعریف می‌کنند و جایگاه خود را مشخص می‌سازند حائز اهمیت می‌شوند (اشرف، ۱۳۷۳: ۸). از این منظر از دو رویکرد اساسی درباره «هویت» و چگونگی شکل‌گیری آن می‌توان سخن گفت: هویت جوهر گرا و هویت تکوین گرا؛ از منظر رویکرد اولی بازیابی هویت جز از طریق ارجاع به یک اصل و منشأ میسر نیست. هر فرهنگ، جامعه یا گروه و فرد اصل جوهرینی

خاص خود را داراست که اصل وجودی وی را شکل می‌دهد؛ این اصل اساساً فراتر از خواست و ارادهٔ افراد قرار دارد و قبل از آنکه یک امر اجتماعی باشد، ریشه در باور، ذهنیت و آمال افراد دارد چنین تصویری از هویت به معنای ایستایی و شفافیت آن نیز هست؛ این هویت قبل از انسان وجود دارد و با مرگ نیز پایان نمی‌یابد. همه چیز بر اساس یک اصل و غایت، تعریف‌پذیر می‌شود (اشرف، ۱۳۷۳: ۲۴). در رویکرد دوم هویت اساس یک امر انسانی - ساختاری است؛ از این منظر چگونگی شکل‌گیری هویت، روندی تکوین‌گرایانه دارد و همچنان که انسان‌ها هویت خود را می‌سازند، ساختارها نیز نوع خاصی از هویت را بر آنان تحمیل می‌کنند. در روابط دیالکتیکی درازمدت میان انسان و ساختار، هویت شکل می‌گیرد و به‌واسطهٔ گذشت زمان واجد تغییر نیز می‌شود؛ در چنین بستری هویت شفاف نیست و از مؤلفه‌های گوناگون طبیعی، انسانی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد؛ همچنان که هیچ اصل و جوهرهٔ ناب موجد تشکیل این هویت نیست و دائماً در معرض تحول، شکست و گسست قرار دارد (پوراحمدی، ۱۳۸۶: ۵۱).

#### امنیت (هستی‌شناختی)

علاوه بر امنیت فیزیکی یا امنیت ساختار، شکل بنیادین دیگری از امنیت با عنوان امنیت هستی‌شناختی یا امنیت هویتی وجود دارد. همه دولت‌ها به‌عنوان بازیگران عرصهٔ روابط بین‌الملل، نیازمند فهم ثابتی از هویت فردی خود - ارجحیت‌ها، اهداف و منافع - هستند. دولت‌ها در راستای کنشگری نیازمند یک هویت هستند؛ بنابراین امنیت هستی‌شناختی همانند امنیت فیزیکی اهمیت دارد؛ آن انگیزه‌ای اصلی برای هر کنشگر اجتماعی است (Mitzen, 2004: 2). استدلال می‌شود که امنیت هستی‌شناختی برای دولت‌ها، مهم‌تر از امنیت فیزیکی است؛ زیرا هویت دولت‌ها به آن وابسته است. امنیت هستی‌شناختی، نگرش دولت به خود و تصویری که دولت‌ها می‌خواهند دیگران از او داشته باشند را به منصهٔ ظهور می‌رساند؛ به عبارت دیگر «هویت» دولت‌ها که بر اساس روایت تکوین‌یافته از خود در طی زمان شکل گرفته است، کنش‌های سیاست خارجی در عرصهٔ روابط بین دولت‌ها را میسر می‌کند. تشویش و اضطراب

وجودی زمانی برای دولت‌ها مفهوم می‌یابد که آن‌ها متوجه شوند کنش‌هایشان با هویت و روایت تکوین یافته «خود» سازگار نیست (استیل، ۱۳۹۲: ۱۶).

#### سازه‌انگاری و امنیت هویتی

از دید سازه‌انگاران، کنش‌های کنشگران را هنجارها هدایت می‌کنند؛ یعنی انتظارات بین‌الذهانی مشترک و مبتنی بر ارزش‌ها در مورد رفتارها؛ در نتیجه کنشگر از دید آن‌ها انسان جامعه‌شناختی و ایفاکننده نقش است و نه انسان اقتصادی؛ از این منظر تصمیم‌گیرندگان بر اساس هنجارها و قواعد خود که مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی، فرهنگی و حضور در نهادهاست، تصمیم‌گیری می‌کنند. هنجارها هستند که رفتار مناسب را تعیین می‌کنند و در نتیجه کنشگران بر اساس منطق زبندگی یا تناسب عمل می‌کنند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۳). سازه‌انگاری با تأکید بر انگاره‌ها، هویت‌ها و هنجارها و بعد گفتمانی در تقابل با دیدگاه غالب مبتنی بر ساختار مادی قدرت، یک نظریه مورد توجه در تبیین سیاست خارجی و مطالعات منطقه‌ای است. سازه‌انگاری با توجهی که به برساخته شدن هویت دولت‌ها در جریان تعاملات میان آن‌ها از خود نشان می‌دهد بیان می‌کند که دولت‌ها علاوه بر حفظ امنیت مادی خود به دنبال امنیت هویتی‌شان نیز هستند؛ بنابراین، این رهیافت با طرح مفهوم امنیت هویتی می‌تواند به تبیین منازعات میان دولتی حتی در مواردی که دولت‌ها برای حفظ این امنیت هویتی خود به روزمره کردن روابطشان با دیگران می‌پردازند که البته نوع این روزمره کردن می‌تواند منعطف یا متصلب باشد. در روزمره کردن متصلب، دولت برای حفظ امنیت هویتی خود حتی حاضر است امنیت مادی‌اش را هم به خطر اندازد؛ در اینجاست که میان هویت و عمل سیاست خارجی ارتباط نزدیکی وجود دارد (MITZEN, 2006: 234-236).

#### منطقه‌گرایی سازه‌انگارانه

رویکرد سازه‌انگاری نگرش هنجاری معنایی نسبت به مقولات منطقه، منطقه‌گرایی و همگرایی دارد و آن را مفهومی برساخته می‌بیند؛ در این راستا معیارهایی مثل شکل‌گیری جامعه امن، یادگیری، هویت جمعی، هنجارها، نهادسازی را به‌عنوان عوامل مؤثر در نهادینگی و تداوم منطقه‌گرایی در نظر می‌گیرد و از این طریق منطقه‌گرایی را تئوریزه نموده است (دهبنه،

۱۳۹۰: ۳). بر اساس نگاه سازه‌انگارانه ونت، چون همگرایی از طریق رویه‌ها و شناخت بین‌الذهانی میان کنشگران صورت می‌گیرد؛ بنابراین هم عنصر همکاری و هم عنصر منازعه در روابط میان دولت‌ها وجود دارد و وجود هردوی این عناصر به تعامل و فهم بین‌الذهانی کنشگران از هویت‌ها و منافع خود و دیگری وابسته است (سازمند، ۱۳۸۸: ۸۱؛ Wendt, 1992). ونت معتقد است که هویت جمعی که به جایگاه و موقعیت دولت نسبت به سایر بازیگران به‌خصوص بازیگران اصلی نظام بین‌الملل اشاره دارد می‌تواند به باز تعریف مرزهای «خود» و «دیگری» منجر شود و خود و دیگری را با هم ترکیب و به هویت واحدی تبدیل کند؛ به اعتقاد او در اینجا تمایز میان خودی و دیگری رنگ می‌بازد و به‌نوعی یک هویت درون‌گروهی «مشترک» یا «احساس ما بودن» شکل می‌گیرد (ونت، ۱۳۸۴: ۴۹۳).

#### تحلیل گفتمان

هر گفتمانی دارای چند مفهوم مرکزی است؛ مهم‌ترین آن‌ها دال و مدلول و مفصل‌بندی است که به‌وسیله آن‌ها یک گفتمان می‌تواند به موقعیتی هژمونیک در جامعه دست پیدا می‌کند. لاکلا و موفه بر این نظرند که یک گفتمان نتیجه مفصل‌بندی است. به‌وسیله مفصل‌بندی رابطه‌ای بین دال‌ها<sup>۱</sup> تثبیت می‌شود تا مفاهیم (مدلول) آن‌ها در نتیجه مفصل‌بندی<sup>۲</sup> جدید بازتعریف شود (Laclau and Mouffe, 1985: 105). مفصل‌بندی گفتمانی سیاسی حول محور یک دال مرکزی<sup>۳</sup> صورت می‌گیرد (Torfing, 1999: 98).

دال مرکزی هسته اصلی هر گفتمان را شکل می‌دهد؛ یعنی همه دال‌ها طبق دال مرکزی مفصل‌بندی می‌شوند. در واقع قبل از مفصل‌بندی، دال‌های مرکزی دال‌های شناوری بودند که مدلول‌های متعددی می‌توانستند بگیرند. در واقع هر گفتمان بر اساس ساختار نظام معنایی خود، مدلول سازگار با نظام معنایی خود را برجسته می‌کند و سایر مدلول‌ها را به حاشیه یا حوزه گفتمان‌گونگی<sup>۴</sup> می‌راند (کسرایبی و پورشیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۴).

- 
1. Signifiers
  2. Articulation
  3. nodal point
  4. field of discoursivity

در نظریه گفتمان تلاش می‌شود برای فهم تمام معانی و زوایای الگوهای هویتی، هر مؤلفه و عنصری در چهارچوب گسترده‌تر هویتی که به آن معنا بخشیده است، مورد توجه قرار گیرد. به‌زعم نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان، هر رفتار باید در ارتباط با گفتمان خاص خود فهمیده شود و معنای اجتماعی کلمات، کلام‌ها، کنش‌ها و نهادها همگی در ارتباط با زمینه کلی که جزئی هستند درک شوند (جری استوکر، دیوید مارش، ۱۳۸۴: ۲۰۲).

منازعه برای جایگاه گفتمان مسلط، با هدف به دست آوردن رهبری سیاسی و اخلاقی از طریق مفصل‌بندی معانی و هویت‌ها، همواره بین گفتمان‌ها وجود دارد. هر گفتمان می‌کوشد به‌واسطه ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، وحدت فضای گفتمانی خود پیرامون دال مرکزی‌اش را حفظ کند. مفصل‌بندی معانی و هویت‌ها، همواره نزاع اجتماعی را رقم زده و «دیگری» را که ثبات گفتمان را تهدید می‌کند، طرد و حذف می‌نماید و مانع از انسداد گفتمانی می‌شود (عوض پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶).

### گفتمان‌های اسلام سیاسی و هویت

#### اسلام سیاسی انقلابی (شیعی)

اسلام شیعی با داشتن مجموعه‌ای از ایده‌ها و نگرش‌های اعتقادی، ارائه‌دهنده یک ایدئولوژی اسلامی برای تعالی انسان و حرکت او به سوی کمال حقیقی است. مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی ایران ماهیت فکری و فرهنگی آن است و فکر جدید، انسان جدید و مناسبات انسانی - معنوی جدیدی که انقلاب اسلامی مطرح کرده است، ارتباط مستقیمی با اسلام شیعی (عنصر مذهب) دارد (شفیعی‌فر، ۱۳۷۸: ۳۲۶). هویتی که در انقلاب اسلامی تبلور یافت و مدنظر حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) بود اساساً جوهرگرا بود؛ از این منظر هویتی نه از وجه تمایز میان ما و دیگران بلکه بر عنصر محوری استوار بود که به قول خود چیزی بیش از یک کلمه نبود: اسلام (پوراحمدی، ۱۳۸۶: ۵۱). به‌واسطه چنین دیدگاهی همه انواع حکومت‌های انسانی فاقد مشروعیت و عاجز از حل و عقد مسائل انسانی تلقی می‌شود و جای آن را حکومت الهی می‌گیرد که در آن ملت و هویت معنایی ندارد و ملت به‌عنوان امت در نظر می‌آید (اشرف، ۱۳۷۳: ۲۴).

## مفصل‌بندی هویت گفتمان اسلام انقلابی (شیعی)

جمهوری اسلامی یک موضوع شناختی مبتنی بر فهم مشترک از ایران و کشورهای دیگر بوده و بیانگر احساس تداوم و استقلال درونی و تمایز و تفاوت بیرونی است؛ به عبارتی دیگر منابع هویت‌های چهارگانه فردی، نوعی، نقشی و اجتماعی جمهوری اسلامی هنجارهای مبتنی بر ارزش هستند که از ویژگی‌های انسانی و مادی درونی این کشور و تعامل آن با دیگر کشورهای جهان سرچشمه می‌گیرند (Cordesman, 2009: 85). در گفتمان انقلاب اسلامی ایران، مفاهیم و دال‌ها حول دال مرکزی اسلام شیعی مفصل‌بندی شده‌اند. گفتمان انقلاب اسلامی ایران از مفاهیم مدرنی همچون مردم، جمهوریت، دموکراسی، قانون، آزادی، برابری و حقوق بشر بهره برده و کوشیده است تا به آن‌ها در چارچوب گفتمانی خویش معنا دهد و در مقابل، جنبه‌های سکولار تمدنی غرب را نفی نموده است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۵). مؤلفه‌های اساسی در هویت اسلام انقلابی که منجر به ساخت‌یابی «خود» و ترسیم «دیگر» شده عبارت‌اند از:

الف) رابطه وثیق دین و سیاست: تأثیر فوری دین و جهت‌گیری در امر سیاسی در عرصه روابط خارجی، ترسیم دوستان و دشمنان و تقسیم‌بندی جهان نه بر مبنای مرزها و منافع ملی، بلکه با خصلتی ایدئولوژیک محور است؛ مباحثی مانند دارالاسلام، دارالکفر و غیره در این نگرش ریشه دارند؛ سرزمین ایران در این نوع نگرش در هویت کلان «اسلامی» جا می‌گیرد. مشروعیت‌زدایی از نظام بین‌الملل، نگاه به قدرت‌های بزرگ به مثابه دارالکفر، ظلم‌ستیزی، تجدیدنظرطلبی و مبارزه علیه استکبار همگی نتایج این نگرش است؛ نگرشی که موجب تعارض واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در مقاطعی از سیاست خارجی ایران شده است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۲).

ب) حمایت از تشکیل امت اسلامی: بر اساس هنجارهای موجود در متون مذهبی تشیع، واحد تحلیل نه دولت سرزمینی دارای حاکمیت، بلکه امت اسلامی است که فراتر از مرزهای ایجاد شده توسط استعمار قرار می‌گیرد. اهمیت حمایت از مستضعفین و مظلومان جهان و شتافتن برای دستگیری از آن‌ها نیز در این واحد معنا پیدا می‌یابد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۳: ۴۱ - ۳۵).

ج) تقویت وحدت تمدنی در جهان اسلام: انقلاب اسلامی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی مذهبی درصدد وحدت ملت‌های مسلمان و تحقق پروژه امت‌سازی برآمد (اسماعیلی و همکاران، ۱۰۲).

د) سیاست عدم تعهد: جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ راهبرد عدم تعهد در سیاست خارجی خود و با ویژگی عدم وابستگی به مراکز بین‌المللی قدرت و در راه تلاش برای اصلاح نظم و نظام مستقر و موجود بین‌المللی، پیوسته چالشی عمده برای گفتمان‌های مسلط دوره خود بوده است. ایران انقلابی همواره معتقد بوده است کشورهای اسلامی با تکیه بر ارزش‌های مشترک و به رسمیت شناختن الگوی مردم‌سالاری دینی مبتنی بر خاستگاه و بوم زیست کشور خود می‌توانند به ارائه الگوی پویا و کارآمد از اسلام بپردازند (خرمشاد و کیانی، ۱۳۹۱: ۴۵).

ه) گفتمان مقاومت و حمایت از جنبش‌های اسلامی: تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بازیگران فراملی در چارچوب تکوین، تقویت و تکثیر جنبش‌های اسلامی انقلابی تجلی و نمود می‌یابد؛ گرچه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران حرکت‌های اسلامی و انقلابی در سطح منطقه غرب آسیا وجود داشتند؛ تردیدی نیست که بازیگری جنبش‌های اسلامی عرصه سیاست منطقه‌ای معلول انقلاب اسلامی بوده است؛ به طوری که جنبش‌های اسلامی موجود بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی ایران تقویت و فعال شدند (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

و) هویت ملی در پرتو قاعده نفی سبیل: فرایند دولت - ملت‌سازی در جمهوری اسلامی ایران به بسیاری از دولت‌های هم‌جوار خود در شکل‌دهی به هویت ملی موفق‌تر بوده است. سابقه دولت ملی در این سرزمین، از آن‌کسوری در خور توجه، قدرتمند و با توانایی حفظ امنیت ملی ساخته است. یکی از خصایل عمده فرایند دولت - ملت‌سازی در ایران آن بوده است که هویت ملی بسیار زودتر از دولت ملی شکل گرفته است؛ از این لحاظ پیکره دوم دولت - ملت یعنی ملت ایرانی به نحو چشمگیری هویت واحدی را در خود پروراند و توانسته است در طول زمان این هویت را حفظ کند؛ این وضعیت ممتاز در مقایسه با همسایگان ایران بیشتر نمود پیدا می‌کند (پوراحمدی، ۱۳۸۶: ۲۴۱).



ز) صدور انقلاب: انقلاب اسلامی دارای ماهیتی جهانی است و در عصر جهانی شدن فرهنگ، در پی ایجاد نظم نوین فرهنگ جهانی و تغییر وفاداری ملی و سرزمینی به وفاداری و همبستگی جهانی است (پورا احمدی، ۱۳۸۶: ۹۸).

ح) مردم‌سالاری دینی: انقلاب اسلامی توانست ضمن تبیین سازگاری اسلام و دموکراسی، کنش متقابل میان دو حوزه دین و سیاست را آشکار سازد و نوعی نظام سیاسی را رقم زند که هم بر ویژگی‌های معنوی و سیاسی حاکم و هم بر پیوند ارزش‌های اسلامی با ساختار یا روش مردم‌سالار استوار باشد (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۹)؛ فیاضی در این باره می‌گوید: مردم‌سالاری در گفتمان انقلاب اسلامی اصطلاح تازه‌ای در گفتمان سیاسی دنیاست و برخلاف واژه‌هایی چون جمهوری اسلامی، پارلمان اسلامی و غیره که همگی ترکیب‌هایی هستند از یک مفهوم غربی به علاوه یک قید اسلامی، در بستر مبانی سیاسی اسلام و متأثر از آموزه‌های نبوی و علوی رویداده و بر آن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوی حکومتی استبدادی، رعایت اصول و مبانی ارزشی را بنماید و بدین ترتیب نظام اسلامی را از الگوهای سکولار تمیز دهد و جدایی میان دیانت و سیاست قائل نشود. برای این منظور در گفتمان انقلاب اسلامی، روش نوینی مورد توجه قرار گرفت که نه استبدادی است نه لیبرالی (فیاضی، ۱۳۸۰: ۴۳).

ط) ارزش محوری و آرمان‌گرایی: بر مبنای این گفتمان سیاست خارجی باید بر اساس آموزه‌ها و موازین اسلامی و تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی تنظیم گردد؛ در این رهیافت سیاست تماس با ملت‌ها به جای دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود؛ به عبارت دیگر گفتمان ارزش‌محور بر تأمین اهداف فراملی در زمینه‌های نفوذ سیاسی، وحدت ایدئولوژیک و تشکیل حوزه نفوذ در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۲).

ی) بیگانه‌ستیزی: در نظام جمهوری اسلامی ایران بیگانه‌ستیزی واجد ویژگی‌هایی است که کمتر در میان سایر دول مشاهده می‌شود و آن عبارت است از تبدیل شدن به یک هدف اساسی در سیاست خارجه به نحوی که نفی غرب به صورت جوهره استقلال و امنیت ملی کشور تلقی می‌شود. (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۵۰) امام خمینی (رحمت‌الله علیه) با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، مبارزه با امپریالیسم را به درون گفتمان اسلام انقلابی کشاند اما از آن به مثابه مبارزه سیاسی بلکه در

راستای آموزه‌های مذهبی و ایدئولوژیک سود جست؛ از آن پس جنبش اسلام انقلابی تعبیر دارالاسلام بود که در مقابل دارالحرب به مبارزه بر می‌خواست (پورااحمدی، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

#### اسلام اخوانی

جنبش اخوان المسلمین در سال ۱۹۸۲ میلادی توسط شیخ حسن البناء در شهر اسماعیلیه مصر پی‌ریزی شد. اخوان المسلمین تحت تأثیر روح سلفیه قرار داشتند. اخوانی‌ها اهدافی چون زنده کردن شعائر اسلام، برافکندن سلطه اجانب در جهان اسلام و برقراری حکومت اسلامی در کشورهای اسلامی را دنبال می‌نمودند؛ در تفکرات این گفتمان در هر دوره، اندیشه‌ای برجسته شده است، دوره‌ای بنیادگرا بود، بعد محافظه‌کار شد و حتی دیدگاه سکولاریستی پیدا کرد. اخوانی‌ها در میانه جریان سلفی تندرو نظیر القاعده و نیز جریان سکولار غربی‌گرا قرار می‌گیرند. منظور از گفتمان اسلام اخوانی، اسلامی است که می‌توان آن را با مفاهیمی همچون انگاره‌های نیمه‌سلفی و عرفی، تعامل نمادین با ساختار نظام بین‌الملل، استقرار نظام منطقه‌ای در همسویی با منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای، صورت‌بندی نمود. وقتی صحبت از اسلام اخوانی می‌شود در واقع بیشتر دو الگوی کشور مصر و ترکیه مد نظر است.

#### مفصل‌بندی اسلام اخوانی مصر

اسلام سیاسی اخوانی در مصر تلاش می‌کند قرائتی از اسلام ارائه کند که حضور اسلام در عرصه سیاست را به‌عنوان مؤلفه‌ای هویت‌بخش و بسیج‌گر، برای رویارویی با چالش‌های عصر مدرن به کار می‌گیرد؛ بر این اساس به نظر اسلام سیاسی اخوانی، عقب‌ماندگی مسلمانان نه از طریق تقلید صرف از مدرنیته، بلکه با بازتفسیر نصوص شریعت، حفظ محتوای سنت‌های اسلام و اجرای شریعت بر مبنای «فقه المقاصد»، مواجهه منطقی با مدرنیته، ایجاد آگاهی عمومی، گسترش تفکر انتقادی در برابر غرب، بازیابی میراث هویتی پیشین، غیریت‌سازی هویتی، استفاده آگاهانه از تجارب غرب و با اولویت‌دادن تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در عرصه عمل سیاسی - اجتماعی و در عین حال حفظ استقلال سیاسی کشورهای اسلامی رفع می‌شود؛ بر این اساس نزدیکی‌های فراوانی میان دموکراسی خواهی و تفاسیر اخوانی از اسلام مشاهده می‌شود. اسلام سیاسی آن‌گونه که از سوی اخوان المسلمین نمایندگی می‌شود، ظرفیت‌های زیادی برای تفسیر دموکراتیک از اسلام ایجاد کرده است و تأکید اخوانی‌ها بر

تأویل نصوص دینی، آزادی سیاسی - اجتماعی، فردگرایی، پارلمانتاریسم و پلورالیسم، بر توانایی اخوان المسلمین برای جذب بدنه اجتماعی نیروهای سیاسی دموکراسی خواه افزوده است (نظری و صیادی، ۱۳۹۴: ۲۱۸ - ۲۱۵).

#### الف) پراگماتیسم

اصل اساسی پراگماتیسم این است که انسان‌ها باید خود را در معرض تجدیدنظرها و تغییرات آینده در شیوه زندگی و تفکر و اخلاقیات خود قرار دهند؛ به این معنا پراگماتیسم فلسفه تجربه و آزمون، بازسازی مکرر، رهایی از گذشته‌ها و سنت‌های دست و پاگیر است (بشیریه، ۱۳۸۴: ۲۵۱). تفکر اخوانی از لحاظ فکری و دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی - دینی به‌منابه یک طیف است؛ در آن هم دیدگاه‌های رادیکال و مخالف با عصر مدرن یافت می‌شود و هم دیدگاه‌هایی که به نوعی در پی آشتی و مصالحه با جهان مدرن و دستاوردهایش هستند.

اسلام سیاسی در مصر، پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، با وجود ارجاع گفتمان خود به اسلام و تلاش برای سازواری آن با منطق دموکراسی، به سمت پراگماتیسم حرکت کرده است. رویکرد اسلام سیاسی در عرصه سیاست و حکومت مصر که از آن به «پراگماتیسم اسلامی» تعبیر می‌شود، به دلیل استفاده اسلام در تقویت استدلال‌های خود در عرصه عمل سیاسی است؛ این رویکرد از خلال تعامل اسلام سیاسی با متن و زمینه ایجاد شده است؛ در این تعامل، اسلام سیاسی ناگزیر است برای حفظ بدنه اجتماعی خود با تفسیر نص و ارجاع به آن، کنش سیاسی خود را «توجیه» کند و به دلیل قرار گرفتن در زمینه اجتماعی مصر که از سه جهت - نیروهای سیاسی - اجتماعی، انتظارات مردمی و مشکلات ساختاری - آن را تحت فشار قرار می‌دهد، با حرکتی سینوسی سیاستی اتخاذ کند که یک سر آن مدارا و یک سر آن مقاومت است (نظری و صیادی، ۱۳۹۴: ۲۱۸ - ۲۱۵)؛ البته شاید بتوان این مسئله را از رهگذر توجه به بنیادهای دموکراسی بیش از پیش مشخص کرد؛ زیرا یکی از بنیادهای اساسی دموکراسی، پراگماتیسم است و مبنای فلسفی آن به شمار می‌آید (بشیریه، ۱۳۸۴: ۲۵۰). پراگماتیسم اسلامی سیاسی در مصر، پراگماتیسمی است که وجه بارز آن را تلاش برای تفسیر مذهبی از کنش‌های سیاسی شکل می‌دهد و در کنار آن گوشه چشمی نیز به وجوه دموکراتیک سیاست دارد (نظری و صیادی، ۱۳۹۴: ۲۲۸).

**ب) جمهوری دموکراتیک**

گفتمان حاکم بر اندیشه اخوانی در سالیان پیش گفتمان بنایی یا قطبی بوده و اکنون گفتمان حاکم، گفتمان امثال غنوشی است. اخوان هیچ‌گاه اندیشه‌ای یکدست و یکپارچه نبوده است. در شرایط کنونی که اکثریت اخوان با جهان مدرن و پذیرش دموکراسی و... گرایش پیدا نموده‌اند، محافظه‌کاران و نسل‌های قدیمی آن‌ها، همچنان دیدگاه سنتی دارند که با رویکرد غالب کنونی همخوانی ندارد. غنوشی نظام‌های کنونی دموکراسی موجود در غرب را مثبت ارزیابی می‌کند؛ او در نوشته‌های خود تأکید می‌کند که برای مسلمانان اولویت با تشکیل حکومت دموکراتیک است نه تشکیل حکومت اسلامی (عبادی محسن، ۱۳۹۳: ۷۷).

از این رو جماعت اخوان تلاش کرده است، هم در عرصه عمل و هم در عرصه نظر، مفهوم حزب، انتخابات و کثرت‌گرایی را مورد تأیید قرار دهد؛ ضمن پایبندی به قواعد دموکراتیک، پیگیر اهداف اسلامی خود باشد و از هرگونه تلاش برای از میان برداشتن و تضعیف شاکله دموکراتیک خودداری کند (ابراهیم محمد و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۹۵)؛ این جماعت با اتخاذ راهبرد عمل‌گرایانه و محافظه‌کارانه‌تری در مقایسه با گذشته، ضمن حفظ عقاید و مواضع منفی خود در برابر رژیم صهیونیستی، در مقطع کنونی تمایلی به برهم زدن تعادل نسبی رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی ندارد و تنها به صورت مدنی تلاش می‌کند مسئله فلسطین را در اذهان مردم مصر زنده نگه دارد.

**اسلام اخوانی ترکیه، اسلام معتدل اجتماعی**

ترکیه نخستین کشوری است که اخوانی‌ها توانسته‌اند در آن، پیش از کشورهای اسلامی به قدرت دست یابند؛ این جریان بیش از آنکه به اخوان‌المسلمین ترکیه موسوم باشند، به اسلام‌گرایان میانه‌رو یا لیبرال شهرت دارند. بسام طیبی در این زمینه می‌نویسد: اسلام‌گرایان میانه‌رو که بیشتر به سمت عمل‌گرایی تمایل دارند، بیشتر به‌عنوان یک «نظام فرهنگی» می‌نگرند که تولیدکننده معنا و نمادهای فرهنگی است که با طرح امکان همسویی عقلانیت اسلامی و عقلانیت مدرن، کار خود را از دو سو پی می‌گیرند: الف) انتقاد از هژمونی غرب، نه نفی کامل آن؛ ب) تأکید بر تحول و انطباق فرهنگی با مدرنیته؛ از این رو سیاستمداران امروز ترکیه با ترویج دو اصل عرفی کردن دین و تساهل دینی و مذهبی، از یک طرف سعی در پیوند آن با

دوران امپراتوری عثمانی دارند و از طرف دیگر در تلاش هستند با مطابقت دین با نیازهای جدید، با مدرنیته و الگوی لیبرال دموکراسی سازش کنند (کریمی وصفی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۲۵)؛ به این ترتیب، ترک‌ها ترکیبی از اسلام، دموکراسی، ملی‌گرایی و بین‌المللی‌گرایی را ارائه می‌کنند (Zalewski, 2011).

#### مفصل‌بندی گفتمان اسلام اخوانی ترکیه

در مناسبات میان دو گفتمان هویتی کمالیسم و اسلام‌گرایی در ترکیه، عناصر هویتی آن‌ها به‌عنوان اجزای اصلی تعیین‌کننده در مقاومت آن‌ها محسوب می‌شوند. در گفتمان کمالیسم عناصری نظیر غرب‌گرایی، سکولاریسم و ناسیونالیسم و در گفتمان اسلام‌گرایی، عناصری مانند محافظه‌کاری، آزادی‌های فردی و دموکراسی به‌عنوان عناصر هویت‌ساز و در زنجیره هم‌ارزی در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده، به‌واسازی یا همپوشانی هم می‌پردازند؛ این عناصر نه‌تنها تعیین‌کننده چگونگی رابطه کمالیستی و اسلام‌گرایی در ترکیه بوده‌اند، بلکه نشان‌دهنده تحول در نوع رابطه این گفتمان‌ها هستند (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸).

با توجه به اوصاف جمهوریت شکل گرفته در قالب دولت - ملت در گفتمان کمالیسم با مفصل‌بندی دال‌های مدرنیزاسیون، لائیتیس، اروپا محوری و ناسیونالیسم این دال‌ها مورد تقلید گفتمان‌های دیگر حاکم بر جهان اسلام از جمله ناصریسم و گفتمان‌های رستاخیز عربی (بعثیسم) قرار می‌گیرد. در تمامی این گفتمان‌ها، هویت اسلامی طرد و نفی شده و به حوزه گفتمانی گونگی فرستاده می‌شود و به‌عنوان مانعی جدی در برابر تثبیت معنایی زنجیره هم‌ارزی گفتمان‌های سکولار قرار می‌گیرد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۴)؛ چراکه اساساً هر گفتمان، نتیجه موقت یک هژمونی موقت و به‌مثابه یک قسم ثبات‌بخشی به قدرت است و این همواره نوعی از طرد و حذف دیگران را در پی دارد (موفه، ۱۳۸۵: ۵۲).

بدین ترتیب می‌توان گفتمان اسلام اخوانی ترکیه را در قالب ذیل مفصل‌بندی نمود:

الف) سکولاریسم: ترکیه به‌طور صرف، به دنبال تفکیک دین و دولت نبوده بلکه خواهان تسلیم دین در برابر قوانین حکومتی، گسترش «اسلام دولتی» قابل قبول برای نخبگان سیاسی و تقویت نوعی اسلام سازشکار نسبت به نظام سکولار بود؛ از این رو سکولاریسم در ترکیه نه‌تنها خواهان مرکز زدایی از اسلام بود، بلکه همچنین قصد داشت تا آن را با مبانی جدید

مشروعیت در دولت جمهوری انطباق دهد (Gulalp, 2003: 50-333). اردوغان معتقد است که اسلام نمی‌تواند مرجعی برای برنامه‌های سیاسی باشد، بلکه اسلام تنها در سطح شخصی و فردی می‌تواند به یک مرجع تبدیل شود؛ بنابراین اصول دموکراسی و قانون است که می‌تواند به‌عنوان یک مرجع مورد پذیرش واقع شود (Ergogan, 2001).

ب) محافظه‌کاری: هدف حزب عدالت و توسعه کنارگذاشتن هویت اسلام‌گرایی و اتخاذ موضع سیاسی جدید با نام محافظه‌کاری دموکراتیک است؛ این اصطلاح دارای دو بعد است: محافظه‌کاری و دموکراسی (Akdogan, 2003: 100-104). حزب عدالت و توسعه، سکولاریسم را ضامنی برای آزادی‌های مذهبی معرفی می‌کند و تفسیر سکولاریسم به‌عنوان دشمن دین را رد می‌کند؛ این حزب، تبعیض ضد انسان‌های دین‌دار را امری غیر دموکراتیک می‌داند و به‌همین دلیل اعضای آن معتقدند که سکولاریسم باید با دموکراسی ترکیب شود تا بتواند آزادی‌ها و حقوق بنیادین انسان‌ها را محافظت کند؛ اردوغان در این خصوص معتقد است که «دولت به‌منظور تعریف ماهیت سکولاریسم باید نسبت به همه نظریات، دکترین‌ها و مذاهب، موضعی بی‌طرفانه اتخاذ کند» (Erdogan, 2003: 72).

ج) غرب‌گرایی: مهم‌ترین عنصر هویت رسمی در اوایل عصر تشکیل جمهوری ترکیه، غرب‌گرایی بوده است؛ اگرچه سرچشمه‌های غرب‌گرایی در ترکیه به اواخر دوران امپراتوری عثمانی برمی‌گردد، شروع طرح غرب‌گرایی با پی‌ریزی جمهوریت در ترکیه به اوج خود رسید؛ زیرا تا پیش از تشکیل جمهوری ترکیه، نخبگان رفورمیست عثمانی، اروپا را نه به‌عنوان منبعی تمدن‌ساز، بلکه به‌عنوان چارچوبی پراگماتیک برای رهایی از انحطاط داخلی می‌نگریستند؛ اما نخبگان جدید، غرب‌گرایی را به‌عنوان «پروژه‌ای تمدنی» در نظر می‌گرفتند که موجد ایده‌های شناختی نخبگان عصر جمهوری بود؛ در آن زمان، غرب‌گرایی عامل اصلی مشروعیت‌بخشی به اصلاحات کمالیستی به حساب می‌آمد. آتاترک، بنیان‌گذار ترکیه، تمدن اروپایی را در سطحی قرار داده بود که باید ترکیه تمام تلاش خود را به‌منظور رسیدن به آن انجام می‌داد؛ به عبارت دیگر معیارهایی که روشنفکران ترکیه برای رسیدن به آن‌ها می‌کوشیدند، معیارهای غربی بود (Gulalp, 2001: 433-488).

## اسلام سیاسی سلفی (ستی)

جریان سلفی‌گری به‌عنوان بازیگری فعال از لحاظ هویتی، یک مقولهٔ برساختهٔ ایدئولوژیکی و در عین حال اجتماعی - سیاسی است که دارای عناصر تغییرپذیری تطورات سیال است؛ این جریان از ظرفیت هنجارسازی و قدرت انگاره‌پردازی ملموسی برخوردار است. تحلیل مبانی ایدئولوژیکی سلفی‌گری، دلالت بر شکل خاصی از سیاست هویتی در این جریان دارد که تداوم زیست هویت سلفی را در تقابل با «هویت دیگر» تعریف می‌کند؛ بر این اساس، اشکال سیاست سلفی‌گری متمایل به تقسیم‌بندی بین «خودی و غیرخودی» می‌باشد (هی وود، ۱۳۷۹: ۵۱۴). سلفی‌ها از طریق تفسیر مذهبی و فرقه‌ای از رویدادهای سیاسی بر داوری و برداشت اهل سنت در منطقه و نیز تعریف آن‌ها از «خود و دیگری» اثر گذاشته و منطق تفسیر اهل تسنن را از هویت شیعیان تحت تأثیر قرار می‌دهد (والکر و چاپلین، ۱۳۸۵: ۲۱۹). نگرانی از گسترش نفوذ انقلاب اسلامی ایران در جهان عرب، به عاملی برای تقویت سلفیت به‌مثابه سپر دفاعی علیه نفوذ تشیع و ایران از سوی حکومت‌های سکولار و اقتدارطلب عرب انجامید (عوض پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴).

## مفصل‌بندی هویت گفتمان سلفی

## الف) شیعه‌ستیزی

اساساً سلفی‌گری منهای سیاست هویت، قادر به تداوم حیات و بازتولید خود نیست؛ این سیاست‌های هویتی و تعریف خودی بر اساس قدرت انگاره‌پردازی و بهره‌گیری از حافظه تاریخی اهل تسنن، پدیدآورندهٔ سامانه‌ای از پندارها، هنجارها و تقابل حداکثری با هویت غیرسلفی یا همان «شیعه» می‌باشد. تعبیر مفاهیمی همچون کفار، دشمن، منافق، خائن و مشرک در ادبیات سلفی‌گری و اطلاق آن به شیعیان به بازتولید هویت دگر یا دشمن می‌انجامد. ازسویی آشفتگی معنا و مفهوم امروزی از واژهٔ «سنی» که به غیر شیعه اطلاق می‌شود، در شکل‌دهی به هویت سلفی در دایره‌ای گسترده و نیز دادن «هویت جمعی» به آن‌ها نقش بارزی دارد (الگار، ۱۳۸۶: ۱۴)؛ هرچند گفتمان‌های سلفی با یکدیگر اختلاف جدی دارند؛ اما در خصوصیت با گفتمان‌های رقیب، مانند سکولاریسم یا شیعه و اخوان‌المسلمین، متحد عمل

می‌کنند. گفتمان سلفیه در مواجهه با گفتمان‌های رقیب از لحن بسیار تند و زنده‌ای استفاده می‌کند (سالم و بسیونی، ۲۰۱۵: ۳۰۵).

در شرایط کنونی گرایش حکومت عربستان به سمت لیبرال دموکراسی و افزایش محبوبیت بن سلمان در عربستان دنبال می‌شود؛ اگرچه سیاست‌های منطقه‌ای این کشور همواره در تقابل با انقلاب اسلامی بهره‌گیری از هویت سلفی است.

(ب) تکفیر

گفتمان سلفی گرایش شدیدی به تکفیر «دیگری» چه مسلمان و چه غیرمسلمان دارد و این گرایش است که خشونت می‌آفریند. تکفیر ابزاری است که سلفی‌ها به‌واسطه آن دیگری را طرد و رد کرده و هویت خود را به‌عنوان یک گروه برتر تحکیم و به گفتمان خود انسجام می‌بخشند؛ این گفتمان تجزیه‌گرا و تفرقه‌افکن است (عوض‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷). گفتمان سلفی با جهان خارج سلبی برخورد کرده و ارزش‌های جاری را با این بهانه که غیرشرعی هستند رد می‌کند (وشانی، ۲۰۰۶: ۸۲)؛ این گفتمان در طول تاریخ به مرور بر دامنه «دیگری» افزوده است. اگر در ابتدا گفتمان سلفی تاریخی با معتزله و فلاسفه غیریت‌سازی می‌کرد، در دوره ابن تیمیه به خصومت با تصوف و شیعه پرداخت تا اینکه در دوره جدید دایره دیگری گسترش یافت و بسیاری از اهل سنت و جماعت و سایر گروه‌های سیاسی و اجتماعی مانند لیبرال‌ها، سکولارها، چپ‌ها و ملی‌گراها را هم در بر گرفت. در گفتمان سلفی «دیگری» رقیب نیست؛ بلکه دشمن است که بایست با آن مبارزه کرد؛ از این رو انواع اتهام‌های تکفیری علیه آنان زده می‌شود و این مجوز لازم را برای استفاده از خشونت و استفاده از سلاح علیه دیگران فراهم می‌کند (عوض‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷).

(ج) رد سکولاریسم و لیبرالیسم

گزاره‌های اسلام سلفی، همگی به‌نوعی در رد و انکار گفتمان سکولار غربی و با دگرسازی آن معنا می‌یابد. در واقع اسلام سلفی، گفتمانی است که معانی خود را در جهاد با غرب به‌عنوان جامعه جاهلی جدید شکل داده و در واقع، سوژه و ابژه گفتمان اسلام سلفی از دل همین روابط نابرابر آمده است؛ این گفتمان، جنبه‌های سکولار تمدن غربی را نفی کرده و مشکلات جوامع



معاصر را به دوری از دین و احکام شریعت نسبت داده و راه‌هایی از آن‌ها را بازگشت به سلف صالح می‌داند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۸ - ۱۷).

#### د) بازگشت به سلف

گفتمان اسلام سلفی بر این اندیشه استوار است که ویژگی جهان غرب «رسالت‌گری» است و وقتی کشوری یا گفتمانی رویکرد رسالت‌گرا دارد، می‌خواهد جهان را همانند خودش بسازد و هر مجموعه‌ای را که با او متفاوت باشد، در موضع دشمن قرار دهد. گفتمان اسلام سلفی معتقد است طیف گسترده‌ای از قالب‌های ادراکی و هنجاری مورد نظر غرب و مشخصاً آمریکایی تولید و ارائه می‌شود که همگی در راستای گفتمان لیبرال است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۸۹).

#### غیریت‌سازی

گفتمان سلفی، از تکفیر برای غیریت‌سازی با «دیگری» به‌خوبی بهره گرفته و تمامی جریان‌های اسلامی دیگر را طرد می‌کند؛ این گفتمان توانسته است با تمسک به برخی نمادها و شعائر اسلامی، خود را از سایر گفتمان‌های رقیب متمایز کرده و هویت ویژه‌ای به اعضای خود ببخشد؛ این گفتمان، در درون با منازعات داخلی جدی روبه‌رو بوده و خرده گفتمان‌های متفاوتی از آن سر برآورده‌اند (عوض‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۱). گفتمان سلفی خود را الگویی اسطوره‌ای معرفی می‌کند که مدلی فراگیر از حقیقت و عمل جمعی را داراست؛ این عمل جمعی بیشتر سلبی است و در شکل رد نظام‌های موجود دینی، فرهنگی و سیاسی نمودار می‌شود (عوض‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶).

#### عربستان و هویت اسلام سلفی

به دلیل آنکه دین و دولت در عربستان ارتباط نزدیکی با هم دارند بسیاری از مفاهیم وجود دارند که دارای دو وجه مذهبی و سیاسی هستند. مفاهیمی نظیر مشرک، منافق و محارب نه تنها صرفاً مفاهیمی مذهبی هستند، بلکه هم‌زمان مفاهیمی سیاسی و اجتماعی نیز هستند؛ در نتیجه مصادیق آن‌ها در عمل منجر به تقسیم‌بندی‌هایی چون جبهه‌های دوست و دشمن یا دارالکفر و دارالاسلام می‌شود (موتقی، ۱۳۸۱: ۱۸۴ - ۱۸۳).

بر اساس مفروضات سازه‌انگاران، عربستان نیز همانند هر دولت خواهان اثرگذاری در فرایندهای جهان نیازمند به تولید هویتی مثبت و قابل اعتنا در باور مخاطبان و سایر بازیگران نظام بین‌الملل است که با هنجارهای جهانی مطابقت داشته و بتواند در صورت وجود انگاره‌های منفی از این کشور در باور مخاطبان، به برسازای انگاره‌ای مثبت و سازنده مبادرت کند (Ahmed, 2015: 14)؛ در حوزه‌های منطقه‌ای نیز دیدگاه‌های بشدت ایدئولوژیک این کشور، به‌دنبال برسازای حوزه‌های هویتی عقیدتی و مذهبی از طریق فرایندهای آموزشی گسترده به‌ویژه در جهان اسلام و در میان اهل تسنن می‌باشد که با اشاعه ایدئولوژی سلفیت در مقابل ایدئولوژی شیعه به‌وسیله دانشگاه‌های اسلامی و جذب دانشجویان اهل تسنن از سراسر جهان اسلام با جدیت دنبال می‌شود (Willoughby, 2008: 7).

#### چگونگی رقابت هویتی گفتمان‌های غرب آسیا و نظم امنیت منطقه‌ای

هرگاه مؤلفه‌های هویتی با نشانه‌های امنیتی پیوند یابد، آثار خود را در بحران‌سازی منطقه‌ای منعکس می‌سازد؛ چنین بحران‌هایی هم‌اکنون در سوریه، عراق، لبنان، بحرین و یمن مشاهده می‌شود. ظهور داعش تابعی از سیاست‌های امنیتی عربستان و آمریکا در مقابله با راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. موازنه‌گرایی ایران و عربستان ماهیت ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک خواهد داشت و در این فرایند نقش‌یابی کشورهایی همانند ترکیه و مصر از اهمیت مطلوبی برای تداوم موازنه‌گرایی برخوردار خواهد بود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۸۵ - ۱۰۸۴).

#### تعارضات هویت گفتمان‌های اسلام شیعی با اسلام اخوانی

مهم‌ترین حوزه‌های تقابل گفتمانی اسلام انقلابی و اخوانی به شرح ذیل است:

##### الف) گفتمان‌های حاکمیتی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران و ترکیه دو الگوی متضاد یکدیگر برای غرب آسیا مطرح شدند؛ از یک‌سو حکومتی دینی و از طرف دیگر حکومتی طرفدار غرب و سکولار. چرخش ترکیه به سوی غرب آسیا با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به‌طور جدی صورت گرفت و این موضوع در عین حال که به نزدیکی ایران و ترکیه منجر شد، با

رقابت‌هایی نیز همراه بود؛ اما در فضای تحولات و انقلاب‌های عربی، روابط دو کشور به‌ویژه در مسئله سوریه از سطح رقابت به سطح تقابل و تنش نیز رسید (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۹۴).

#### ب) سیاست‌های منطقه‌ای

در سیاست منطقه‌ای، ترکیه و ایران در دو قطب مخالف عمل می‌کنند؛ به همین دلیل قطبی‌شدگی منطقه‌ای با محوریت ایران و ترکیه، در عراق و سوریه قابل مشاهده است؛ در حالی که ترکیه به همراه عربستان و قطر به‌دنبال حمایت از گروه‌های تکفیری و تروریستی و تغییر دولت‌ها در عراق و سوریه است؛ اما ایران پشتیبان این دولت‌ها و گروه‌های مقاومت است. ایران از زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی مایل است که مسائل و مشکلات منطقه از راه مشارکت و همکاری بازیگران منطقه‌ای حل شود؛ در واقع ایران طرفدار تنظیم معادله‌های منطقه به دست کشورهای منطقه است. در مقابل ترکیه حامی پیوند با کشورهای منطقه با ترتیب‌های فرامنطقه‌ای و نزدیکی روابط کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا و در برخی دوره‌ها و موارد رژیم صهیونیستی است. ترکیه تمایل دارد تا از راه بسط روابط خود با کشورهای غربی زمینه حضور آن‌ها را در معادله‌ها و محاسبه منطقه فراهم کند. دولت ترکیه در روابط خود با جهان غرب تا حدود زیادی تابع رویکرد غرب‌گرایانه کمالیستی بوده و علاوه بر داشتن روابط نزدیک با آمریکا و حتی همراهان استراتژیک آن مثل رژیم صهیونیستی، با جدیت تمام در پی عضویت در اتحادیه اروپا و شناخته‌شدن به‌عنوان کشوری اروپایی بوده است (اطهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۳ - ۱۶۲). با خیزش‌های مردمی در جهان عرب نقش ترکیه در منطقه غرب آسیا پررنگ‌تر و جدی‌تر شد و تحولات جهان عرب فرصتی را فراهم کرد که دیپلماسی ترکیه با ماهیتی هژمونیک وارد عمل شود. ترکیه نقش متفاوت‌تر و هدفمندتری در مقایسه با گذشته دارد. از مؤلفه‌های تأثیرگذار در تغییر روابط ترکیه با سوریه تلاشی است که مقامات ترکیه‌ای برای مهار نفوذ ایران دارند؛ برای دستیابی بدین منظور از یک‌سو برای برجسته‌سازی الگوی حزب عدالت و توسعه تلاش می‌شود و از سوی دیگر شکاف میان مثلث سوریه، ایران و حزب‌الله دنبال می‌شود که ایران مشوق نظام سوریه در سرکوب خشونت‌هاست. ترکیه صرف‌نظر از بلندپروازی‌های منطقه‌ای سعی دارد تا خواسته‌ها و اهداف غرب در منطقه را نیز

تأمین کند تا ضمن تقویت جایگاه استراتژیک خود منافع و دغدغه‌های راهبردی هم‌پیمانانش را هم در نظر داشته باشد؛ اساساً هدف اصلی مخالفت‌ها با نظام سوریه تحت فشار قرار گذاشتن و محدود کردن جمهوری اسلامی ایران است (اطهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۴).

#### ج) تقابل اسلام اخوانی ترکیه با گفتمان مقاومت

یکی از موضوعاتی که ترک‌ها در سال‌های اخیر در زمینه مسائل جهان اسلام مد نظر قرار داده‌اند، بحث گفتمان مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا است که تمرکز اصلی آن در حوزه شرق مدیترانه است؛ برخلاف دولت‌های قبلی که به مسئله گفتمان مقاومت اسلامی در منطقه توجه زیادی نداشتند، حزب عدالت و توسعه ترکیه به این نکته پی برده است که گفتمان مقاومت در جهان اسلام به‌خصوص میان توده‌هایی از اجتماع، طرفداران جدید دارد؛ به همین علت ورود به این بحث‌ها و خارج کردن این امور از کنترل جمهوری اسلامی ایران یکی از اهدافی است که به‌صورت نرم‌افزاری توسط حزب عدالت و توسعه دنبال می‌شود (فلاح، ۱۳۹۰: ۷-۶).

#### د) مهار اسلام انقلابی

از مؤلفه‌های تأثیرگذار در تغییر روابط ترکیه با سوریه تلاشی است که مقامات ترکیه‌ای برای مهار نفوذ ایران دارند؛ برای دستیابی بدین منظور از یک سو، شکاف میان مثلث سوریه، ایران و حزب‌الله دنبال می‌شود و از سوی دیگر به افکار عمومی جهانی و منطقه‌ای چنین القاء می‌شود که ایران مشوق نظام سوریه در سرکوب‌ها و خشونت‌هاست. ترکیه صرف‌نظر از بلندپروازی‌های منطقه‌ای، سعی دارد تا خواسته‌ها و اهداف غرب در منطقه را نیز تأمین کند تا ضمن تقویت جایگاه استراتژیک خود منافع و دغدغه‌های هم‌پیمانانش را در نظر داشته باشد (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۴).

#### تعارضات نظم امنیتی اسلام انقلابی با نظم نو عثمانی

افزایش نقش عنصر شیعی در ساخت قدرت و سیاست منجر به افزایش نقش و نفوذ ایران در مسائل سیاسی - امنیتی منطقه، از جمله حضور فعال و سرنوشت‌ساز در مسائل عراق، لبنان و به‌طور کلی خاور نزدیک شده است؛ در اینجا هویت شیعی توانسته به‌عنوان یک مؤلفه قدرت ملی ایران، علاوه بر بهره‌گیری در اهداف کوتاه‌مدت (در روابط با گروه‌های سیاسی

همگرا) و بلندمدت (تقویت و تثبیت نقش منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مسائل سیاسی - امنیتی منطقه و در روابط با قدرت‌های بزرگ) مؤثر واقع گردد (برزگر، ۱۳۸۸). بر اساس یک فرضیه، قدرت گرفتن شیعیان در حاکمیت عراق، ساخت، توازن مذهبی و مؤلفه قدرت در منطقه را بر هم می‌زند و قدرت‌های بزرگ منطقه و جهان، به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی، از این وضعیت ناخشنودند؛ از این رو با تحریک اقوام کرد و اعراب سنی، اقدامات تخریبی تروریستی، هشدار به شیعیان و تهدید و تجزیه عراق، ضمن ایجاد نظام توازن قوا در عراق تلاش دارند تحولات سیاسی این کشور را در آینده به نفع خود جهت‌دهی کنند (بلداجی، ۱۳۹۰: ۴). ایران در برداشت و تعریف از نظم منطقه‌ای مورد نظر خود در غرب آسیا، ملاحظات مختلف ایدئولوژیکی، سیاسی، امنیتی و منفعتی دارد که مؤلفه‌ها و متغیرهای فراوانی را در برمی‌گیرد؛ در این خصوص می‌توان به سند چشم‌انداز بیست‌ساله، جاده ابریشم جدید، عنصر شیعه، هژمونی منطقه‌ای، نظام امنیتی منطقه، قدرت منطقه‌ای، تهدیدات بالقوه متوجه ایران، موقعیت‌ها و مزیت‌های بین‌المللی ایران از سوی رهبران اشاره کرد. «نظم انقلابی» روایتی است که ایران با توجه به بنیادهای ایدئولوژیکی خود در پی هژمونی آن در منطقه است. گرایش انقلابی به پیشگامی جمهوری اسلامی تمایل خواهد داشت که در فضای جدید، نظم و امنیت منطقه‌ای از طریق «مدیریت دسته‌جمعی چندجانبه» برقرار شود؛ در این الگو برقراری نظم و امنیت منطقه‌ای صرفاً حق ویژه و امتیاز کشورهای بزرگ و عمده نخواهد بود (صالحی، ۱۳۹۱: ۸۹)؛ این الگو، تعدد بازیگران منطقه‌ای را پذیرفته، به نوع حکومت و خواستگاه مشروعیت آن توجه ویژه دارد و الگوی رقابتی در آن نفی می‌شود؛ چراکه معتقد است در این صورت، حق کشورهای ضعیف رعایت نمی‌شود؛ بنابراین، این الگو سعی دارد نظم مورد نظر خویش را با مدیریت دسته‌جمعی در مناسبات امنیتی غرب آسیا، بدون داشتن امتیاز ویژه قدرت‌های بزرگ برقرار سازد. بر پایه قدرت منطقه‌ای ایران که ماهیتی ایدئولوژیک و ژئواستراتژیک دارد، جمهوری اسلامی ایران بر آن است تا با بهره‌گیری راهبردی از روند بیداری اسلامی در منطقه عربی، الگوی مورد نظر نظم انقلابی را در مناسبات امنیتی غرب آسیا مسلط سازد. الگوی مورد نظر را می‌توان «مدیریت دسته‌جمعی چندجانبه» نامید؛ در این الگو برقراری نظم منطقه‌ای صرفاً حق ویژه و امتیاز کشورهای بزرگ نخواهد بود؛ به بیان دیگر ایران تلاش

خواهد کرد تا از طریق هم‌بازی مجموعه بازیگران منطقه‌ای مانع دخالت قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای شود و در عین حال رژیم صهیونیستی را از ماتریس قدرت منطقه‌ای خارج کند (صالحی، ۱۳۹۱: ۹۳).

اما ترتیبات امنیتی مد نظر حزب عدالت و توسعه ترکیه در چهارچوب کنسرت قدرت‌های بزرگ قابل باز تعریف است. در الگوی کنسرت قدرت‌های بزرگ، امنیت منطقه‌ای عبارت است از امنیت دسته‌جمعی قدرتمندترین کشورها در مجموعه امنیتی که با فراهم آوردن نظم و امنیت به صورت خیر عمومی اقداماتشان مشروعیت می‌یابد؛ این کشورها منافع حیاتی یکدیگر و حق مشارکت در کنسرت را پذیرفته و سیاست خارجی خود را بر این اساس سامان می‌دهند؛ بنابراین هر کنسرت به دو صورت به امنیت منطقه‌ای کمک می‌کند؛ نخست متضمن عزم قدرت‌های عمده برای اداره و فرونشاندن مناقشات است و دوم سازوکاری را برای همکاری آن‌ها فراهم می‌کند تا از طریق آن با سایر موضوعات امنیتی روبه‌رو شوند (مورگان، ۱۳۸۱: ۵۹). الگوی نوعثمانی‌گری ترکیه از آن نظم منطقه‌ای حمایت می‌کند که توسط بازیگران منطقه‌ای ایجاد شده باشد؛ نظمی که پویایی اجتماعی منطقه‌ای را مورد توجه قرار دهد و مخالف هرگونه مداخله نظامی خارجی در منطقه و آسیب‌ها و تأخیرهای آن برای ثبات منطقه‌ای باشد. مدل ترکیه تفاوت‌های قومی و فرقه‌ای را به‌عنوان یک منبع قطبی‌شدن رد می‌کند و بر ایجاد یک نظم جدید تحت عنوان «نظم صلح‌آمیز بر پایه برادری» تأکید می‌کند و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای را برای سهیم‌شدن در نظم جدید منطقه‌ای مد نظر خود ترغیب می‌کند (پورااحمدی و ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۸). ترکیه تحولات منطقه غرب آسیا را نقطه آغاز حرکت منطقه‌ای به سوی نظام‌های سیاسی دموکراتیک و کارآمد می‌داند و سعی می‌کند خود را به‌عنوان الگویی برای کشورهای عربی مطرح کند. مدل ترکیه در مقایسه با مدل جریان‌های اسلام‌گرای سنی در منطقه، معطوف به نوعی اسلام معتدل است.

سیاست‌مداران امروز ترکیه با ترویج دو اصل عرفی‌کردن دین و تساهل دینی و مذهبی، از یک طرف سعی در پیوند آن با دوران امپراتوری عثمانی داشته‌اند و از طرف دیگر در تلاش‌اند با مطابقت دین با نیازهای جدید با مدرنیته و الگوی لیبرال دموکراسی سازش کنند؛ به‌طوری که از آغاز تحولات جدید منطقه از سال ۲۰۱۱ به همراه مصر و قطر سعی داشته‌اند الگوی اسلام

انقلابی را به‌عنوان یک رقیب نگاه کنند و سایر کشورهای منطقه را به دنبال خود بکشانند؛ از همین روست که این سیاست به سیاست نوع‌ثمنی‌گری معروف شده است؛ البته به نظر صالحی این مدل، ایجاد موازنه بین نظم اسلام انقلابی ایرانی و نظم سلفی را به‌عنوان راهبرد کلان خود پیگیری می‌کند و در این چارچوب تلاش می‌کند تا در میان‌مدت، هم‌سو با منافع آمریکا در منطقه عمل کند و در عین حال، گرچه وارد نوعی تنش دیپلماتیک اعلامی با رژیم صهیونیستی خواهد داشت؛ اما نوعی بازی راهبردی را که تداعی‌گر تهدیدی امنیتی برای رژیم صهیونیستی باشد، به اجرا نخواهد گذاشت؛ در واقع هدف میان‌مدت آن، افول قدرت منطقه‌ای نظم سلفی و نظم انقلابی و تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای است (صالحی، ۱۳۹۱: ۹۸).

#### رقابت منطقه‌ای گفتمان شیعی با گفتمان سلفی

بسیاری از تضادهای ایران و عربستان را می‌توان در قالب نشانه‌های هویتی مشاهده کرد. عربستان سعودی از سازوکارهای هویتی برای گسترش تضادهای امنیتی در غرب آسیا بهره گرفته است. الگوی رفتاری عربستان در برخورد با ایران در مناطقی همانند لبنان، افغانستان، سوریه، لیبی، یمن و عراق بر اساس ترکیب نشانگان هویتی و ژئوپلیتیکی سازمان‌دهی شده است (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۸۵ - ۱۰۸۴). در حال حاضر مسئله رهبری جهان اسلام از یک‌سو و اختلاف بر سر تفسیر اسلام (به‌ویژه تفسیر شیعه و سنی) از سوی دیگر، باعث بازشدن دریچه رقابت و تنش میان ایران و عربستان شده است. به دنبال وقوع انقلاب اسلامی ایران و ورود جریان شیعه به مسائل منطقه از یک‌سو و تحولات عراق بعد از صدام که به قدرت‌یابی شیعیان عراق انجامید، نگرانی عربستان و دیگر دولت‌های عربی سنی منطقه بیشتر شد؛ عربستان سعودی نگران اعتراضات و خیزش اقلیت شیعه خود به‌ویژه پس از گسترش موج بیداری اسلامی در جهان عرب است؛ در مقابل، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تأکید بر وحدت شیعه و سنی، به‌عنوان مدافع اصلی حقوق شیعیان نیز نقش‌آفرینی می‌کند (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۶۷). از نگاه کشورهای غربی و عربی، ایران تلاش دارد با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی و نیز منافع منطقه‌ای آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌کار گیرد؛ در این رابطه، دو ادعا به‌طور هم‌زمان مطرح شد:

نخست اینکه قدرت گیری شیعیان در منطقه منجر به شکل گیری یک بلوک شیعی شده است و دوم، این بلوک شیعی توسط تهران هدایت خواهد شد (Walker, 2006). حکام عربستان از طرفی بقای خود و حضور مقتدرانه در منطقه را در اتحاد قوی با آمریکا می دانند و از طرف دیگر، خود را رهبر جهان اهل تسنن معرفی می کنند که وظیفه دارند در مقابل ایران شیعی، مقاومت و از نفوذ آن جلوگیری کنند (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۰: ۱۱۸)؛ در واقع از نظر عربستان، تحولات عراق و تشکیل اولین دولت شیعی در یک کشور عربی این نگرانی را ایجاد کرده است که شیعیان منطقه کم کم خواهان نقش بیشتری در نهادهای قدرت سیاسی و اقتصادی کشورهایی چون بحرین، لبنان، یمن و حتی عربستان شود که این امر در درازمدت نه تنها می تواند منجر به افزایش درخواستها برای آزادی مدنی، سیاسی و اقتصادی شیعیان شود؛ بلکه با فشار بر نظام های حکومتی و در نهایت کنار رفتن نخبگان سنی حاکم از حکومت ها شوند (کاظمی، ۱۳۹۲: ۶۷).

از نظر مرشایم دولت ها هرگز نمی توانند از نیت هم آگاه باشند؛ در واقع از دیدگاه او در نظام بین المللی که هیچ اقتدار مافوقی وجود نداشته و کاملاً وضعیت آنارشیک دارد، همه دولت ها در حالت هراس از تهدید دیگر دولت ها قرار داشته و بیم آن دارند که بقاء آنها در معرض خطر قرار گیرد و به همین دلیل در وضعیت تهاجم بالقوه علیه یکدیگر قرار دارند؛ لذا از دید او «نیل و خواست بقا موجب پدید آمدن رفتار تهاجمی از سوی دولت ها می شود» (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۵). نگاه سازه انگارانه به این نظریه، نشان می دهد که تلاش عربستان تأمین امنیت وجودی و هستی شناسانه هویت خود است. بر اساس امنیت هستی شناسانه، دولت ها علاوه بر حفظ امنیت فیزیکی و مادی به دنبال امنیت هویتی شان نیز هستند؛ در همین راستا جنیفر میتزن بر این باور است که دولت ها برای حفظ امنیت هستی شناسانه خود، گاهی اوقات حاضرند که امنیت فیزیکی شان را به خطر بیندازند. اقدامات عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا در دهه گذشته را می توان در راستای تلاش این کشور در حفظ امنیت هویتی خود در مقابله با گسترش هویت اسلام شیعی در غرب آسیا باز شناخت (Mitzen, 2006: 239). عوامل مؤثر در تلاش عربستان جهت حفظ امنیت هویتی خود در مقابله با گفتمان شیعی در تعارضات ذیل قابل باز شناسایی است:



## الف) تعارضات ایدئولوژیکی و ساختار حاکمیتی

اسلام‌گرایی با رویکرد سلفی، زیربنای اندیشه راهبردی عربستان برای مقابله با نقش ایدئولوژیک ایران محسوب می‌شود؛ این رقابت‌ها ماهیت تاریخی راهبردی دارد؛ به طوری که همواره نشانه‌هایی از رقابت ژئوپلیتیکی و امنیتی در فضای غرب آسیا بین این دو کشور وجود داشته است؛ در حین چنین رقابت‌هایی، ایران و عربستان در وضعیت تضاد راهبردی قرار گرفته و اغلب تلاش دارند تا موقعیت خود را از طریق موازنه‌گرایی راهبردی و بازتولید هنجارهای فرهنگی ارتقاء دهند؛ اگرچه هر کشور همانند موجود زنده همواره با چالش‌ها و بحران‌های امنیتی روبه‌روست، رقابت‌های ایران و عربستان چالش‌های منطقه‌ای گسترده‌تری را به وجود می‌آورد (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۸۱). نگرانی ویژه ریاض در مورد ایران این است که ایران قادر است مشروعیت عربستان را در منطقه در پهنه مسائل عربی به چالش بکشد. فلسفه وجودی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است، مشروعیت رژیم‌های پادشاهی دولت‌های خلیج فارس را به چالش می‌کشد (Hassan, 2013: 20-22). حمایت از گروه‌هایی مانند «داعش» و «النصره» از نمادهای مقابله ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک عربستان با ایران است؛ علاوه بر گروه‌های یاد شده، طیف گسترده‌ای از نیروهای تبلیغی و تکفیری وجود دارند که اقدام‌های خود را در مقابله با ژئوپلیتیک راهبردی ایران در غرب آسیا سازمان‌دهی کرده‌اند؛ سازوکارهای مورد استفاده آنان را می‌توان در قالب نشانه‌هایی از جدال‌گرایی راهبردی در بحرین، مقابله پرشدت با حکومت بشار اسد، بی‌ثبات‌سازی ساختار سیاسی لبنان از طریق ترور، بمب‌گذاری و انجام اقدامات انتحاری دانست (Pollack, 2015: 5).

## ب) محور مقاومت در تقابل با محور سازش

عربستان سعودی، حمایت ایران از گروه‌های مقاومت را به‌عنوان مداخله غیر مشروع در مسائل حوزه عربی عنوان می‌کند و در تلاش است تا از گسترش نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در این حوزه بکاهد؛ در این راستا تضعیف و تعدیل قدرت و نقش‌آفرینی گروه‌هایی مانند حماس و حزب‌الله، از اهداف عمده سعودی‌ها در فلسطین و لبنان به‌شمار می‌رود (گودرزی، ۱۳۸۷: ۶۱ - ۶۰). هم‌اکنون مقابله ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک عربستان با ایران را می‌توان در حمایت از گروه‌هایی مانند داعش و النصره مشاهده کرد. سازوکارهای مورد

استفاده عربستان را می‌توان در قالب نشانه‌هایی از جدال‌گرایی راهبردی در بحرین، مقابله پرشدت با حکومت بشار اسد، بی‌ثبات‌سازی ساختار سیاسی لبنان از طریق ترور و انجام اقدامات انتحاری دانست (متقی، ۱۳۹۲: ۱۳ - ۱۱). محوریت جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت به بازیگری مؤثر حزب‌الله در راستای منافع ملت‌ها و کشورهای اسلامی منطقه، محدود نمودن حضور بازیگران فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا و کاهش زمینه‌های دخالت و تحمیل غرب در ایجاد ترتیبات منطقه‌ای، انزوا و محدود نمودن فعالیت گروه‌های تروریستی همچون داعش در منطقه منجر شده و اهدافی همچون نفی سلطه و سلطه‌ستیزی، آرمان‌گرایی واقع‌گرایانه، عزت‌طلبی و اقتدار و حمایت از عزت و کرامت ملت‌های مسلمان را تا حد قابل توجهی محقق نماید؛ طبیعتاً این روند در راستای ایجاد یک نظم امنیت منطقه‌ای با مشارکت کشورهای منطقه و بدون حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای قابل تعریف است.

محور مقاومت امروزه دارای انسجام و سازگاری قابل توجه، پیوستگی جغرافیایی مناسب، سازماندهی منسجم و رهبری با ثبات و عناصر وفادار، قدرت نظامی و اقتصادی است؛ اما در مقابل محور سازش در درون خود با مشکلاتی از جمله اختلافات متعدد اعضاء در خصوص برخی مسائل منطقه‌ای و نگرانی کشورهای عربی از عادی‌سازی روابط کشورهای عربی این محور با رژیم صهیونیستی روبه‌روست.

#### ج) تقابل در بحران سوریه

اندیشه تکفیری عربستان زیربنای مؤلفه‌های ایدئولوژیک و هویتی برای گسترش بحران‌های امنیتی و رادیکالیزه شدن تحولات سیاسی در غرب آسیا است. هم‌اکنون جدال در سوریه توسط عربستان هدایت می‌شود و شاید بتوان سوریه را خط مقدم منازعه ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک ایران و عربستان دانست. فعالیت القاعده در سوریه به تراژدی گسترده انسانی منجر شده و وجود گروه‌های سلفی در سوریه بحران و منازعه را تشدید کرده است (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۸۵ - ۱۰۸۴).

#### د) سیاست خارجی وابسته در مقابل سیاست عدم تعهد

حکام عربستان از طرفی بقای خود و حضور مقتدرانه در منطقه را در اتحاد قوی با آمریکا می‌دانند و از طرف دیگر خود را رهبر جهان اهل تسنن معرفی می‌کنند که وظیفه دارند در

مقابل ایران شیعی، مقاومت و از نفوذ آن جلوگیری کنند (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۰: ۱۱۸). عربستان سعودی در سیاست منطقه‌ای خود، تسلط سیاسی و فرهنگی بر کشورهای عرب منطقه را تعقیب می‌کند و تلاش کرده است تا با اندیشه‌ها و اقدامات جریان‌های دیگر از جمله ناسیونالیسم عربی جمال عبدالناصر و جنبش بعثی‌ها و انقلاب اسلامی ایران در منطقه به مقابله بپردازد (زراعت‌پیشه، ۱۳۸۴: ۳۵).

از دیدگاه سعودی‌ها توسل آنان به قدرت نظامی در سوریه و به‌ویژه در یمن، بدین دلیل است که ایران سعی دارد با موقعیت جدیدی که در معادلات و تحولات منطقه یافته است، نفوذ خود را پس از عراق و لبنان، به‌خصوص در نقاط استراتژیکی چون سوریه و یمن افزایش دهد؛ عربستان سعودی سعی دارد در رقابت با ایران در این نقاط با ایجاد و حمایت گروه‌های سلفی - تکفیری در عراق و سوریه و حمله نظامی به یمن مانع نفوذ بیشتر ایران در این مناطق شود؛ چراکه آن را تهدیدی جدی برای امنیت داخلی و منافع ملی خویش می‌داند و به‌شدت نسبت به هرگونه تهدید و تغییری در منطقه واکنش نشان می‌دهد (درویشی و حاجی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۶۰ - ۵۹).

#### تقابل نظم منطقه‌ای اسلام سلفی با نظم امنیتی اسلام انقلابی

عربستان با اینکه در زمره کشورهای هویتی محسوب می‌شود، الگوی کنش سنتی آن بر اساس نشانه‌هایی از موازنه‌گرایی قرار داشته است؛ تحقق این هدف منوط به ایجاد رابطه با کشورهای عضو پیمان ناتو و کشورهایی است که اهداف مشترکی دارند. عربستان سعودی پس از استقلال همواره یکی از کشورهای مورد حمایت بلوک غرب بوده و به همین سبب سیاست خارجی این کشور در بیشتر زمینه‌ها در راستای سیاست‌های جهانی غرب در منطقه است (Blaydes, 2011: 15). مقامات سیاسی عربستان از یک سو تلاش دارند تا رهبری جهان اسلام را عهده‌دار باشند؛ از طرف دیگر چنین کارگزارانی تمایل چندانی برای مقابله با جهان غرب نشان نمی‌دهند و تلاش می‌کنند به موازات رهبری جهان اسلام از الگوی ائتلاف با جهان غرب نیز بهره بگیرند؛ بنابراین عربستان سعودی در سیاست خارجی تمامی روابط خود را با غرب به‌ویژه کشورهای طرفدار آن قرار داده و همواره می‌کوشد تا در مقابل سیاست‌های رادیکالی

جهان عرب و منطقه، نقش متعادل‌کننده‌ای ایفاء کند (راس، ۱۳۸۴: ۷۲). عربستان سعودی در تعامل با قدرت‌های بزرگ، رویکردی محافظه‌کارانه اما در عین حال مستقل‌تری در مقایسه با سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در عرصه سیاست خارجی را دنبال می‌کند (Bahgat, 2003: 23)؛ رویکرد مذکور از ویژگی‌های ژئوپلیتیک و قدرت عربستان و همچنین حوادث پس از یازدهم سپتامبر ناشی می‌شود و این کشور سعی می‌کند تا در سیاست خارجی خود ضمن ایجاد توازن بین قدرت‌های بزرگ روابط منطقه‌ای خود را نیز در این چارچوب برقرار سازد (Lewis, 2013: 45). رویکرد مقامات عربستان تابعی از تضادهای هویتی و تلاش ژئوپلیتیکی برای بهینه‌سازی نقش عربستان در جهان اسلام است؛ بهره‌گیری از چنین نگرشی موقعیت عربستان را در ساختار منطقه‌ای ارتقاء داده و زمینه رویارویی ایدئولوژیک و امنیتی با ایران را از شمال آفریقا تا آسیای شرقی اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

ظهور داعش تابعی از سیاست‌های امنیتی عربستان و آمریکا در مقابله با راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. موازنه‌گرایی ایران و عربستان ماهیت ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک خواهد داشت و در این فرایند نقش‌یابی کشورهای همانند ترکیه و مصر از اهمیت مطلوبی برای تداوم موازنه‌گرایی برخوردار خواهد بود (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۸۵ - ۱۰۸۴).

عربستان تلاش دارد تا نقش متعادل‌کننده و محافظه‌کارانه را ایفا کند تا از این طریق از هرگونه آشوب و ناآرامی یا افکار انقلابی در منطقه و سرایت آن به داخل عربستان سعودی و دیگر کشورهای محافظه‌کار منطقه جلوگیری کند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۷۵)؛ بنابراین نه تنها به دنبال ایجاد نظامی دموکراسی محور در منطقه غرب آسیا نیست، بلکه گسترش آن را عاملی برای افزایش فشار بر حکومت و رژیم سعودی و گسترش اعتراضات مردمی در آن کشور می‌داند (ترابی، ۱۳۹۱: ۱۷۶)؛ به همین دلیل پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سرعت ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در مقابل ایدئولوژی سلفی وهابی عربستان قرار گرفت. سعودی‌ها مشی انقلابی ایران را به‌عنوان یک عامل اطمینان و برهم زننده وضع موجود در منطقه و فراهم‌آورنده زمینه حرکتی مشابه بر ضد خود تلقی کردند. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در ۱۹۸۱م

به‌عنوان اتحاد پادشاهی‌های سنتی منطقه خلیج فارس از نخستین واکنش‌های عملی عربستان به پیروزی انقلاب اسلامی و فروریزی دکترین نیکسون به حساب می‌آید (کریمی، ۱۳۹۰: ۸۹).

### تجزیه و تحلیل

حضور فعالانه گروه‌های اسلامی در کنش‌های سیاسی - امنیتی، فرهنگی، ایدئولوژیک و اقتصادی خاورمیانه حاکی از ظرفیت و تمایل مردم این منطقه به اسلام‌خواهی به‌عنوان راه‌حل مشکلات کنونی در کنار بهره‌گیری از تجربه‌های دموکراسی خواهی و آزادی‌خواهی است؛ این امر بازیگران منطقه را با خوانش‌های جدیدی از اسلام روبه‌رو کرده است و برخی با خوانش روشنفکری به دنبال سکولار شدن جوامع خاورمیانه و شخصی کردن دین می‌باشند و برخی نیز اسلام را به‌عنوان امری اجتماعی و سیاسی تلقی می‌کنند و خوانش اسلام سیاسی را بهترین راه برای حل مشکلات و بحران‌های خاورمیانه تلقی می‌کنند (ابوزید، ۲۰۱۳: ۲۸۳)؛ الغروی در این زمینه معتقد است، باید در نظر داشت که خوانش جدید اسلام در خاورمیانه توانست هویتی جدید در ساختار این منطق را نمایان کند؛ لذا با گسترش اسلام‌خواهی، تفاوت‌های فرهنگی فرقه‌های شیعه و سنی نمایان‌تر از هر زمان می‌شود و رقابت برای دستیابی به منابع قدرت، حکومت و امثالهم تشدید می‌گردد (Al-Qavawee, 2013: 4).

نظم منطقه‌ای در غرب آسیا طی یک دهه اخیر شاهد تغییرات عمده و گذر از اتحاد دو قطبی به اتحاد چند قطبی بوده است؛ برآیند این شرایط، تشدید رقابت، دخالت و افزایش ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه بوده که موجبات تشدید تنش‌ها و افزایش بی‌ثباتی در منطقه را به همراه داشته است. نحوه تعامل با غرب و رژیم صهیونیستی را می‌توان اساس ائتلاف‌ها و محوربندی‌ها قرار داد. (نجات، ۱۳۹۶). ایران و عربستان به‌عنوان ستون‌های نظام امنیت منطقه‌ای بر اساس تعریفی که از اسلام سیاسی دارند، الگوهای متفاوتی را برای خود ترسیم کرده‌اند که این الگوها گاهی با هم به مرحله تضاد نیز می‌رسند (یزدان فام، ۱۳۹۱: ۶۱). شکل‌گیری دو محور مقاومت و محور سازش و محوریت ایران و عربستان را در این دو محور می‌توان به‌عنوان شاخص اصلی این تضاد برشمرد؛ در کنار این دو ائتلاف، می‌توان به بازیگران مهمی از جمله ترکیه و قطر اشاره کرد که عنوان محور اعتدال، علاوه بر داشتن روابط خود با

محور سازش، روابط خود با محور مقاومت را نیز حفظ و در مقاطعی با آن‌ها به رقابت پرداخته‌اند. پایه‌های اصلی محور سازش مقابله با نفوذ ایران و جریان اخوان المسلمین منطقه شکل گرفته اما علی‌رغم اختلاف محور سازش و محور ترکیه و قطر در خصوص اخوان المسلمین، این دو محور در مورد مقابله با نفوذ ایران در منطقه با یکدیگر اشتراک نظر دارند.

با توجه به رقابت‌های هویت گفتمان‌های گوناگون و ناهمساز یاد شده در منطقه برای توازن قدرت و مهار رقبای، زمینه افزایش دخالت و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای فراهم و رقابت‌های قومی - مذهبی و اختلافات هویتی و ایدئولوژیک و راهبردی تشدید شده است.

علل و عوامل این ناهمگونی در مفصل‌بندی گفتمان‌های غرب آسیا نشان داده شده است: هویت گفتمان اسلام سیاسی انقلابی (ایران): استقلال‌طلبی و عدم وابستگی، بیگانه‌ستیزی، ارزش محوری و آرمان‌گرایی، عدالت محوری، نفی سلطه، استکبارستیزی مردم پایه (با مدل مردم‌سالاری دینی) عدم تعهد، نفی سلطه بیگانه، حمایت از محور مقاومت، ایده تشکیل امت واحده اسلامی، حمایت از مستضعفان و استقلال اسلام سیاسی انقلابی، تحول‌خواه و تجدیدنظرطلب (هویت استقلال‌طلب) مدیریت دسته‌جمعی چندجانبه با مشارکت همه کشورهای منطقه، بدون حضور بیگانگان؛

اسلام سلفی (عربستان): تکفیر، جهاد، بازگشت به سلف صالح، غرب‌ستیزی، تقابل با دموکراسی، دارالاسلام و دارالکفر، فرقه‌گرایی، تأکید بر مبارزه با جامعه جاهلی فرد پایه (دولت رانتیر با مدل پادشاهی مطلقه دینی؛ اقتدارگرا بر پایه ایدئولوژی سلفیت) ادعای ام‌القرای جهان اسلام، ترویج وهابیت، تشکیل امت عربی، انکار گفتمان سکولار غرب، احیاگری اصول و هنجارهای امت اسلامی، اسلام سیاسی محافظه‌کار غیر دموکراتیک، اقتدارگرا (هویت برساخته ایدئولوژیک) تأکید بر حفظ وضع موجود (رویارویی با ایدئولوژی رقیب خصوصاً تشیع و اخوانی)؛

اسلام اخوانی (ترکیه): غرب‌گرایی، سکولاریسم، محافظه‌کاری، ناسیونالیسم، نقش حداقلی دین، تساهل دینی و مذهبی (تطابق دین با نیازهای جدید با مدرنیته و الگوی لیبرال دموکراسی، تلفیق اسلام و دموکراسی) مردم پایه (با مدل جمهوری دموکراتیک اسلامی) غرب‌گرایی، مهار نفوذ اسلام شیعی، مقابله با محور مقاومت، غرب‌گرایی (تأمین منافع غرب و مدیر یا منافع

غرب در جهان اسلام و بالعکس)، اسلام سیاسی معتدل و عمل‌گرا؛ دموکراتیک اسلامی (هویت اجتماعی، مدنی)، کنسرت قدرت‌های بزرگ و زمینه‌سازی حضور غرب در معادلات منطقه، نظم با پویایی اجتماعی و ایجاد موازنه و افول اسلام سلفی و انقلابی و هژمونی خود در نظم منطقه‌ای؛

شرایط یاد شده حاکی از وجود الگوهای هویتی متعارض و قدرت‌های نوظهور در منطقه غرب آسیاست که عملاً بی‌نظمی امنیتی در منطقه را با مداخله قدرت‌های هژمونی جهانی به دنبال دارد و با کثرت الگوهای هویتی و آشوب منطقه‌ای عملاً منطقه نیازمند یک نظم جدید و گذار از یک دوران رقابتی هویتی است. تأسیس سازمان و نهادهای منطقه‌ای که بتواند نوعی همگرایی بین الگوهای متعدد و متکثر به وجود آورد یکی از راهکارهای اساسی در این زمینه است. تلاش برای تعریف یک هویت مشترک و یک هویت جمعی است تا شکل‌دهی هویت منطقه‌ای مشترک انجام شده و یک "منطقه بودگی" و تشکیل یک "مای" منطقه‌ای شکل گیرد؛ در این شرایط منطقه‌گرایی گفتمانی مهم‌ترین راه برون‌رفت از این وضعیت است.

این اصل، رویکرد بین‌گفتمانی است که بر تکثرگرایی فرهنگی - تمدنی استوار شده است. بایستی یک کل بزرگ مشترک تعریف کرد که میان الگوهای هویتی موجود در منطقه مشترک باشد و آن چیزی نیست جز همان تمدن اسلامی یا به عبارت دیگر تمدن نوین اسلامی (خرمشاد، ۱۳۹۱: ۴۵)؛ متناظر با این اصل، منطقه‌گرایی گفتمانی و تحقق نظم مطلوب منطقه غرب آسیا به‌عنوان مهد اسلام‌گرایی و اسلام‌خواهی را می‌توان با محوریت تمدن اسلامی و تبدیل آن به دال مرکزی گفتمان‌های هویتی در خاورمیانه بازشناخت. تلاش برای حاکم‌سازی نگاه تمدنی (اسلامی) در روابط منطقه‌ای (جهان اسلام) به جای الگوهای هویتی خرد و پراکنده موجود در این راستا قابل بررسی و ارزیابی است.

### نتیجه‌گیری

متغیر هویت به دلیل تأثیرگذاری عمده بر منافع و کنش بازیگران عرصه سیاست خارجی، دارای یک نقش کلیدی در تحقق اجتماع امنیتی منطقه غرب آسیاست. علی‌رغم وجود تشابهات هویتی و امکان نزدیکی و همگرایی کشورهای غرب آسیا، جدال هویتی میان

هویت‌های ناهمگون و متعارض این منطقه به دلیل باورهای خاص و «دگرسازی» موجب شده کنش‌های متفاوتی در عرصه سیاست خارجی بروز و همگرایی و ترتیبات امنیتی برگرفته از اراده جمعی و مشارکت همه کشورها با چالش روبه‌رو شود. شرایط فعلی منطقه غرب آسیا حاصل تشدید رقابت گفتمان‌های نوین در جهان اسلام و این منطقه سیاست و ایجاد یک نظم امنیتی منطقه‌ای را با دشواری مواجه و ضرورت شکل‌گیری یک هویت گفتمانی منطقه‌ای فراگیر را اجتناب‌ناپذیر کرده است. راه‌حل برون‌رفت از شرایط کنونی ترسیم هویت گفتمانی جدید در چهارچوب تمدن اسلامی و بازتعریف دال‌های مرکزی و شناور در گفتمان تمدن اسلامی از جمله اسلام و قرآن است.

ویژگی‌های مشترک فرهنگی - تاریخی مانند زبان، تجربه تاریخی، دین، آداب و رسوم مشترک، وحدت طبیعی و جغرافیایی یکپارچه و وابستگی‌های تمدنی مانند تمدن اسلامی می‌تواند به همگرایی و ترسیم یک نظم امنیت منطقه‌ای کمک نماید. نظام سیاسی ایران با توجه به ظرفیت تأثیرگذاری بر محیط پیرامونی خود یعنی مناطق شیعه‌نشین و اسلامی می‌تواند در زمینه بازسازی تمدن اسلامی و ارتقای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان و احیاء هویت جهان اسلام با شاخص‌هایی همچون حمایت از مستضعفان، نفی گرایش‌های غرب و مبارزه با صهیونیسم گام بردارد.

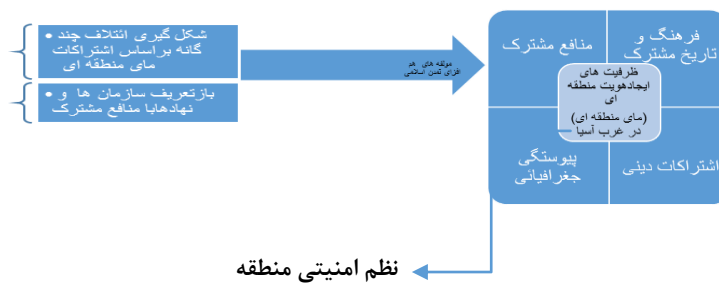
تمدن اسلامی مانند بسیاری از تمدن‌های دیگر، در طول حیات خویش دوره‌های افت و خیز را پشت سر گذاشته و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، در مناطق مختلف جهان اسلام، در چرخش بوده است؛ این تمدن، گاهی در اوج بوده و دوران‌هایی هم بر اثر عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی طبیعی با ضعف و رکود مواجه شده است؛ ولی هرگز به‌طور کامل از میان نرفته است. به‌طور کلی نمی‌توان برای تمدن اسلامی، دوره سکون مطلق و نابودی در نظر گرفت؛ زیرا با وجود سپری کردن دوره‌های ضعف و سستی، همواره در حرکت بوده است (زمانی محجوب، ۱۳۹۰: ۱۲۰ - ۱۱۹).





شکل ۱. مؤلفه‌های هم‌افزایی هویتی در تمدن اسلامی

با توجه به مؤلفه‌های هم‌افزایی تمدن اسلامی می‌توان نسبت به باز تعریف هویت مشترک منطقه‌ای و الگوسازی نظم امنیت منطقه‌ای گام برداشت.



شکل ۲. نقش تمدن اسلامی در ایجاد نظم امنیت منطقه‌ای

بر اساس نتایج تحقیق، رقابت دائمی قدرت‌های منطقه‌ای به منظور کسب اقتدار و رهبری منطقه، ادراکات متفاوت دینی و روایت‌های ایدئولوژیک رقیب در جهان اسلام در قالب شیعه و سنی، موجب دگرسازی و تشدید رقابت‌های هویتی شده و با گسترش نگاه قوم‌محورانه در چارچوب ناسیونالیسم عربی و همچنین تشدید منازعات در قالب رادیکالیسم مذهبی، نوعی سوءظن و عدم اعتماد را در روابط این کشورهای غرب آسیا نهادینه ساخته است، به دنبال داشته است؛ در این روند، کشورهای منطقه با «دگرسازی»، سرنوشت خود را از دیگران متمایز ساخته و معضل «اعتمادسازی» کشورهای منطقه در یک «تعارض بی‌پایان» قرار گرفته است؛ این عدم هماهنگی میان ایده‌ها و هنجارها، دستیابی به نظم امنیتی منطقه‌ای که در آن منافع هریک از کشورها تأمین شود را دشوار می‌نماید. در واقع علت اصلی عدم دستیابی به یک همگرایی و هویت جمعی مشترک و ترتیبات امنیت منطقه‌ای و برساخته شدن نوعی آناژشی در غرب آسیا را می‌باید نه در سطح عوامل مادی بلکه در سطح عوامل غیرمادی و معناگرایانه همچون تعارض در هنجارها، ارزش‌ها، ایدئولوژی و تاریخ و اساساً تمایزات فرهنگی و رقابت هویت‌های رقیب جستجو نمود. این تحقیق، تمدن اسلامی را به دلیل داشتن ظرفیت همگرایی فرهنگی و هویتی مشترک در باورها، هنجارها و انگاره‌ها، به‌عنوان یک الگوی گفتمانی فراگیر هویتی با هدف ایجاد "مای منطقه‌ای هویتی" معرفی نموده است. هویت مشترک که به دنبال سعادت و تعالی، استقرار حکومت‌های مردمی عدالت محور و قوانین برگرفته از تعالیم و مفاهیم قرآن، پاسخگویی به نیازهای متنوع بشری، دوری از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت‌ها و التقاط است، می‌تواند زمینه همکاری، گفتگو و تعامل مثبت و نزدیکی و پذیرش روایت‌های خاص هویتی در منطقه غرب آسیا را فراهم و با تقویت هنجارها و ارزش‌های مشترک بستر را برای همگرایی منطقه‌ای به جای منافع ملی فراهم سازد؛ این روند رقابت هویت گفتمانی را محدود و ضمن انسجام‌بخشی به منافع ملی کشورهای منطقه، شرایط صلح، همگرایی و وحدت امت اسلامی را فراهم می‌کند و زمینه‌ساز ایجاد نظم جدید منطقه‌ای در بستر یک گفتمان فراگیر اسلامی که مورد قبول کشورهای منطقه است، خواهد شد.

## منابع

### فارسی

۱. آقایی، بهمن؛ صفوی، خسرو (۱۳۶۵)، اخوان المسلمین، تهران: نشر رسام.
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات قومس.
۳. استوکر، جری؛ مارش، دیوید (۱۳۸۴)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. استیل، برنت جی (۱۳۹۲)، امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی و محمدعلی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. اسماعیلی، علی؛ نیکو، حمید؛ گل محمدی، مهدی (۱۳۹۱)، مبانی، زمینه‌ها و پیامدهای ژئوپلیتیک بیداری اسلامی، تهران: چاپ اندیشه.
۶. اشرف نظری، علی؛ صیادی، محمد (۱۳۹۴)، اسلام‌گرایی پراگماتیسم و کنش سیاسی در مصر پسا انقلابی سال‌های ۲۰۱۴ - ۲۰۱۱، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره سوم، تابستان.
۷. اشرف، احمد (۱۳۸۳)، «بحران هویت ملی و قومی در ایران؛ هویت، ملیت، قومیت»، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۸. اطهری، سید اسدالله؛ عنایتی شبکلائی، علی؛ حسینی، سید محمدامین (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در عراق و سوریه، دو فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان.
۹. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، «صلح و امنیت بین‌الملل، رویکرد اسلامی»، مجموعه مقالات اسلام و روابط بین‌الملل چارچوب‌های نظری موضوعی و تحلیلی، به اهتمام حسین پور احمدی، چاپ اول: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۱۰. امام جمعه زاده، سید جواد؛ همگان مراد، نادیا (۱۳۹۲)، حفظ هویت ایرانی اسلامی در عرصه جهانی‌سازی بر مبنای تنوری سازه‌نگاری، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، پاییز، شماره ۳۴.
۱۱. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۸)، پیش‌بینی تأثیر انقلاب اسلامی بر خاورمیانه، فصلنامه دانش سیاسی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

۱۲. برنابلدچی، سیروس (۱۳۹۱)، عراق نوین و بایسته‌های استراتژیک ایران، تهران: کانون پژوهش‌های خلیج فارس.
۱۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، تحلیل گفتمان، دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۴. بنارد، چریل (۱۳۸۴)، «اسلام دمکراتیک مدنی، رویکرد آمریکایی»، ترجمه عسگر قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. پاتریک، مورگان (۱۳۸۱)، نظم‌های منطقه‌ای (امنیت سازی در جهان نوین)، ترجمه سید جلال دهقانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. پوراحمدی میدی، حسین؛ ذوالفقاری، عباس (۱۳۹۴)، انواع مدل‌های اسلام سیاسی و تعامل آن‌ها با سیاست جهانی، فصلنامه‌ی هیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، شماره ۴۱.
۱۷. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۶)، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرایند جهانی شدن، همسوی، تقابل یا تعامل، تهران: چاپ و نشر عروج.
۱۸. ترابی، قاسم (۱۳۹۱)، «تحولات جهان عرب و تغییر سیاست منطقه‌ای عربستان»: پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۹. جعفری، سعید؛ محمد، اکبری (۱۳۹۱)، «ظرفیت‌های ترکیه در الگو شدن برای حکومت‌های جدید عربی نگاهی سازه‌انگاران»، فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان.
۲۰. جعفری، محمداکظم (۱۳۸۵)، پروژه ایران هراسی در طرح خاورمیانه جدید آمریکا: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۱. حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.
۲۲. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی-ایرانی الهام‌بخش موج سوم بیداری اسلامی»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۹، شماره ۲۸.
۲۳. خرمشاد، محمدباقر؛ کیانی، نیما (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی - ایرانی الهام‌بخش موج سوم بیداری اسلامی»، فصلنامه‌ی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره مسلسل ۲۸، سال نهم، بهار.
۲۴. داداندیش، پروین؛ کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۹) «بررسی انتقادی نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی قفقاز جنوبی»، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره ۵۶.
۲۵. درویشی، فرهاد، حاجی هاشمی، مرضیه (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی عملکرد دیپلماسی فرهنگی ایران و عربستان در خاورمیانه ۲۰۰۱ - ۲۰۱۵، فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۲۰.
۲۶. راس، اندروال (۱۳۸۴)، تأمین تسلیحات و امنیت ملی، مندرج در امنیت ملی در جهان سوم، ویراستاری: ادوارد آذر و چونگ مون این، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۷. روحی دهبه، مجید (بی‌تا)، مفهوم‌سازی همگرایی در روابط بین‌الملل از منظر سازه‌انگاری (مطالعه‌ی موردی اتحادیه اروپا).

۲۸. زراعت‌پیشه، نجف (۱۳۸۴)، برآورد استراتژیک عربستان سعودی، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران.
۲۹. زمانی محجوب، حبیب (۱۳۹۰)، نوسازی تمدن اسلامی، فصلنامه معرفت سیاسی، شماره اول.
۳۰. سازمند، بهاره (۱۳۹۳)، فرهنگ و حقوق بشر در پرتو جهانی شدن مجله راهبرد، شماره ۳۶.
۳۱. سالم، احمد؛ بسیونی، عمر (۲۰۱۵)، «مابعد السلفیه فی موریتانا و منطقه الساحل الافریقی» فی مجموع باحثین، الظاهره السلفیه، الدوحه: مرکز الجزیره للدراسات.
۳۲. سراج، رضا؛ تاجیک، هادی؛ غفوری، محسن (۱۳۹۲)، بیداری در جهان اسلام؛ مفهوم شناسی اهداف و شاخصه‌ها، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره نوزدهم، تابستان.
۳۳. سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، بی‌تا، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست.
۳۴. شفیعی فر، محمدرضا (۱۳۷۸)، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۳۵. صالحی، حمید (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی، تکوین نظم نوین منطقه‌ای خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۱.
۳۶. صلح‌جو، علی (۱۳۷۷)، گفتمان و ترجمه، تهران: نشر مرکز.
۳۷. عبادی، محسن؛ شذیعتی مزینانی، سارا (۱۳۹۳)، «تحولات آرای اخوانی‌ها از حسن البنائ تا راشد الغنوشی»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره دوم.
۳۸. عوض پور، مهدی؛ میراحمدی، منصور؛ اکوانی، حمداله؛ مختاری، علی (۱۳۹۵)، گفتمان سلفی معاصر در جهان عرب، زمینه‌های خیزش و منظومه معنایی، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هفتم، شماره ۴۴، زمستان.
۳۹. فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۰)، مبانی گفتمانی و رفتاری اسلام‌گرایان ترکیه در حوزه سیاست ورزی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
۴۰. فیاضی، سید علی (۱۳۸۰)، «مردم‌سالاری دین، گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای، کتاب نقد، شماره ۲۰ پاییز زمستان.
۴۱. قدسی، امیر (۱۳۹۱)، تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان.
۴۲. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰)، الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه، فصلنامه قدرت نرم، تهران: سازمان بسیج اساتید، سال اول، شماره ۱.
۴۳. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.
۴۴. قهرمان پور، رحمن (۱۳۸۳)، «تکوین گرایبی، از سیاست بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۴.
۴۵. کاظمی، حمیدرضا (۱۳۹۲۹)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۴۶. کرمی، کامران (۱۳۹۰)، مبانی و اهداف سیاست خارجی عربستان سعودی: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح  
PEACE- IPSC.ORG
۴۷. کریمی، غلامرضا؛ صفی نژاد، ابوالحسن (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی الگوی نوین هویتی در منطقه غرب آسیا، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۶.
۴۸. کسرای، محمد سالار؛ پور شیرازی، علی (۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه؛ ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۳، پاییز.
۴۹. الگار، حامد (۱۳۸۶)، وهابگیری، ترجمه احمد نمایی، چاپ اول: انتشارات آستان قدس رضوی.
۵۰. گل محمدی، احمد (۱۳۹۱)، جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
۵۱. گودرزی، طاهره (۱۳۸۷)، صف‌آرایی کشورهای عربی در قبال جنگ ۲۲ روزه غزه، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال ششم، شماره ۶۹.
۵۲. لیک، دیوید؛ مورگان، پاتریک، (۱۳۸۱)، نظم‌های منطقه‌ای امنیت سازی در جهان نوین، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵۳. متقی، ابراهیم (۱۳۹۲)، راهبرد توسعه بحران، نقش عربستان در رقابت‌های منطقه‌ای، همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۰.
۵۴. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های بین‌الملل، تهران: سمت.
۵۵. مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۵)، سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۴، زمستان.
۵۶. موثقی، سید احمد (۱۳۸۰)، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: سمت.
۵۷. موفه، شانتال (۱۳۸۵)، واسازی، عمل‌گرایی و سیاست دموکراسی در دیکانستراکشن و پراگماتیسم، ترجمه شیوا رویگریان، تهران: گام نو.
۵۸. نجات، سید علی (۱۳۹۶)، بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای، چاپ دوم، تهران: مؤسسه ابرار معاصر
۵۹. نیاکوئی، سید امیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۱)، بازیگران معارض در بحران سوریه، اهداف و رویکردها، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم شماره ۴.
۶۰. والکر، جان؛ چاپلین، مارا (۱۳۸۵)، فرهنگ تصویری، مبانی و مفاهیم، ترجمه حمید گرشاسبی سعید خاموشی: اداره کل پژوهش‌های سیما.
۶۱. وشانی، عادل (۲۰۰۶)، الوصفیه الحدودیه فی القطاع السیامی، صفاقس: مکتبه علا الدین.
۶۲. ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۶۳. هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، سازه‌انگاری از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴.
۶۴. هالیدی، فرد؛ هنیه بوش، ریموند (۱۳۹۰)، «نظریه روابط بین‌الملل و خاورمیانه نو، نظریه و عمل»، ترجمه عسگر قهرمان پور، تهران: امیرکبیر.
۶۵. هی وود، اندرو (۱۳۷۹)، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: وزارت امور خارجه.
۶۶. یزدان فام، محمود (۱۳۹۰)، «تحولات جهان عرب، صورت‌بندی قدرت و هویت در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۲.

#### انگلیسی

1. Blackwell., Oxford, Zizek, Mouffe, New Theories of Discourse: Laclau, (1999), J, tofing.
2. 2001, Hurriyet Daily August 28., T, R, Ergogan.
3. Akdogan, Y. (2003), Muhafazakari Demokrasi, Ankara, Alfa Basim Yayin.
4. Al-qarawee, Harith Hassan (November 2013) "Heightened sectarianism in the middle east: causes, dynamics and consequences", Analysis, (ISPT) no. 205..
5. Bahgat, Gawdat (2003), American Oil Diplomacy In the Persian Gulf and the Caspian sea, university of Floridess.
6. Blaydes, Lisa (2011), "Elections and Distributive politics in Mubarak, s Egypt. Cambridge: university press.
7. Brookings Institution.
8. Cordesman, Anthony H (2009), "The Iraq war: Progress in the Fighting and Security, CSIS, February 18.
9. For the Study of War, November 15.
10. Hassan, Hassan (2013) "The Gulf states: United against Iran, divided over Islamists", In: The Regional Struggle for Syria, edited by Julien Barnes-Dacey and Daniel Levy, European Council on Foreign Relations.
11. Laclau, E, and c. Mouffe (1985). Hegemony and socialist strategy, London, verso.
12. Lewis, Jessica (2013), Further Indications of al-Qaeda, s Advance in Iraq, Washington: Institute
13. Mitzen, Jenifer (2004), Ontological security in world politics and implications for the study of European security, Paper for the cidle workshope, Oslo.
14. Mitzen, Jennifer (2006) "Ontological Security on World politics ...European Journal of International Relations, Vol. 12(3): pp 370 - 341.
15. Pollack, Kenneth (2015), The Dangers of the Arab Intervention in Yemen, Washington Dc:
16. Pollack, Kenneth (2015), The Dangers of the Arab Intervention in Yemen, Washington DC: Brookings Institution
17. pp:433-448. 33(3). International Journal of Middle East Studies, Globalization and political Islam: the social Bases of Turkey's welfare Party", H. (2001), Gulalp.
18. Walker, Martin (2006). "The Revenge of the Shia", Wilson quarterly utumn.

19. Wendt, Alexander (1992). Anarchy is What States Make It: The Social Construction Of Power Politics Construction of Power Politics. *International Organization* 46, no. 2.
20. Zalewski, Piotr (2011), Islamic evolution, *Foreign Policy*, August 11: Available at: [www.foreignpolicy.com/11/08/2011/islamic\\_evolution](http://www.foreignpolicy.com/11/08/2011/islamic_evolution).



## پردازش دلایل دگردیسی در سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه

حمید درج<sup>۱</sup>

حسین مسعودنیا<sup>۲</sup>

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۱۴

### چکیده

ترکیه یکی از اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای تأثیرگذار در بحران سوریه است؛ این کشور از زمان شروع بحران سوریه با تغییر بنیادین در سیاست‌های خود در قبال سوریه و با حمایت همه‌جانبه از گروه‌های ترس افکن (تروریست) و بازگذاشتن مرزهای خود به روی تکفیری‌ها سعی در سرنگونی نظام دمشق را داشت تا شاید امپراطوری نوعثمانی خود را احیاء کند؛ اما سیر تحولات سوریه و ترس مقامات ترک از سرایت ناامنی‌های این کشور به درون مرزهای خود و همچنین شکل‌گیری مدل حکومتی شبیه به عراق در سوریه، آنکارا را به چرخش در سیاست‌های خود در قبال تحولات سوریه واداشته است و در جهت اهداف و منافع منطقه‌ای خود سیاست همراهی و نزدیکی با ایران و روسیه را در پیش گرفته است. سؤال اصلی پژوهش این است که دلایل چرخش در سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه از جنگ به دیپلماسی و همراهی با رویکرد حل دیپلماتیک بحران در چیست؟ فرضیه مقاله این است که ناکامی در میدان جنگ، بروز شکاف در اردوگاه ترکیه با متحدین منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود همراه با تفوق نیروهای مخالف به رهبری ایران و روسیه در میدان عمل، مهم‌ترین دلایل چرخش در سیاست خارجی ترکیه بوده است؛ برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی استفاده شده است.

### کلید واژه‌ها

ترکیه، بحران سوریه، پساداعش، نوعثمانی‌گرایی.

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان hamid.dorj@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

## مقدمه

در شرایطی که منطقه غرب آسیا با توفانی از تغییرات انقلابی مواجه بوده و اکثر کشورهای آن با بحران‌های متعدد دست و پنجه نرم می‌کنند، ترکیه به یکی از فعال‌ترین و اثرگذارترین کشورهای منطقه تبدیل شده است؛ ایفای چنین نقشی به هیچ وجه اتفاقی نبوده و ناشی از درک مقامات ترک از وضعیت منطقه و تلاش برای استفاده از فرصت‌ها برای پیش افتادن در رقابت‌های منطقه‌ای و تسهیل عضویت خویش در اتحادیه اروپا است. سیاست خارجی ترکیه تا قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور، وابستگی شدیدی به غرب داشت و نسبت به تحولات محیطی خود، به ویژه در حوزه غرب آسیا و جهان اسلام ابتکار عمل معناداری نداشت؛ اما بعد از سال ۲۰۰۳، رویکرد سیاست خارجی ترکیه چندجانبه‌گرایی را جایگزین غرب‌گرایی محض کرد و در این راه، دستاوردهایی در حوزه‌های مختلف داشت؛ زیرا اساس این سیاست تا سال ۲۰۱۰ بر مبنای «صفر کردن مشکلات با همسایگان» و پیگیری یک بازی برد-برد بود. سوریه از اواسط مارس ۲۰۱۰ به بعد جدیدی از تنش‌های منطقه‌ای تبدیل شد و واکنش کشورهای مختلف را در پی داشت. موضع ترکیه در قبال تحولات داخلی سوریه در ابتدا به صورت دموکراتیک و در جهت ایجاد اصلاحات سیاسی بود؛ اما به تدریج پس از چند هفته با شدت گرفتن بحران و خشونت‌آمیز شدن اعتراضات در سوریه مواضع ترکیه تندتر شد و به مرحله اولتیماتوم رسید؛ بدین منظور ترک‌ها پا را فراتر نهادند و علاوه بر پذیرفتن چندین هزار آواره سوری در مرزهای خود، به مخالفان دولت اجازه دادند؛ چندین نشست در شهرهای آنتالیا و استانبول برگزار کنند؛ اردوغان نیز ضمن هشدار جدی به بشار اسد، به او متذکر شد که مسائل سوریه مربوط به سیاست خارجی یا همسایگی ما نیست، بلکه اهمیت آن در سطح داخلی ترکیه است. ترکیه در محاصره اقتصادی بشار اسد کوتاهی نکرد و بارها با دادن هشدارهای شدیدالحن به دولت سوریه هشدار داد تا راهی برای پایان دادن به خونریزی‌ها بیابد؛ اما امروزه رهبران ترکیه به این باور رسیده‌اند که سمت و سوی تحولات در سوریه درست در نقطه مقابل نیت راهبردی‌شان حرکت کرده است. ترکیه که ابتدا تصور می‌کرد با مدیریت بحران می‌تواند سمت‌وسوی تحولات در سوریه را در جهت خواسته‌های ژئوپلیتیکی خود هدایت کند، در

ادامه نظاره‌گر بروز تهدیدات متنوعی همچون خیزش کردها و بازگشت نیروهای تروریستی به درون خاک خود شد؛ بدین‌سان موازنه قدرت در سوریه به وضوح شکست فاحش سیاست‌های ترکیه را عیان کرد. هر دو دشمن ترکیه (دولت اسد و کردهای سوریه) به صحنه‌گردان اصلی ماجرا در سوریه تبدیل شدند؛ هم‌اکنون نیروهای ائتلاف دموکراتیک سوریه که عموماً تشکیل یافته از مبارزان محلی کرد هستند، جلودار مبارزه با داعش در سوریه شده‌اند. ترکیه چون در گذشته در طیف مخالفان بشار اسد بود و بر کناره‌گیری اسد از اریکه قدرت پافشاری می‌کرد، هم‌اکنون در تلاش است با سیاست‌های جدید به سوریه و حکومت سوریه نزدیک شود و در کنار ایران و روسیه راه حل دیپلماتیک را برای پایان بحران سوریه دنبال می‌کند. به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران در صورت سقوط اسد در سوریه خلاً قدرت بزرگی در این کشور پدید خواهد آمد که می‌تواند زمینه قدرت‌گیری گروه‌های شبه‌نظامی سلفی و یا گروه‌های افراطی کرد را فراهم کند که این امر با منافع ملی ترکیه در تضاد خواهد بود.

### روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی استفاده شده است؛ که در آن به طبقه‌بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود تا از این طریق، فرضیه پژوهش آزموده شود؛ از نظر ماهیت این پژوهش از نوع توصیفی، تحلیلی است.

### چارچوب نظری پژوهش: نظریه سازه‌انگاری

سازه‌انگاری از جمله نظریات دارای هستی‌شناسی ضد ماتریالیستی است که با رویکردی انتقادی معتقد است رویکردهای خردگرا به دلیل کم‌توجهی به عنصر فرهنگ و مجموع انگاره‌ها در تحلیل مسائل پیرامون دچار نقصان می‌باشند و برای تفسیری جامع از عرصه بین‌المللی باید انگاره‌ها، قواعد، هنجارها و فرهنگ را نیز دخیل دانست (Lupovici, 2009:18). سازه‌انگاری عنوان می‌کند، بازیگران بر حسب معانی ذهنی، زبان و باورهای خود (که برآمده از تلقی‌های هویتی آنهاست) دست به کنش متقابل می‌زنند که طبق آن واقعیت را می‌سازند و خود نیز ساخته می‌شوند. نتیجه طبیعی این مسئله در بررسی رفتار سیاست خارجی یک کشور

این است که یک دولت بر اساس نوع تعریف از هویت خود، جهان اطراف خود را تعریف می‌کند و بر اساس آن دست به کنش می‌زند و در این کنش واقعیت نظام بین‌المللی را می‌سازد و متقابلاً خود نیز ساخته می‌شود (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

از نظر سازه‌انگاران، هویت عاملی است که این امکان را در اختیار ملت‌ها قرار می‌دهد تا پیرامون خود را تفسیر نمایند، نسبت به تکلیف موجودیت‌های اطراف خود اقدام نموده و برخی را دوست و برخی را دشمن بپندارند؛ با این ذهنیات است که دولت‌ها اقدام به ائتلاف یا معاوضه، حفظ و یا تغییر وضعیت موجود می‌نمایند (سلیمی و شریعتی، ۱۳۹۳: ۷۶).

تحلیل سازه‌انگاران از سوی دیگر متوجه تأثیر تاریخ در شکل دادن به سیاست خارجی نیز هست؛ در این راستا سازه‌انگاری معتقد است که هویت یک دولت با ارجاعاتی ارزشی به گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد. دولت‌ها و دولتمردان با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص و ویژه، آن را پیشوانه عملکرد امروزی خود قرار می‌دهند. بدون شک تحلیل سازه‌انگاران از سیاست خارجی به دنبال کنار گذاشتن الگوی سنتی نیست بلکه با گرفتن وسایل تحلیل آن، به زنده کردن روشمند نقش باورها و الگوهای ذهنی و هنجارها در تحلیل سیاست خارجی می‌پردازد (ونت، ۱۳۸۴).

در این چارچوب می‌توان گفت پس از آغاز تحولات در سوریه، ترکیه کوشیده است نقش پررنگی را در تحولات و پرونده سوریه به عهده گیرد؛ نقشی که این کشور را اکنون به یکی از بازیگران اصلی و منطقه‌ای پرونده سوریه تبدیل کرده است. ترکیه در ماه‌های آغازین بحران سوریه به دنبال جایگزینی رژیم اسد با رژیمی سازگار با منافع ملی این کشور - همچون عراق برای ایران - بود تا از این طریق، نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد؛ این نوع ذهنیت ترکیه در چارچوب تفکر نعثمانی‌گرایی ترکیه مبنی بر افزایش قدرت منطقه‌ای و تبدیل شدن به بازیگر مرکزی می‌گنجد (قربانی و احمدی، ۱۳۹۳: ۳۸).

البته شایان توجه است که پس از ناکامی ترکیه در سقوط دولت اسد، این کشور اکنون نگاه متفاوتی نسبت به بحران مزبور در مقایسه با سال‌های اولیه بحران دارد؛ از سویی دیگر، محور مقاومت معادله‌های میدانی را در تحولات سوریه تغییر داده و سیاست‌ها و برنامه‌های ترکیه و متحدان منطقه‌ای آن را با چالش جدی مواجه کرده است؛ لذا از رویکرد تهاجمی ترکیه نسبت

به بحران سوریه بسیار کاسته شده و دولت ترکیه را بیش از پیش ترغیب کرده است در همکاری‌های منطقه‌ای برای حل بحران مزبور - و نه راهکارهای غربی برای حل این بحران - شرکت کند؛ حضور این کشور در مذاکرات دوره‌ای در آستانه قزاقستان و همکاری با ایران و روسیه در جهت رسیدن به یک راه‌حل اساسی برای پایان بحران سوریه را باید در این خصوص دانست.

#### پیشینه و رویکرد کلان سیاست خارجی ترکیه

با نگاهی به گذشته در می‌یابیم که در طی بخش اعظمی از قرن بیستم، از زمان استقرار جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ این کشور سیاست خارجی خود را بر مبنای اصول کمالیسم، سکولاریسم و غرب‌گرایی بنیان نهاد؛ هر چند ترکیه در منطقه غرب آسیا قرار گرفته و از نظر ژئوپلیتیکی به این منطقه نزدیک بود، اما سیاست فعالی را در منطقه پیگیری نمی‌کرد. تلاش برای نوسازی و توسعه ترکیه در گفتمان کمالیسم به عنوان ایده اصلی در نظر گرفته می‌شد؛ همین عامل، شکل‌دهنده سیاست خارجی و داخلی ترکیه بود؛ در قالب همین گفتمان توسعه‌گرا بود که ترکیه سیاست خارجی خود و روابط با کشورهای دیگر را تعریف می‌کرد. کشورهای غربی به عنوان نماد توسعه و نوسازی، کشورهایی بودند که ترکیه می‌بایست روابط خود با آن‌ها را تحکیم می‌کرد؛ در این گفتمان، غرب به عنوان دوست و متحد ترکیه تعریف می‌شد؛ ترکیه کشوری غربی است و می‌باید با کشورهای غربی همراهی کند (محمد شریفی و دارابی منش، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

این کشور دارای روابط حداقلی با دولت‌های تازه استقلال یافته غرب آسیا بوده و به لحاظ سیاسی، مشی انزواطلبی و عدم دخالت را نسبت به اکثر دولت‌های غرب آسیا در پیش گرفته بود؛ قطب‌بندی زمان جنگ سرد، این بیگانگی و اجتناب‌گرایی (عمدتاً بر مبنای هویت) ترکیه را تقویت کرد؛ به جز چند پیمان محدود در دوران جنگ سرد، شامل پیمان‌های بغداد و سعدآباد و همکاری‌های اقتصادی، مانند روابط اقتصادی با منطقه بعد از بحران نفت، دولت ترکیه دهه‌ها دوری از غرب آسیا را دنبال می‌کرد و برقراری روابط دوستانه با دولت‌های غرب آسیا را تهدیدی احتمالی برای غربی شدن خود می‌دانست (Kanat, 2010: 209)؛ بر این اساس،

سیاست غربی شدن ترکیه بر اساس شعار معروف آتاتورک که «ما از شرق آمده‌ایم اما به سوی غرب می‌رویم» در دستور کار رهبران قرار گرفت و پس از جنگ جهانی دوم تا ۱۹۸۰ سیاست خارجی ترکیه تابعی از سیاست خارجی بلوک غرب بود (گوهری‌مقدم و مددلو، ۱۳۹۵: ۱۲۸). اولین دگرگونی در سیاست خارجی ترکیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ رخ داد؛ زمانی که اوزال بنیاد فلسفه جدیدی را در سیاست خارجی ترکیه موسوم به نوعثمانی‌گری بنا نهاد؛ فلسفه‌وی تغییر پارادایم از کمالیسم موجود به حداکثرسازی صلح در داخل و صلح در خارج از طریق ایفای نقش فعال ترکیه و سیاست خارجی متنوع در منطقه بر اساس میراث تاریخی عثمانی بود. منطقه‌ای که زمانی حوزه نفوذ دولت عثمانی بود و ترکیه امروز سعی کرده است حوزه نفوذ خود را در این مناطق توسعه دهد (Murinson, 2006: 947). در سیاست خارجی جدید، ترکیه درصدد استفاده از قدرت نرم و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سرزمین‌های سابق امپراطوری عثمانی است (Taspinar, 2012: 132)؛ این تحولات به صورت عمده تحت تأثیر دو عامل شکل گرفته‌اند: اولین عامل تغییرات ایجاد شده در فضای سیاسی - امنیتی و بین‌المللی ترکیه می‌باشد و عامل دیگر تغییرات ایجاد شده در نخبگان تصمیم‌گیر در عرصه سیاست داخلی و خارجی ترکیه در پی در دست گرفتن قدرت توسط اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ میلادی می‌باشد (چگنی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۷۸). دستگاه سیاست خارجی ترکیه در پی این است که بتواند نقص خود را در غرب آسیا که ناشی از عدم حضور فعال در این منطقه و آسیا بوده بر طرف کرده و نقش فعال‌تری داشته باشد و بالتبع آن جایگاه منطقه‌ای و جهانی خود را نسبت به گذشته افزایش دهد؛ از این رهگذر سر فصل‌های مورد نظر سیاست خارجی جدید ترکیه را می‌توان افزایش استقلال عمل در سیاست خارجی، حل مشکلات ترکیه با همسایگان، افزایش نقش و تعاملات منطقه‌ای ترکیه و افزایش نگاه به شرق در سیاست خارجی برشمرد؛ علاوه بر این موارد ترکیه سیاست خارجی چند وجهی و بازی با همه بازیگران را در دستور کار دستگاه دیپلماسی خود قرار داده است (قرشی، ۱۳۹۱: ۲-۱). از منظر دولتمردان حزب عدالت و توسعه، ترکیه برای رسیدن به اهداف تعریف شده بلندمدت خود باید به سمت حل مشکلات خود با همسایگان حرکت کند. ترکیه نه تنها با همه بازیگران، بلکه باید با همه سازمان‌های بین‌المللی تعامل سازنده داشته باشد و در آن‌ها حضور مؤثر پیدا

کند و از این امر برای افزایش عمق راهبردی ترکیه بهره گیرد (بطحایی اصل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۰). سیاست خارجی ترکیه تحت رهبری حزب عدالت و توسعه، همواره ابعادی چندگانه را دنبال کرده است؛ این کشور سیاست خارجی خود را با محوریت تمرکز بر روی گسترش روابط با غرب و پیوستن به اتحادیه اروپا، توجه به تحولات غرب آسیا و آمریکا بنا نهاد. رهبران ترکیه، تصویر کشوری را در سر می‌پرورانند که روابط «ژئوپلیتیکی» و «استراتژیکی» آن، عمیق‌تر و گسترده‌تر از توان نظامی آن باشد (Rabasa & Larrabee, 2008:77).

از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، احمد داوود اوغلو، تئورسین اصلی سیاست خارجی این حزب شناخته شد. داوود اوغلو، نخست‌وزیر سابق ترکیه، مهم‌ترین دیدگاه‌های خود را در قالب دو گفتمان «عمق استراتژیک» و «به صفر رساندن اختلاف‌ها با همسایگان» عرضه کرده است. دکترین «عمق استراتژیک» که در کتابی به همین نام منتشر شده است، می‌گوید: «ارزش یک کشور در روابط بین‌الملل از موقعیت ژئواستراتژیک و عمق تاریخی آن نشئت می‌گیرد؛ هسته اصلی این دکترین را ژئوپولیتیک تشکیل می‌دهد و مؤلفه‌های دیگری چون تأکید بر قدرت نرم، تلاش برای میانجیگری و حل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اتخاذ راهبرد برد - برد در ارتباط با دیگر کشورها، این دکترین را تکمیل می‌کند» (Davutoglu, 2008: 78). در عین حال که رهبران ترکیه در نظر دارند تا به تعادل در مقابل وابستگی‌هایشان نسبت به غرب برسند، از طرفی نیز در داخل، ترکیه در حال بازگشت به هویت اصیل و تاریخی خود و یادآوری ترکیه‌ای که وارث یک امپراطوری چندملیتی بوده، هستند؛ از این رهگذر کوشش ترکیه صرفاً در طرح اسلامیزه کردن ترکیه و سیاست خارجی‌اش خلاصه نشده، بلکه کوشش برای ایجاد تعدیل کمالیسم در راستای واقعیت‌های ژئوپلیتیکی این کشور را نیز مدنظر قرار داده است (قهرمان‌پور، ۱۳۸۹: ۷۸). بسیاری از تحلیلگران بر این اعتقادند که ترکیه انقلاب‌های مردمی در کشورهای غرب آسیا و نیز ناآرامی‌های سیاسی در سوریه را به منزله فرصتی برای پیشبرد راهبرد کلان خود برای تبدیل شدن به بازیگری مهم در معادلات غرب آسیا قلمداد می‌کند. موضع‌گیری‌ها و عملکرد نخبگان حزب عدالت و توسعه حاکی از آن است که رهبران این کشور در تلاش برای رهبری جهان اسلام و ارائه مدلی جایگزین از اسلام سیاسی هستند که با برداشت جمهوری اسلامی ایران از اسلام متفاوت است؛ در این

خصوصاً تأکید بر هویت اسلامی دولت آنکارا و پیوندهای عمیق آن با جهان اسلام و ترمیم نگاه مسلمانان به ترکیه از یک سو و نزدیکی با جهان غرب و اروپا از سوی دیگر مورد توجه قرار گرفته است؛ این دو راهبرد با اهمیتی یکسان از سوی رهبران سیاسی آنکارا تعقیب می‌شوند. در تحکیم مناسبات ترکیه با کشورهای اسلامی و انجام پاره‌ای اقدامات که نزد افکار عمومی جهان اسلام مطلوب جلوه کند، آنکارا به دنبال آن است که عظمت گذشته امپراتوری عثمانی را در هیئتی جدید و با مختصات نوین بازآفرینی کند (Kieffer, 2011:5)؛ شاید به دلیل همین تأکید بر هویت و سیاست خارجی عثمانی است که برخی از منتقدان داوود اوغلو را ترویج‌دهنده نوعی عثمانی‌گرایی جدید یا احیای تاریخی نفوذ امپراتوری عثمانی در سیاست خارجی ترکیه می‌دانند (اطهری، ۱۳۹۲: ۱).

ترکیه قبل از بهار عربی سه نقش را در منطقه ایفاء کرد و سیاست خارجی خود را بر این اساس ساماندهی کرد: «مدافع مذهب، رهبری منطقه‌ای، حامی آزادی بخش». ترکیه نه تنها قبل از بهار عربی مدعی دفاع از اسلام و سازگاری آن با اصول دموکراسی بود؛ بلکه همچنین نقش رهبر منطقه را با ترسیم و به نمایش گذاشتن اصلاحات اقتصادی و سیاسی خود به عنوان یک کشور مسلمان دنبال کرد و آن را به عنوان راه‌حلی برای جهان اسلام معرفی کرد؛ رهبران ترک این دو نقش را بعد از بهار عربی نیز دنبال کردند. ترکیه با معرفی خود به عنوان حامی رهایی‌بخش، خود را قهرمان آرمان‌های کشورهای عربی و اسلامی و به خصوص حامی فلسطین معرفی کرد و بعد از انقلاب‌های سال ۲۰۱۱، به عنوان رهایی‌بخش، از شورش‌ها و ناامنی‌ها در سوریه علیه دولت اسد حمایت کرد. نخبگان سیاسی ترکیه پس از بهار عربی، تحولات بیداری اسلامی را به مثابه دگرگونی ژئوپولیتیکی دیدند که منجر به نظم منطقه‌ای جدید می‌شود؛ آن‌ها به سیاست خارجی خود مبنی بر دفاع از اسلام سیاسی (لیبرال)، حمایت از جنبش‌های بهار عربی و احزاب اسلامی، ارائه و معرفی موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی خود به عنوان یک کشور مسلمان و تشکیل رابطه نزدیک با مصر به عنوان محور نظم منطقه‌ای جدید را ادامه دادند (Zaarour, 2018: 46). داوود اوغلو، در اجلاس وزرای خارجه اتحادیه عرب در مارس ۲۰۱۰ گفت: «ما تلاش می‌کنیم یک همگرایی منطقه‌ای از طریق افزایش دیالوگ سیاسی، افزایش وابستگی درونی اقتصادی که منجر به یکپارچگی اقتصادی و تشدید



تعاملات فرهنگی شود را ایجاد کنیم. در تلاش خود نه دنبال پرستیژ هستیم و نه منافع فردی. هدف ما ترویج و ارتقای مالکیت منطقه‌ای و رویکرد منطقه‌ای واحد است؛ این به طور خاص برای دستیابی به راه‌حل‌های عملی، برای حل مسائل جاری در غرب آسیا که همه ما را تحت تأثیر قرار داده است، مهم است». او غلو تصریح داشت: «نظم منطقه‌ای جدید نمی‌تواند خالصاً یا کاملاً اتحادیه و نظم عربی باشد؛ چون مردمان غیر عرب نظیر ترک‌ها، کردها و ایرانی‌ها در منطقه نیز وجود دارد یا اینکه این نظم نمی‌تواند خالصاً اسلامی باشد؛ چون مسیحیان در مصر، ترکیه، سوریه و ایران نیز زندگی می‌کنند و همچنین نمی‌تواند عثمانی‌گری باشد؛ چون عثمانی‌گری متعلق به گذشته است (Nawfal & Candar, 2013: 97- 98). چارچوب‌های ایدئولوژیکی و استراتژیکی ناصریسم و بعثیسم که در طول جنگ سرد بر جهان عرب حکمرانی کردند، ارزش‌ها و نمادهای خود را امروز از دست داده‌اند و لذا جهان عرب نیازمند نظم جدید است (Davutoglu, 2010: 399).

ترکیه رویکرد چندگانه‌ای در مسیر ایجاد نظم منطقه‌ای جدید اتخاذ کرد و نقش برجسته‌ای را ایفاء کرد و اسلام سیاسی یک عامل وحدت‌بخش در ایجاد این نظم است؛ لذا، ابتدا از مردم عرب به طور کل و شورشیان و آوارگان سوریه به طور خاص در بهار عربی حمایت کرد؛ چنین حمایتی صرفاً با انگیزه انسان دوستانه صورت نگرفت؛ بلکه ناشی از باور شناختی ترکیه به نقش خود در حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش و وظیفه تاریخی خود نسبت به جهان عرب ناشی می‌شود. دوم اینکه از احزاب اسلامی به ویژه اخوان المسلمین در کشورهای دستخوش دگرگونی حمایت کرد. هدف ترکیه معرفی خود به عنوان یک الگوی الهام‌بخش برای کشورهای درگیر بهار عربی بود و نیز قصد داشت به غرب نشان دهد که احزاب اسلامی می‌توانند به موفقیت سیاسی و اقتصادی در کشورهای خودشان با تاسی از الگوی ترکیه دست یابند (Zaarour, 2018: 88- 89)؛ به هر حال سیاست‌گذاران ترک می‌کوشند الگویی از مناسبات منطقه‌ای را تدوین و عملیاتی کنند که اول، نقش موازنه‌گرا در منطقه داشته باشند و دوم در سطح کلان هم بتوانند گفتمان و منافع مسلمانان را در دنیای غرب و منافع غرب و مسیحیان را در دنیای شرق و اسلامی مدیریت کنند.

## ترکیه و چرخش در سیاست‌های خود نسبت به بحران سوریه

سیاست خارجی ترکیه نسبت به سوریه تا قبل از شروع اعتراض‌ها در این کشور، دوستانه و راهبردی بود؛ در این چارچوب، ترکیه پست مرزی جدیدی با سوریه در سال ۲۰۰۹ ایجاد کرد؛ تلاش‌هایی برای پاکسازی سرزمین‌های آلوده به مین در مرزهای دو کشور در طول جنگ سرد نیز انجام شد؛ خط راه آهن بین ترکیه، سوریه و عراق بهبود یافت و در سال ۲۰۰۹ مجدداً مورد بهره‌برداری قرار گرفت؛ قطار سریع‌السیر بین مراکز تجاری غازی عینتاب در جنوب شرق ترکیه و حلب در شمال سوریه نیز برنامه‌ریزی شده بود؛ برای ترکیه چنین همکاری‌هایی دو کارکرد مضاعف داشت: نخست، ابزاری برای حل منازعات و صلح‌سازی بود و دوم، این استقلال‌گرایی اقتصادی، بازارهای جدیدی را بر روی تجار ترکیه می‌گشود (Zaarour, 2018: 27)؛ لذا طی دهه گذشته در چارچوب سیاست منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه، فصل جدیدی از روابط در ابعاد مختلف، میان دو کشور سوریه و ترکیه ایجاد گردید؛ با آغاز اعتراضات سال ۲۰۱۱ در سوریه، دولت ترکیه به رهبری اردوغان سعی داشت به نوعی نقش میانجی‌گرایانه را ایفاء کند. دولت ترکیه ضمن حمایت از اصلاحات، با اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه سوریه در مراحل اولیه بحران مخالفت کرد؛ اما با ادامه روند اعتراضات در سوریه، سیاست میانجی‌گرانه دولت ترکیه به سمت فشار دیپلماتیک بر دولت اسد به منظور انجام اصلاحات دموکراتیک و توجه به خواسته‌های معترضان گرایش یافت و نوعی لحن آمرانه پیدا کرد (schenker, 2009: 3-4)؛ در پی اتخاذ این راهبرد نو، ترکیه سعی کرد اقدامات عملی با بحران سوریه اتخاذ کند؛ بر این اساس آنکارا کاربرد لفاظی‌ها علیه سوریه را متوقف کرد و عمدتاً خود را مشغول درگیری با شبه‌نظامیان کرد و حمایت مخفی و آشکار از مخالفان اسد کرد (D'Alema, 2017: 13)؛ این موضع‌گیری‌ها و دخالت‌های دولت ترکیه در امور سوریه باعث شد تا دولت سوریه طی بیانیه‌ای، "عمر آن‌هان"، سفیر ترکیه در این کشور را عنصر نامطلوب اعلام کند؛ در پی این اقدام، دولت ترکیه سفارت خود را در دمشق تعطیل کرد و اردوغان نیز اعلام کرد: «دولت اسد به دلیل از دست دادن مشروعیت خود نزد مردم، به زودی سقوط خواهد کرد» (دانش‌نیا و هاشمی، ۱۳۹۴: ۵۸). داوود اغلو در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۳

می‌گوید: «ترکیه مرزهای خود را برای کمک به توسعه یک طبقه متوسط در سوریه از طریق ابزارهای مسالمت‌آمیز باز کرده است؛ ما امیدواریم که از این طریق در سوریه تغییر ایجاد شود؛ ما هرگز خواهان شورش و یا استفاده از لفظ بی‌ثبات‌سازی در هیچ کشوری نیستیم. چون دیدیم آنچه که در عراق اتفاق افتاد، دموکراسی تحمیلی نمی‌تواند راه‌حل مسائل باشد و تغییر از درون می‌جوشد» (Nawfal & Candar, 2013: 99).

موشه مائوز<sup>۱</sup>، تغییر در سیاست خارجی ترکیه نسبت به سوریه را به افزایش رقابت و منازعه ژئوراهبردی منطقه‌ای بین ایران و ترکیه نسبت داد. پیروزی اخوان‌المسلمین در مصر فرصتی برای ترکیه فراهم کرد تا با مصر وارد شراکت و همکاری شود. مائوز به نقل از داود اوغلو در سال ۲۰۱۱ گفت: «چنین مشارکتی با مصر می‌تواند یک محور دموکراتیک جدید قدرت ایجاد کند که در نتیجه آن تلاش‌های ایران برای ایجاد هلال شیعی و کنترل منابع نفت در خلیج فارس را محدود و مهار خواهد ساخت. لذا، دلیل تغییر سیاست ترکیه نسبت به سوریه و تأکید اردوغان مبنی بر تغییر رژیم با هدف انسان دوستانه نبوده؛ بلکه اهداف دیگری از جمله تأسیس دولت سنی اخوانی در سوریه بود؛ تا به محور قدرت مصر و ترکیه ملحق شود و نفوذ ایران در منطقه و سوریه را کاهش دهد؛ در واقع به نوعی به دنبال ایجاد محور مقاومت سنی علیه محور مقاومت شیعی بود؛ جمال واکیم<sup>۲</sup> نیز تغییر سیاست خارجی ترکیه نسبت به سوریه و تحولات منطقه را ناشی از خواست آمریکا می‌داند؛ وی معتقد است: «آمریکا به دنبال این است که ترکیه و کشورهای عرب از جمله عربستان دسترسی روسیه، چین و ایران به مدیترانه شرقی یا اقیانوس هند را محدود و مسدود نماید. آمریکا نگران است که اوراسیا دارای برنامه‌ها و طرح‌هایی جهت کنترل غرب آسیا از طریق ایران است؛ از این رو به حمایت از شورشیان و گروه‌های تروریستی در سوریه با کمک ترکیه و دیگر رژیم‌های عربی محافظه‌کار پرداخت؛ البته تلاش زیادی صورت گرفت تا بشار اسد پیوندهای کشورش با ایران را قطع کند؛ ولی موفق نشدند؛ لذا به ایجاد شورش و بی‌ثباتی در سوریه پرداختند (Zaarour, 2018: 49). ترکیه با اوج‌گیری شورش‌ها در سوریه تلاش چند ساله خود را در زمینه

1. Moshe Maus  
2. Jamal Wakim

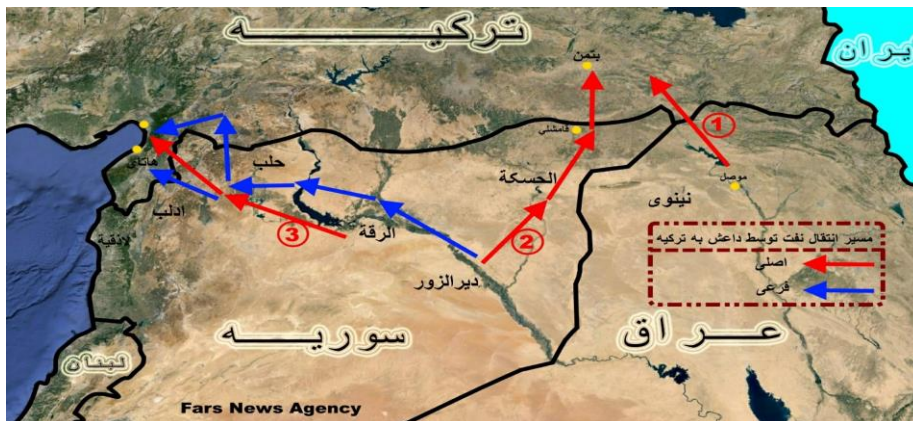
تنش‌زدایی با سوریه فراموش و تبدیل به مهم‌ترین طرفدار براندازی دولت سوریه شد؛ این کشور در بحران سوریه خود را با روند غربی - عربی همراه کرد. هواپیماهای جنگی ترکیه به بهانه اینکه ترکیه بخشی از ساختار ناتو است، در اختیار غرب قرار گرفت و ترکیه به پای ثابت تخریب مهم‌ترین دژ ضد اسرائیلی جهان عرب، یعنی سوریه، تبدیل گردید؛ این سیاست آنکارا از سوی مخالفانش به عنوان قمار بزرگ نام گرفته است (شریفیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۷ - ۱۰۶).

براساس دیدگاه سازه‌انگاری باید گفت که بین هویت و رفتارهای خاص بازیگران ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ چون هر بازیگری در رابطه با سایر بازیگران و درباره آن‌ها برداشت خاصی دارد و بر اساس همین برداشت‌ها است که منافع خاصی تولید کرده و تعامل می‌کند؛ بدین منظور آنکارا بر این نظر است که اگر بشار اسد همچنان بر سر قدرت باشد، موازنه بین ایران، عراق و سوریه، دسترسی ترکیه به جنوب شرق آسیا را با مشکل مواجه می‌کند. ترکیه بر این تصور بوده است که با تغییر نظام حکومتی در سوریه و روی کار آمدن دولتی نزدیک و همگرا، می‌تواند حوزه نفوذ خود را در منطقه غرب آسیا و شرق مدیترانه گسترش دهد؛ به همین دلیل، سیاست خارجی این کشور برای اینکه در آینده جای پای محکمی در سوریه برای خود ایجاد کند، به حمایت از مخالفان بشار اسد پرداخته است (کوچک‌زاده‌تهمتن و گودرزی، ۱۳۹۷: ۱۵۸)؛ تا بدین وسیله دولت اسد را که به عنوان عمق راهبردی گسترش و توسعه شیعیان از آن یاد می‌شود، منزوی و سرنگون کند. ترکیه حتی در جریان حمله موشکی آمریکا در ۷ آوریل ۲۰۱۷ به پایگاه نظامی بشار اسد، از اقدام آمریکا حمایت و آن را موجب امنیت و ثبات منطقه دانست. بحران سوریه محلی برای کشاکش قدرت، حذف ایدئولوژی‌های رقیب و ایجاد متحدان منطقه‌ای برای ترکیه است که از این نظر موجب تقویت نگاه منطقه‌ای ترکیه شده است (جوادی‌فتحی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۹). روی کار آمدن دولت متحد ترکیه در سوریه به منزله ارتقای جایگاه ترک‌ها در موازنه قدرت منطقه‌ای است. ترکیه تاکنون در حوزه مدیترانه نقش فعالی ایفاء نکرده است؛ بنابراین گسترش نفوذ در نتیجه تغییر رژیم در سوریه می‌تواند ضمن کاهش نقش ایران و محور مقاومت به افزایش نقش ترکیه در منطقه بینجامد که جایگاه منطقه‌ای نوین و مهمی برای ترک‌ها در غرب آسیا رقم خواهد زد؛ ترکیه همچنین می‌تواند از

ارتقای جایگاه خاورمیانه‌ای خود در حوزه‌ها و مسائل دیگر مانند اوراسیا و حتی تعاملات با غرب استفاده کند (چگنی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۲)؛ بنابراین باید گفت آنکارا با حمایت‌های گسترده خود از مخالفان مسلح نظام سیاسی سوریه برای به زانو درآوردن خاندان اسد بر اریکه قدرت مبادرت می‌ورزد و از آن‌ها به عنوان اهرمی راهبردی برای فشار به محور مقاومت اسلامی در منطقه استفاده می‌کند و از این طریق درصدد تغییر توازن قدرت در منطقه برآمده است که این خود می‌تواند به ایجاد الگو و نظم اخوانی مورد نظر ترکیه منجر شود.

نقش محوری سوریه در خط لوله گاز عربی نیز خود یکی از دلایل مهم این امر است که چرا این روزها مورد حمله قرار گرفته است؛ درست همانند طالبان که در ازای خط لوله غیرمحملی مزد و سهم زیادی طلب کرد و در نتیجه حامیانش سعی کردند آن را حذف کنند؛ دولت اسد نیز مورد حمله قرار گرفته است؛ چون اسد برای غرب و رژیم صهیونیستی یک بازیگر قابل اعتماد نیست؛ خصوصاً ترکیه، رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان آن‌ها یعنی آمریکا خواهان یک جریان امن گازی از طریق سوریه هستند؛ آن‌ها مخالف دولت سوری هستند که بدون قید و شرط به این سه کشور وفادار نباشد و در مسیر خط لوله مقاومت کند (Leonard and others, 2016: 134). ترکیه با هم‌نوازی بین غرب و برخی کشورهای عربی در قبال تحولات سوریه، اهداف راهبردی دیگری چون تقویت جایگاه سیاسی خود در معادلات آتی غرب آسیا به عنوان بازیگر تصمیم‌ساز و تأثیرگذار پیگیری می‌کند. موافقت ترکیه با استقرار سامانه دفاع موشکی ناتو نیز مؤید رفتار آنکارا برای خروج از وضعیت تضاد منافع با غرب در هنگام بازی با برگ مقاومت اسلامی و بیداری اسلامی است. بازی هوشمندانه حزب «عدالت و توسعه» با برگ‌های معادلات راهبردی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی، فرصت‌های متعددی را برای این کشور به همراه داشته است (شریفیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۶). ترکیه در درگیری‌های سوریه منافع متعددی دارد که از آن جمله، مسئله ثبات مرزی در سرحدات میان ترکیه و سوریه است که ترکیه به دنبال جلوگیری از کشیده شدن درگیری به داخل این کشور و تحت فشار قرار گرفتن ترکیه درباره مسئله کردهاست؛ از سوی دیگر ترکیه سعی دارد، نقش سوریه را در تجارت با غرب آسیا دوباره احیاء کند و از این بحران برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای استفاده کند (Abramowitz & Edelman, 2013: 24).

بعد از توسعه حوادث در سوریه، جبهه النصره و داعش به دو گروه مهم نظامی در بخش‌های بزرگی از شمال و شمال شرق سوریه تبدیل شدند؛ ترکیه هم از این فرصت استفاده کرد و لذا از نیروهای جبهه‌النصره و داعش به عنوان مهم‌ترین نیروها بر علیه اسد استفاده نمود؛ ترکیه به این گروه از تروریست‌ها که آن‌ها را مجاهد می‌نامید اجازه عبور و تردد آنها و تأمین سلاح و آموزش از طریق خاک ترکیه را صادر کرد و با آن‌ها همکاری نمود. بحران کوبانی با تصرف این شهر توسط داعش به شدت تشدید شد و ترکیه بر خلاف ادعاهای بشردوستانه خود از مردم کرد حمایت نکرد؛ چون ترکیه می‌گوید حمایت از کردها باعث تقویت پ.ک.ک می‌شود و این در حالی است که در این شهر انسان‌های غیرنظامی در حال قتل عام بودند. پیروزی کردها در کوبانی، یک ضربه به فرایند صلح ترکیه با کردها بود (Abdel Hameed & Mohamed Hussein Mostafa, 2018: 62). در بحران سوریه، ترکیه با ارسال سلاح و فراهم کردن امکانات آموزشی داعش در خاک خود نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت این گروه برای مقابله با دولت بشار داشته است؛ ترکیه همچنین اجازه حرکت آزادانه اعضای داعش را در طول مرزهای خود با سوریه داده بود و با خرید نفت از داعش کمک فراوانی به این گروه می‌کرد؛ از طرف دیگر، حدود ۱۰۰ میلیون دلار از درآمدهای داعش نزد بانک‌های ترکیه سپرده‌گذاری شده است (Hinnebusch, 2015: 18). از اواسط سال ۲۰۱۱، ابوسیاف، مسئول رسمی قاچاق نفت دزدیده شده توسط داعش، از میادین شرقی سوریه بوده است. نفت بازار سیاه، خیلی سریع به محرک و پیشران اصلی درآمدهای داعش تبدیل شد و خریداران ترکیه‌ای نیز مشتریان اصلی این نفت بوده‌اند؛ در نتیجه تجارت نفت بین جهادگران داعشی و ترک‌ها نشانی از وجود ائتلاف بین این دو است. یکی از مقامات رسمی ارشد غرب که آشنا با امور اطلاعاتی است، در جایی که رهبر مقتول (ابوسیاف) با دیگران گرد آمده بودند گفت که معاملات و داد و ستدهای مستقیم بین مقامات ترکیه و اعضای داعش هم اکنون غیرقابل انکار است (Nazemroaya & Halliday, 2012: 235).



نقشه ۱. مسیر انتقال نفت داعش به ترکیه (رجانیوز، ۱۳۹۴/۱۰/۵)

در همین ارتباط، «مسعود حیدر» از نمایندگان پارلمان عراق می‌گوید: «دولت آنکارا به صورت کاملاً آشکارا اقدام به حمایت لجستیکی از تروریست‌های داعش کرده و رفت‌وآمد آن‌ها به سوریه و عراق از طریق مرزهای خود را تسهیل می‌کند»؛ از سوی دیگر، اخیراً روزنامه ترکیه‌ای «جمهوریت» از حمایت تسلیحاتی ترکیه از تروریست‌های داعش در سوریه نیز پرده برداشت؛ این روزنامه با انتشار یک فایل ویدیویی نشان داد که برخی کامیون‌های وابسته به دولت ترکیه به ارسال تجهیزات نظامی به تروریست‌های داعش مستقر در مرزهای ترکیه و سوریه اقدام می‌کنند؛ رجب طیب اردوغان، در واکنش به این رسوایی اعلام کرد که انتشار این فایل ویدیویی، افشای اسناد اطلاعاتی کشور بوده است؛ این در حالی است که دولت سوریه بارها طی نامه‌ای به سازمان ملل، دخالت این سازمان برای جلوگیری از حمایت‌های دولت آنکارا از تروریست‌های داعش در این کشور را خواستار شد؛ دمشق همچنین از دولت آنکارا به دلیل بازگذاشتن مرزهای خود برای ورود عناصر تروریستی به خاک سوریه شکایت کرد (حاجی‌یوسفی و حسین‌زاده، ۱۳۹۷: ۵۷). داعش زمانی حدود یک‌سوم از سرزمین‌های عراق و سوریه را اشغال کرده بود؛ اما اکنون قلمروی این گروه به مناطق تحت محاصره کاهش پیدا کرده است؛ هرچند نمی‌توان پایان مشخصی را برای این بازی پیچیده تخمین زد. در ماه اکتبر

۲۰۱۷، نیروهای دموکراتیک سوریه توانستند شهر رقه پایتخت خلافت خودخوانده داعش را از دست این گروه تروریستی خارج کنند. در حال حاضر، نیروهای دموکراتیک سوریه و نیروهای وفادار به بشار اسد، در حال جنگ با داعش و تسخیر آخرین پایگاه‌های آن در شرق سوریه هستند (سلامتی، ۱۳۹۶: ۱).



نقشه ۲. مناطق پاکسازی شده در مرکز استان دیرالزور (مشرق نیوز، ۱۳۹۶/۷/۲۹)

اگرچه ترکیه از ابتدای بحران در سوریه، حذف رژیم سوریه و تضعیف دولت عراق را در دستور کار خود قرار داد؛ اما پس از رایزنی مقامات سیاسی - امنیتی روسیه و ایران با سران این کشور و وقوع کودتای جولای ۲۰۱۶، علیه رجب طیب اردوغان و مسئله همه‌پرسی استقلال منطقه کردستان عراق، قدرت‌یابی روزافزون کردها در نوار شمالی سوریه و همچنین تضعیف داعش، ناگزیر شد که از سیاست‌های تهاجمی قبلی مبنی بر پیشبرد الگوی منطقه‌ای خود جهت قدرت‌یابی بیشتر از رهگذر رخنه در دولت‌های مرکزی سوریه و عراق عقب‌نشینی نماید (جوادی‌فتحی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۷ - ۴۶).

به عبارت دیگر ترکیه، در راهبردش تجدیدنظر کرد و تصدیق کرد که اولویت حذف اسد نباشد؛ بلکه هدف اصلی تقسیم قدرت و حل منازعه سوریه بر اساس راه‌حل سیاسی باشد



(البته در ظاهر وانمود می‌کرد با داعش مبارزه کند؛ اما از تروریسم خوب تحت عنوان مخالفان سوریه حمایت نمود؛ یعنی حمایت خود از جبهه‌النصره و ارتش آزاد سوریه و سایر مخالفان مسلح سوری را ادامه داد). ترکیه قدرت گرفتن حزب کردی دموکراتیک سوریه را تهدیدی ضد تمامیت ارضی خویش می‌دانست؛ چرا که این حزب شاخه‌ای از حزب پ.ک.ک تلقی می‌شد و از این‌رو ترکیه تصمیم گرفت با اتخاذ موضعی قوی‌تر، نفوذ حزب دموکراتیک سوریه را کاهش دهد و حتی نسبت به جنایات داعش در کوبانی نیز سکوت کرد و دست داعش را در سرکوب آن‌ها آزاد گذاشت (D'Alema, 2017: 13)؛ ترکیه همچنین لازم دید در روابطش با بازیگران کلیدی خارجی نیز گام‌هایی بردارد؛ از این‌رو فرایند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را ادامه داد؛ تنش با ایران را کاهش داد؛ از روسیه به دلیل ساقط کردن جنگنده سوخو، معذرت‌خواهی کرد؛ در حالی که روابطش با این کشورها بهبود یافت، آنکارا اروپا را متهم کرد که از حامیان کودتاگران بوده است و اتحادیه اروپا را تهدید کرد چنانچه به شهروندان ترکیه‌ای ویزا ندهد، ترکیه قرارداد امضاء شده در بهار ۲۰۱۶ درباره مهاجران را عملی نخواهد کرد؛ ترکیه به آمریکا نیز اتهاماتی جدی وارد کرد که از کودتا در ترکیه جانبداری کرده است و خواستار استرداد فتح‌الله گولن از آمریکا شد؛ این در حالی است که اروپا و آمریکا در مسئله کودتا به شدت از ترکیه حمایت کردند؛ به رغم اینکه ترکیه ده‌ها هزار نفر را زندانی و اعدام کرد و هزاران نفر را از شغل و فعالیت‌های خود محروم نمود؛ ولی هیچ‌گونه قطعنامه‌ای علیه اردوغان تصویب نشد و هیچ مداخله نظامی هم علیه او انجام ندادند و فقط به لفاظی در این زمینه اکتفا کردند؛ این تحولات و مواضع نشان می‌دهد تنها چیزی که برای مقامات ترکیه، آمریکا و اتحادیه اروپا مهم است؛ منافع اقتصادی و سیاسی آن‌هاست و آرمانی‌هایی چون فلسطین، حقوق بشر و مبارزه با استبداد در صدر اولویت‌های آن‌ها نیست و در ادعاها و شعارهای خود صادق نیستند (D'Alema, 2017: 14).

در ژانویه ۲۰۱۷، گفتگوهای صلح توسط روسیه، ایران و ترکیه در آستانه قزاقستان انجام شد؛ این گفتگوها فرایندی بود که از طریق آن سه ناحیه عاری از خشونت و جنگ تأسیس شد؛ دو ناحیه از این سه ناحیه، مجدداً توسط نیروهای نظامی سوریه بازپس گرفته شدند (چون این نواحی همچنان به اقدامات نظامی و تروریستی علیه حاکمیت و مردم سوریه ادامه

می‌دهند). آمریکا بخشی از گفتگوهای آستانه نبود؛ ولی به عنوان نماینده حاضر حضور داشت. روسیه نقش مهمی را در فرایند آستانه ایفاء کرد؛ یازدهمین دور گفتگوهای آستانه نیز در نوامبر ۲۰۱۸ برگزار شد. در فوریه ۲۰۱۹، رؤسای جمهور روسیه، ترکیه و ایران جلسه‌ای سه‌جانبه را در بندر سوچی روسیه در دریای سیاه برای بحث پیرامون آینده ادلب، حضور نظامی آمریکا در سوریه و چگونگی تشکیل یک کمیته قانون اساسی برگزار کردند (Humud and others, 2019: 34)؛ در این خصوص باید گفت ترکیه با وجود اینکه با متحدین خود یعنی روسیه و ایران در مذاکرات دوره‌ای در آستانه قزاقستان برای آینده سوریه همکاری می‌کند؛ اما هم‌زمان تلاش می‌کند در شمال سوریه نفوذ کرده و از گسترش نقش کردها در شمال سوریه جلوگیری کرده و از حامیان خود در منطقه حمایت می‌کند (Ozkok & Ozkizilcik, 2017:16). تئوری سازه‌انگاری معتقد است که کنشگران بر اساس هویتی که برای خود تعریف می‌کنند با یکدیگر به تعامل می‌پردازند و منفعی را برای خود می‌سازند؛ در این چارچوب ترکیه بر اساس تعریفی که از هویتش دارد، خود را یک قدرت منطقه‌ای تلقی می‌کند که موقعیتی ژئواستراتژیک دارد و منافعی را بر این اساس تعریف می‌کند؛ در این میان بحران سوریه می‌تواند نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه را گسترش داده و بالطبع این کشور را تبدیل به قدرت عمده منطقه‌ای کند. ترکیه برای دسترسی به غرب آسیا و اعاده گذشته تاریخی خود، منافع خود را در وجود دولتی دست‌نشانده در سوریه می‌بیند؛ بنابراین دیپلماسی ترکیه هم‌اکنون در ارتباط با بحران سوریه به نوعی به بن‌بست رسیده است و این کشور در تلاش است برای سد کردن بحران سیاسی سوریه به مرزهای داخلی خود، دست از حمایت از معارضان سوری بکشد و پشتیبانی مالی و لجستیکی از گروه‌های تندروی مذهبی ضد دولت بشار اسد را قطع نماید.

#### ترکیه و تکرانی از شکل‌گیری دولت خودمختار کردی در شمال سوریه

به جرئت می‌توان گفت که ژئوپلیتیک هیچ منطقه‌ای در جهان به اندازه غرب آسیا دچار تشتت و بحران نیست؛ ویژگی‌های جمعیتی و پراکندگی نامناسب قومی در این منطقه بر دامنه چنین تشتتی افزوده است؛ کردها بخشی از این ناهمگونی جمعیتی در غرب آسیا محسوب می‌شوند. مناطق تاریخی کردها بخش‌هایی از شمال سوریه، جنوب شرقی سوریه، شمال عراق، شمال غربی

ایران و مناطق جنوبی قفقاز را شامل می‌شود (اخوان‌کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷). ترکیه بیش از هر کشور دیگری در منطقه جمعیت کرد دارد و رقبای آن می‌توانند از برگ برنده کردها برای تضعیف یا بی‌ثباتی ترکیه استفاده کنند. ترکیب پیچیده قومی و مذهبی سوریه و احتمال تجزیه آن، رهبران ترکیه را در مورد شکل‌گیری وضعیتی مشابه کردستان عراق (تشکیل یک اقلیم خودمختار) در سوریه نگران کرده است؛ این موضوع سبب تحریک بیشتر کردهای ترکیه می‌شود و مشکلات امنیتی ترکیه را دوچندان می‌کند (Walker, 2012: 1-2)؛ لذا، تصمیم‌گیران سیاسی و امنیتی در ترکیه به‌منظور نیل این کشور به اهداف و منافع ملی خود، سیاست محدودسازی قدرت مانور پ.ک.ک را در دستورکار خود قرار داده‌اند و از این طریق به حفظ و تثبیت حاکمیت و امنیت ملی ترکیه مبادرت می‌ورزند؛ از سوی دیگر تضعیف محور مقاومت در نتیجه جنگ داخلی در سوریه و بحران عراق، سبب شده تا ایران از کردها به عنوان کارتی بسیار قوی در برابر نفوذ ترکیه و اهداف این کشور در سوریه استفاده کنند. حمایت ایران از کردها در شمال سوریه و عقب‌نشینی نیروهای دولتی سوریه از مناطق کردنشین دقیقاً در جهت ایجاد شکاف و خلل در محور سنی صورت گرفت (چگنی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۲)؛ این موضوع که کردهای سوریه، همانند اقلیم کردستان عراق، بتوانند به خودمختاری برسند و منطقه خود را در درون سوریه اداره کنند، سناریوی نامطلوبی برای ترکیه است. وجود دو منطقه خودمختار کردنشین در عراق و سوریه، فشار بر ترکیه را که بیش از ۱۵ میلیون کرد دارد، تشدید خواهد کرد تا به اعطای حقوق بیشتری برای شهروندان کرد مبادرت ورزد؛ بدین ترتیب برای ترکیه، وجود یک ایالت خودمختار کرد در کنار مرزهای جنوبی آن، یک کابوس فاجعه‌بار است؛ زیرا وجود چنین ایالتی می‌تواند بر دامنه تلاش‌های کردهای ترکیه (در قالب حزب کارگران کردستان یا پ.ک.ک) برای استقلال و یا خودمختاری بیفزاید. در واقع، پ.ک.ک از ۱۹۷۸ تاکنون در راستای دستیابی به استقلال یا خودمختاری در ترکیه در حال مبارزه بوده است (اخوان‌کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۷).

طی چند سال گذشته، ترکیه از دو رویداد در ارتباط با کردهای سوریه هراس داشته و لذا تلاش کرده تا این دو رویداد تحقق پیدا نکنند: یکی، حمایت آمریکا از کردهای شمال سوریه و دیگری، مشارکت کردهای سوریه در گفتگوهای صلح که نهایتاً ممکن است خودمختاری

فعلی آن‌ها را به یک خودمختاری دائمی تبدیل کند؛ با وجود این به نظر می‌رسد که هر دو رویدادی که ترکیه از وقوع آن‌ها هراس داشته، تحقق پیدا کرده‌اند؛ یعنی هم آمریکایی‌ها به کردهای وابسته به نیروهای دموکراتیک سوریه کمک کرده‌اند و هم روس‌ها توانسته‌اند کردهای سوریه را به روند مذاکرات صلح ژنو وارد کنند. در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۷، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه اعلام کرد که طی تماس تلفنی با ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از وی قول گرفته که از تسلیح کردهای سوریه خودداری کند؛ ولی چند روز بعد مقامات پنتاگون اعلام نمودند که حمایت تسلیحاتی از کردهای سوریه تا زمانی که نبرد علیه داعش جریان دارد، ادامه خواهد داشت (Tastekin, 2017: 5-6). امروزه با آزادسازی بخش اعظمی از قلمرو داعش از سوی واحدهای کرد، این نگرانی در میان مردان عدالت و توسعه شکل گرفته که باید در انتظار مدل حکومتی شبیه به عراق در سوریه باشند؛ امری که به شدت با منافع امنیتی و کلان ترکیه در تضاد است. آنکارا به هیچ وجه حاضر به پذیرش دولت خودمختار کردی در گوشه مرزهای جنوبی خود نیست و این امر را مساوی با آغاز درگیری‌ها و هرج و مرج در میان جمعیت کردنشین خود می‌داند؛ در همین خصوص نورالدین کانیکلی<sup>۱</sup>، وزیر دفاع ترکیه، در اظهاراتی اعلام کرد که تشکیل دولت مستقل کردستان در سوریه تحت هیچ شرایطی به وقوع نخواهد پیوست. از دید وزیر دفاع ترکیه، شکل‌گیری دولت کردی در سوریه، منبع تهدید و بی‌ثباتی برای ترکیه خواهد بود؛ از منظری این منطقه به مأمّن گروه‌های تروریستی معاند با دولت ترکیه بدل خواهد شد (بیری، ۲۱۳۹۶: ۲)؛ که این خود می‌تواند امنیت ملی و سرزمینی ترکیه را با چالش جدی مواجه سازد و تهدیدی بلندمدت برای ثبات و امنیت منطقه قلمداد شود و ترکیه را از عضویت در اتحادیه اروپا که سال‌ها در این مسیر گام برمی‌دارد و دغدغه حاکمان و سران ترک است، محروم کند.

ترکیه در راستای هماهنگی سیاست‌های خود با بازیگران منطقه‌ای و جهانی در قبال تحولات سوریه به خصوص مناطق کردنشین، دیپلماسی فعالی را در پیش گرفته است. داوود اوغلو، با سفر خود به منطقه کردستان عراق و دیدار با مسعود بارزانی رئیس منطقه کردستان، رسماً نگرانی ترکیه را در خصوص آینده سوریه خصوصاً مناطق کردنشین مطرح کرده بود و دو طرف در بیانیه‌ای

---

1. Nuriddin Kanikeli

مشترک هشدار دادند که با هر تهدیدی از طرف هر گروه یا سازمانی که از خلأ قدرت در سوریه استفاده کنند، برخورد خواهند کرد (خلیلی نژادکشکونی و دهشیار، ۱۳۹۶: ۱۲۸)؛ از این رو کردهای سوریه با توجه به اینکه ترکیه نسبت به دیگر گروه‌های مخالف سوریه، نفوذ کمی روی آن‌ها دارد، از دیگر مخالفان متفاوت‌اند؛ برای مقابله با چنین وضعیتی، ترکیه درصدد استفاده از نفوذ بارزانی برای به حاشیه راندن حزب اتحاد دموکراتیک کرد در داخل گروه‌های مخالف سوریه و کردهای سوریه است؛ بنابراین ایجاد روابط نزدیک با دولت اقلیم کردستان عراق به بخشی از محاسبات راهبردی ترکیه در سوریه تبدیل شده است که ترکیه از این طریق در تلاش برای استفاده از کارت کردی بارزانی در جهت محدود و محاصره کردن حزب اتحاد دموکراتیک کرد در جنوب مرزهایش به عنوان قسمتی از راهبرد امنیتی ملی آنکارا برآمده است. هدف اصلی ترکیه در سوریه در حال حاضر مهار و محاصره کردهای این کشور و جلوگیری از تجزیه سوریه و شکل‌گیری دولت کردی است؛ بنابراین، مقابله با کردهای سوریه چراغ راهنمای سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه است؛ بر همین اساس، سازه‌انگاران معتقدند که آنارشی همان چیزی است که دولت‌ها از آن می‌فهمند؛ از این رو کنش یا واکنش نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که آن‌ها برای کارگزار یا سوژه اجتماعی قائل هستند؛ در این خصوص ترکیه هرگونه اقدام کردهای سوریه در راستای اعلام استقلال این مناطق را تهدیدی علیه امنیت خود قلمداد می‌کند. ایجاد منطقه مستقل در شمال سوریه بر عمق استراتژیک کردها از غرب سوریه تا شرق عراق می‌افزاید و موازنه قدرت میان دولت ترکیه و کردها را بر هم می‌زند؛ بنابراین ترکیه هرگونه خودمختاری و فدرالیسم کردی در سوریه را به شدت نفی می‌کند؛ به همین جهت علیه کردها در شمال سوریه دست به اقدام نظامی زده است (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۰)؛ از این رو بحث اعلام خودگردانی کردهای سوریه، به شدت مقامات آنکارا را مورد تهدید قرار داده است. با توجه به پیوندی که کردهای ترکیه و سوریه دارند، اعلام خودمختاری می‌تواند روند حل و فصل مسئله کردی را با اختلال مواجه و همچنین فعالیت کردهای مخالف ترکیه را در شهرهای سوریه تشدید کند که این خود می‌تواند دورنمای صلح و ثبات را در منطقه تیره‌وتار کند؛ لذا برای دولت ترکیه روشن است که اگر

مسئله کردهای داخل آن کشور حل نشود و با پ. ک. ک کنار نیاید، خودمختاری کردهای سوریه، بی‌ثباتی در داخل و منطقه را در پی خواهد داشت.

نکته اساسی اینکه با پایان یافتن کار داعش در سوریه، کردهای این کشور به تدریج وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی خود خواهند شد. کردهای سوریه ضمن حفظ روابط مطلوب خود با روس‌ها، تلاش می‌کنند تا از اهرم آمریکا نیز برای تحکیم موقعیت خود در آینده سوریه بهره ببرند؛ با وجود این کردها اطمینان کمتری به آمریکایی‌ها و قول‌های آنان دارند و لذا سعی می‌کنند، بیشتر اتکای خود را بر حمایت روس‌ها مستقر سازند؛ با این حال روس‌ها از استقلال کردهای سوریه حمایت نخواهند کرد؛ اما تلاش خواهند کرد تا فشار اسد را به اعطای نوعی از خودمختاری به کردها در چارچوب یک سیستم فدرالی در سوریه اقناع کنند و زمینه را برای تشکیل ایالت خودمختار روژاوا (کردستان غربی) فراهم سازند (اخوان‌کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۰)؛ در این راستا کردها تمایل بیشتری به مذاکره و حتی همکاری با دولت اسد پیدا کرده‌اند و این در حالی است که ترکیه با هرگونه راه‌حلی در سوریه که به قدرت گرفتن کردها و یا خودمختاری آن‌ها در دوران پس‌داعش منجر شود، مخالفت می‌کند.

#### چالش‌ها و پیامدهای پیش‌روی سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات سوریه

جهت‌گیری‌های ترکیه در قبال برخی از تحولات نوین در منطقه بر موقعیت این کشور بی‌تأثیر نخواهد بود. در سال‌های اخیر اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات بی‌طرفانه و معتدل، عنصری مهم در تقویت قدرت نرم این کشور در منطقه و فراتر از آن محسوب می‌شود؛ اما پس از تحولات داخلی سوریه، دولت ترکیه با فاصله گرفتن از سیاست‌های متعادل خود و با اتخاذ سیاست‌های عجولانه، بی‌توجه به منافع اولویت‌های سیاست خارجی سایر همسایگان مهم خود از جمله جمهوری اسلامی ایران، یاری رساندن به گروه‌های مخالف سوریه و تلاش برای براندازی رژیم اسد را در دستور کار خود قرارداد (کیانی، ۱۳۹۱: ۲). از جمله مهم‌ترین چالش‌هایی که ترکیه در حال حاضر با آن‌ها مواجه است، می‌توان به شکست سیاست به «صفر رساندن مشکلات با همسایگان» اشاره کرد. ترکیه که پس از روی کار آمدن اسلام‌گرایان، سیاست خارجی خود را به احمد داوود اوغلو و نظریه وی مبنی بر «به صفر رساندن مشکلات با

همسایگان» سپرده بود، اینک دیگر نشانه‌ای از این خط‌مشی را در سیاست خارجی خود نمی‌بیند؛ زیرا ترکیه با حمایت از مخالفان دولت سوریه، نه تنها روابط مطلوب و روبه رشد آنکارا با دمشق را قطع کرد، بلکه راه گسترش مبادلات تجاری ترکیه با عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را نیز مسدود کرد و باعث بروز تنش‌هایی در روابط ترکیه با سایر همسایگانش نظیر ایران، روسیه و عراق شد (خلیلی‌نژادکشکوئی و دهشیار، ۱۳۹۶: ۱۲۱ - ۱۱۹). تحولات در سوریه به‌طور مستقیم، منافع و امنیت ملی ترکیه را مورد هدف قرار می‌دهد. تحریک مخالفان ترکیه (مانند کردها) توسط سوریه، چالش فراوان در امنیت این کشور را فراهم می‌سازد. اردوغان در ۲۶ جولای ۲۰۱۳، مدعی شد که بشار اسد پنج استان سوریه را به کردهای مخالف ترکیه سپرده تا علیه ترکیه وارد عمل شوند که این خود تلاش چندین ساله ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا را به باد می‌دهد؛ چرا که بحران در مرزهای ترکیه، به منزله بحران در مرزهای اتحادیه اروپا قلمداد می‌شود؛ بنابراین اتحادیه اروپا که قبلاً با اغماض و خوش‌بینی نسبت به مسئله امنیت در ترکیه برخورد می‌کرد، حالا ورود ترکیه را منوط به برقراری آرامش در مرزهای خود خواهدکرد (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۴ - ۱۶۳). بحران سوریه، سیاست قدیمی ترکیه در قبال کردها را با چالش‌های جدی مواجه کرد؛ زیرا هم‌زمان با ناآرام شدن شهرهای سوریه، فعالیت کردهای مخالف ترکیه نیز در این کشور تشدید شد؛ در این بین به رغم آنکه اردوغان از زمان آغاز تحولات سوریه، نسبت به تحرکات کردها حساسیت به خرج داد و حتی خبر از تشکیل منطقه مرزی امن در شمال سوریه، در صورت تداوم تهدیدات پ.ک.ک را داد؛ با این حال گذشت زمان نشان داد که این سیاست ترکیه به شکست انجامیده است. حملات پی در پی اعضای پ.ک.ک به شهرهای مختلف ترکیه، نه تنها باعث به وجود آمدن ناامنی در این کشور شد، بلکه به مرور زمان مشروعیت و کارآمدی دولت اردوغان را در دفاع از امنیت ملی و مواجهه با ناامنی نیز زیر سؤال برد (Amberin, 2014). ادامه یافتن بحران سوریه و احتمال سرایت آن به برخی از مناطق جنوبی ترکیه می‌تواند چالش جدیدی را برای حزب عدالت و توسعه در منطقه فراهم کند. اسلام‌گرایان سنی مذهب ترکیه برای تبلیغ الگوی سیاسی خود در منطقه، خود را ناگزیر به حمایت از گروه‌های مخالف سوریه می‌بینند و باید هزینه‌های این سیاست را برای افکار عمومی داخلی خود که چندان تمایلی بر مداخله ترکیه در بحران

سوریه ندارد، توجیه کنند (نژاد ایران، ۱۳۹۱: ۲)؛ علاوه بر این بسیاری از اعضای داعش در پوشش آوارگان از داخل سوریه به ترکیه آمده‌اند، برخی از جوانان ترکیه‌ای نیز به داعش پیوسته‌اند و حضور آن‌ها در خانه‌های تیمی پنهان در اغلب استان‌های ترکیه، می‌تواند زمینه‌ساز حمایت تروریستی و نامنی در ترکیه باشد؛ با در نظر گرفتن موارد بالا می‌توان گفت که ترکیه در حوزه امنیتی، با چالش‌ها و مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کند و در صورتی که دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه راهی برای توافق با پ.ک.ک و نیز راهی برای مصون ماندن و پایین آوردن هزینه‌ها در برابر داعش پیدا نکند، دولت ترکیه با مشکلات بزرگی ازسوی تروریست‌های تکفیری روبه‌رو خواهد شد (Cockburn, 2015: 272).

در زمینه روابط اقتصادی نیز می‌توان گفت: بحران سوریه و دخالت ترکیه در آن به ماه عسل روابط دو کشور در این زمینه پایان داد؛ روابط اقتصادی دو کشور بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ به میزان ۸۰ درصد کاهش یافت و ترکیه در آخر فهرست کشورهای صادرکننده به سوریه جای گرفت و در سال ۲۰۱۳ و ۶ ماهه اول ۲۰۱۴ میزان تجارت بین دو کشور به‌طور رسمی به صفر رسید؛ این در حالی است که در سال ۲۰۱۰ ترکیه در زمینه تجارت خارجی با سوریه رتبه اول را به خود اختصاص داده بود. در زمینه دیدار اتباع دو کشور که زمانی اولین مقصد توریستی آن‌ها کشورهای یکدیگر بود نیز باید گفت که میزان آن از زمان آغاز بحران سوریه به شدت کاهش یافت و حتی می‌شود گفت که به‌طور رسمی به صفر رسیده است (دانش‌نیا و هاشمی، ۱۳۹۴: ۶۳). ترس اردوغان از دریافت سلاح توسط کردها کار را به جایی رسانده که ترکیه مجبور به تغییر راهبردهای خود در قبال دمشق شده است؛ پیش از این ترکیه نسبت به دولت مستقر سوریه موضع سختی داشت و در حلب به دنبال اعلام حکومت انتقالی بود. با شکست دولت انتقالی و طرح اتمام عملیات ترکیه در شمال سوریه، اردوغان موضع دیگری را در پرونده تروریست‌های سوریه دنبال می‌کند. مذاکرات اخیر در آستانه قزاقستان هم این را نشان داد؛ پس از مذاکرات بود که ترکیه به عنوان یکی از طرف‌های مذاکره و ضامن آتش‌بس در بخش‌های مهمی از خاک سوریه، آمریکا را از توافقات مطلع ساخت.



### تجزیه و تحلیل یافته‌ها: بحران سوریه و آینده جایگاه ترکیه

پس از وقوع ناآرامی‌ها در برخی کشورهای عربی، کشور سوریه نیز دچار بحران گردید. نیروهای مخالف دولت سوریه از طیف‌های مختلفی تشکیل می‌شدند که شاید یکی از مهم‌ترین آن گروه اسلامی اخوان‌المسلمین بود. بحران سوریه با تحولات سایر کشورها مانند مصر، تونس و لیبی یک تفاوت اساسی داشت و آن حمایت کشورهای مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از مخالفان دولت سوریه بود. بدون تردید یکی از مهم‌ترین حامیان مخالفان دولت سوریه، دولت ترکیه بود. سیاست ترکیه برای ساقط کردن رژیم بشار اسد در نگاه اولیه در تعارض با رویکرد جدید ترکیه در سیاست خارجی خود موسوم به نوع‌ثمنی‌گری بود که ستون اصلی آن دکترین "به صفر رساندن تنش با همسایگان" بود. به نظر می‌رسد عوامل مختلفی در رویکرد حمایتی ترکیه از بحران سوریه نقش داشته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان نگرانی از آینده موضوع کردها، زنده شدن موضوع ایالت هاتای یا اسکندرون، نامعلوم بودن آینده رژیم سوریه، اختلاف دو کشور بر سر موضوع آب رودخانه فرات بود؛ اما شاید مهم‌ترین آن موضوع اخوان و تلاش ترکیه برای رهبری مجدد جهان اسلام بود. واقعیت این است که ترکیه پس از ناکامی در پیوستن به اتحادیه اروپا، رویکرد نوع‌ثمنی‌گری را برگزید که یکی از اهداف اصلی آن احیای نفوذ ترکیه در محدوده امپراطوری عثمانی سابق با استفاده از توان اقتصادی خود و در نهایت رهبری مجدد جهان اسلام با توجه به ماهیت اخوانی حزب عدالت و توسعه می‌باشد. حضور گروه‌های اخوانی در تحولات کشورهای عربی و به قدرت رسیدن آن‌ها در برخی کشورها مانند مصر و تونس این امید را در ترکیه ایجاد کرد که در صورت به قدرت رسیدن اخوان در سوریه می‌تواند به تدریج رؤیای خود را در رهبری جهان اسلام تحقق بخشد؛ البته ترکیه در این مقطع همسویی با غرب را نیز مدنظر داشت تا از طریق همکاری با آن‌ها و نابودی جبهه مقاومت، امتیاز حداقلی یعنی حمایت از آنکارا برای پیوستن به اتحادیه اروپا را بگیرد؛ اما به تدریج اوضاع دگرگون شد و ترکیه با چرخش در سیاست خارجی خود بدین نتیجه رسید تا از طریق دیپلماسی اهداف خود را تحقق بخشد؛ مهم‌ترین عوامل مؤثر در این چرخش را می‌توان به شرح ذیل بیان داشت:

۱. در جبهه میدانی، دولت سوریه با کمک ایران، روسیه و جبهه مقاومت به تدریج ابتکار عمل را به دست گرفت و با سقوط بوکمال، آخرین سنگر دولت داعش، اگرچه این دولت به لحاظ ارضی سقوط کرد؛ اما تفکر داعش در گروه‌هایی همانند جبهه النصره و احرارالشام ادامه یافت. دولت ترکیه علی‌رغم حمایت از باقیمانده تکفیری‌ها سعی کرد با ایران و روسیه در دیپلماسی همراهی کند تا بتواند در آینده منافع خود حداقل در موضوع کردها را حفظ کند و در رژیم آتی سوریه بدون نقش نباشد.

۲. سقوط هواپیمای روسی و سیاست‌های پوتین علیه ترکیه، بخصوص با توجه به اتکاء اقتصاد این کشور به گردشگری، ترکیه را به این نتیجه رساند که هزینه رویارویی با روسیه در سوریه بالاست و ناگزیر در مقابل مسکو کوتاه آمد؛ لذا از نظر دولتمردان ترک، به‌کارگیری دیپلماسی بر جنگ برای رسیدن به منافع تقدم داشت.

۳. بروز بی‌اعتمادی در روابط ترکیه و غرب بخصوص پس از کودتای ناموفق تابستان ۲۰۱۶ و اعتقاد ترکیه مبنی بر حمایت غرب از کودتاگران از طریق گروه‌های طرفدار گولن، ترکیه را مصمم به بازنگری در سیاست خارجی خود بخصوص در حوزه منطقه‌ای کرد.

۴. بروز اختلاف در حوزه ایدئولوژیک بین دو اردوگاه سلفی به رهبری عربستان و اخوانی به رهبری ترکیه و قطر که نقطه اوج آن سقوط مرسی در مصر بود؛ به تدریج ترکیه را از عربستان جدا و با ماجرای قتل قاشقچی، آنکارا در سیاست خارجی منطقه‌ای خود به تدریج تجدیدنظر کرد و سعی کرد به‌گونه‌ای عمل کند که در جبهه مقابل سلفی‌گری باشد.

وقوع تحولات فوق سبب دگرذیسی در سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه شد؛ البته در هرگونه تحلیلی در خصوص سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه دو نکته باید مدنظر قرار گیرد؛ نکته اول تداوم حمایت ترکیه از باقیمانده گروه‌های سلفی در سوریه و تلاش برای حفظ آن‌ها و نکته دوم، کسب اهداف خود در سوریه پس از سقوط داعش از طریق به‌کارگیری دیپلماسی به‌جای جنگ که در ادامه به آن اشاره می‌شود: ۱. ترکیه نگران آینده رژیم سوریه بخصوص از نظر کردهاست و نگران این موضوع است که در تدوین قانون اساسی جدید سوریه شرایطی فراهم گردد که کردها از حقوقی همانند کردهای عراق برخوردار گردند؛ چنین موضوعی می‌تواند کردهای ترکیه را در تحركات سیاسی خود علیه رژیم ترکیه تشدید و آینده

این رژیم را با چالش مواجه کند. ۲. دولت ترکیه به این نتیجه رسید که روسیه، ایران و جبهه مقاومت مانع از سقوط بشار اسد هستند و رژیم اسد در قدرت باقی می‌ماند؛ بنابراین ترکیه نفع اقتصادی خود را در این می‌داند که بتواند به تدریج روابط خود را با رژیم سوریه حفظ کند. ۳. ترکیه می‌خواهد با حضور در جریان تدوین قانون اساسی جدید سوریه و شکل‌گیری رژیم آینده سوریه مسیر تحولات به سمتی برود که در آینده مشکلات ارضی دو کشور به ویژه در خصوص ایالت اسکندرون و مسائل آبی احیاء نگردد. ۴. سردی روابط ترکیه با غرب و ایجاد شکاف در اردوگاه تکفیری - اخوانی، ترکیه را به این نتیجه رساند که آنچه برای این کشور از نظر منافع ملی اهمیت دارد، حفظ روابط اقتصادی با روسیه و تجارت با ایران است؛ لذا ترکیه سعی کرد از یک طرف با کارت روسیه و ایران با غرب بازی کند و از سوی دیگر بتواند منافع ملی خود را تأمین کند.

لذا در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت که ناکامی ترکیه در هدف اولیه خود مبنی بر ساقط کردن رژیم اسد و سقوط دولت داعش به لحاظ ارضی از یک طرف و از سوی دیگر بروز شکاف در روابط ترکیه با غرب و متحدان منطقه‌ای خود بخصوص عربستان این کشور را بدین نتیجه رساند تا با کنار گذاردن سیاست جنگ و اتخاذ رویکرد دیپلماسی از یک طرف از شکست کامل خود جلوگیری کرده و از سوی دیگر در آینده رژیم سوریه بتواند حداقل منافع خود به ویژه از نظر اقتصادی را تأمین کند.

### نتیجه‌گیری

در پازل بازیگران فرامنطقه‌ای، ترکیه سعی دارد خود را به عنوان بازوی اجرایی و شریکی قابل اعتماد برای قدرت‌های فرامنطقه نشان دهد؛ این کشور همچنین سعی در نشان دادن و پیاده‌کردن سیستم سیاسی خود به عنوان مدل و الگویی اسلامی و مدنظر غرب در کشورهای عربی بحران‌زده دارد. ترکیه و سوریه از گذشته تا به حال در روابط دوجانبه خود با مشکلاتی مواجه بوده‌اند؛ در این میان، سه اختلاف اصلی تحت عنوان مسئله کردها، تقسیم منافع آبی مشترک و اختلاف ارضی بر سر استان هاتای، همواره سایه خود را بر روابط این دو کشور حفظ کرده‌اند. با شروع تحرکات در سوریه، موضع ترکیه نیز به موضوعی پیچیده و متغیر

تبدیل شد. سیاست ترکیه در چرخش‌های متعدد از میانجیگری و داوری به مهیا کردن امکانات و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ متمایل گردید. ترکیه در آغاز تحولات سوریه موضعی نرم اتخاذ کرد و امیدوار بود مشکلات از طریق رایزنی برطرف گردد؛ اما با افزایش فشارهای بین‌المللی از سوی کشورهای غربی علیه سوریه، با حمایت از گروه‌های مخالف و انتقال کمک‌های مالی و تسلیحاتی به مخالفین بر رویکرد تغییر رژیم در سوریه پافشاری کرد. اشتباهات محاسبه‌ای ترکیه در مورد بحران سوریه، چالش‌هایی را برای سیاست خارجی این کشور به ارمغان آورده است. از ابعاد منفی بحران سوریه برای ترکیه می‌توان به اشتباه راهبردی دولت آنکارا در اتخاذ رویکردی مقابل سیاست تنش صفر این کشور با همسایگان و سردی روابط با همسایگان خود از جمله ایران و عراق اشاره داشت. بر اساس رویکرد سازه‌نگاری، می‌توان رفتار دولت‌ها را با توجه به قالب ذهنی آن‌ها تفسیر کرد. اینکه هر دولتی هویت ملی و ارزش‌ها و علایق فرهنگی و فکری خود را چگونه توصیف می‌کند در تعیین روند حرکت سیاست خارجی آن کشور تأثیرگذار خواهد بود؛ در این خصوص ترکیه با تعریفی که از هویت خود و هویت کشور سوریه دارد، منافع را برای خود در بحران سوریه تعریف می‌کند. بحران سوریه می‌تواند نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه را گسترش داده و بالطبع این کشور را تبدیل به قدرت عمده منطقه‌ای کند. ترکیه برای دسترسی به غرب آسیا و اعاده گذشته تاریخی خود، منافع خود را در وجود دولتی دست‌نشانده در سوریه می‌بیند؛ این کشور در تلاش است تا با استفاده از هر ابزاری دولت حاکم را براندازد و به‌جای آن یک رژیم سنی‌مذهب با گرایش‌های اخوانی جایگزین آن کند.

از طرفی، مسئله دیگری که بسیاری آن را خطری جدی برای ترکیه ارزیابی می‌کنند، رشد افراطی‌گری در منطقه است؛ به هر حال سوریه، در همسایگی ترکیه، مرکز تروریست‌ها و اسلام‌گرایان افراطی، القاعده و سلفی‌ها شده است و هیچ تضمینی وجود ندارد که این رادیکالیسم به درون مرزهای ترکیه نیز سرایت نکند. گسترش تروریسم در منطقه، به‌خصوص ورود گروه‌های تروریستی مختلف مانند القاعده به سوریه و شکل‌گیری وضعیتی همانند اقلیم کردستان عراق در سوریه در بلندمدت به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه خواهد بود؛ لذا، مقامات آنکارا با هدف حفظ و تثبیت حاکمیت و امنیت ملی ترکیه در تلاش برای

سدکردن و جلوگیری از سرریز شدن تحولات سوریه به قلمروی سرزمینی خود برآمده‌اند؛ اما مواضع ترکیه به این موارد خلاصه نمی‌شود؛ بلکه پیچیدگی بیشتری دارد؛ به‌ویژه اگر تقابل و تضاد ترکیه با آمریکا و نزدیک شدن این کشور به روسیه و ایران را مدنظر قرار دهیم. بعد از تقابل میان آمریکا و ترکیه بر سر مسئله کردهای سوریه و جدا شدن ترکیه از آمریکا به لحاظ سیاسی، ترکیه بیش از پیش به سمت شرق به مرکزیت روسیه در سطح بین‌الملل و به سمت ایران در سطح منطقه‌ای متمایل شد و در مذاکرات حل مسئله سوریه با ایران و روسیه همراه شد و مذاکرات آستانه را به پیش برد که این خود در تقابل با مذاکراتی است که آمریکا در قالب مذاکرات ژنو به پیش می‌برد؛ این امر زمینه‌های بیشتر نزدیکی ترکیه به ایران و روسیه و تقابل بیشتر با آمریکا را ایجاد کرده است.

## منابع

### فارسی

۱. احمدیان، قدرت؛ دانش‌نیا، فرهاد؛ کرمان، کرم‌رضا (۱۳۹۵)، هویت و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایران و ترکیه در سوریه، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره چهارم: ۱۷۳ - ۱۴۱.
۲. اخوان‌کاظمی، مسعود؛ اکبری، سمیرا؛ تارا، علیرضا (۱۳۹۶)، تحلیل مواضع روسیه در قبال کردهای سوریه پس از تحولات ۲۰۱۱، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال نهم، شماره ۵۱: ۳۵ - ۱۱.
۳. اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۲)، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در ترکیه، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۴. امیدی، علی؛ رضایی، فاطمه (۱۳۹۰)، نوعثمان‌گرایی جدید در ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره نهم.
۵. ببری، نیکنام (۱۳۹۶)، ترکیه و معمای داعش، تهران: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۶. بطحایی‌اصل، میرابراهیم؛ صراف‌یزدی، غلامرضا؛ صبری، محسن (۱۳۹۱)، نقش و تأثیر حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۹: ۲۰۴ - ۱۷۵.
۷. جوادی‌فتحی، محمد؛ رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام؛ خسروی‌نژاد، میلاد (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی تأثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دوره ۱۰، شماره ۳۶: ۵۰ - ۲۶.
۸. چگنی‌زاده، غلامعلی؛ خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۸۹)، تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۵: ۲۲۰ - ۱۸۹.
۹. چگنی‌زاده، غلامعلی؛ تاجیک، هادی؛ نبوی، سید مهدی (۱۳۹۲)، تأثیر تحولات سوریه بر الگوی تعاملی میان ایران و ترکیه، الگوی مفهومی و نظری، آفاق و امنیت، شماره ۲۱: ۱۱۰ - ۶۱.
۱۰. حاجی‌یوسفی، امیر محمد؛ حسین‌زاده، علیرضا (۱۳۹۷)، شکنندگی دولت و نابسامانی جامعه در عراق، بستری برای بحران امنیتی ظهور و گسترش داعش، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره سی‌وهشتم: ۶۷ - ۳۵.
۱۱. خسارت‌های داعش در مرکز استان دیرالروز به روایت آمار: شمارش معکوس برای شروع پاکسازی آخرین پایگاه داعش در سوریه آغاز شده، مشرق نیوز، ۱۳۹۶/۷/۲۹.

۱۲. خليلی نژادکشکونی، روح‌الله؛ دهشيار، حسين (۱۳۹۶)، بحران سوریه و امنیت ملی ترکیه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم: ۱۴۰ - ۱۰۷.
۱۳. دانش‌نیا، فرهاد؛ هاشمی، مسعود (۱۳۹۴)، تحولات سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه و تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن (۲۰۱۴ - ۲۰۰۲)، فصلنامه راهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۹: ۷۲ - ۴۳.
۱۴. سلامتی، اعظم (۱۳۹۶)، عراق و سوریه پس از داعش؛ چالش‌ها و معضلات امنیتی، شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۳۹۶/۹/۴.
۱۵. سلیمی، حسین؛ شریعتی، مجتبی (۱۳۹۳)، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تداوم و یا انقطاع حمایت از نظام کنونی سوریه؟، فصلنامه سیاست دفاعی، دوره بیست‌وسوم، شماره یکم: ۱۰۶ - ۷۱.
۱۶. شریفیان، جمشید؛ عبدالله‌پور، حسین؛ درفشان، مجتبی (۱۳۹۵)، نقش ترکیه در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی خارجی جمهوری اسلامی ایران، امنیت پژوهی، سال پانزدهم، شماره ۵۵: ۱۲۲ - ۸۵.
۱۷. قربانی، فهیمه؛ احمدی، حمید (۱۳۹۳)، تأثیر بحران سوریه بر روابط ایران و ترکیه، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره سوم: ۴۴ - ۷.
۱۸. قرشی، سیده مهدیه (۱۳۹۱)، خروج نظامیان آمریکایی از عراق و تأثیر آن بر سیاست خارجی ترکیه، قابل بازیابی در: پایگاه تخصصی سیاست بین‌الملل.
۱۹. قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۹)، سلسله تحلیل‌هایی در مورد تحولات سیاسی ترکیه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۲۰. کوچک‌زاده‌تهمتن، رضا؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۷)، نظریه انتخاب عقلانی؛ دخالت روسیه در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، مطالعات دفاعی استراتژیک، سال شانزدهم، شماره ۷۳: ۱۶۴ - ۱۳۳.
۲۱. کیانی، محمدرضا (۱۳۹۱)، جایگاه ترکیه در تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۲۲. گوهری‌مقدم، ابوزر؛ مددلو، امین (۱۳۹۵)، ریشه‌های عثمانی‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه (۲۰۰۲ - ۲۰۱۵)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره هفدهم: ۱۴۲ - ۱۲۱.
۲۳. محمدشریفی، مجید؛ دارابی‌منش، مریم (۱۳۹۲)، راهبرد کلان آمریکا و چرخش سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره سوم: ۱۵۰ - ۱۲۷.
۲۴. مسیر انتقال نفت توسط داعش به ترکیه، قابل بازیابی در: رجا نیوز، ۱۳۹۴/۱۰/۵.
۲۵. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌المللی، تهران: انتشارات سمت.
۲۶. مقدم‌فر، عطاءالله (۱۳۹۷)، بررسی دلایل ایجاد و تداوم بحران در عراق با تأکید بر پیشینه ظهور داعش، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۲: ۱۶۷ - ۱۳۹.
۲۷. نژادایران، محمد (۱۳۹۱)، انقلاب‌های عربی و چالش‌های سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای ترکیه، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۹۱/۷/۴.

۲۸. ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲۹. یزدانی، عنایت‌الله؛ طحان‌زاده، عاطفه؛ فلاحي، احسان (۱۳۹۶)، بررسی مقایسه‌ای راهبرد ترکیه و عربستان در بحران سوریه، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲۳: ۱۹۲ - ۱۶۹.

#### انگلیسی

1. Abdel Hameed, Mira A. and Mohamed Mohamed Hussein Mostafa(2018), "Turkish Foreign Policy towards Syria since 2002", Asian Social Science, 14(2), pp. 57- 68
2. Abramowitz I, S. Morton and Eric Edelman (2013). U.S-Turkish cooperation toward a post-Assad Syria. Bipartisan Policy Center.
3. Amberin, Zaman (2014), Syrian Kurds continue to blame Turkey for backing ISIS militants. Al-Monitor.
4. Cockburn, Patrick (November 2015), War with Isis: President Obama demands that Turkey close stretch of border with Syria. The Independent.
5. D'Alema, Francesco(2017), "The Evolution of Turkey's Syria Policy", IAI Istituto Affari Internazionali, 17(28), pp. 1- 18
6. Davutoglu, Ahmet (2008), Stratejik Derinlik: Turkiynin Uluslararası Kunumu, 24th ed, Istanbul, Kure.
7. Davutoglu, Ahmet (2010), The Strategic Depth, Trans. Thalji, Mohamed Jaber and Tarek Abdel Jalil, 3 ed. (Beirut: Arab Scientific Publishers), pp. 1- 468
8. Hinnebusch, Raymond (2015), "Back to Enmity, Turkey-Syria Relations Since the Syrian Uprising", Journal of German Orient Institute, Vol. 56, No. 1, pp. 14- 22.
9. Humud, Carla E. and Christopher M. Blanchard and Mary Beth D. Nikitin (March 25, 2019), Armed Conflict in Syria: Overview and U.S. Response, Congressional Research Service, 7-....www.crs.gov RL33487, pp. 1- 45
10. Kanat, Kilic. Bugra (2010), "AK Party's Foreign Policy: Is Turkey Turning Away from the West?", Insight Turkey, Vol.12, No.1.
11. Kieffer, Paul (2011), "Erdogan's Grand Vision for Turkey and the Arab World", World News & Prophecy's & Prophecy, world. htm arab at the:http://www.wnponline.org
12. Leonard, John-Paul and Washington's Blog and Wayne Madsen(2016), ISIS IS US: The Shocking Truth: Behind the Army of Terror, Progressive Press, pp. 1- 268
13. Lupovici, Amir (2009), "Constructivism Methods: a Plea and Manifesto, British International Studies Association".
14. Murinson, Alexander (2006), "The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy," Middle Eastern Studies, 42(6), pp. 946- 947.
15. Nawfal, Michel, Cengiz Candar(2013), "Turkish Foreign Minister Ahmet Davutoğlu New Arab Legitimacy or Regional Cold War?", Journal of Palestine Studies, 42(3), pp. 92-102
16. - Nazemroaya, Mahdi Darius and Denis J. Halliday (2012), The Globalization of NATO, Clarity Press, INC, September 15, pp. 1- 414.
17. Ozkok, Ali and Omer Ozkizilcik (2017), "Turkey Seeks to Expand its Influence in Syria", available at: <https://rusi.org/commentary>.



18. Rabasa, Angel and, F.Stephen, Larrabee (2008), *The Rise of Political Islam in Turkey*, Santa Monica, CA: RAND.
19. Schenker, David (2009), "Syria and Turkey: Walking Arm in Arm Down the Same Road?", *Jerusalem Center for Public Affairs*, 9(13), pp. 1- 5
20. Taspinar, Omer(2012), "urkey's Strategic Vision and Syria", *The Washington Quarterly*, 35(3), pp. 127- 140
21. Tastekin, Fehim (2017), "Syrian Kurds rebuilding Kobani from rubble", *al-monitor*, janvier 25, available at: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/01/turkey-syria-isis-asked-kurds-to-set-up-islamic-state.html>
22. Walker, Joshua. (2012). *turkeys time in Syria: future scenarios*, Brandeis University, crown center for Middle East studies, no.63, pp.1-2.
23. Zaarou, Bernard(2018), "Turkish Foreign Policy Toward Syria After 2011: A New Regional Order and the Role of Political Islam", *Harvard University, Harvard Library Office for Scholarly Communication*, May 2018, pp.1- 133



## بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی شیعه با محوریت ایران و تاثیر آن بر جایگاه سیاسی شیعیان غرب آسیا

سجاد کمری<sup>۱</sup>

عزت الله عزتی<sup>۲</sup>

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۳۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۲۸

### چکیده

محیط امنیتی هر جامعه‌ای، تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی و محیط خارجی آن است؛ بر این اساس، محیط امنیتی ایران به اقتضای طبیعت و هویت انقلابی - ایدئولوژیکی‌اش و از جهت تاریخی، فرهنگی و قومی به سبب موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی‌اش محیطی آسیب‌پذیر و مستعد بحران است. بر این اساس این پژوهش در نظر دارد ضمن نقد رویکردهای سنتی ژئوپلیتیکی به طرح نظری مفهوم «ژئوپلیتیک انتقادی شیعه» و «گفتمان مبتنی بر فضای مقاومتی» بپردازد. این مقاله از روش تحقیق توصیفی استفاده کرده و در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته و در قالب مدلی تحلیلی (فرضی - قیاسی) انجام شده است. با توجه به نتایج تحقیق به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران با توجه به ضعف ژئوپلیتیکی شیعیان در سایر کشورهای منطقه، نیازمند یک همگرایی با محوریت سایر مشترکات فی‌مابین از جمله مسائل فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی است تا بتواند با پوشش این ضعف در بلندمدت در سایه دیگر مؤلفه‌ها به ارتقاء جایگاه شیعیان در کشورهای منطقه کمک کند تا بتواند در آینده از جایگاه ژئوپلیتیکی تقویت‌شده آن‌ها در منطقه بهره‌مند شود.

### کلید واژه‌ها

ژئوپلیتیک، شیعه، موقعیت سیاسی، امنیت ملی

## مقدمه

موقعیت خاص ایران همواره بستر مناسبی برای ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی و به‌مخاطره افتادن امنیت ملی آن فراهم آورده است. در گذشته ژئوپلیتیک ایران به سبب عواملی مانند منابع خام یا موقعیت گذرگاهی مورد توجه قرار می‌گرفت؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، ایران که یکی از متحدان آمریکا و غرب در منطقه بود، به نیرومندترین دشمن آن‌ها در منطقه تبدیل شد و منافع آن‌ها را آماج حملات تبلیغی خود قرار داد؛ از این رو، غرب از جانب ابعاد جدیدی از ژئوپلیتیک ایران احساس خطر می‌کند؛ یکی از این موارد مسئله «ژئوپلیتیک شیعه» است.

غربی‌ها، انقلاب اسلامی را انقلابی شیعی می‌دانند و از ایدئولوژی شیعه که به نظر آن‌ها یک ایدئولوژی انقلابی است، می‌ترسند. از نظر غربی‌ها، سکونت بیشتر شیعیان در مناطق حساس ژئوپلیتیکی و ایدئولوژی انقلابی آنان، منافع غرب را در منطقه به خطر می‌اندازد؛ به‌همین دلیل غربی‌ها همواره از پیامدهای منطقه‌ای انقلاب اسلامی بیم داشته و درصدد برآمده‌اند ایران را، به عنوان کشوری که در قلب ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد، کنترل کنند.

از طرفی به نظر می‌رسد که عنصر شیعه به سبب اینکه از قدرت تأثیرگذاری بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است، برای غرب دارای اهمیت است؛ از این رو غرب برای مهار ژئوپلیتیک شیعه، طرح «خاورمیانه جدید» را مطرح کرد؛ آنان در این طرح به دنبال تغییر زیرساخت‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و دینی منطقه هستند؛ این روند، امنیت ملی ایران را در منطقه به مخاطره می‌اندازد؛ چون ایران در قلب ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد و تغییر و تحول در هر یک از کشورهای این حوزه، پیامدهای امنیتی برای ایران به همراه خواهد داشت.

با توجه به آنچه مطرح شد، هدف ما در این مقاله پاسخ به این پرسش است که "با توجه به حساسیت غرب نسبت به ژئوپلیتیک شیعه و جایگاه ایران در این حوزه ژئوپلیتیکی، این مسئله تا چه اندازه برای امنیت ایران بحران‌زاست؟"

فرضیه‌ای که مورد آزمون قرار می‌گیرد، این است: "با توجه به رابطه مذهب و جغرافیا در حوزه ژئوپلیتیک شیعه که غرب مطرح می‌کند و با توجه به اینکه ایران در قلب این حوزه

ژئوپلیتیک قرار دارد و سایر کشورهای واقع در این حوزه ایران را احاطه کرده‌اند، هرگونه نفوذ قدرت‌های خارجی در این کشورها به ضرر امنیت ملی ایران است" و پرداختن به این موضوع می‌تواند اهمیت مخاطرات و راهکارهای پیشروی جمهوری اسلامی ایران را در مناسبات ژئوپلیتیکی منطقه با محوریت شیعیان مشخص نماید؛ چراکه برخلاف ایران که شیعیان اکثریت غالب جمعیت آن را تشکیل می‌دهند و تحت لوای یک حکومت اسلامی - شیعی هستند در سایر کشورهای این حوزه، شیعیان در اقلیت و یا اقلیت نسبی و در برخی دیگر همانند بحرین با وجود اکثریت از لحاظ حاکمیتی در سیطره حکومت‌های سنی هستند و این حکومت‌ها به دلیل عدم مشروعیت داخلی، اکثراً به قدرت‌های خارجی وابسته هستند و همین امر، زمینه را برای کنترل نیروی پرنفوذ فرامنطقه‌ای ژئوپلیتیک شیعه با محوریت ایران فراهم می‌کند و به انزوای ایران در منطقه می‌انجامد.

#### تشیع در ابعاد بین‌المللی

مطالعه و بررسی ابعاد فضایی و نقش‌آفرینی بین‌المللی تشیع یا به عبارتی جغرافیا در ژئوپلیتیک شیعه و به طور کلی بررسی وضعیت شیعیان و قلمروهای اسلامی و شیعی بدون تردید برای محافل علمی و دانشگاهی و حوزه‌های ما از اهمیت بالایی برخوردار است و مسئله‌ای که در چند دهه گذشته مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران خارجی عمدتاً غربی قرار گرفته ولی از دایره محققین داخلی کشور مورد غفلت واقع شده است؛ متأسفانه در اثر این غفلت و بی‌توجهی، شیعیان به عنوان یک پدیده دارای بعد فضایی و جغرافیایی، موضوع مطالعه دیگران شدند و چه‌بسا تصویری که از نتایج مطالعات آنان از شیعه ارائه می‌شود منبع آگاهی ما از شیعیان نیز قرار می‌گیرد؛ این در حالی است که تشیع مانند هر پدیده دیگری دارای ابعاد متعددی است که هر بعد آن می‌تواند موضوع مطالعه یکی از رشته‌های علمی در کشور قرار گیرد.

یکی از ابعاد پدیده ژئوپلیتیک، بعد جغرافیایی آن است که باید توسط متخصصین جغرافیایی مورد مطالعه قرار گیرد؛ توجه بیشتر به این موضوع زمانی مشخص می‌شود که دقت کنیم دین اسلام و مذهب تشیع در دهه‌های پایانی قرن بیستم ماهیت سیاسی پیدا کرد و

سرشت سیاسی آن مشخص شد. اکنون پدیده شیعه با برخورداری از جغرافیای منسجم، پتانسیل‌های محیطی، جمعیت قابل توجه و از همه مهم‌تر اندیشه سیاسی پویا در مناسبات قدرت نقش‌آفرینی می‌کند و در ساختار قدرت‌های منطقه و جهانی اثرگذار است. روشن است که سیاسی شدن شیعه در دنیا و برخورداری تشیع از موقعیت ژئوپلیتیک در چارچوب انقلاب اسلامی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های نیمه قرن بیستم معنا پیدا کرد؛ چراکه انقلاب ایران یک انقلاب شیعی بود و دغدغه تمام مسلمانان و مستضعفان جهان و آزادی‌خواهان جهان را داشت که به طور طبیعی قلمروهای شیعی بیشتر تحت تأثیر آن قرار گرفتند و نسبت به آن واکنش نشان دادند.

#### عوامل تأثیرگذار بر موقعیت ژئوپلیتیکی

عوامل ثابت عبارت‌اند از: موقعیت جغرافیایی، شکل جغرافیایی، فضا و تقسیمات آن، وسعت خاک، توپوگرافی و شکل کشور (به نظر می‌رسد این عوامل همان متغیرهای مطرح در نظریات کلاسیک ژئوپلیتیک هستند). عوامل متغیر عبارت‌اند از: جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی و اجتماعی.

عامل اصلی در گروه عوامل ثابت، موقعیت جغرافیایی است و در گروه عوامل متغیر، کانون تغییرات، انسان است.

به عقیده عزتی، توجه به عوامل فرهنگی و اعتقادی در امر ژئوپلیتیک، حیطه‌های دیگری از هم‌نشینی جغرافیایی را مطرح می‌کند؛ وی با تأکید بر تأثیر عوامل فرهنگی در ژئوپلیتیک و پیوستگی این دو بحث، ژئوپلیتیک اسلام را مطرح می‌کند. نگارنده نیز سعی می‌کند در چنین چارچوبی، ژئوپلیتیک شیعه را بررسی نماید.

پیش از انقلاب اسلامی ایران، اسلام تنها یک ایدئولوژی مذهبی محسوب می‌شد. انقلاب اسلامی ایران جنبه‌های بالقوه سیاسی آن را به فعل درآورد و تفکر شیعی با انجام ساختاری خود در ایران، نشان داد که توانایی به ظهور رساندن یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های تاریخ را دارد؛ این توانایی باعث شد که بسیاری از نهضت‌های آزادی‌بخش، به‌ویژه در آسیا و آفریقا،

توجه خود را به ایران و ایدئولوژی اسلام معطوف کنند؛ این توجه در کشورهایی که از اکثریت مسلمان برخوردار بودند، شدت بیشتری یافت و به گرایشی قوی تبدیل شد.

توجه جنبش‌های آزادی‌بخش و کشورها و شخصیت‌های اسلامی به نقش اسلام در صحنه سیاست بین‌الملل، باعث شد که ژئوپلیتیک کشورهایی که از جمعیت با اکثریت مسلمان برخوردار بودند، در نگرشی مجدد ارزیابی شود؛ این امر در آنجا اهمیتی خاص می‌یافت که پیوستگی جغرافیایی و جایگاه خاص این حیطه از جهان، به لحاظ دسترسی به عظیم‌ترین منابع نفتی، خودنمایی می‌کرد و پدیده‌ای به نام جهان اسلام را مطرح می‌ساخت.

به این ترتیب طرح دیدگاه‌های جدید ژئوپلیتیکی و پیوند بین این دیدگاه‌ها با گرایش‌های فرهنگی، نقش جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مرکز جهان اسلام در دنیا و قدرت و پایداری انقلاب اسلامی، این اندیشه و نظر را به وجود آورد که باید به ایدئولوژی‌های مذهبی و دیگر پارامترهای فرهنگی، در حکم پارامترهای مهم در پیدایش ویژگی‌های ژئوپلیتیکی توجه کرد و به توانایی‌های این پارامترها در به فعل درآوردن یا توانایی‌های عملیاتی آنها نیز نظر داشت؛ وقوع انقلاب اسلامی ثابت کرد که این توانایی‌ها بیش از هر چیز از خصوصیت ذاتی تفکر تشیع و وجود اصل ولایت‌فقیه در آن ناشی می‌شود. تفکر و اصل اجتهاد مستمر و ولایت در آیین شیعه، موجب پویایی و انطباق فعال ایدئولوژی اسلامی با تحولات و تغییرات روز می‌شود.

با توجه به نظرات عزتی می‌توان گفت در شرایط کنونی بین‌المللی و در ساختار نوین نظام بین‌الملل، دیگر نمی‌توان تنها با تأکید بر متغیرهای مطرح در نظریات کلاسیک، امنیت را برای کشورها به ارمغان آورد و رهیافت سنتی از امنیت که در آن تمرکز تقریباً انحصاری بر عوامل نظامی و خارجی است، به تدریج قابلیت تحلیلی و کاربردی خود را در بررسی‌های امنیتی از دست می‌دهد و ابعاد جدیدی وارد نگرانی‌های امنیتی می‌شود و اهمیت یافتن ابعاد فرهنگی و اعتقادی در امر ژئوپلیتیک که به آن اشاره شد، زوایای جدیدی را در بحث امنیت ملی ایران نشان می‌دهد.

در حال حاضر یکی از مهم‌ترین جنبه‌های ژئوپلیتیکی ایران که حساسیت غرب را برانگیخته است، ترکیب شدن عوامل فرهنگی و اعتقادی با دسترسی به منابع عظیم انرژی و

موقعیت‌های حساس ژئوپلیتیکی و استراتژیکی است که همواره به صورت شمشیری دو دم برای امنیت ملی ایران عمل می‌کند.

اگر بپذیریم که گسترش ارتباطات و اطلاعات در سطح جهانی، منجر به پیوند هر چه بیشتر و نزدیک‌تر جوامع انسانی به یکدیگر شده و تقسیم پیچیده‌تر و بیشتر کار اجتماعی، ارتباط و تداخل حوزه‌ها و نظام‌های اجتماعی در یکدیگر را افزایش داده است، به نظر می‌رسد که امنیت ملی از دو بُعد باید مورد توجه قرار گیرد:

بُعد نخست، نظم و ثبات جهانی است؛ به این معنا که هرگونه بی‌نظمی و بی‌ثباتی سیاسی در جهان، به‌ویژه در حوزه راهبردی جامعه مورد نظر، به بی‌ثباتی سیاسی و تهدید امنیت ملی آن جامعه منجر می‌شود؛

بُعد دوم، نقش و اهمیت عوامل مختلف داخلی در تضمین و تأمین امنیت ملی و ثبات سیاسی جامعه است؛

امنیت ملی ایران نیز به عنوان کشوری که در قلب ژئوپلیتیک شیعه قرار دارد، در قالب این دو بُعد امنیتی قابل تحلیل است.

#### نحوه تأثیر ژئوپلیتیک بر اندیشه سیاسی شیعیان

جغرافیای سیاسی، شاخه‌ای از علم جغرافیاست که درباره پدیده‌های سیاسی در فضای جغرافیایی یک کشور بحث می‌کند. (Scruton, 2007: 509) در حال حاضر تحولاتی که در سیاست جهان روی داده، سبب تنوع بیشتر مباحث ژئوپلیتیک شده است و این شاخه از جغرافیای سیاسی، درباره مفاهیم تازه و متنوعی بحث می‌کند. عوامل ژئوپلیتیک می‌تواند تأثیرات مختلفی در عرصه نظری و اندیشه‌ای از جمله اندیشه سیاسی بر جای گذارد؛ زیرا اندیشه سیاسی از یکسو متأثر از عوامل نظری و ذهنی و از سوی دیگر، تحت تأثیر عوامل عینی قرار دارد؛ در واقع باید گفت: اندیشه سیاسی محصول تعامل عین و ذهن است.

در این قالب می‌توان از تأثیر ژئوپلیتیک بر اندیشه سیاسی شیعیان به عنوان اندیشه آنان درباره چگونگی سازمان دادن به زندگی سیاسی سخن گفت. اصولاً اندیشه سیاسی شیعیان نیز تحت تأثیر عوامل ذهنی و عینی قرار دارد؛ این اندیشه از یکسو متأثر از مبانی فلسفی، کلامی،



عرفانی و فقهی شیعیان همچون الگوی نظری امامت است؛ شیعیان به عنوان یک اصل اولیه، از الگوی امامت و نیابت به عنوان الگوی مطلوب یاد می‌کنند و هر الگوی غیر آن را نامشروع می‌دانند.

از سوی دیگر متأثر از عوامل عینی است و واقع‌گرایی مناسبی دارد. اندیشه سیاسی شیعیان در تعامل با شرایط جامعه و واقعیت‌های موجود از جمله شرایط ژئوپلیتیکی آنان، شکل می‌گیرد. در واقع تعامل بین مبانی نظری و واقعیت‌های عینی، موجب شکل‌دهی به الگوی رفتاری آنان در عرصه سیاسی می‌شود؛ در نتیجه آنان می‌کوشند از درون این تعامل الگوی رفتاری خود در رویارویی با شرایط جامعه را استخراج کنند.

ابزاری که این تعامل بین آرمان و واقعیت را تسهیل می‌کند، فقه شیعیان است. فقه شیعه که الگوی رفتاری شیعیان را ترسیم می‌کند، توانایی‌های خاصی دارد که مصلحت‌اندیشی، واقع‌گرایی و انعطاف‌پذیری این گروه را در مواجهه با شرایط جدید آسان‌تر می‌کند و بدان‌ها قدرت انطباق بیشتری می‌دهد.

اجتهاد، از ویژگی‌های فقه‌های اصولی است؛ این اصل، فقه‌های شیعی را برای رویارویی با مسائل مهم جدید جهان معاصر توانمند کرده است. اجتهاد نوعی توانایی علمی است که شخص می‌تواند احکام فرعی را از احکام اصلی شرع استنباط کند.

زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۱ / ۴۲۵)

این نگرش در اندیشه سیاسی شیعیان، توانمندی ایشان را در رویارویی با شرایط به‌شدت افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر اصولیان شیعی، احکام را به اولیه و ثانویه تقسیم می‌کنند که این امر نیز انعطاف‌پذیری آن‌ها را در رویارویی با مسائل مختلف افزایش می‌دهد. به اعتقاد اصولیان چنانچه شرایط و حالت‌های ویژه‌ای سبب شود مکلف نتواند به احکام واقعی اولی عمل کند،

شارع، حکم دیگری در آن باب مقرر می‌دارد که از آن به حکم واقعی ثانوی و از موضوعاتش نیز به عناوین ثانوی یاد می‌شود (مظفر، ۱۳۸۱: ۲۳۴).

بر پایه نظر این گروه، در شرایطی همچون عسر و حرج، اضطراب، ضرر و ضرار، عهد و پیمان، مقدمه واجب و حفظ نظام می‌توان از احکام ثانویه استفاده کرد که تعیین تحقق این شرایط به عقل واگذار شده است؛ این بحث زمینه لازم را برای اجرای انعطاف‌پذیر احکام - در حکومت اسلامی - فراهم می‌آورد؛ به واقع از همین‌روست که اندیشه سیاسی شیعیان در حوزه عمل سیاسی، قابلیت بالایی دارد.

بنابراین عوامل ژئوپلیتیک می‌توانند با ایجاد شرایط خاص، موضوع احکام شریعت و موضوع تکالیف مکلفان را تغییر دهند و در نتیجه حکم نیز تغییر کند. شیعیان نیز بر اساس حکم جدید و خاص متناسب با شرایط جغرافیایی خود عمل می‌کنند و رفتاری متفاوت با بقیه شیعیان در پیش می‌گیرند و از الگوهای متفاوت سیاسی پیروی می‌کنند.

در این چارچوب می‌توان از تأثیر ژئوپلیتیک در حوزه فقه سیاسی در اسلام نیز سخن گفت و تحولات اندیشه سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف را تبیین کرد؛ بدون توجه به این بحث نظری، تبیین دقیق دلایل حمایت شیعیان از الگوهای سیاسی متفاوت، با تناقض‌های زیادی مواجه خواهد شد؛ در ادامه به صورت موردی به این بحث می‌پردازیم.

#### الگوهای سیاسی مورد حمایت شیعیان در کشورهای مختلف

تشیع به عنوان یکی از شاخه‌های اسلام، به مرور زمان بخش مهمی از جهان اسلام را به خود اختصاص داده است. جمعیت شیعیان در سال ۲۰۰۹ میلادی حدود ۲۰۷ میلیون نفر از جمعیت ۱/۷۵ میلیاردی مسلمانان (۱۶٪ از کل مسلمانان) و ۶/۷۹ میلیاردی جهان را تشکیل می‌دهند (دانشنامه ویکی‌پدیا، آمار سال ۲۰۰۹). بیشتر شیعیان، در کشورهای واقع در منطقه غرب آسیا زندگی می‌کنند.

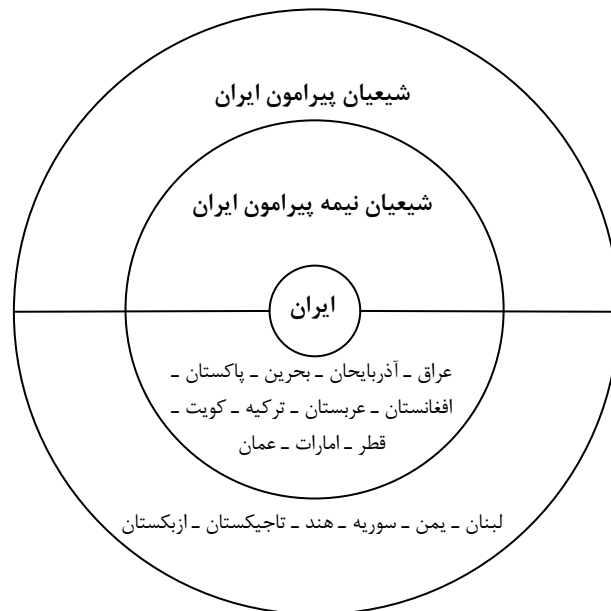
مرکز جغرافیای سیاسی شیعه در «قلب خاورمیانه» است؛ به تعبیر دقیق‌تر، اگر ترکیب فیزیکی و جغرافیایی خاورمیانه را ترسیم کنیم، شیعه در مغز و قلب آن حضور دارد (عزتی، ۱۳۸۰: ۳۱). «ژئوپلیتیک شیعه»، به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای

مختلف خاورمیانه بزرگ با مرکزیت ایران است (عزتی، ۱۳۸۶: ۳۱) که بخش‌هایی از لبنان، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را در برمی‌گیرد. این کمربند در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۵). در کرانه‌های خلیج فارس، جهان اسلام به دو نیمه تقسیم می‌شود: نیمه غربی که به سمت باختر تا اقیانوس اطلس گسترش یافته است و نیمه هند و ایرانی که از کوهستان‌های ایران شروع می‌شود و با گذر از پاکستان و بنگلادش تا اندونزی و فیلیپین پیش می‌رود (توال، ۱۳۸۲: ۱۹۸).

شیعیان در دهه‌های اخیر، اثرگذاری بیشتری در عرصه سیاسی دارند و از الگوهای سیاسی متفاوتی حمایت می‌کنند. در ادامه به بررسی ابعاد این تحولات می‌پردازیم:

#### ۱. شیعیان در ایران و حمایت از الگوی سیاسی جمهوری اسلامی و ولایت فقیه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، برای نخستین بار قدرت شیعه در قالب الگوی «ولایت فقیه» در صدر حکومت قرار گرفت که در حقیقت، مهم‌ترین واقعه در طول تاریخ شیعه به حساب می‌آید (توال، ۱۳۸۲: ۵۶)؛ زیرا شیعیان در ایران با رهبری امام خمینی موفق شدند الگوی حداکثری مطلوب شیعه در دوران غیبت یعنی الگوی ولایت فقیه را برای اولین بار در تاریخ شیعه تحقق بخشند و با دفاع از حاکمیت فقیه منتخب مردم، الگوی نابی را در معرض دید شیعیان جهان قرار دهند.



شکل ۱. الگوی مرکز - پیرامون قلمروهای شیعی جهان (احمدی، ۱۳۸۶)

#### ژئوپلیتیک شیعه

در ابتدا قبل از ورود به بحث اصلی، لازم است واژه «ژئوپلیتیک» را تعریف کنیم. علم ژئوپلیتیک به بررسی نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست می‌پردازد؛ به عبارت دیگر ژئوپلیتیک به معنای تقابل قدرت با یک سرزمین و انسان‌هایی که در آن سکونت دارند، است. با توجه به تعاریف متعددی که از واژه ژئوپلیتیک مطرح شده، می‌توان ژئوپلیتیک را پرداختن به رابطه میان دولت‌ها و قدرت‌طلبی آن‌ها و تثبیت اقتدارشان در مناطق جغرافیایی تعریف کرد. بعد از اشاره کوتاهی که به مفهوم ژئوپلیتیک کردیم، اگر بخواهیم به واژه «ژئوپلیتیک شیعه» دست یابیم، باید به گذشته به‌ویژه به زمان جنگ سرد، بازگردیم؛ خانم فرحناز مایل افشار در این زمینه می‌نویسد:

در جنگ سرد، منطقه اوراسیا مرکز جهان یا به عبارتی هارتلند به شمار می‌آمد؛ در آن زمان انتقال انرژی و دسترسی به آن و مفاهیمی از این قبیل، رئوس اصلی ژئوپلیتیک به حساب می‌آمد؛ اما بعد از ارائه «تز برخورد تمدن‌ها» از سوی هانتینگتون، شاهد سیاسی شدن هویت‌های

فرهنگی، قومی، مذهبی و... بودیم که ژئوپلیتیک شیعه در این چارچوب فکری و راهبردی قرار گرفت.

ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف غرب آسیا با هارتلند ایران است. اهمیت ایران تا آنجاست که گراهام فولر، ایران را «قبله عالم» و پرفسور روح الله زمانی، ایران را «دو راهی حساس» می‌نامد. مارتین کرامر، محقق اسلام‌ستیز آمریکایی، در کتاب «تشیع، مقاومت و انقلاب»، به طور ضمنی در خصوص اهمیت عنصر ژئوپلیتیک شیعه می‌نویسد:

در دوران معاصر، تشیع برخی از قوی‌ترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است. جنبش‌های شیعی امروزه راهبردهای سیاسی فوق‌العاده اصیلی ابداع کرده‌اند که غالباً موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده است؛ این شیوه‌ها در ایران از عظیم‌ترین موفقیت‌ها برخوردار بوده‌اند و الهام‌بخش سایر شیعیان در دنیای عرب و جنوب آسیا نیز شده‌اند. کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، راهبردی و تاریخی اسلام را در برمی‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند؛ این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد.

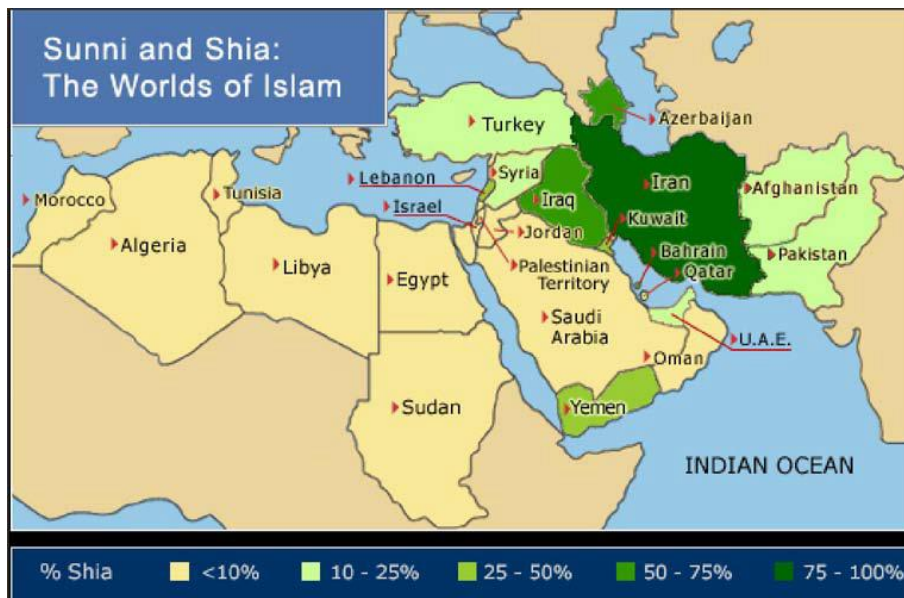
بی‌تردید موقعیت حساس ژئوپلیتیک جهان اسلام و جمعیت بیش از یک میلیارد نفری مسلمانان در جهان - که طبق پیش‌بینی‌های به عمل آمده، جمعیت آنان در ۲۰ سال آینده به حدود دو میلیارد نفر هم خواهد رسید؛ صاحب‌نظران و سیاست‌مداران غربی را وادار ساخته است تا در حوزه «ژئوپلیتیک اسلام و تشیع» به پژوهش بپردازند.

فرانسوا توال، از صاحب‌نظران غربی، می‌نویسد: از میان یک میلیارد معتقد به رسالت حضرت محمد(ص)، حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد شیعه هستند؛ یعنی جمعیت شیعی در جهان به حدود ۱۴۰ میلیون نفر می‌رسد (در زمان ارائه این نظریه توسط توال). درگیری‌های اخیر همچون انقلاب اسلامی در ایران و جنگ داخلی لبنان، مسئله شیعه را به عنوان یک عامل ژئوپلیتیک مطرح کرده است؛ به نظر وی مطالعه «مذهب شیعه» برای تجزیه و تحلیل عوامل مهم ژئوپلیتیک جهان معاصر باید مورد توجه قرار بگیرد.

پس از این بحث مقدماتی که به نظر ضروری می‌رسید، وارد بحث اصلی خود در این قسمت می‌شویم.

#### علل حساسیت غرب نسبت به ژئوپلیتیک شیعه

با توجه به آنچه ذکر شد، حساسیت ژئوپلیتیک شیعه برای غرب در دو محور فرهنگی - ایدئولوژیکی و امنیتی - راهبردی قابل بررسی است.



نقشه ۱. نمایی از توزیع جغرافیایی شیعیان (Source: <http://www.pbs.org>)

محور فرهنگی - ایدئولوژیکی

به نظر می‌رسد یکی از علل حساسیت غرب به ژئوپلیتیک شیعه، به آموزه‌های ایدئولوژیکی - فرهنگی اسلام برمی‌گردد.

فوازی جرجیس در کتاب «آمریکا و اسلام سیاسی»، می‌نویسد: گرچه تهدید نظامی نسبت به غرب از سوی جهان اسلام از پایان قرن هفدهم متوقف شده بود، چالش مذهبی و فکری اسلام همچنان بر تصور بسیاری از مردم غرب سایه افکنده است؛ همچنین عنوان می‌دارد:

بیشتر آمریکایی‌ها از فرهنگ اسلامی تلقی خصمانه دارند و آن را تهدیدی نسبت به منافع و ارزش‌های فرهنگی‌شان می‌دانند.

اظهارات عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران غربی نیز نشان می‌دهد که تهدید غرب از سوی جهان اسلام، بیشتر تهدید ایدئولوژیکی بوده است تا تهدید نظامی. در این چارچوب، تقابل گرایان، تهدید کمونیسم و تهدید اسلام را مشابه یکدیگر ترسیم می‌کنند:

همانند کمونیسم، احیاگری اسلامی نه فقط یک ایدئولوژی رسمی دعوت‌کننده به دین است، بلکه تجدیدنظرطلب نیز هست؛ از منظر این گروه، اسلام به عنوان یک تهدید راهبردی عمده در دوره پس از جنگ سرد، جانشین کمونیسم شده است.

دانیل پاییز بر این نکته تأکید می‌کند که چالش بنیادگرایی اسلامی نسبت به غرب، ژرف‌تر از چالش کمونیسم است؛ وی می‌گوید: کمونیست‌ها صرفاً با سیاست‌های ما مخالف بودند؛ نه با کل جهان‌بینی، شیوه لباس پوشیدن، شیوه عبادت و شیوه همسرگزینی ما؛ از نظر وی اسلام ذاتاً با غرب مخالف است:

آمریکایی‌ها به اسلام به عنوان یک دشمن می‌نگرند و همانند کمونیسم دوران جنگ سرد، اسلام را تهدیدی علیه غرب می‌دانند.

در چنین فضایی آموزه‌های ایدئولوژیکی تشیع از حساسیت بیشتری برای غرب برخوردار است؛ چون تشیع با اعتقاد به غاصبانه بودن حاکمیت غیرمعصوم، هرگونه تسلط غیرمسلمان بر مسلمان را جایز نمی‌داند؛ این باور، اساس استعمار را به چالش می‌کشد؛ در این میان، غرب از آموزه‌های تشیع ایرانی بیشتر احساس خطر کرده؛ به طوری که آمریکا اعلام نموده که هراسش از ایدئولوژی اسلام انقلابی ایرانی است و زبان انقلابی ایران خطرناک است؛ چون فهم رایج از نقش آرام و خاموش مذهب در سیاست را هدف قرار می‌دهد:

انقلاب اسلامی، دین را به صورت یک مدعی جدی در برابر مادیت حاکم بر غرب مطرح کرد. بی‌شبهه پس از فروپاشی مارکسیسم، بیشتر ادیان بومی در بیشتر نقاط جهان فعال شده‌اند و در این میان، اسلام به لحاظ داشتن پیشینه و عناصر نیرومند در خود و نیز موقعیت ممتاز جغرافیایی، بیش از هر آیین دیگر زنده شد؛ این زنده شدن به نوعی مبارزه‌طلبی بر ضد اندیشه

غربی جلوه‌گر شده و در این راه تا آنجا پیش رفت که به عنوان آلترناتیو مارکسیسم برای غرب درآمد.

اسپوزیتو<sup>۱</sup> می‌نویسد: ایران، نخستین انقلاب سیاسی اسلامی موفق را به جهان عرضه کرد؛ انقلابی که به نام اسلام و با شعار «الله‌اکبر» بر مبنای ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیر روحانیت اسلام‌گرا استوار بود و مسلمانان سراسر جهان از ثمره آن که همانا اوج گرفتن مفهوم هویت اسلام، بازگشت غرور و اقتدار مسلمانان در جهان که تحت سیطره ابرقدرت‌هاست، محفوظ شدند؛ علاوه بر این، آیت‌الله خمینی تجربه ایران را راهنمایی برای تغییر سیاسی و ایدئولوژیک امت جهان اسلام می‌دانست؛ برنامه او متحد کردن تمام مسلمانان در نبردی سیاسی و فرهنگی علیه شرق و غرب بود؛ با پیروزی در این نبرد، ایران آماده بود تا اصول خود را در کشور خویش و جهان خارج از آن تبلیغ کند.

عده‌ای از صاحب‌نظران غربی معتقد هستند حساسیت آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه زمانی بیشتر خواهد شد که موقعیت‌های ژئوپلیتیکی شیعه در نظر گرفته شود؛ چون بسیاری از شیعیان در مناطق نفت‌خیز مستقر هستند؛ مناطقی که به لحاظ ژئوپلیتیکی و راهبردی بسیار حساس هستند و این امر منافع غرب را به خطر می‌اندازد.

بدین منظور فرانسوا توال<sup>۲</sup> به این نکته اشاره می‌کند که تشیع، به‌ویژه تشیع ایران کنونی، ادعای سخنگویی محرومان جهان سوم و امید تازه نفرین‌شدگان زمین را دارد؛ به همین علت شیعه، جهان غرب و ارزش‌هایش را رد می‌کند. از دید شیعه، ارزش‌های غربی تنها مصنوعاتی هستند که در جهت فریب توده‌های فقیر در نظر گرفته شده‌اند. تشیع، کاپیتالیسم و کمونیسم را یکسان رد می‌کند. انفجار تشیع تنها به مواضع ژئوپلیتیکی‌اش در غرب آسیا بر نمی‌گردد، بلکه در محتوا و پیام سیاسی آن نهفته است؛ تلقی این اراده انقلابی و امید به سخنگویی فقیران جهان، به عنوان یک ویژگی سطحی، اشتباه است؛ این اراده می‌تواند زمانی دارای قدرتی انفجار آمیز و سهمگین باشد؛ به نظر وی تشیع با طرح و نقشه اعتقادی و ایدئولوژیکی خود، می‌تواند به صورت اهرم نیرومندی جهت برهم زدن ثبات منطقه و جهان ظاهر شود. تشیع هرچند از

1. Esposito  
2. Fransw. Toual



نظر جغرافیایی در یک منطقه پراکنده و محدود قرار گرفته، مبارزه‌ای را دنبال می‌کند که ادعای جهانی دارد. صلح در جهان به طور اساسی به اداره این نیروی جدید بین‌المللی بستگی دارد؛ به این ترتیب، آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه در انقلاب اسلامی ایران و تحقق حاکمیت تشیع در ایران، افق تازه‌ای به روی شیعیان جهان گشود و شیعیان عزت خویش را دوباره یافتند و به عنصری تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شدند.

نهضت حزب الله لبنان، تجلی عینی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی بود که نخستین پیروزی مسلمانان و اعراب را در برابر رژیم صهیونیستی محقق ساخت و بدین ترتیب راه پیروزی را به همه مسلمانان نمایاند و نشان داد که تعالیم روح‌بخش تشیع علوی می‌تواند همیشه راه گشا باشد؛ پس از این پیروزی، شیعیان دیگر نقاط جهان نیز در معادله جهانی حضور یافتند؛ حضور مؤثری که توجه بلوک‌های سلطه جهانی را به خود معطوف داشت، به‌گونه‌ای که جایگاه ویژه‌ای در عرصه مناسبات بین‌المللی برای آنان در نظر گرفته شد؛ قدرت‌های بزرگ، این تحرک‌ها را اعلان جنگ ایدئولوژیکی قلمداد کردند. رویکردهای مذهبی مکتب تشیع بیش از هر فرقه دیگر، ایدئولوژی غرب را به چالش کشید.

#### محور راهبردی - امنیتی

واقعیت‌های موجود حاکی از آن است که شیعیان به دلایل گوناگون از جمله حضور در مراکز مهم راهبردی منطقه، مثل میدان‌های نفتی و مراکز تجاری بالقوه جایگاه ویژه‌ای را در معادلات منطقه‌ای به خود اختصاص داده‌اند؛ به همین دلیل اگر شرایط تحقق این پتانسیل فراهم گردد، مؤلفه‌های مثبت جغرافیایی، ظرفیت‌های فراوانی برای ایفای نقش گسترده برای آن‌ها فراهم می‌آورد؛ به این ترتیب آگاهی از این واقعیت‌ها توجه قدرت‌های بزرگ صنعتی را به این اقلیت مذهبی جلب نموده است.

در واقع صرف‌نظر از تعارض آموزه‌های شیعه با مدرنیته غرب، موقعیت جغرافیایی آن‌ها نیز در تضاد با منافع جهان صنعتی بوده و بیش از پیش حساسیت این کشورها را برانگیخته است. غربی‌ها منافع خود را در منطقه در گرو مهار نیروی ژئوپلیتیک شیعه می‌دانند. مارتین کرامر در خصوص تفاوت موقعیت شیعیان ایران با شیعیان دیگر کشورها می‌نویسد:

ایران تنها کشوری است که شیعیان اکثریت غالب جمعیت آن را تشکیل می‌دهند؛ در دو یا سه کشور دیگر نیز تعداد شیعیان زیاد است و در سایر نقاط جهان اسلام شیعیان یا در اقلیت هستند و یا اصولاً وجود ندارند.

غرب به این نکته هم توجه دارد که شیعیان عرب که توسط دولت‌های سنی در فقر و محرومیت نگه داشته شده‌اند، به وضعیت خود معترض هستند و هر گونه تغییر در شرایط سیاسی کشورهای این حوزه، زمینه حاکمیت کامل یا نسبی شیعیان را فراهم خواهد کرد. از طرفی جمعیت شیعه جهان عرب به لحاظ راهبردی، در قلب بزرگ‌ترین منطقه نفت خیز غرب آسیا و در عرض شاهراه‌های نفتی خلیج فارس قرار دارند؛ با توجه به این موضوع، فولر در کتاب شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده می‌نویسد:

از بُعد نظری، شیعیان عرب به کمک ایران می‌توانند بیشتر منافع نفتی خلیج را تحت کنترل کامل خود درآورند.

جدول ۱. جمعیت شیعیان غرب آسیا

کشور	عضویت در اپک	جمعیت (میلیون نفر)	درصد شیعه	جمعیت شیعه (میلیون نفر)
افغانستان		۳۳	۱۹	۶/۳
آذربایجان		۸	۹۰	۷/۲
بحرین		۰/۷	۶۱	۰/۴
ایران	✓	۶۶	۹۰	۵۹/۴
عراق	✓	۲۸	۶۰	۱۶/۸
کویت	✓	۲/۶	۳۵	۰/۹
لبنان		۴	۴۰	۱/۶
عمان		۳/۴	۲	۰/۱
قطر	✓	۰/۸	۲۰	۰/۲
عربستان سعودی	✓	۲۸	۱۰	۲/۸
سوریه		۲۰	۲۵	۵
یمن	✓	۴/۶	۱۶	۰/۷
جمع		۲۲۲/۱		۱۰۴/۹

آگاهی از این مسئله باعث شده که آمریکا در خصوص عراق تدابیر خاصی اتخاذ کند؛ چون شیعیان عراق از برتری نسبی در دولت برخوردار شده‌اند و همین امر باعث ادامه حضور آمریکا در عراق حتی پس از پایان جنگ شده است؛ این حضور در چارچوب حساسیت غرب نسبت به ژئوپلیتیک شیعه، قابل تحلیل است.

#### ژئوپلیتیک شیعه در ابعاد بین‌المللی

نظام بین‌المللی و فضای سیاسی بین‌المللی، موانع جدی برای هرگونه تحول در بحرین به نفع شیعیان محسوب می‌شود و رژیم آل‌خلیفه به دلیل ارتباطات راهبردی با غرب، موفق به سرکوب شیعیان شده است؛ اما در عین حال این شرایط بین‌المللی در کشورهایی همچون عراق و افغانستان، به دلیل تخاصم رژیم‌های مذکور با غرب، به نفع شیعیان عمل کرده است؛ به طوری که فضای سیاسی بین‌المللی و توان نظامی آمریکا در سرنگونی رژیم صدام‌حسین و استقرار این نیروها در عراق، یکی از عوامل به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور بوده است. همچنین سقوط طالبان در افغانستان در ارتقای جایگاه سیاسی شیعیان مؤثر بوده است؛ هرچند آمریکا در بسترسازی پیروزی شیعیان در منطقه نقش مهمی دارد؛ اما نمی‌توان گفت این امر وضعیت مطلوبی برای آمریکاست؛ زیرا ایدئولوژی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی گروه‌های شیعی همواره تهدیدی بالقوه برای منافع آمریکا در منطقه محسوب شده است. آمریکا تلاش می‌کند تا با تضعیف نیروهای رادیکال و تقویت نیروهای میانه‌رو و سکولار شیعی، این بحران را مدیریت کند که درک این شرایط نیز در نوع الگوی سیاسی مورد حمایت شیعیان بسیار با اهمیت است.

#### نتیجه‌گیری

جمعیت شیعیان در کشورهای مختلف، از نظر محیط سیاسی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، وضعیت متفاوتی دارند؛ این امر به نگاه متفاوت شیعیان بر الگوی حکومت مورد حمایت آنان منجر شده است که در این مقاله، به صورت مبسوط به آن پرداخته شد. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث را به صورت خلاصه در این جدول می‌توان نشان داد:

کشور	وضعیت داخلی		وضعیت منطقه‌ای	
	شیعیان	معارضان	فشارها	حساسیت‌ها
ایران	اکثریت مطلق	ضعیف	محدود	متوسط
بحرین	اکثریت مطلق	ضعیف	زیاد	بسیار بالا
عراق	اکثریت نسبی	قدرتمند	زیاد	بالا
لبنان	یک‌سوم جمعیت	قدرتمند	زیاد	بالا
افغانستان	یک‌چهارم جمعیت	قدرتمند	محدود	متوسط

گفتنی است که این الگوهای متفاوت، هرچند به نظر، نوعی عدول از الگوی مطلوب شیعه است؛ اما با توجه به پتانسیل‌های موجود در فقه شیعه همچون اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن و اعتقاد به انعطاف‌پذیری احکام در قالب احکام اولیه و ثانویه، این شرایط جدید می‌تواند مورد حمایت مبانی نظری شیعه قرار گیرد. شیعیان با استفاده از اصولی همچون مصلحت، قاعده ارجحیت اهم نسبت به مهم و... می‌توانند ضمن حفظ اصول خود، از راهبردهای مختلفی در عرصه سیاسی پیروی کنند. در واقع ژئوپلیتیک، به عنوان یک عامل مهم اثرگذار بر موضوعات احکام شرعی، می‌تواند الگوی سیاسی و عمل سیاسی شیعیان را تحت تأثیر قرار دهد؛ این اثرگذاری توسط مبانی فقهی شیعی به رسمیت شناخته شده است؛ از این رو به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران با توجه به ضعف ژئوپلیتیکی شیعیان در کشورهای منطقه نیازمند یک همگرایی با محوریت سایر مشترکات فی‌مابین از جمله مسائل فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی است؛ تا بتواند با پوشش این ضعف در بلندمدت در سایه سایر عوامل به ارتقاء جایگاه شیعیان در کشورهای منطقه کمک نماید تا بتواند در آینده از جایگاه ژئوپلیتیکی تقویت شده آن‌ها در منطقه بهره‌مند گردد.

## منابع

### فارسی

۱. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، صحیفه امام، ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. اتوتایل، ژیرو وید و دیگران (۱۳۸۰)، اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳. احمدی، سید عباس (۱۳۸۶)، اهمیت ژئوپلیتیک تشیع و موقعیت مرکزی ایران، نشریه جام هفته، سال نهم، شماره ۳۸۱.
۴. احمدی، محمدمین (۱۳۸۳)، قانون اساسی جدید افغانستان و جایگاه شیعیان در آن، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، قم، سال دوم، شماره ۵.
۵. بختیاری، محمدعزیز (۱۳۸۵)، شیعیان افغانستان، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
۶. برنا بداجی، سیروس (۱۳۸۵)، هلال شیعی و ژئوپلیتیک خاورمیانه، هفته‌نامه پگاه حوزه، قم، شماره ۱۹۲.
۷. توال، فرانسوا (۱۳۸۲)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتابون باصر، تهران: انتشارات و ستار.
۸. چمران، مصطفی (۱۳۷۶)، لبنان، تهران: انتشارات بنیاد شهید چمران.
۹. حق‌جو، میرآقا (۱۳۸۰)، افغانستان و مداخلات خارجی، قم: انتشارات مجلسی.
۱۰. صافی، قاسم (۱۳۶۶)، سفرنامه پاکستان، تهران: انتشارات کلمه.
۱۱. عارفی، محمداکرم (۱۳۸۵)، شیعیان پاکستان، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
۱۲. عارفی، محمداکرم (۱۳۸۲)، شیعیان پاکستان، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، قم، سال اول، شماره ۳ و ۴.
۱۳. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویکم، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۱)، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۵. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۶)، جغرافیای جهان اسلام، قم: نشر اسوه.
۱۶. فرهنگ، سید محمدحسین (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۷. فولر، گراهام ای و فرانکه، رند رحیم (۱۳۸۴)، شیعیان عرب، مسلمانان فراموش‌شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.

۱۸. قاسم، شیخ نعیم (۱۳۸۳)، حزب الله لبنان (خط‌مشی، گذشته، آینده)، ترجمه محمد مهدی شریعتمداری، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۹. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵)، طرح ژئوپلیتیک شیعه، توطئه‌ای بر محور جنایات صهیونیسم در خاورمیانه، روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۵ / ۵ / ۸.
۲۰. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، دموکراسی و هویت ایرانی، تهران: انتشارات کویر.
۲۱. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۱)، اصول الفقه، قم: دارالتفسیر.
۲۲. نقیسی، عبدالله (۱۳۶۴)، نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ترجمه کاظم چایچیان، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۳. ویلی، جویس ان (۱۳۷۳)، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه مهوش غلامی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۲۴.
۲۴. <http://www.binbaz.org> منبع: فصلنامه مطالعات انقلاب - شماره ۳۰.

#### انگلیسی

1. Muir, Richard, 1997, political geography, A New Introduction, Macmillan Press
2. Taylor, Peter, 1994, political geography, England, longman scientific Technical.
3. Scruton, Roger, 2007, The Pal grave Macmillan Dictionary of Political Thought, Newyork, palgrave macmillan.
4. [www.shiaonline.net/1388-08-08-16-27-06&catid=11:1388-06-09-22-19-23&Itemid=94](http://www.shiaonline.net/1388-08-08-16-27-06&catid=11:1388-06-09-22-19-23&Itemid=94).
5. <http://fa.wikipedia.org>

## ارزیابی روش‌های تحقیق در عملیات برای بررسی مسائل نظامی

محمد رضا فتحی<sup>۱</sup>

محمد حسن ملکی<sup>۲</sup>

میلاد آقایی<sup>۳</sup>

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۱۶

### چکیده

تحقیق در عملیات از دیرباز به مسائل نظامی توجه داشته و شروع و رشد آن با این‌گونه مسائل پیوند خورده است. روش‌ها و فنون تحقیق در عملیات قابلیت‌های فراوانی برای بررسی و حل مسائل نظامی دارند. تحقیق حاضر از منظر جهت‌گیری، بنیادی، از منظر فلسفی، تفسیری و از بعد هدف توصیفی است. هدف تحقیق حاضر ارزیابی استدلالی و توصیفی توانمندی‌ها و قابلیت‌های روشی تحقیق در عملیات برای بررسی مسائل نظامی است؛ بدین منظور در ابتدا با استفاده از گونه‌شناسی جامع و متداول جکسون، با استفاده از برخی ابعاد اساسی، مسائل نظامی طبقه‌بندی گردید؛ در ادبیات گونه‌شناسی‌های دیگری مانند مینگرز و کاسیرس هم وجود دارند که بیشتر روشی هستند؛ در هر سنخ نمونه‌ای از مسائل نظامی برای شفافیت بیشتر توضیح داده شده است؛ سپس با استفاده از طبقه‌بندی‌های روشی محققین مقاله، مصاحبه با خبرگان داخلی و خارجی، مرور ادبیات و نمونه‌های موردی، روش‌های مناسب برای هر یک از مسائل مشخص شد. مسائل با کاربست گونه‌شناسی جکسون، به شش دسته هنجاری - عملیاتی، متکثر - عملیاتی، عمل‌گرایانه - عملیاتی، هنجاری - اجتماعی، متکثر - اجتماعی و عمل‌گرایانه - اجتماعی تقسیم می‌شوند. در پژوهش حاضر برخلاف تحقیقات قبلی که صرفاً ماهیت مسئله‌ای یا روشی دارند هر دو جنبه در نظر گرفته شده و قابلیت‌های فنون تحقیق در عملیات برای هر سنخ از مسائل به صورت استدلالی ارزیابی گردید؛ همچنین در ادامه دستورالعمل و چارچوبی برای روش‌شناسی ترکیبی در مواجهه با این مسائل از منظر نوع روش‌ها و ماهیت پارادایمی ارائه شد.

### کلیدواژه‌ها

روش‌شناسی، تحقیق در عملیات، مسائل نظامی، ترکیب روش‌ها، گونه‌شناسی.

۱. استادیار گروه مدیریت صنعتی و مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. دانشیار گروه مدیریت، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران

۳. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) و عضو هیات علمی دانشگاه

علوم انتظامی امین، ایران  
milad.Aghaee@ymail.com

## مقدمه

سازمان‌های نظامی با مسائل و چالش‌های مختلفی مواجه می‌شوند؛ بررسی و ارزیابی این مسائل به شناخت درست و اثربخش آن‌ها وابسته است. هر یک از مسائل، شرایط و اقتضائات خاصی دارند و ارزیابی آن‌ها به رویکرد خاص خود نیاز دارد. دانش تحقیق در عملیات، ابزارهای مختلفی از علوم متفاوت از جمله آمار، ریاضیات، مهندسی، علوم شناختی، روانشناسی، زیست‌شناسی، تئوری سیستم‌ها و علوم اجتماعی را مورد استفاده قرار داده و امروزه نه تنها در زمینه نظامی بلکه در حوزه‌هایی مانند صنعت، بازرگانی، کارآفرینی، مدیریت منابع انسانی و سلامت نیز کاربرد گسترده‌ای دارد. تحقیق در عملیات در ابتدا برای بررسی مسائل نظامی جنگ و ارائه راهکار برای رفع آن‌ها شکل گرفت، ولی در ادامه به طور گسترده روش‌هایی توسعه داده شدند که می‌توانند بسیاری از مسائل نظامی را بررسی و ارزیابی کنند. روش‌های کلاسیک تحقیق در عملیات که با نام فنون تحقیق در عملیات سخت<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند، در پی تعیین بهترین راه‌های تخصیص مواد و نیروی انسانی با به‌کارگیری روش‌های کمی و محاسباتی می‌باشد (Heyer, 2004: 53). در سال‌های اخیر محدودیت‌های روش‌های تحقیق در عملیات برای همه آشکار شده است؛ این محدودیت‌ها در ارتباط با دقت و اعتبار تکنیک‌های مورد استفاده نیست بلکه بیشتر در ارتباط با کاربست‌پذیری این تکنیک‌ها برای بعضی مسائل بسیار پیچیده با شرایط خاص خود است (Beasley, 2002: 156). در دهه‌های اخیر به‌طور روشن مشخص شد که طیف وسیعی از مسائل سازمانی صرفاً با منطق کمی و محاسباتی فنون تحقیق در عملیات سخت، قابل حل نیستند. مسائل در قیاس با گذشته پیچیده‌تر، دشوارتر و مبهم‌تر شده‌اند و نمی‌توان به صورت کمی آن‌ها را مدل‌سازی کرده و صورت‌بندی این مسائل با روش‌های کلاسیک تحقیق در عملیات سخت نمی‌تواند باعث بهبود موقعیت مسئله باشد؛ علت وجود این مشکلات، این است که سازمان‌ها از افراد و گروه‌هایی تشکیل شده‌اند که دیدگاه‌ها و منافع گوناگونی دارند و تعارض بخش جدایی‌ناپذیر سازمان‌های امروزی است. به گمان صاحب‌نظران، حوزه‌های تحقیق در عملیات بسیار وسیع‌تر از آن است

---

1. Hard OR



که قبلاً به کار گرفته می‌شد و این رشته می‌تواند در حوزه‌های گوناگون با ارائه روش‌ها و روش‌شناسی‌های مختلف موثر واقع شود. در واقع دانش تحقیق در عملیات، نیازمند کاربری روش‌هایی است که تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان را قادر سازند تا هم‌زمان ذهنیت‌ها و دیدگاه‌های متعدد و متفاوت کلیه ذی‌نفعان مسئله را با هم لحاظ نموده و سازگار نمایند و در چنین شرایطی است که فنون تحقیق در عملیات نرم وارد میدان می‌شوند؛ هم‌چنین رویکردهای جدیدتر نسبت به تحقیق در عملیات از جمله سامانه‌های انتقادی، از ورود مفاهیم اخلاقی و ارزشی به آن حمایت می‌کنند. همان‌طور که مشخص است تحقیق در عملیات از دو حوزه تشکیل شده است: مسائل تصمیم‌گیری موضوع این دانش و راه‌حل‌ها و تکنیک‌های حل مسئله. مسائل نظامی گسترده و متنوع هستند. هر یک از مسائل از اجزاء، ذی‌نفعان، ارزش‌ها و ساختارهای مختلفی تشکیل شده‌اند؛ برخی از این مسائل صرفاً جنبه فنی داشته و با معیارهایی مانند کارایی فنی و بهای تمام‌شده سر و کار دارند؛ در صورتی که برخی دیگر از مسائل به ملاحظات امنیتی، راهبردی و سیاسی اهمیت می‌دهند. تحقیق در عملیات جعبه ابزار گسترده و توانمندی برای بررسی به انواع گوناگون مسائل دارد. شناخت انواع مسائل نظامی و اجزا هر کدام از آن‌ها به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا به فراخور اقتضائات آن مسئله، روش مناسب را به کار گیرند؛ برای مثال مسئله تعیین مکان برای یک پادگان نظامی را در نظر بگیرید؛ در ابتدا می‌توان با استفاده از یک روش ایجاد مدل مانند مدل‌سازی ساختاری تفسیری، عوامل و ابعاد مؤثر روی تعیین مکان را شناسایی نموده و رابطه آن‌ها را احصا نمود؛ این عوامل می‌توانند امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، ایمنی و انسانی باشند؛ پس از احصا مدل عوامل مؤثر، می‌توان با کاربری یک تکنیک تصمیم‌گیری مانند تاپسیس<sup>۱</sup> یا کپراس<sup>۲</sup>، این مکان‌ها را اولویت‌بندی نمود. تحقیق در عملیات رشد خود را با مسائل نظامی شروع کرد؛ ولی در ادامه به مسائل کسب و کار و سازمان‌ها هم ورود کرد. امروزه یک بار دیگر تحقیق در عملیات و روش‌های آن مانند نظریه بازی، فنون تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری روی مسائل نظامی تمرکز نموده‌اند و ورود به این حوزه برای آن‌ها جذاب شده است. در واقع تحقیق حاضر به دنبال آن

---

1. Topsis  
2. Capras

است که ابتدا انواع مسائل نظامی را تعریف نموده و سپس از قابلیت‌های جعبه ابزار تحقیق در عملیات برای بررسی و پاسخ مناسب به این مسائل استفاده نماید. هدف تحقیق حاضر، شناسایی انواع مسائل نظامی پیش روی علم مدیریت و ارزیابی ارائه روش‌های مناسب برای بررسی هر یک از این گونه مسائل است؛ همچنین پس از تحلیل شکاف و ارزیابی ضعف‌های روش‌شناختی علم مدیریت، دستورالعملی برای ترکیب روش‌ها ارائه شده است. برای دسته‌بندی مسائل نظامی در این پژوهش از گونه‌شناسی جکسون استفاده شده است.

#### گونه‌شناسی جکسون

از منظر جکسون (۲۰۰۳)، مسائل پیش روی تحقیق در عملیات عبارت‌اند از: مسائل عمل‌گرایانه - عملیاتی<sup>۱</sup>، مسائل متکثر - عملیاتی<sup>۲</sup>، مسائل هنجاری - عملیاتی<sup>۳</sup>، مسائل عمل‌گرایانه - اجتماعی<sup>۴</sup>، مسائل متکثر - اجتماعی<sup>۵</sup>، مسائل هنجاری - اجتماعی<sup>۶</sup>.

مسائل عمل‌گرایانه - عملیاتی مسائلی هستند که در آن‌ها اجزاء سیستم یا سازمان مسئله قابل مشاهده بوده و روابط بین اجزاء بر مبنای قوانین خاصی تعریف شده است. اجزاء سامانه مسئله هدفمند نبوده و در چنین مسائلی، ابعاد سیاسی و فرهنگی دیده نمی‌شود؛ در چنین مسائلی روی اهداف توافق وجود دارد و تعارضی میان ارزش‌های تصمیم‌گیرندگان وجود ندارد؛ تعداد تصمیم‌گیرندگان مسئله هم محدود است؛ برای مثال فرض کنید یک سازمان نظامی قصد داشته باشد تا هزینه‌های بخش نگهداری و تعمیرات تسلیحات و تجهیزات نظامی خود را کاهش داده و جلوی اتلاف‌ها را بگیرد؛ در این مسئله مدیران با استخدام یک متخصص تلاش می‌کنند تا مسئله را حل نمایند. متخصص مسئله با در نظر گرفتن متغیرها و محدودیت‌های مختلف اقدام به مدل‌سازی مسئله و سپس حل آن خواهد نمود؛ طیف وسیعی از مقالات چاپ شده در تحقیق در عملیات از این دست هستند؛ برای مثال، مسئله موجودی (Liu & etal, 2018: 138)، تخصیص (Lin & Yeh, 2011: 2718)، زمان‌بندی (Shabtay, Stiner &

- 
1. Pragmatic-Operational Problems
  2. Pluralist-Operational Problems
  3. Normative-Operational Problems
  4. Pragmatic-Social Problems
  5. Pluralist-Social Problems
  6. Normative-Social Problems

Zhang, 2016: 48) و حمل و نقل (Hwang & Kang, 2016: 243) از نمونه‌چنین مسائلی هستند که با روش‌های سخت و ریاضی با هدف بهینه‌سازی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بخش نظامی، رضایی، روشنی و گلزاری شایسته (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "ارتقاء نگهداری و تعمیر تانک تی ۷۲ اس در تیپ‌های مستقل زرهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نزاجا)"، به تبیین ارتقاء نگهداری و تعمیر تانک تی ۷۲ اس در تیپ‌های مستقل زرهی نزاجا پرداختند. جامعه آماری پژوهش شامل مسئولین و کارکنان فنی در نگهداری و تعمیر ادوات و تجهیزات تیپ‌های مستقل زرهی نزاجا بودند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته تحت عناوین نیروی انسانی و تجهیزات صورت پذیرفته است. برای بررسی رابطه موجود میان متغیر مستقل و متغیر تابع از آزمون ضریب همبستگی کای‌دو استفاده شده است. در سطح معنی‌داری پنج درصد، صحت فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد مؤلفه نیروی انسانی بیشترین تأثیر را بر ارتقاء نگهداری و تعمیر تانک تی ۷۲ اس دارد.

مسائل متکثر - عملیاتی مسائلی هستند که سازمان یا سامانه مسئله فنی بوده و روابط بین اجزاء مشخص است؛ ولی تصمیم‌گیرندگان متعددی وجود دارند که ممکن است دارای باورها و دیدگاه‌های مختلفی راجع به آن باشند. فرض کنید قرار است سازمان محصول جدیدی را طراحی نموده و به بازار عرضه نماید؛ در این مورد سازمان مسئله به بخش فنی سازمان مربوط می‌شود؛ ولی بخش‌های مختلف از جمله بازاریابی، تحقیق و توسعه و تولید به دلیل دیدگاه‌های مختلفی که دارند نظرات متفاوتی نسبت به نوع و نحوه طراحی و ارائه به بازار داشته باشند؛ از نمونه‌چنین مسائلی که توسط محققان مورد ارزیابی قرار گرفته می‌توان به مسئله بودجه‌ریزی عملیاتی (آذر و مصطفایی، ۱۳۹۱: ۹۰) و پایش فرایند کیفیت اقلام آماری (آذر، نجفی توانا و قربانی، ۱۳۹۴: ۱۱) اشاره نمود. در مسئله بودجه‌ریزی عملیاتی، از روش نگاهت شناختی فازی برای تهیه نقشه شناخت عملیات مرکز و تخصیص بودجه بر مبنای عملکرد استفاده شده است. در حوزه نظامی، شهبازی و بزرگی امیری (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان "شناسایی و خوشه‌بندی شاخص‌های اولویت‌بندی پروژه‌های توسعه محصول جدید دفاعی با روش سنجش مؤلفه‌های اصلی مبتنی بر داده‌کاوی" پس از مصاحبه میدانی گسترده با

متخصصان مراکز تحقیق، شاخص‌های مورد بررسی جهت اولویت‌بندی پروژه‌های توسعه محصول جدید دفاعی در پنج حوزه دفاعی، سازمانی و استراتژی، دانشی و فنی، ریسک و بازار استخراج گردید؛ چون تعداد شاخص‌های شناسایی شده گسترده بودند، این امر در نهایت خطای انتخاب پروژه را افزایش می‌داد؛ بنابراین به منظور کاهش شاخص‌ها از تکنیک داده‌کاوی شاخص‌ها با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده گردید؛ این روش بر روی ۴۲ شاخص شناسایی شده، با کمک امتیازهای داده شده بر روی ۲۱ پروژه، انجام گرفت و در نهایت تعداد شاخص‌ها به ۲۵ شاخص در پنج حوزه بیان شده کاهش یافت و با توجه به خوشه‌بندی شاخص‌ها عناوین مرتبط با هر خوشه تعیین گردید؛ همچنین پس از وزن دهی با روند برآورد نسبت، حوزه دفاعی با وزن ۰/۲۹، بیشترین اهمیت و حوزه بازار با وزن ۰/۰۹، پایین‌ترین اولویت را کسب نمودند.

مسائل هنجاری - عملیاتی به وضعیت‌هایی اشاره دارند که سامانه یا سازمان مسئله به بخش فنی مربوط می‌شود و اجزا و بخش‌های آن کاملاً مشخص است؛ ولی تصمیم‌گیرندگان مسئله دارای ارزش‌ها و دیدگاه‌های متعددی بوده و هر یک دارای منافع خاصی هستند؛ تفاوت این نوع مسائل با مسائل نوع دوم در این است که در این قسمت تعارضات قدرت هم مطرح می‌شود. در مسائل نوع قبلی، تعارض و نابرابری‌های قدرت به دلایلی نادیده گرفته می‌شود؛ برای مثال مسئله تخصیص امکانات و فضاهای آموزشی به دانشکده‌های مختلف را در نظر بگیرید؛ گروه‌های مختلف با توجه به منابع قدرت خود این فرایند را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اولریخ<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در مقالات خود با عنوان "پژوهش عملیاتی و تفکر سیستمی انتقادی: پژوهش عملیاتی به مثابه تفکر سیستمی کاربردی" و "پژوهش عملیاتی و تفکر سیستمی انتقادی: پژوهش عملیاتی به مثابه اقدام استدلالی" به بررسی نقش تفکر سیستمی انتقادی و ابزارهای آن در حل مسائل مختلف تحقیق در عملیات پرداخته است؛ در بخش نظامی، نحوه تخصیص منابع مالی در حوزه پژوهش نمونه‌ای از این مسائل است. فتح‌نژاد و بصیری (۱۳۹۶) به شناسایی معیارهای مناسب مدیریت مالی فرایندهای پژوهشی در مراکز دفاعی و طراحی الگوی واگذاری بهینه آن به کمک سامانه هوشمند شبکه عصبی مصنوعی پرداختند؛ در ابتدا با

---

1. Ulrich

مراجعه به دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های پژوهشی آجا معیارهای واگذاری اعتبار تعیین و سپس از طریق پرسشنامه در مراکز پژوهشی مورد نظر معیارهای تعیین شده بررسی و مورد تأیید قرار گرفت؛ در ادامه الگوی واگذاری اعتبارات پژوهشی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی هاپفیلد<sup>۱</sup> و توسط نرم‌افزار متلب طراحی گردید. با مشخص شدن ماهیت ورودی و خروجی واگذاری اعتبارات پژوهشی سه حالت تخصیص اعتبار بر اساس شبکه عصبی مصنوعی ارائه گردید. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که از بین بیست و پنج شاخص شناسایی شده تعداد سه شاخص مورد تأیید قرار نگرفته و شاخص‌های چاپ کتاب، نوآوری در پژوهش و ارائه نظریه بالاترین اولویت را دارا هستند؛ همچنین از بین سه الگوی وارد شده به شبکه الگوی اول بیشترین هم‌گرایی را با جواب شبکه که ارتقای دانش نظامی است، دارا است.

مسائل عمل‌گرایانه - اجتماعی در سامانه‌های پیچیده‌ای رخ می‌دهند که تصمیم‌گیرندگان روی اهداف سامانه توافق دارند و سطح تعارض میان تصمیم‌گیرندگان پایین است؛ این توافق ممکن است ساختگی باشد و شاید هم به یکسان بودن ارزش‌ها و دیدگاه‌های تصمیم‌گیرندگان مربوط شود. فرض کنید قرار است یک سامانه ارزیابی عملکرد در سازمان پیاده شود؛ اگر تمامی تصمیم‌گیرندگان روی اهداف این سامانه اجتماعی توافق داشته باشند، می‌توان با کاربست مدل‌های سیستمی به اهداف از پیش تعیین شده دست یافت. مینگرز و وایت<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان "مروری بر مساعدت‌های اخیر تفکر سیستمی روی پژوهش عملیاتی و علم مدیریت" به ارزیابی مساعدت‌های تفکر سیستمی و ابزارهای آن مانند پویایی سیستم‌ها برای بررسی چنین مسائلی پرداخته‌اند. آذر و معزز (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "اندازه‌گیری همسویی راهبردی سازمانی: رویکرد پویایی سیستم" از ابزار پویایی سامانه برای تعریف مفروضات پویا و تدوین چرخه‌های علمی استفاده کردند. این مقاله با مبنا قراردادن یک فرمول عمومی و اتخاذ رویکرد سیستم‌های پویا، مدل نهایی اندازه‌گیری همسویی راهبردی سازمان را به دست می‌دهد. رضایی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "سازمان مانا: کاربرد مدل سامانه‌های مانا در طراحی ساختار سازمانی" نشان دادند که سازمان مجموعه‌ای از

- 
1. Hopfield
  2. Mingers & White

زیرسامانه‌ها، کارکردها و همچنین کانال‌های ارتباطی جهت دستیابی به مانایی دارای نقص می‌باشند که رفع این نواقص سازمان را جهت رویارویی با چالش‌های محیطی و حرکت به سمت مانایی توانمندتر خواهد کرد. محمد حسین، زین‌الدین و ایجایی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "تأثیر به‌کارگیری شبیه‌سازها جهت ارتقاء آموزش خلبانان بال ثابت هوانیروز" به تبیین ضرورت به‌کارگیری شبیه‌سازها جهت ارتقاء آموزش خلبانان بال ثابت هوانیروز پرداختند. جامعه آماری شامل خلبانان و مهندسان بال ثابت و متخصصین شبیه‌ساز هوانیروز بود. داده‌های اطلاعاتی به روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای و با ابزارهای مصاحبه و پرسش‌نامه جمع‌آوری و با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش مؤید آن است که به‌کارگیری شبیه‌ساز تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقاء آموزش خلبانان بال ثابت هوانیروز دارد. تحلیل کمی آماری نیز نشان می‌دهد که میزان این تأثیر در ارتقاء دانش پروازی خلبانان ۵۰ درصد، ارتقاء مهارت پروازی خلبانان ۶۶ درصد و ارتقاء نگرش پروازی خلبانان ۵۲ درصد می‌باشد؛ بنابراین استفاده از شبیه‌ساز امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر بوده و یگان بال ثابت هوانیروز ملزم به استفاده از شبیه‌سازها در آموزش خلبانی می‌باشد؛ نمونه دیگری از این مسائل در بخش نظامی در مقاله مقدس و بیگدلی (۱۳۹۷) مورد ارزیابی قرار گرفت؛ در این مقاله با در نظر گرفتن سناریوهای غیردفاعی و دفاعی و با استفاده از بهینه‌سازی چند هدفی، مدلی به‌منظور کمینه‌سازی تلفات نیروهای خودی و بیشینه‌سازی نابودی دشمنان معرفی می‌شود؛ همچنین با استفاده از روش وزن‌دهی و شرایط بهینگی کاروش - کان - تاکر، یک مدل شبکه عصبی بازگشتی زمان پیوسته برای حل مسئله بهینه‌سازی چند هدفی معرفی شده، طراحی می‌شود. ایده اصلی رهیافت شبکه عصبی برای مسئله بهینه‌سازی چند هدفی معرفی شده، ایجاد یک دستگاه دینامیکی به صورت معادلات دیفرانسیل معمولی مرتبه اول است. شبکه عصبی معرفی شده نیاز به هیچ پارامتر تنظیم‌کننده‌ای ندارد و ساختار آن یک پیاده‌سازی سخت‌افزاری ساده را امکان‌پذیر می‌سازد. روش معرفی شده می‌تواند به عنوان یک مشاور برای فرماندهی که برای نیروهای تحت امر خود تصمیم می‌گیرد، عمل کند.

مسائل متکثر - اجتماعی در زمینه‌هایی رخ می‌دهند که اجزاء سیستم هدفمند بوده و دارای روابط متعامل و متقابل با هم هستند؛ چنین زمینه‌هایی پر از آشوب‌ها و آشفتگی‌ها می‌باشند.

محیط مسئله مدام در حال تغییر است. مسئله در درون یک سیستم اجتماعی رخ می‌دهد؛ همچنین نظرات تصمیم‌گیرندگان در مورد اهداف سیستم یا سازمان مسئله با هم تفاوت دارد؛ در چنین مواقعی هدف اصلی رسیدن به یک درک مشترک در باب تغییرات و اهداف سیستم یا سازمان مسئله است. فرض کنید قرار باشد تا سیستم حقوق و دستمزد در یک سازمان مشخص دستخوش تغییر شود، در این صورت افراد با توجه به زمینه‌های فرهنگی و گروهی ممکن است عکس‌العمل‌های متفاوتی نسبت به این مسئله داشته باشند. برای رسیدن به اجماع و سازگاری نظرات لازم است تا جهان‌بینی‌ها و دیدگاه‌های افراد مختلف در قالب مدل‌های مفهومی و نقشه‌های ذهنی بررسی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ پس از اجماع روی اهداف و ارزش‌های گوناگون باید به جنبه‌های سیستمی مسئله پرداخت. مینگرز (۲۰۱۱) در مقاله دیگری با عنوان "تحقیق در عملیات نرم پا به عرصه می‌گذارد - اما نه همه جا!" به محدودیت‌های پیش روی روش‌های نرم در محافل آکادمیک پرداخته‌اند؛ بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد که روش‌های تحقیق در عملیات نرم، از جنبه‌های مختلفی به بلوغ رسیده‌اند؛ از بعد نظری رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند؛ و به طور موفقیت‌آمیزی در موقعیت‌های سخت و مسائل کاربردی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ هر چند باید گفت که این پیشرفت‌ها تنها در بریتانیای کبیر و کشورهای متمایل به آن از جمله کانادا، استرالیا، نیوزیلند به وقوع پیوسته است. در زمینه تحقیق در عملیات نرم، در اروپا کار اندکی انجام شده است و در آمریکا، تقریباً هیچ فعالیتی صورت نگرفته است. روش‌های نرم در حوزه‌های مختلفی چون مواجهه با شرایط سرطان‌زا با رویکرد روش‌شناسی سامانه‌های نرم (سپهری‌راد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۱)، برداشت از میدان‌های گازی مشترک با روش تئوری درام (آذر، توانا و محمدی، ۱۳۹۴: ۲۹)، آینده‌پژوهی و سناریونگاری (فتحی، ملکی و رضوانی اصل، ۱۳۹۶: ۱۴؛ حسن‌نژاد و ملکی، ۱۳۹۴: ۵۷)، مدیریت منابع انسانی (جوکار و ملکی، ۱۳۹۶: ۸۰) و آموزش (بهرامی و ملکی، ۱۳۹۴: ۲۵۵) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در بخش نظامی، دهقانی پوده و پاشایی هولاسو (۱۳۹۶)، به تحلیل تعامل عوامل مؤثر بر نوآوری سازمان‌های دفاعی با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری پرداختند. برای جمع‌آوری اطلاعات از یک پرسشنامه محقق‌ساخته متشکل از صد سؤال استفاده شد و پایایی آن ۰/۹۸۰ محاسبه شد و از آنجایی‌که

داده‌ها نرمال بودند، برای تجزیه و تحلیل آن‌ها از آزمون تحلیل عاملی با استفاده از نرم‌افزار لیزرل بهره‌جویی شد و برای سطح‌بندی آن‌ها از رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری استفاده گردید. عمده‌ترین نتایج پژوهش به این قرار است: برای دستیابی به نوآوری سازمانی سازمان‌های دفاعی محرک‌های فضای کاری مناسب، عوامل درونی سازمانی، بینش و اهداف مشترک بین کارکنان، برنامه‌های انگیزشی و حمایتی، مدیریت فناوری اطلاعات، مدیریت افراد، مدیریت دانش، آموزش و فرایند یادگیری کارکنان، تحقیق و توسعه، ویژگی‌های مدیریتی، فرایند محوری بودن، آینده‌نگری، مدیریت خلاقیت، نوآوری در رفتار، نوآوری در فرایند، نوآوری در محصول، نوآوری در راهبرد و نوآوری در بازار مؤثر هستند.

مسائل هنجاری - اجتماعی در زمینه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی پیچیده و در حال تغییری رخ می‌دهند که در آن، گروه‌هایی با دیدگاه‌ها و منابع قدرت گوناگون وجود دارند. بعضی گروه‌ها از نظر پایگاه قدرت بر گروه‌های دیگر تسلط دارند؛ ستیز و نزاع ویژگی غالب چنین زمینه‌هایی است. موقعیت و وضعیت گروه‌ها مدام در حال تغییر است؛ حتی ممکن است به دلیل نابرابری‌های قدرت، ارتباطات افراد دچار تحریف شود؛ در چنین مواقعی به هیچ عنوان روی اهداف سیستم یا سازمان مسئله توافق وجود ندارد؛ البته ممکن است ائتلاف‌هایی شکل گیرد؛ در چنین زمینه‌هایی باید با تعریف یک چارچوب روشن و منصفانه بحث‌های گروهی را به سمت اجماع هدایت نمود. در زمینه بررسی چنین مسائلی، تلاش کمی صورت گرفته است. ملکی و جعفرنژاد (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "ارائه یک سناریوی هنجاری مبتنی بر رویکرد اخلاق‌گفتمانی برای تصمیمات سیاستی"، به ارائه یک مدل هنجاری برای بررسی مسائل سازمانی پرداخته‌اند. محققین تلاش کرده‌اند با رویکرد اخلاق‌گفتمانی هابرماس و ارزش‌های سه‌گانه مطرح در آن، یک سناریوی هنجاری برای مدل‌های تحقیق در عملیات ارائه دهند. علت‌گزینش رویکرد هابرماس در مقایسه با رویکردهای دیگر از جمله فایده‌گرایی و دیدگاه کانتی، جامعیت آن است. ارزش‌های مطرح در رویکرد هابرماس عبارت‌اند از: ارزش‌های عمل‌گرایانه، ارزش‌های اجتماعی یا اخلاقی و ارزش‌های جهان‌روا که با توجه به این ارزش‌ها، سه نوع مدل عملگرا، مشارکتی و هنجاری‌شناسایی شده‌اند؛ علاوه بر این مدل‌ها، یک مدل مطلوب و ترکیبی نیز برای مسائل سازمانی معرفی شده است. مدل‌های متکثر به دنبال بهبود بوده، بر ارزش‌ها و



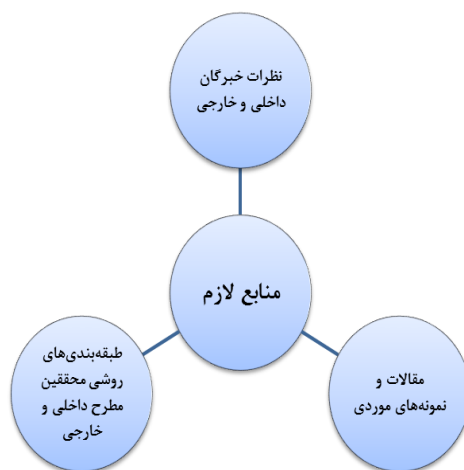
عقلانیت چندگانه تأکید دارند و مبتنی بر فلسفه پراگماتیسم انتقادی هستند؛ در این مقاله، طبقه‌بندی پژوهشگران با رویکرد رالف کینی<sup>۱</sup> مورد مقایسه قرار گرفته و مزیت‌های آن طرح شده است. بیشتر مقالات انجام شده در این زمینه دارای رویکردهای اخلاقی هستند (آذر و صادقی، ۱۳۹۱: ۷؛ آذر و میرمهدی، ۱۳۹۱: ۴؛ ملکی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۸؛ Mingers, 2011: 116؛ Menestrel & Wassenhove, 2004: 5). عبدی در پژوهشی با عنوان "بررسی میزان آگاهی و باور دانشجویان دانشگاه افسری امام علی(ع) نسبت به ماهیت و ابعاد مختلف جنگ نرم"، نشان دادند که در وضعیت کلی «میزان آگاهی و باور دانشجویان دانشگاه افسری امام علی(ع) نسبت به ماهیت و ابعاد مختلف جنگ نرم» در حد خوبی است. به نحوی که ۶۰/۶ درصد از پاسخ دهندگان در حد زیاد و خیلی زیاد با ماهیت و ابعاد جنگ نرم آشنایی دارند. «الگوگیری از قرآن و سیره ائمه»، «ولایت‌مداری و تبعیت از ولایت فقیه»، «بصیرت‌دهی و بصیرت‌یابی» و «ایمان و اخلاق» بیشترین تأثیر را در مقابله با جنگ نرم دشمن به خود اختصاص می‌دهند. تلویزیون بیشترین تأثیر و کتابخانه و بهره‌برداری از منابع نوشتاری و مراکز اطلاع‌رسانی دانشگاه، کمترین نقش را در آگاهی‌دهی به پاسخ دهندگان، به خود اختصاص داده‌اند؛ در این رابطه، مهم‌ترین رفتاری که از دانشجویان دانشگاه افسری امام علی(ع) انتظار می‌رود، آن است که با استمرار بخشی و بهره‌گیری هر چه بیشتر از اصول اساسی اسلام و قرآن و الگو قرار دادن پیامبر و ائمه اطهار و تبعیت از ولایت فقیه و همچنین با افزایش سطح دانش، بصیرت، ایمان و اخلاق در جهت مقابله با جنگ نرم و خنثی کردن تلاش‌های دشمن، همواره تلاش نموده و سطح آگاهی و باور خود را افزایش دهند.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر به شناسایی مسائل نظامی پیش روی تحقیق در عملیات می‌پردازد؛ پس از مشخص شدن انواع مسائل، روش‌های مناسب برای بررسی هر سنخ از مسائل را از منابع مختلف چون نظرات خبرگان داخلی و خارجی، مرور هدفمند پیشینه و طبقه‌بندی‌های روشی

1. Keeny

محققین داخلی و خارجی استخراج می‌نمایند (محقق و ملکی، ۱۳۹۷: ۵؛ ملکی و قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۶؛ ملکی و جعفرنژاد، ۱۳۹۴: ۴۴؛ ملکی و فتحی، ۱۳۹۶: ۳۸؛ Mingers, 2003: 56؛ Jackson, 2003: 60) استفاده می‌کند؛ نهایتاً دستورالعمل‌هایی برای ترکیب روش‌ها در موقعیت‌های مختلف ارائه خواهد شد. تحقیق حاضر از منظر فلسفه، تفسیری، از بعد هدف، توصیفی و از جهت‌گیری، بنیادی است؛ نتایج تحقیق برای کاربران و دانشجویان این رشته در زمینه استفاده از ابزارها و فنون مختلف مفید فایده خواهد بود.



شکل ۱. منابع لازم برای مشخص شدن روش‌های مورد استفاده در مسائل

#### روش‌شناسی‌های مناسب برای مسائل عمل‌گرایانه - عملیاتی

بهترین روش‌ها برای حل مسائل عمل‌گرایانه - عملیاتی، روش‌های پارادایم کلاسیک هستند. در مسائل عمل‌گرایانه - عملیاتی، اهداف به‌خوبی تعریف شده‌اند و روی آن‌ها توافق وجود دارد؛ البته چنین توافقی ممکن است از بالا به صورت دستوری تحمیل شده باشد؛ در این‌گونه مسائل تفاوت‌چندانی میان ارزش‌های گروه‌های مختلف وجود نداشته و ستیز قدرتی مشاهده نمی‌شود. مسائل عمل‌گرایانه - عملیاتی در سیستم‌های مکانیکی و فنی رخ می‌دهند؛ بنابراین با توجه به مشخصات رویکردها و پارادایم‌های مختلف به‌نظر می‌رسد که پارادایم

کلاسیک و روش‌های آن بهترین ابزار برای پاسخگویی به چنین مسائلی هستند؛ تحقیق در عملیات در سال‌های اولیه رشد خود بیشتر به چنین مسائلی می‌پرداخت. در تحقیق در عملیات، روش‌ها و پارادایم‌های مختلفی وجود دارد؛ از منظر کاسیرس<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، این پارادایم‌ها عبارت‌اند از: پارادایم بهینه‌یابی - هنجاری، پارادایم تفسیری و یادگیری، پارادایم انتقادی و پارادایم پست‌مدرن؛ طبقه‌بندی دیگری که از جامعیت بیشتری نسبت به گونه‌شناسی‌های دیگر در ادبیات برخوردار است توسط ملکی ارائه شده است (ملکی و قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۶). پارادایم‌های تحقیق در عملیات از منظر ملکی عبارت‌اند از: پارادایم کلاسیک، پساکلاسیک، تفسیری، هنجاری، پسااختارگرا و پراگماتیسم<sup>۲</sup>. روش‌های مرتبط با پارادایم تفسیری مانند روش‌شناسی سیستم‌های نرم با استفاده از نظرات خبرگان به ارائه یک مدل مفهومی از واقعیت می‌پردازند؛ برای مثال در روش‌شناسی سیستم‌های نرم از تعاریف ریشه‌ای و تصاویر گویا برای بررسی و ارزیابی ذهنیت‌های مختلف بازیگران و ذی‌نفعان استفاده می‌شود. روش‌های پارادایم انتقادی مانند روش‌های اکتشافی انتقادی، مفروضات ذی‌نفعان و بازیگران را از منظر نابرابری، اعمال زور و قدرت بررسی نموده و به دنبال کاهش نابرابری و عدم تحمل قدرت هستند. رویکردهای پسااختارگرا به دنبال حداکثر کثرت و تنوع برای تعریف مسئله از نظر بازیگران می‌باشند و رویکردهای پراگماتیستی، ترکیب روش‌ها و روش‌شناسی‌ها را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند؛ برخی روش‌های مربوط به هر پارادایم در جدول ۱ ارائه شده است؛ برای مثال اگر هدف خرید یک جنگ‌افزار نظامی مورد نیاز نیروهای زمینی ارتش یا سپاه از میان چند شرکت داخلی باشد، در این صورت در مورد هدف مسئله اختلاف نظر چندانی میان سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران سازمانی وجود نخواهد داشت و تنها ابعاد فنی، تاکتیکی و کارایی جنگ‌افزار اهمیت خواهد داشت. در مورد حداقل کردن ضایعات یک کارخانه تولید صنایع دفاعی هم به این صورت است؛ به این صورت که می‌توان با کاربست یک مدل برنامه‌ریزی ریاضی، محدودیت‌ها، اهداف، متغیرها و تابع هدف را استخراج نموده و سپس آن را حل کرد.

- 
1. Caceres
  2. Pragmatism

جدول ۱. برخی روش‌های نمونه مربوط به هر پارادایم (ملکی و قاسمی، ۱۳۹۴: ۲۵)

پارادایم‌ها	روش‌های نمونه
پارادایم کلاسیک	برنامه‌ریزی ریاضی؛ برنامه‌ریزی پویا؛ مدل‌های صف؛ تحلیل‌های مارکف
پارادایم پساکلاسیک	تصمیم‌گیری چندمعیاره، پویایی سیستم‌ها، مدل سیستم‌های خودکفا
پارادایم تفسیری	روش‌شناسی سیستم‌های نرم <sup>۱</sup> ؛ برنامه‌ریزی تعاملی <sup>۲</sup> ؛ تحلیل و توسعه گزینه‌های راهبردی؛ آشکارسازی و آزمون فرضیات راهبردی <sup>۳</sup> ؛ نگاشت شناختی <sup>۴</sup> ؛ رویکرد گزینش راهبردی <sup>۵</sup>
پارادایم هنجاری	روش‌های اکتشافی انتقادی <sup>۶</sup> ؛ هم‌افزایی تیمی <sup>۷</sup>
پارادایم پساساختارگرا	مداخله سیستمی محلی <sup>۸</sup> ؛ ارزیابی مشارکتی نیازها و توسعه اقدام <sup>۹</sup>
پارادایم پراگماتیسم	مداخله سیستمی فراگیر <sup>۱۰</sup>

## روش‌شناسی‌های مناسب برای مسائل متکثر - عملیاتی

در مسائل متکثر - عملیاتی ابتدا باید در مورد اهداف، ارزش‌ها و مفروضات متفاوت توافق صورت گیرد و پس از توافق است که می‌توان مسئله را با استفاده از یکی از روش‌های کلاسیک حل و فصل نمود. در مسائل متکثر - عملیاتی ابتدا می‌توان با روش‌هایی از جمله رویکرد آشکارسازی و آزمون فرضیات استراتژیک روی ارزش‌ها و مفروضات مختلف توافق کرد؛ پس از توافق روی ارزش‌ها، شاخص‌ها و اهداف می‌توان از روش‌های سخت‌تر استفاده نمود؛ برای مثال می‌توان رویکرد آشکارسازی و آزمون فرضیات استراتژیک را با فنون تصمیم‌گیری چند - معیاره مورد استفاده قرار داد؛ یعنی ابتدا روی اهداف و معیارها توافق نمود و سپس با استفاده از یکی از فنون تصمیم‌گیری چند - معیاره آن را حل نمود؛ نکته دیگری که باید به آن اشاره کنیم این است که برای حصول توافق میان ذی‌نفعان از روش‌های نرم دیگری از جمله روش‌شناسی سیستم‌های نرم، نگاشت شناختی و رویکرد تحلیل و توسعه گزینه‌های راهبردی هم می‌توان استفاده کرد؛ این روش‌ها در مقایسه با رویکرد آشکارسازی و آزمون

1. Soft System Methodology
2. Interactive Planning
3. Strategic Assumption Surfacing and Testing
4. Cognitive Mapping
5. Strategic Choice Approach
6. Critical Systems Heuristics
7. Team Syntegrity
8. Local Systemic Intervention
9. Participatory Appraisal of Needs and Development of Action
10. Total Systemic Intervention

فرضیات راهبردی این مزیت را دارند که علاوه بر جنبه‌های متکثر مسئله به جنبه‌های سیستمی آن هم توجه دارند؛ برای مثال فرض کنید که نیروهای مسلح تمایل به خرید برخی تجهیزات نظامی دارند که در مرحله اول روی خرید از یک کشور خارجی و یا استفاده از ظرفیت‌های موجود صنایع دفاعی در داخل تردید دارند؛ بنابراین با استفاده از برخی روش‌های نرم در ابتدا می‌توان میان سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران، توافق ایجاد نموده و پس از حصول توافق روی اهداف می‌توان با کاربست تکنیک‌های تصمیم‌گیری مانند کپراس یا ارس یک گزینه را انتخاب نمود.

#### روش‌شناسی‌های مناسب برای مسائل هنجاری - عملیاتی

در مسائل هنجاری - عملیاتی، اجزاء سیستم مشخص و قابل مشاهده بود و روابط بین اجزاء بر مبنای قانون‌مندی‌های معینی تعریف شده است؛ اما تصمیم‌گیرندگان مسئله دارای دیدگاه‌های متعارضی در مورد اهداف سیستم هستند؛ تفاوت چنین مسائلی با مسائل هنجاری - عملیاتی در ورود بعد قدرت و زور به چنین مسائلی است؛ در چنین مسائلی باید سعی شود تا جایی که ممکن است دایره ورود ذی‌نفعان گسترده‌تر شود. فرض کنید قرار است در منطقه خاصی یک سایت دفن زباله‌های هسته‌ای احداث شود؛ گروه‌های مختلفی در این مسئله درگیر هستند: دولت، شرکت، معترضان و گروه‌های حامی محیط زیست، شوراهای محلی؛ در اینجا نابرابری‌های قدرت به‌خوبی مشهود است؛ گروه‌های مختلفی با دیدگاه‌های متعدد وجود دارند. روش‌های اکتشافی انتقادی اولریخ یک روش مناسب برای چنین زمینه‌هایی است؛ این روش شامل تعدادی سؤال برای به‌چالش کشیدن مرزهای ترسیم‌شده توسط متخصصان و برنامه‌ریزان می‌باشد. اولریخ مسئله مرزهای پروژه را مورد توجه قرار داده و به‌شدت تحت تأثیر کارهای چرچمن و هابرماس<sup>۱</sup> قرار دارد (Ulrich, 1987: 279)؛ این روش‌شناسی با به‌کارگیری دوازده سؤال انتقادی مربوط به انگیزش، کنترل، تخصص و مشروعیت طرح، تلاش می‌کند تا از طراحان و شهروندان حمایت نموده و آن‌ها را توانمند سازد؛ این روش‌شناسی با طرح این سؤالات، نتایج تلویحی هنجاری این طرح‌ها را هم مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد؛ در اینجا

1. Churchman & Habermas

هم پس از حصول اجماع و توافق می‌توان از روش‌های کلاسیک برای حل مسئله استفاده نمود. روش‌شناسی اکتشافی انتقادی با رویکردهای مختلفی از جمله روش‌شناسی سیستم‌های نرم، برنامه‌ریزی تعاملی، تحلیل سناریو و مدل سیستمی خودکفا ترکیب شده است (Munro & Mingers, 2002: 371)؛ رویکرد دیگری که برای بررسی جنبه‌های هنجاری مسئله، هم‌افزایی تیمی می‌باشد. هم‌افزایی تیمی حاصل تلاش‌های بیر روی مدل سیستمی خودکفا می‌باشد (Beer, 1979: 112; Espinosa & Harnden, 2007: 78)؛ برای مثال مسئله تخصیص بودجه سالیانه به نهادها و سازمان‌های نظامی را در نظر بگیرید. مسئله از نظر مشخص بودن اجزا و ملموس بودن، یک مسئله عملیاتی است؛ اما همیشه مسئله تخصیص بودجه با دیدگاه‌های متعارض از بعد هنجاری و اختلاف قدرت گروه‌های مختلف تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار مواجه است؛ طیف متعددی از تصمیم‌گیران مانند نمایندگان مجلس، مدیران دولتی، فرماندهان نظامی و گروه‌های ذی‌نفع در این مسئله درگیر هستند.

#### روش‌شناسی‌های مناسب برای مسائل عمل‌گرایانه - اجتماعی

در این بخش روش‌شناسی‌های مناسب برای مسائل عمل‌گرایانه - اجتماعی را مورد بررسی قرار خواهیم داد؛ چنین سیستم‌های مسئله‌ای به میزان زیادی پیچیده و احتمالی می‌باشند؛ آن‌ها دارای عناصر متعددی می‌باشند که در روابط نزدیک متقابل با هم بوده و از خود رفتاری به‌نمایش می‌گذارند که پیش‌بینی آن سخت و دشوار است؛ علاوه بر این کاملاً واضح است که این سیستم‌ها نسبت به محیط باز بوده و شامل اجزاء هدفمند می‌باشند؛ با وجود این به هر حال توافق کاملی در مورد اهداف چنین سیستم‌هایی وجود دارد. از نظر بیر، ابزارهای تهیه‌شده به‌وسیله سایبرنتیک بهترین ابزارها برای مواجهه با چنین مسائلی هستند. با توجه به نظر مورگان، سایبرنتیک می‌تواند به عنوان ابزاری برای "بهبود طراحی، کنترل و عملکرد سیستم‌ها برای نیل به اهداف مشخص از پیش تعیین‌شده به‌کار رود" (Morgan, 1982: 528). مدل‌های سیستمی خودکفا<sup>۱</sup> که توسط بیر (۱۹۷۹) توسعه داده شده است، یکی دیگر از ابزارهای سایبرنتیک هستند. به‌طور خلاصه، سیستم از نظر بیر خودکفاست اگر قابلیت پاسخگویی به

---

#### 1. Viable Systems Model

تغییرات محیطی را داشته باشد؛ حتی اگر این تغییرات در زمان طراحی سیستم پیش‌بینی نشده باشند (Jackson & Keys, 1984: 478)؛ اصولاً برای بررسی چنین مسائلی باید از روش‌های سیستمی استفاده شود؛ برای بررسی چنین مسائلی می‌توان از روش‌هایی چون سایبرنتیک (Solomons & Moscardini, 2006: 78; Yolles and Iles, 2006: 54)؛ پویایی سیستم (Jan and Jan, 2000: 73; Marquez and Blanchar, 2006: 109; Newsome, 2008: 478) و مدل سیستمی خودکفا (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴) استفاده نمود. سایبرنتیک<sup>۱</sup> در زمینه‌های مختلفی از جمله سلامت، بهداشت، توسعه پایدار، زنجیره تأمین و تولید مورد استفاده قرار گرفته است؛ برای مثال می‌توان مسئله رقابت‌های نظامی در منطقه غرب آسیا در بلندمدت را با رویکرد پویایی سیستم‌ها مدل‌سازی نموده و بر مبنای سناریوهای پیش رو که بر مبنای مدل‌سازی روابط علی میان متغیرهای نرخ و حالت است، تصمیم‌گیری کرد؛ در این مسئله با استفاده از نظر خبرگان و مستندات موجود می‌توان عوامل تأثیرگذار را شناسایی نموده و در ادامه دیاگرام علی عوامل مؤثر را طرح‌ریزی کرد.

#### روش‌شناسی‌های مناسب برای مسائل متکثر - اجتماعی

برای بررسی مسائل متکثر - اجتماعی باید به دو جنبه توجه نمود؛ این دو جنبه عبارت‌اند از: جنبه‌های سیستمی مسئله و جنبه‌های متکثر مسئله؛ برای بررسی چنین مسائلی باید به هر دو جنبه سیستمی و متکثر مسئله توجه داشت. روش‌های نرم از جمله روش‌شناسی سیستم‌های نرم، رویکرد تحلیل و توسعه گزینه‌های استراتژیک، نگاشت شناختی و برنامه‌ریزی تعاملی روش‌هایی هستند که برای بررسی چنین مسائلی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. روش‌شناسی سیستم‌های نرم پرکاربردترین ابزار تفکر سیستمی می‌باشد (De Water & et al, 2007: 279; Ledington & Donaldson, 1997: 231; Mingers, 2000b: 741). برای بررسی مسائل متکثر - اجتماعی می‌توان از روش‌های سیستمی به صورت تلفیقی استفاده کرد؛ برای مثال می‌توان برای تقویت روش‌شناسی سیستم‌های نرم، از روش‌های نگاشت شناختی و پویایی سیستم استفاده کرد. بیشتر ترکیباتی که برای بررسی مسائل متکثر - اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند دارای

---

#### 1. Cybernetics

ماهیت کیفی - کیفی می‌باشند؛ یعنی برخلاف مسائل عمل‌گرایانه - عملیاتی و متکثر - عملیاتی که برای بررسی آن‌ها می‌توان روش‌های کمی و کیفی را با هم ترکیب نمود؛ ترکیبات مورد استفاده برای بررسی مسائل متکثر - اجتماعی بیشتر کیفی - کیفی هستند؛ برای مثال روش‌شناسی سیستم‌های نرم با روش‌های مختلفی برای بررسی مسائل سازمانی مورد استفاده قرار گرفت است (Mingers, 2000b: 741; Mingers & Brocklesby, 1995: 491). روش‌شناسی سیستم‌های نرم با رویکردهای مختلفی از جمله نگاهت شناختی، برنامه‌ریزی تعاملی، تحلیل سوات، تحلیل سناریو، مدل سیستمی خودکفا و روش‌شناسی اکتشافی انتقادی ترکیب شده است (Munro & Mingers, 2002: 371)؛ برای بررسی چنین مسائلی عموماً روش‌های کیفی با هم ترکیب می‌شوند؛ برای بررسی بهتر چنین مسائلی باید در جهت توسعه استراتژی‌های ترکیبی تلاش‌ها و تحقیقاتی صورت گیرد؛ برای مثال مسئله توسعه موشکی و چشم‌اندازهای مربوط به آن، حدود و ثغور این توسعه، دامنه فعالیت یک نوع مسئله متکثر اجتماعی است که برای بررسی آن می‌توان نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلف ذی‌نفعان آن را شناسایی نموده و در قالب یک مدل مفهومی بررسی کرد؛ این مدل مفهومی را می‌توان با وضع موجود در دنیای واقعی بررسی نموده و از طریق کاربست مدل، ذهنیت‌ها و نگرش‌های تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران مختلف را به هم نزدیک نمود.

#### روش‌شناسی‌های مناسب برای مسائل هنجاری - اجتماعی

ویژگی اساسی زمینه‌های مربوط به مسائل هنجاری - اجتماعی، وجود تعارضات ساختاری است؛ نوع خاص صورت‌بندی چنین ساختارهایی منجر به عدم توسعه انسانی می‌شود؛ چنین مسائلی با مسائل متکثر - اجتماعی تفاوت دارند. در مسائل متکثر - اجتماعی نیل به مصالحه و توافق برای طراحی یک آینده مطلوب مسلم فرض می‌شود؛ اما در مسائل هنجاری - اجتماعی فرض بر این است که انسجام‌ها، یکپارچگی‌ها و مصالحه‌ها فقط به خاطر اعمال قدرت یک یا چند گروه مسلط صاحب قدرت است. قدرت و نفوذ می‌تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم فرایند مصالحه میان گروه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. صاحب‌نظران تحقیق در عملیات به چنین مسائلی کمتر پرداخته‌اند. علت کمی مطالعات در این زمینه به این دلیل نیست که چنین



زمینه‌هایی کمتر رخ می‌دهند، علت اصلی آن است که اکثر روش‌شناسی‌های موجود در این زمینه حرفی برای گفتن ندارند؛ چنین مسائلی هم دارای جنبه‌های هنجاری و هم سیستمی هستند؛ بنابراین برای بررسی چنین مسائلی باید از روش‌شناسی‌های سیستمی و هنجاری استفاده نمود؛ در چنین مسائلی می‌توان با استفاده از رویکردهای پسا - ساختارگرا ابتدا گروه‌های مختلف را به اظهار نظر تشویق کرد و سپس از رویکردهای انتقادی برای اجماع روی اهداف سیستم مسئله استفاده نمود و نهایتاً باید از روش‌های سیستمی برای بررسی جنبه‌های سیستمی مسئله استفاده نمود؛ به دلیل پیچیدگی چنین مسائلی معمولاً باید از ترکیب روش‌های کیفی در کنار هم برای بررسی مسئله استفاده نمود. یکی از موضوعاتی که در مسائل نظامی در سال‌های اخیر به طور گسترده ذهن اندیشمندان بسیاری در حوزه‌هایی چون علوم نظامی، راهبردی، آینده‌پژوهی، جامعه‌شناسی، سیاست و اقتصاد را به خود مشغول داشته است توسعه و سرمایه‌گذاری روی تجهیزات و سلاح‌های مخرب در سطح وسیع مانند تسلیحات اتمی، شیمیایی و میکروبی است؛ چنین موضوعاتی به میزان زیادی جنبه هنجاری و انتقادی داشته و با مخالفت گروه‌های بسیاری از نهادهای مدنی مواجه هستند.

### ترکیب روش‌ها

در این قسمت قصد داریم تا پیشنهاد و دستورالعمل محقق برای ترکیب روش‌های تحقیق در عملیات را ارائه دهیم؛ نوع ترکیبات روش‌ها بسته به ماهیت مسئله متفاوت است. در مسائل عمل‌گرایانه - عملیاتی می‌توان از روش‌های کمی به‌طور گسترده استفاده کرد؛ یعنی نوع ترکیبات روشی از سنخ کمی - کمی بوده و درون - پارادایمی است. در مسائل متکثر - عملیاتی، نوع ترکیبات از سنخ کمی - کیفی بوده و می‌توان از روش‌های کمی و کیفی در کنار هم استفاده نمود. در مورد مسائل هنجاری - عملیاتی هم می‌توان از روش‌های کمی و کیفی مختلف در کنار هم استفاده کرد؛ یعنی نوع ترکیبات در چنین مسائلی عمدتاً میان - پارادایمی هستند. در مسائل عمل‌گرایانه - عملیاتی، متکثر - عملیاتی و هنجاری - عملیاتی می‌توان علاوه بر روش‌های کلاسیک از رویکردهای پسا - کلاسیک از جمله تصمیم‌گیری چندمعیاره استفاده نمود. در مسائل عمل‌گرایانه - اجتماعی روی اهداف سیستم یا سازمان مسئله توافق وجود دارد؛

بنابراین می‌توان از روش‌های سیستمی مختلفی استفاده نمود که جنبه‌های سخت و کمی آن‌ها بیشتر است؛ این روش‌ها را می‌توان پسا - سخت یا پسا - کلاسیک نامید؛ این روش‌ها برخلاف رویکردهای سخت که به بررسی جنبه‌های عملیاتی مسئله می‌پردازند، پیچیدگی‌های مسئله را با نگاهی کارکردگرایانه مورد توجه قرار می‌دهند؛ یعنی در رویکردهای پسا - سخت یا پسا - کلاسیک از جمله سایبرنتیک و تئوری پیچیدگی، نگاه حاکم شبیه به نوع نگاه روش‌های کلاسیک است؛ ولی این روش‌ها در مقایسه با روش‌های کلاسیک منعطف‌تر بوده و دارای جنبه‌های سخت و نرم به صورت هم‌زمان هستند؛ این روش‌ها دارای جنبه‌های کیفی و کمی می‌باشند؛ هر کدام از این روش‌های سیستمی مبتنی بر مفروضات فلسفی خاصی هستند؛ برای مثال رویکرد پویایی سیستم مبتنی بر واقع‌گرایی انتقادی است؛ در چنین مسائلی می‌توان از ترکیب روش‌های سیستمی در کنار هم استفاده کرد؛ بنابراین برای بررسی مسائل عمل‌گرایانه - اجتماعی می‌توان از ترکیب روش‌های پسا - کلاسیک استفاده کرد؛ در مسائل متکثر - اجتماعی هم برای بررسی جنبه‌های سیستمی و متکثر مسئله می‌توان از روش‌های نرم و سیستمی استفاده نمود؛ برای بررسی مسائل متکثر - اجتماعی هم می‌توان از ترکیب روش‌های نرم (کیفی) با روش‌های پسا - کلاسیک (از جمله پویایی‌های سیستم) استفاده کرد؛ نوع ترکیبات روشی در چنین مسائلی کیفی - کیفی و کمی - کیفی است؛ یعنی هم می‌توان روش‌های صرفاً کیفی را با هم مورد استفاده قرار داد و هم می‌توان روش‌های کیفی را با روش‌های پسا - کلاسیک که دارای جنبه‌های کمی می‌باشند ترکیب کرد. برخی روش‌های سیستمی کیفی بوده (برای مثال روش‌شناسی سیستم‌های نرم) و برخی بیشتر جنبه کمی (برای مثال پویایی سیستم) دارند؛ بنابراین این دو نوع ترکیب برای چنین مسائلی قابل تصور است؛ نهایتاً باید گفت که در مسائل هنجاری - اجتماعی می‌توان طیف وسیعی از رویکردهای پسا - ساختارگرا و انتقادی را با روش‌های پسا - کلاسیک ترکیب نمود؛ یعنی ابتدا باید ارزش‌ها و نابرابری‌های مختلف را با استفاده از روش‌های پسا - ساختارگرا (کیفی) شناخت، سپس با به‌کارگیری روش‌های هنجاری (باز هم کیفی) به اجماع رسیده و نهایتاً با به‌کارگیری رویکردهای سیستمی (برخی کیفی و برخی کمی)، جنبه‌های سیستمی مسئله را مورد توجه قرار داد؛ در اینجا هم نوع ترکیبات می‌تواند کیفی - کیفی و یا کمی - کیفی باشد. دستورالعمل

محقق برای ترکیبات روش‌ها در جدول ۲ ارائه شده است؛ در این جدول محقق انواع فرصت‌های ترکیب را مورد توجه قرار داده است. پیشنهادهای محقق در مورد ترکیبات روش‌ها، دستورالعمل‌هایی هستند که تاکنون در ادبیات مورد توجه قرار نگرفته است.

جدول ۲. دستورالعمل‌های محقق برای ترکیب روش‌ها

انواع مسائل	نوع روش‌های ترکیب شده	ماهیت ترکیبات
مسائل عمل‌گرایانه - عملیاتی	روش‌های کلاسیک با هم ترکیب می‌شوند.	ترکیبات درون - پارادایمی (کمی - کمی یا کلاسیک - کلاسیک)
مسائل متکثر - عملیاتی	روش‌های تفسیری با روش‌های کلاسیک ترکیب می‌شوند.	ترکیبات میان - پارادایمی (کمی - کیفی یا کلاسیک - تفسیری)
مسائل هنجاری - عملیاتی	روش‌های هنجاری و انتقادی با روش‌های کلاسیک ترکیب می‌شوند.	ترکیبات میان - پارادایمی (کمی - کیفی یا هنجاری - کلاسیک)
مسائل عمل‌گرایانه - اجتماعی	برخی روش‌های سیستمی که بیشتر جنبه سخت دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ این روش‌ها در مقایسه با روش‌های کلاسیک، منعطف‌تر بوده ولی هنوز نگاه کارکردگرایانه بر آن‌ها حاکم است.	ترکیبات درون - پارادایمی (پسا - کلاسیک با پسا - کلاسیک)؛ این روش‌ها جنبه کمی بیشتری دارند.
مسائل متکثر - اجتماعی	روش‌های تفسیری و پسا - کلاسیک با هم مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ گاهی اوقات صرفاً روش‌های تفسیری با هم مورد استفاده قرار می‌گیرند و برخی اوقات روش‌های تفسیری با روش‌های پسا - کلاسیک از جمله مدل‌های سیستمی خودکفا و پویایی سیستم ترکیب می‌شوند.	ترکیبات درون - پارادایمی (تفسیری - تفسیری) و ترکیبات میان - پارادایمی (تفسیری با پسا - کلاسیک)
مسائل هنجاری - اجتماعی	روش‌های پسا - ساختارگرا و هنجاری با رویکردهای تفسیری و پسا - کلاسیک ترکیب می‌شوند.	ترکیبات درون - پارادایمی و میان - پارادایمی

### نتیجه‌گیری

در این تحقیق، ابتدا با استفاده از گونه‌شناسی جکسون، انواع مسائل نظامی پیش روی تحقیق در عملیات ارائه گردید؛ برای هر دسته از این مسائل هم نمونه‌های عینی و واقعی در

حوزه نظامی آورده شده است؛ سپس با استفاده از طبقه‌بندی‌های روشی محققین، مصاحبه با خبرگان داخلی و خارجی، مرور ادبیات و نمونه‌های موردی، روش‌های مناسب برای هر یک از مسائل مشخص گردید. بررسی مؤثر چنین مسائلی به طیف وسیعی از روش‌ها و مدل‌ها نیاز دارد؛ بنابراین تحقیق در عملیات نباید خود را محدود به مجموعه ابزارهای خاصی نماید. مهم‌ترین نکته انتخاب روش‌های مناسب و ترکیب آن‌ها در کنار هم است. انتخاب روش‌های نامناسب برای یک مسئله و تلفیق نادرست روش‌ها منجر به پاسخی نادرست به یک نیاز غلط خواهد شد؛ مطلب مهم دیگر محدود نکردن توجه خود به تصمیم‌گیری است. قبل از تصمیم‌گیری باید تصمیم‌سازی صورت گیرد؛ چیزی که اغلب مدل‌های تحقیق در عملیات به آن توجهی ندارند. نیاز جهان امروز، مدل یا مجموعه مدل‌هایی هستند که جنبه‌های سیستمی، ساختاری و هنجاری مسئله را به‌طور اثربخش مورد توجه قرار دهند. اغلب مسائل جهان امروز در سیستم‌هایی رخ می‌دهند که پیچیده بوده و دارای ماهیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هستند؛ همچنین در چنین سیستم‌هایی، افراد و گروه‌های گوناگونی وجود دارند که دارای علائق و منافع متعارضی می‌باشند. متأسفانه روش‌ها و مدل‌های تحقیق در عملیات یا فقط به برخی جنبه‌های مسئله توجه نموده و یا مسائل را به قدری ساده می‌کنند که ماهیت مسئله به‌کلی عوض می‌شود. چاره کار شناخت مسئله با تمام آشفتگی‌ها، پیچیدگی‌ها، اختلافات و ستیزهای میان گروه‌هاست. بررسی ادبیات تحقیق، طبقه‌بندی‌های مختلفی را نشان می‌دهد که هر یک صرفاً یا به مسائل و یا به روش‌ها توجه کرده‌اند. گونه‌شناسی جکسون در باب مسائل پیش روی تحقیق در عملیات در این تحقیق به تفصیل شرح داده شده است؛ طبقه‌بندی دیگری توسط مینگرز انجام شده است. مینگرز (۲۰۰۳)، مسائل سازمانی را از دو بعد جهانی که به آن تعلق دارند (جهان مادی و فیزیکی، جهان شخصی و فردی و جهان اجتماعی) و مراحل بررسی و بهبود مسئله (بررسی اولیه، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و اقدام)، طبقه‌بندی کرده است. طبقه‌بندی‌های دیگر موجود در ادبیات، ماهیت روشی دارند. مینگرز (۲۰۰۳) از معیارهای کارکرد سیستم، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، کاربران و هدف، برای طبقه‌بندی روش‌های تحقیق در عملیات استفاده نموده است. کاسیرس (۲۰۱۰) هم رویکردها و روش‌های تحقیق در عملیات را با در نظر گرفتن ملاحظات پارادایمی، در چهار دیدگاه بهینه‌یابی - هنجاری،

تفسیری - یادگیری، انتقادی و پست‌مدرن خلاصه کرده است. ملکی (۱۳۹۴) هم با در نظر گرفتن معیارهای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، اخلاقیات، ارزش‌شناسی، استعاره و روش‌شناسی، شش پارادایم کلاسیک، پساکلاسیک، تفسیری، هنجاری، پسا ساختارگرا و پراگماتیسم ارائه داد. علت استفاده از گونه‌شناسی جکسون در بخش اول تحقیق این است که در ابتدا ما به دنبال شناسایی انواع مسائل نظامی هستیم؛ بنابراین استفاده از گونه‌شناسی‌ها در این مرحله کارایی نخواهد داشت. گونه‌شناسی‌های کاسیرس و مینگرز ماهیت روشی دارند و برای این بخش از تحقیق نمی‌توانند مورد استفاده روشی قرار گیرند؛ تحقیقات ارائه شده در بالا در زمینه قاعده و ترکیب روش‌ها در موقعیت‌ها و مسائل مختلف، دستورالعمل و راهنمایی ارائه نداده‌اند؛ البته تحقیقات پراکنده‌ای در زمینه روش‌شناسی ترکیبی و ترکیب روش‌ها وجود دارد که صرفاً به مرور مقالات موجود در ادبیات که از روش‌شناسی ترکیبی استفاده کرده‌اند، پرداخته‌اند (Howick & Ackerman, 2011: 43; Mingers, 2006: 16). تحقیق حاضر علاوه بر معرفی روش‌های مناسب برای هر مسئله، قاعده‌ها و راهنمایی‌هایی برای ترکیب روش‌ها در موقعیت‌های مختلف ارائه داده است. تحقیق حاضر صرفاً به دسته‌بندی انواع مسائل با گونه‌شناسی جکسون پرداخته است؛ بلکه قابلیت‌های روش‌ها و روش‌شناسی‌های تحقیق در عملیات برای بررسی و حل مسائل نظامی را استدلال نموده و در ادامه شیوه ترکیب روش‌های مختلف را در هر وضعیت نشان می‌دهد. در حقیقت نوآوری اصلی تحقیق حاضر ارزیابی استدلالی کاربردی روش‌های مختلف در موقعیت‌های متفاوت و شیوه چینش این روش‌ها در کنار هم است. اغلب تحقیقات انجام شده در تحقیق در عملیات یا صرفاً گونه‌شناسی مسئله‌ای هستند یا روشی؛ این تحقیق مسائل و روش‌ها را در کنار هم مورد توجه قرار می‌دهد.

## منابع

## فارسی

- ۱- ملکی، محمد حسن؛ قاسمی، احمدرضا (۱۳۹۴)، تحلیلی پارادایمی بر تکنیک‌های پژوهش عملیاتی، تهران: انتشارات دارالفنون.
- ۲- محقر، علی؛ ملکی، محمدحسن (۱۳۹۷)، مبانی فلسفی دانش تحقیق در عملیات، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- فتحی، محمدرضا؛ ملکی، محمدحسن و وحید رضوانی اصل (۱۳۹۶)، آینده‌نگاری سرمایه‌گذاری در صنعت مسکن ایران با به‌کارگیری رویکرد سناریونویسی و ماتریس تأثیرات متقاطع، نشریه علمی - پژوهشی آینده‌پژوهی مدیریت، سال بیست و هشتم، شماره ۱۱۱: ۱۱ - ۲۸.
- ۴- ملکی، محمدحسن؛ نصراللهی، مهدی (۱۳۹۶)، رویکردهای اخلاقی حاکم و روش‌های تصمیم‌گیری در آینده، نشریه آینده‌پژوهی ایران، سال دوم، شماره ۱: ۱۰۵ - ۱۲۴.
- ۵- حسن‌نژاد، امیرحسن؛ ملکی، محمدحسن (۱۳۹۴)، شناسایی سناریوهای باورپذیر صنعت نساجی، نشریه علمی - پژوهشی آینده‌پژوهی مدیریت، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۴: ۵۳ - ۶۴.
- ۶- ملکی، محمدحسن، فتحی، احمدرضا (۱۳۹۶)، آینده‌نگاری مدل‌های تصمیم‌کسب‌وکار با به‌کارگیری رویکرد سناریونویسی، نشریه علمی - پژوهشی آینده‌پژوهی مدیریت، سال بیست و هشتم، شماره ۱۰۸: ۳۳ - ۵۰.
- ۷- جوکار، عاطفه، ملکی، محمدحسن (۱۳۹۶)، ارائه چارچوبی برای ارزیابی آمادگی شرکت‌ها از منظر جانشین‌پروری با رویکرد ترکیبی فرایند تحلیل شبکه خاکستری و روش دیمتل، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های نوین تصمیم‌گیری، دوره ۲، شماره ۱: ۷۳ - ۹۴.
- ۸- بهرامی، ابوالفضل، ملکی، محمدحسن (۱۳۹۴)، انتخاب مؤسسه آموزشی مناسب بر مبنای رویکرد جامع ANPBOCR (مطالعه موردی: دانشگاه قم)، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت در دانشگاه اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۰: ۲۴۱ - ۲۶۰.
- ۹- ملکی، محمدحسن، جعفرنژاد، احمد (۱۳۹۴)، ارائه یک سناریوی هنجاری مبتنی بر رویکرد اخلاق‌گفتمانی برای تصمیمات سیاستی، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری، سال هفتم، شماره ۳: ۳۹ - ۵۵.

- ۱۰- ملکی، محمدحسن، جعفرنژاد، احمد، محقر، علی و (۱۳۹۲)، روش‌شناسی‌های تحقیق در عملیات برای بررسی مسائل اخلاقی سازمان‌ها، فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق در علم و فناوری، سال هشتم، شماره ۴: ۶۶ - ۷۴.
- ۱۱- آذر، عادل، مصطفایی، خدیجه (۱۳۹۱)، نگاهت شناختی فازی رویکردی نوین در مدل‌سازی نرم: مدل‌سازی بودجه‌ریزی در مرکز آمار ایران، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۶، شماره ۳: ۸۳ - ۱۰۴.
- ۱۲- سپهری راد، رامین، رجب زاده قطری، علی، آذر، عادل و زارعی، بهروز (۱۳۹۴)، استفاده از روش‌شناسی سیستم‌های نرم برای ساختاردهی به مسئله مراقبت در برابر مواجهات شغلی سرطان‌زا؛ مورد مطالعه: صنایع نفت، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۹، شماره ۳: ۱۶۱ - ۱۸۴.
- ۱۳- آذر، عادل؛ نجفی توانا، سعید؛ قربانی، حسین (۱۳۹۴)، نگاهت نقشه پایش فرایند کیفیت اقلام آماری مرکز آمار ایران با رویکرد تحلیل و توسعه گزینه‌های استراتژیک (سودا)، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۹، شماره ۴: ۱ - ۲۰.
- ۱۴- آذر، عادل؛ نجفی توانا، سعید؛ محمدی، حسن (۱۳۹۴)، واکاوی تقابل در برداشت از میدان مشترک گازی ایران و قطر با رویکرد تنوری درام، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۲۰، شماره ۳: ۲۵ - ۵۱.
- ۱۵- آذر، عادل؛ میرمهدی، سیدمهدی (۱۳۹۱)، اخلاق در پژوهش عملیاتی و توسعه پایدار، نشریه اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۷، شماره ۳: ۱ - ۱۳.
- ۱۶- رضایی، زینب و همکاران (۱۳۹۶)، کاربرد مدل سیستم‌های مانا در طراحی ساختار سازمانی. فصلنامه علوم مدیریت ایران، دوره ۱۲، شماره ۴۷: ۲۰ - ۱.
- ۱۷- آذر، عادل، معزز، هاشم (۱۳۹۳)، اندازه‌گیری همسویی راهبردی سازمانی؛ رویکرد پویایی سیستم، نشریه مدیریت صنعتی، دوره ۶، شماره ۲: ۱۹۷ - ۲۱۸.
- ۱۸- آذر، عادل، صادقی، آرش (۱۳۹۱)، مدل‌سازی عامل بنیان، رویکردی نوین در مدل‌سازی مسائل پیچیده اخلاقی. نشریه اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۷، شماره ۱: ۶ - ۱۶.
- ۱۹- دهقانی، پوده، حسین؛ پاشایی هولاسو، امین (۱۳۹۶)، تحلیل تعامل عوامل مؤثر بر نوآوری سازمان‌های دفاعی با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری، فصلنامه مدیریت نظامی، دوره ۱۷، شماره ۶۷: ۱۹ - ۶۷.
- ۲۰- رضایی، عباس؛ روشنی، رضا؛ گلزاری شایسته، سیامک (۱۳۹۷)، ارتقاء نگهداری و تعمیر تانک تی ۷۲ اس در تیپ‌های مستقل زرهی نزا، فصلنامه علوم و فنون نظامی، دوره ۱۴، شماره ۴۴: ۱۵۱ - ۱۵۷.
- ۲۱- محمد حسین، حمید؛ زین‌الدین، تورج؛ ایجابی، ابراهیم (۱۳۹۶)، تأثیر به‌کارگیری شبیه‌سازها جهت ارتقاء آموزش خلبانان بال ثابت هوانیروز، فصلنامه علوم و فنون نظامی، دوره ۱۳، شماره ۴۲: ۳۱ - ۶۱.
- ۲۲- فتح‌نژاد، فرامرز؛ بصیری، مهدی (۱۳۹۶)، به‌کارگیری شبکه‌های عصبی مصنوعی در مدیریت مالی فرایندهای پژوهشی مطالعات دفاعی. فصلنامه مدیریت نظامی، دوره ۱۷، شماره ۶۵: ۵۴ - ۶۵.

- ۲۳- مقدس، محمد؛ بیگدلی، حمید (۱۳۹۷)، شبیه‌سازی نبرد با استفاده از شبکه‌های عصبی زمان پیوسته، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، دوره ۳، شماره ۱۰: ۷-۲۴.
- ۲۴- شهبازی، صادق؛ بزرگی امیری، علی (۱۳۹۷)، شناسایی و خوشه‌بندی شاخص‌های اولویت‌بندی پروژه‌های توسعه محصول جدید دفاعی با روش سنجش مؤلفه‌های اصلی مبتنی بر داده‌کاوی، فصلنامه مدیریت نظامی، دوره ۱۸، شماره ۷۰: ۲۸-۵۲.
- ۲۵- عبدی، فریدون (۱۳۹۰)، بررسی میزان آگاهی و باور دانشجویان دانشگاه افسری امام علی(ع) نسبت به ماهیت و ابعاد مختلف جنگ نرم، دوره ۱۱، شماره ۴۱: ۱۳۵-۱۵۰.

#### انگلیسی

- 26\_ Beer, S. (1979). The heart of enterprise. Chichester: Wiley, P. 112.
- 27\_ Caceres, A.P. (2010). Mapping the changes in management science: A review of 'soft' OR/MS articles published in Omega (1973-2008). Omega (38), pp.46-56.
- 28\_ De Water, H.V & et al. (2007). Fields of application of SSM: a categorization of publications. Journal of the Operational Research Society 58(3), pp.271-287.
- 29\_ Heyer, R. (2004). Understanding soft Operations Research: the methods, their application and its future in the defense setting. Command and Control Division Information Sciences Laboratory. Australian Department of Defense, pp. 53.
- 30\_ Howick, S., Ackerman, Fran. (2011). Mixing OR methods in practice: Past, present and future directions. European Journal of Operational Research 215, pp. 503-511.
- 31\_ Hwang, H.C., Kang, J. (2016). Two-phase algorithm for the lot-sizing problem with backlogging for stepwise transportation cost without speculative motives. Omega 59, pp. 238-250.
- 32\_ Jackson, M.; Keys, P. (1984). Towards a system of system methodologies. Journal of the Operational Research Society 35(6), pp.473-486.
- 33\_ Jackson, M.; Keys, P. (1984). Towards a system of system methodologies. Journal of the Operational Research Society 35(6), pp.473-486.
- 34\_ Jackson, MC. (2003). Systems thinking: holism for managers. Chichester: Wiley, p. 69.
- 35\_ Le Menestrel, M.; Van Wassenhove, L.(2004). Ethics outside, within, or beyond OR models?. European Journal of Operational Research 153, pp.477-484.
- 36\_ Ledington, P.; Donaldson, J. (1997). Soft OR and management practice: a study of the adoption and use of soft systems methodology. Journal of the Operational Research Society 48, pp.229-240.
- 37\_ Lin, Y.K, Yeh, C.T. (2011). Maximal network reliability with optimal transmission line assignment for stochastic electric power networks via genetic algorithms. Omega 11,2, pp. 2714-2724.
- 38\_ Liu & et al. (2018). Optimal purchase and inventory retrieval policies for perishable seasonal agricultural products. Omega 79, pp. 133-145.
- 39\_ Mingers, J. (2003). A classification of the philosophical assumptions of management science methods. Journal of the Operational Research Society 54(6): 559-570.
- 40\_ Mingers, J. (2011). Soft OR comes of age—but not everywhere!. Omega 39: 729-741.



41. Mingers, J. (2011). Ethics and OR: Operationalizing discourse ethics. *European Journal of Operational Research* (210), pp.114-124.
42. Mingers, J.(2000b). An idea ahead of its time: the history and development of soft systems methodology. *Systemic Practice and Action Research* 13(6). pp.733-755.
43. Mingers, J.(2006). Realising systems thinking: Knowledge and action in management science. Springer.
44. Mingers, J.; White, L. (2010). A review if the recent contribution of systems thinking to operational research and management science. *European Journal of Operational Research* 207: 1147-1161.
45. Mingers, J; Brocklesby, J. (1997). Multimethodology: towards a framework for mixing methodologies. *Omega*, Vol.25, No.5, pp.489-509.
46. Mingers, J; Rosenhead, J. (2004). Problem structuring methods in action. *European Journal of Operational Research*, Vol.152, N0.3, pp. 530-554.
47. Morgan, G. (1982). Cybernetics and organization theory: epistemology or technique. *Human Relations* 35, pp.521-537.
48. Munro, I; Mingers, J.(2002b). The use of multimethodology in practice-results of a survey of practitioners. *Journal of the Operational Research Society* 53(4), pp.369-378.
49. Munro, I; Mingers, J. (2002). The use of multimethodology in practice-results of a survey of practitioners. *Journal of Operational Research Society*, Vol.59, No4, pp.369-78.
50. Rosenhead, J. (2006). Past, present and future of problem structuring methods. *Journal of the Operational Research Society* 57, pp.759-765.
51. Shabtay, D., Steiner, G., Zhang, R. (2016). Optimal coordination of resource allocation, due date assignment and scheduling decisions. *Omega* 65, pp. 41-54.
52. Ulrich, W. (2012). Operational research and critical systems thinking—an integrated perspective Part 2: OR as argumentative practice. *Journal of the Operational Research Society* 63(9): 1307-1322.
53. Ulrich, W. (1987). Critical Heuristics of social systems design. *European Journal of Operational Research Society* 31, pp.276-283.
54. White, L. (2005). Evaluating problem structuring methods. University



## تحلیل استعاره‌های شناختی در بیانات دفاعی مقام معظم رهبری

حدیث اقبال<sup>۱</sup>

رویا فرزین راد<sup>۲</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۲۷

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۶

### چکیده

در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و با فن تحلیل محتوا انجام شده است، برای این سؤال که استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبری معظم انقلاب چگونه هستند؟ این پاسخ مطرح شده است که با توجه به اصول و مبانی شناختی، انتظار داریم که در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب استعاره‌های شناختی متعددی به کار رفته باشند؛ همچنین با توجه به گفتمان ارزشی نظام جمهوری اسلامی، استعاره‌های ساختاری و وجودی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب بیشتر به کار رفته است. کاربرد استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب، با هدف تأکید بر سویی‌های خاصی از معنی است؛ مبنای این استعاره‌ها در بسیاری از موارد، مفاهیم مرتبط با سنن و فرهنگ بومی و در چارچوب گفتمان نظام دفاعی اسلامی است. در این پژوهش انواع مختلفی از مفاهیم اسلامی و ترکیب‌های استعاره‌ای در بیانات دفاعی ایشان احصاء شده است؛ این مبانی استعاره‌ای در طراحی راهبردهای دفاعی بسیار حائز اهمیت است.

### کلید واژه‌ها

استعاره‌های شناختی، بیانات دفاعی، مقام معظم رهبری.

## مقدمه

طبق تعریف دانشنامهٔ بریتانیا «استعاره، آرایه‌ای است که مقایسه بین دو چیز مشابه را القا می‌کند»؛ این دیدگاه سنتی از نظر کوچش دارای ویژگی‌های زیر است: الف) استعاره صرفاً برای اهداف هنری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ب) استعاره مبتنی بر شباهت میان دو عنصر مقایسه شده است؛ ج) استعاره کاربرد آگاهانه و مناظرهٔ نظرهاست؛ د) استعاره صنعتی است که بدون آن هم کارمان راه می‌افتد؛ اما در دیدگاه جدید، استعاره، عامل شناخت و خلق واقعیت‌های جدید است؛ این نظریهٔ معاصر استعاره را نخستین بار لیکاف و جانسون در سال ۱۹۸۰، در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» مطرح کردند؛ آنان نگاه سنتی به استعاره را به دلایل زیر به چالش می‌کشند: الف) استعاره برای درک بهتر مفاهیم به کار گرفته می‌شود، نه صرفاً برای خلق زیبایی؛ ب) استعاره اساساً مبتنی بر شباهت نیست؛ ج) استعاره بدون هیچ تلاشی از سوی عوام در زندگی استفاده می‌شود و مختص افراد خاص (برای مثال ادبا) نیست؛ د) استعاره، فقط ابزار تزئینی نیست، بلکه فرایند اجتناب‌ناپذیر تفکر است (ترجمهٔ پوراابراهیم، ۱۳۹۳: ۳۳).

ارائهٔ نظریهٔ استعاره مفهومی توسط لیکاف و جانسون، جایگاهی متفاوت از گذشته برای استعاره شکل داد؛ این نظریه نشان می‌دهد که استعاره صنعتی بلاغی و یا آرایهٔ خاص زبان ادبی نیست - و حتی مخصوص زبان نیست - بلکه امری ریشه‌دار در نظام اندیشه و ادراک انسان و بدین ترتیب، جاری و ساری در اعمال و کارکردهای زندگی روزمره اوست؛ علوم شناختی نیز مطالعه در باب ذهن و ادراک انسان است. استعاره نه تنها در درک مفاهیم انتزاعی و امور غیرحسی به انسان کمک می‌کند بلکه امکان اندیشیدن دربارهٔ آن‌ها را نیز فراهم می‌آورد. از دیدگاه لیکاف استعاره‌ها نه تنها نگاه کنونی ما به زندگی را شکل می‌دهند بلکه می‌توانند توقعات و انتظارات ما نسبت به زندگی آینده‌مان را نیز تعیین کنند. ما دربارهٔ اشیاء به شیوه‌ای که آن‌ها را تجسم می‌کنیم، سخن می‌گوییم و این امری کاملاً جدید و البته ریشه‌دار در تجربه و فرهنگ ماست و از این رو استعاره نه تنها موجب وضوح و گیرایی بیشتر اندیشه‌های ما می‌شود بلکه ساختار ادراکات و دریافتهای ما را نیز تشکیل می‌دهد (کالر، ۲۰۰۱: ۲۱۰).

قدیم‌ترین مطالعاتی که درباره استعاره انجام گرفته است مربوط به ارسطو است که اولین بار آن را تعریف کرد و درباره آن سخن گفت (صفوی، ۱۳۷۷: ۲۱۹). ارسطو استعاره را این‌طور تعریف کرده است: «استعاره انتقال اسم چیزی است به چیز دیگر ...» (هنله، ۱۹۷۲: ۱۷۳)؛ ارسطو همچنین اولین کسی است که گفته است استعاره تشبیه محذوف است (بیردسلی، ۱۹۶۷، گوتلی، ۱۹۹۷)، ارسطو همچنین معتقد بوده است که استفاده از استعاره و صنایع ادبی از نوع آن نیازمند داشتن استعداد و نبوغ خاصی است و هر کسی توان استفاده از آن‌ها را ندارد (ارسطو، ۱۳۳۷: ۱۵۹).

نظام مفهومی ذهن انسان که اندیشه و کردار آدمی بر آن استوار است در ذات خود ماهیت استعاری دارد؛ اما از آنجا که دسترسی مستقیم به آن در حالت عادی مقدور نیست، برای کشف ساختار این نظام می‌توان از بازنمود آن یعنی زبان بهره جست. در واقع زبان‌شناسان معتقدند زبان الگوهای اندیشه را منعکس می‌کند؛ بنابراین مطالعه زبان از این نگاه، مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی است. با مطالعه زبان می‌توان به ماهیت و ساختار افکار و آرای ذهن پی برد.

با توجه به کارکرد شناختی استعاره‌ها، ایده مطرح شده در این مقاله، استخراج و تبیین استعاره‌های دفاعی در گفتمان رهبر جمهوری اسلامی است. الگوی دفاع و جنگ از منظر این رهبر همانند الگوی نظام سازی جمهوری اسلامی ایران، نو و متمایز می‌باشد؛ طرح گفتمان نیز به‌منظور ارائه نظام‌مند استعاره‌ها در چارچوبی مشخص است که با استفاده از استخراج و تبیین استعاره‌ها به دست می‌آید. استخراج و تبیین استعاره‌ها از اسناد موجود مربوط به بیانات و مکتوبات دفاعی ایشان خواهد بود؛ بنابراین در این مقاله مسئله موجود، شناسایی استعاره‌های موجود در گفتمان دفاعی مقام معظم رهبری و تحلیل آن‌ها است که با بحثی نظری و مفهومی شروع شده و سپس با مراجعه به بیانات ایشان به واکاوی و استخراج استعاره‌ها و سپس تحلیل و نتیجه‌گیری از آن‌ها پرداخته می‌شود.

### پرسش‌های تحقیق

با توجه به مبانی و اصول زبانشناسی شناختی، سؤالات این تحقیق به قرار زیر هستند:  
الف. چه استعاره‌های شناختی‌ای در گفتمان دفاعی مقام معظم رهبری وجود دارد؟

ب. کدام نوع از استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر انقلاب بیشتر دیده می‌شوند؟  
 ج. چه تبیینی می‌توان برای استعاره‌های شناختی به‌کاربرده‌شده در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب به دست داد؟

در ارتباط با سؤالات بالا با در نظر گرفتن اینکه این مقاله یک پژوهش کیفی است و فرضیات از نوع تعریف عملیاتی متغیرها نیست، فرضیات اولیه به شرح زیر است:

(الف) با توجه به اصول و مبانی زبان‌شناسی شناختی، انتظار داریم که در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب نیز استعاره‌های شناختی متعددی به کار رفته باشند.

(ب) با توجه به گفتمان ارزشی نظام جمهوری اسلامی، انتظار می‌رود که استعاره‌های ساختاری و وجودی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب بیشتر به کار رفته باشند.

(ج) با توجه به تفاوتی که میان معنای گزاره‌ای و کاربردشناختی در زبان وجود دارد، کاربرد استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب، با هدف تأکید بر سویه‌های خاصی از معنی است.

### روش تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق که بررسی استعاره‌های دفاعی در گفتمان دفاعی رهبری است، روش تحقیق کیفی و از نوع توصیفی - تبیینی می‌باشد. فن تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق تحلیل محتواست. سطح تحلیل، خرد و واحد تحلیل جمله است.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مکتوب و صوتی سخنرانی‌های مقام معظم رهبری از آغاز رهبری ایشان است. با توجه به آنکه گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌ها، بیانات و اظهارنظرهای مختلف ایشان نمود پیدا کرده‌اند، طبیعی است که ما در هرکدام از سخنرانی‌ها و بیانات و اظهارنظرهای ایشان که به موضوعات دفاعی پرداخته باشند، از آن‌ها استفاده خواهیم کرد؛ علاوه بر این با توجه به اهمیت پیام‌های نوروزی رهبر معظم انقلاب و همچنین بیاناتشان در حرم مطهر رضوی، این پیام‌ها و بیانات را نیز مبنای استخراج داده‌های این پژوهش قرار داده‌ایم.

### چارچوب نظری

در زبان‌شناسی شناختی تلاش می‌شود به مکانیسم‌های ذهنی مبنایی مربوط به درک و تولید زبان در انسان پی برده شود و از نظر مارک جانسون (۱۹۹۲: ۳۴۶)، معنا با جسم و مغز انسان رابطه تنگاتنگی دارد و همچنین با تعاملاتی که او با محیط فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی خود دارد که این متضمن این حرف است که ساختارهای صورتی<sup>۱</sup> زبان انسان، از یک طرف انعکاسی از فرایندهای ذهنی پردازش آن است و از طرف دیگر مبتنی بر تجربیات و اثرات محیطی مربوط به زندگی او در جهان اطرافش. در عین حال به عقیده جانسون زبان و معنای آن دارای یک بعد تخیلی<sup>۲</sup> نیز است؛ چراکه زبان انسان بر طرح‌واره‌ها<sup>۳</sup>، استعاره‌ها، نمونه‌های شاخص شناختی<sup>۴</sup> و دیگر انواع ساخت‌های مبتنی بر تخیل نیز استوار است (جانسون، ۱۹۹۲: ۳۴۶).

زبان‌شناسی شناختی به دلیل مبنای شناختی که برای زبان انسان قائل می‌شوند، معنای مبتنی بر مکانیسم‌های ذهنی - تجربی نقش محوری را دارد. علت جایگاه محوری و حتی بنیادین استعاره در شناخت انسان، به‌طورکلی کارکردی است که در تسهیل جریان و سازوکار شناختی او دارد. (دبیرمقدم، ۱۳۸۳) اهمیت استعاره و چگونگی عملکرد آن، به عقیده محققانی از قبیل لانگاکر با توانایی ذهن انسان و توانمندی شناختی او برای مقوله‌سازی مرتبط است (لانگاکر، ۱۹۹۴: ۵۹۱). اگر بخواهیم موضوع مقوله‌سازی را در ارتباط با تمثیل انبار توضیح دهیم، باید بگوییم که ذهن به جای آنکه به مثابه انباری باشد که هر چیزی که وارد آن شود، به صورت فله‌ای در آن ریخته می‌شود، یا بدون حساب و کتاب در گوشه‌ای گذاشته می‌شود تا زمانی دوباره از آنجا خارج شود یا به گوشه دیگری از انبار منتقل شود؛ به مانند انباری است که دارای انباردار هوشمند و چالاک است که هرچه وارد انبار می‌شود را با توجه به جنس آن یا معیارهای مختلف دیگر در کنار اجناسی قرار می‌دهد که نوعی شباهت یا همانندی با هم دارند؛ بر این اساس می‌توان گفت، اتفاقی که در اینجا افتاده است این است که انسان با توجه به

- 
1. Formal structures
  2. Imaginative
  3. Schemas
  4. Cognitive prototypes

اطلاعات موجود در ذهن خود و مقوله‌بندی‌هایی که بر آن‌ها حاکم کرده است، پدیده یا چیز جدیدی را درک کرده است یا به درک آن نزدیک شده است، یا آن را برای دیگران قابل درک کرده یا آن‌ها را به درک آن نزدیک کرده است.

### استعاره‌های مفهومی

استعاره‌های مفهومی در لایه ذهن مورد بررسی قرار می‌گیرند و همگی بازنمود زبانی نمی‌یابند بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و نمادها حضور دارند؛ چراکه نظام مفهومی ذهن تا حدود قابل‌توجهی استعاری است (کاوکس، ۲۰۱۰: ۶۳). استعاره‌ها به عنوان ابزاری جهت ارتباط میان دو اندیشهٔ مختلف در ذهن عمل می‌کنند؛ با این حال زبان‌شناسان به دنبال کشف نحوهٔ عملکرد استعاره‌ها در ذهن از طریق بازنمودهای زبانی آن می‌باشند؛ آن‌ها الگوهای موجود در ساختار مفهومی واژه‌ها و عبارات استعاری را به عنوان شهادی جهت وجود استعاره‌های نهفته در ذهن می‌دانند. استین (۱۹۹۴)، استعاره‌های نهفته در ذهن را استعاره‌های مفهومی و نمود زبانی آن را استعاره‌های زبانی می‌نامد؛ به این ترتیب استعاره‌های زبانی بازنمود استعاره‌های ذهنی هستند (دیگنان، ۲۰۰۵: ۱۴).

منظور از استعاره، فرایندهای زبانی است که در آن ویژگی‌های یک شیء به شیء دیگر نسبت داده می‌شود؛ به نحوی که چون از شیء دوم سخن می‌رود، گویی با شیء نخست برابر است (هاوکس، ترجمهٔ طاهری، ۱۳۷۷: ۱۱)؛ استعاره همچنین بیان تجربه‌هایی را ممکن می‌سازد که در ظرف زبان و دلالت‌های عادی نمی‌گنجد. استعاره به کمک فرایندهای تخیلی اشکالی از ادراک را وارد زبان می‌کند و همراه خود اشکال زبانی تازه‌ای نیز می‌سازد (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۱: ۳۴۲). استعاره‌ها با تکیه بر ساختار واژگان و دانش قبلی شکل می‌گیرند. بیشترین طبقه‌بندی و استنباط انسان بر اساس استعاره‌هاست و بسیاری از مفاهیم، به‌ویژه مفاهیم انتزاعی، از طریق انطباق استعاری اطلاعات و انتقال دانسته‌ها از زمینه‌ای به زمینهٔ دیگر نظم می‌یابد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲).

لیکاف و جانسون استعاره را ابزار مناسبی برای تشخیص چگونگی اندیشیدن و رفتارهای زبانی می‌دانند که دارای مختصاتی کاملاً نظام‌مند است. نظام تصویری ذهن بر پایهٔ مجموعه‌ای



از مفاهیم شکل گرفته است که از تجربه خود او ناشی می‌شوند. حوزه‌های مفهومی ذهنی که منشأ افکار و اعمال به شمار می‌آیند، به لحاظ ذات خود استعاری هستند؛ این نظام مفهوم در تبیین واقعیات زندگی دارای نقشی کلیدی است و از آنجا که این نظام، ساختار استعاری دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن ما نیز امری استعاری به شمار می‌آید (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۸)؛ این دیدگاه جدید همراه با نوعی الگوبرداری «مبدأ به مقصد» است. آن حوزه مفهومی عینی‌تر که ما از آن عبارت استعاری را استخراج می‌کنیم تا حوزه مفهومی دیگر را درک کنیم حوزه مبدأ<sup>۱</sup> و حوزه مفهومی ذهنی‌تر را که با این روش درک می‌شود را حوزه مقصد<sup>۲</sup> می‌نامیم. دانستن استعاره مفهومی عبارت است از درک مجموعه تناظرهایی که بین یک جفت مبدأ - مقصد مشخص برقرار است؛ استعاره‌هایی که با این الگوبرداری ساخته می‌شوند، از طریق ساخت‌های مفهومی بنیادین به نام طرح‌واره‌های تصویری<sup>۳</sup> به وجود می‌آیند؛ به عبارت دیگر استعاره‌های تصویری می‌توانند هم از دانش زمینه‌ای فرد و هم از انواع مختلف تصویر (نه صرفاً تصویرهای بصری) استفاده کنند (نامور و امیری، ۱۳۹۶: ۳۶).

همان‌طور که اشاره کردیم کسانی که در حوزه زبانشناسی شناختی به مطالعه استعاره پرداخته‌اند، به ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن هم توجه کرده‌اند تا آنجا که جورج لیکاف و مارک جانسون در کتاب فوق‌الذکر اصولاً استعاره را به مثابه موضوع و امری فرهنگی مطالعه می‌کنند؛ به عبارت دیگر، از نظر آن‌ها محیط‌های فرهنگی مختلف باعث شکل‌گیری استعاره‌های مختلفی در بین ملل و اقوام مختلف دنیا می‌شود. توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی و نقشی که این دو در شکل دادن به نظام مفهومی و استعاری ذهن و زبان انسان دارند، در همه پژوهش‌های مربوط به استعاره از اهمیت برخوردار است، از جمله پژوهش حاضر، چون نشان می‌دهد که ذهن فرد تولیدکننده استعاره چقدر با شرایط زیستی - فرهنگی محیط زندگی خود عجین و آشنا است و همچنین چقدر نظام مفهومی و شناختی او بر اساس ارزش‌ها و اصول بنیادین فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای شکل گرفته است که در آن به سر می‌برد.

- 
1. Source Domain
  2. Target Domain
  3. Image Schemas

بر اساس آنچه تا بدین جا درباره استعاره گفتیم و شناخت و معرفی بنیان‌های آن در نظام ذهنی و شناختی ما از یک طرف و نظام مفهومی - معنایی زبان ما از طرف دیگر، در زبان‌شناسی شناختی استعاره به انواعی تقسیم شده است که در ادامه به معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

- استعاره‌های ساختاری<sup>۱</sup>: همان‌طور که اشاره کردیم، نظام شناختی و مفهومی ذهن ما دارای شبکه‌ای از پیوندهای نظام‌مند و پیچیده است؛ این ارتباطات نظام‌مند و پیچیده به شکل‌گیری استعاره‌های ساختاری در زبان ما انجامیده است و باعث شده است که بتوانیم داده‌هایی را با توجه به داده‌ها و مفاهیم دیگری که در ذهن داریم شناسایی کنیم؛ یا به ابعاد خاصی از آن‌ها اشاره کنیم و در نتیجه هم خود امکان شناخت آن داده‌ها یا ابعاد مشخصی از آن‌ها را بیابیم و هم بتوانیم از طریق زبان آن‌ها را به دیگران معرفی کنیم؛ یا ابعاد مورد نظر را به آن‌ها بشناسانیم.

نکته مهمی که در اینجا باید درباره استعاره‌های ساختاری به آن اشاره کنیم این است که وقتی ما چیزی را بر اساس چیز دیگری که برای ما شناخته شده و آشنا تر است درک کردیم، شبکه مفهومی حوزه مبدأ که حرکت ما از آنجا شروع شده است بر حوزه مقصد فرو می‌آید و ما ویژگی‌ها و سویه‌های مختلف حوزه مقصد را با توجه به حوزه مبدأ درک می‌کنیم؛ برای مثال ما خیلی وقت‌ها می‌شنویم که افراد در گفتگو با همدیگر می‌گویند «زندگی یک جنگ واقعی است» که در آن ما شاهد کاربرد استعاری زبان هستیم؛ در این استعاره «زندگی» با توجه به «جنگ» مورد گفتگو قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر این جمله را گویشور زبان با این هدف به کار برده است که به سختی‌ها و دشواری‌های زندگی - دست‌کم در شرایط کنونی که ممکن است عوامل اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی معیشت افراد را دشوار کرده باشد - اشاره کند و از آنجا که مفهوم «جنگ» برای مخاطب گویشور مورد نظر، مفهومی آشنا است و او آن را در نظام شناختی و مفهومی ذهن خود دارد، از آن استفاده کرده است تا ویژگی‌های «زندگی» امروزی یا دست‌کم آن نوعی از زندگی که مدنظر او است، برای مخاطبش قابل فهم شود.

همان‌طور که اشاره شد در این نوع از استعاره‌ها، شبکه مفاهیم مربوط به حوزه مبدأ به حوزه مقصد منتقل می‌شود؛ بنابراین در مورد استعاره اخیر نیز ممکن است ما بشنویم که هر

## 1. Structural metaphors

یک از دو طرف گفتگو، بگویند «خیلی شرایط سخت شده، حواست نباشه می‌زننت»، یا «زنی می‌زننت»، یا «حواست باشه که موقعیت رو از دست ندی»، یا «خوب حواست باشه، یک قدم عقب‌نشینی کنی، همه چی روت آوار می‌شه»، یا «الآن موقعیت حساسه، باید چارچشمی حواست به اطرافت باشه»، یا «نترس و محکم از موضعت دفاع کن» و ... .

- استعاره‌های جهتی<sup>۱</sup>: به اهمیت مفاهیمی همچون «بالا» و «پایین» در نظام استعاری زبان و در واقع در نظام شناختی - مفهومی ذهن انسان در بالا اشاره کردیم که مرتبط با تجربه‌هایی هستند که او در ارتباط با جهان اطرافش دارد. استعاره‌هایی که با توجه به مفاهیم فضایی از این دست شکل می‌گیرند، در زبان‌شناسی شناختی «استعاره‌های جهتی» گفته می‌شود و لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) به تفصیل درباره آن‌ها و اهمیت و مبنای شناختی - مفهومی‌شان در زبان انسان سخن گفته‌اند.

این نوع استعاره‌ها رفته‌رفته در طول زمان شکل گرفته‌اند و به نظر می‌رسد که بسیاری از آن‌ها خصلتی جهانی دارند چون اساساً ماهیتی عینی دارند؛ از همین رو است که به‌نظر می‌رسد در تمامی زبان‌های دنیا مفهوم «زیاد» را با «بالا» و «کم» را با «پایین» نشان می‌دهند؛ همچنین در زبان‌های مختلف دنیا «جمع‌شدن» به‌نوعی با مفهوم «ناراحت‌شدن» در ارتباط است و «باز شدن» به‌نحوی با مفهوم «خوشحال شدن». به همین دلیل ما در زبانی چون فارسی جملات استعاری‌ای همچون «اخم‌اش تو همه» و «اخم‌اتو باز کن» را داریم که به ترتیب به‌معنای «او ناراحت است» و «ناراحت نباش» هستند؛ همچنین در زبان فارسی ما با جمله‌ای مثل «چهرت دیروز گرفته بود» در مقابل «رنگ و روت امروز بازتره» هستیم که در اینجا نیز می‌بینیم که مفاهیم «ناراحتی یا غم» در مقابل «خوشحالی یا شادی» به صورت استعاری و با استفاده از مفاهیم جهتی فوق‌الذکر بیان شده‌اند؛ از طرف دیگر همین مفاهیم «شادی» و «ناراحتی» در زبان فارسی در ارتباط با مفاهیم جهتی «بالا» و «پایین» نیز بیان می‌شوند؛ یعنی ما در این زبان با استعاره‌های جهتی‌ای همچون «روحیه تیم خیلی بالا رفت با تشویق تماشاگرها» و «این عوامل باعث افت روحیه تیم ملی در آستانه جام جهانی می‌شوند» هستیم که در اینجا می‌بینیم زیاد یا

## 1. Orientational metaphors

کم‌شدن «روحیه» که هم می‌تواند به شادی و ناراحتی «تیم» اشاره داشته باشد، هم به توان و قوت روحی آن‌ها، با توسل به مفاهیم جهتی بیان شده است.

نکته‌ای که درباره استعاره‌های جهتی باید در نظر داشته باشیم، این است که در زبان‌شناسی شناختی، این نوع از استعاره‌ها - همان‌طور که مثال‌های ارائه‌شده در بالا نشان می‌دهند - به صورت جفت هستند؛ یعنی مفهوم‌بندی آن‌ها در نظام شناختی ما مبتنی بر تقابلی بین دو مفهوم فضایی - فیزیکی است (بالا - پایین، جمع شدن، باز شدن، زیر - رو، ...). همچنین به این نکته هم درباره این نوع استعاره‌ها باید توجه داشته باشیم که به‌طور معمول در این جفت‌های جهتی، یکی بر مفهومی مثبت دلالت دارد و یکی بر مفهومی منفی یا ناخواستنی که در مثال‌های بالا هم‌چنین چیزی مشخص و قابل فهم بود (برای مثال سلامتی در ارتباط با جهت فضایی «بالا» بیان می‌شد و «مریضی» در ارتباط با مفهوم فضایی «پایین» و غیره).

- استعاره‌های وجودی: در زبان‌شناسی شناختی تجربه انسان در ارتباط با محیط اطرافش نقشی مبنایی در شکل‌گیری استعاره‌ها دارند؛ دسته‌ای از این استعاره‌ها بر این مبنا شکل می‌گیرند که ما به اموری همچون حوادث، کنش‌ها و فعالیت‌های اطرافمان که اصولاً و ماهیتاً غیرمادی و غیرملموس هستند، به مثابه امور مادی و قابل لمس و اندازه‌گیری می‌نگریم (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۲۵).

یکی از مثال‌های بارزی که لیکاف و جانسون برای این نوع استعاره‌ها در زبان انگلیسی ذکر کرده‌اند مربوط به «تورم» است که اتفاقاً به خاطر اهمیتی که این مسئله در چند دهه اخیر در زندگی مردم ایران داشته است، استعاره‌های وجودی مربوط به آن را در گفتار و نوشتار زبان فارسی نیز به فراوانی می‌توانیم ببینیم؛ برای مثال به موارد زیر توجه کنید که در روزنامه‌ها، اخبار و تحلیل‌های رسانه‌ای مشابه آن‌ها زیاد شنیده می‌شوند:

- تورم کمر اقتصاد خانواده‌ها را شکسته است.
- اگر حواسمان نباشد، تورم همه دستاوردهای اقتصاد کشور را نابود می‌کند.
- تورم خانواده‌های کم‌درآمد را روز به روز فقیرتر می‌کند.
- کارمندان دولت مجبورند برای جنگیدن با تورم، پولشان را به دلار یا سکه و طلا تبدیل کنند.

- ما باید در کنار مهار تورم، سیاست‌های ضد رکود هم داشته باشیم.

- رکود هم مثل تورم می‌تواند اقتصاد ما را فرسوده و نابود کند.

دقت در مثال‌های یاد شده نشان می‌دهد که در آن‌ها به تورم به مثابه وجودی نگریسته شده است که همچون یک صاحب وجود قدرتمند، می‌تواند «اقتصاد خانواده» را به شکست بکشاند؛ «دستاوردهای اقتصاد کشور» را نابود کند؛ «خانواده‌های کم‌درآمد» را فقیرتر کند؛ «کارمندان دولت را» مجبور کند که برای جنگیدن با آن اقداماتی انجام دهند؛ «ما» را مجبور کند که برای مهارش سیاست‌های خاصی را در حوزه اقتصاد در پیش بگیریم و...؛ در واقع گویشور زبان فارسی - همانند گویشور زبان انگلیسی و زبان‌های دیگر - برای آنکه بتواند درباره ابعاد مختلف اثرگذاری تورم سخن بگوید و آن را برای مخاطب خود قابل فهم نماید، از سازوکار استعاره بهره گرفته است و به آن به عنوان وجودی نگریسته است که همانند امور ملموس و آشنایی همچون جنگ و وجودی صاحب زور و نیرو، می‌تواند اقتصاد ما را نابود کند و از این‌رو همان‌طور که در جنگ و موقعیت‌های مشابه ما نیازمند در پیش گرفتن تدابیر مشخصی برای جنگیدن با دشمن و دفع او هستیم؛ در برابر تورم نیز باید چنین تدابیری را ببیندیشیم.

همچنین با دقت در گفتار و نوشتار زبان فارسی، به‌خصوص گفتار و نوشتاری که تحت تأثیر ترجمه از زبان‌های بیگانه غربی بیشتر در رسانه‌ها به کار برده می‌شود، متوجه می‌شویم که در موارد زیادی به امور غیر قابل لمس و مشاهده و در واقع غیرمادی، به‌گونه‌ای نگریسته می‌شود که گویی این امور همانند ظرفی هستند که می‌توان وارد آن‌ها شد، یا از آن‌ها خارج شد؛ یا چیزی را وارد آن‌ها کرد، یا از آن‌ها چیزی را خارج کرد؛ این امر باعث شکل‌گیری فقره دیگری از استعاره‌های وجودی در زبان انسان شده است که به آن‌ها استعاره‌های ظرف گفته می‌شود (نگاه کنید به لیکاف و جانسون، ۱۳۸۰: ۳۰ - ۲۰).

استعاره‌های ظرف را در زبان‌های دیگر نیز می‌توان دید؛ اما در زبان فارسی در ارتباط با مسائلی همچون «تورم» و «رکود» که در بالا به آن‌ها اشاره کردیم، با جملات استعاری‌ای همچون «اقتصاد کشور وارد رکود» شده است و «چطور می‌توان از این رکود زیان‌بار خارج شد؟» و «ما از دوره رکود خارج شده‌ایم و وارد یک دوره تورم‌زای شدید شده‌ایم» مواجهه می‌شویم که در آن‌ها به «تورم» و «رکود» به عنوان محدوده‌هایی نگاه شده است که «ما» یا

«اقتصاد کشور» می‌تواند وارد آن‌ها شود، یا از آن‌ها خارج شود؛ چنین نگرشی امر تورم و رکود را برای ما دارای ابعاد و ثغور مشخصی می‌کند و آن را برای ما قابل شناخت می‌کند؛ و از این طریق ما می‌توانیم آن را بشناسیم و برای خارج شدن از آن تدابیر مقتضی را در دستور کار خود یا اقتصاد کشور قرار دهیم.

یکی دیگر از انواع استعاره‌هایی که در زیرمجموعه استعاره‌های وجودی قرار می‌گیرند، استعاره‌هایی هستند که به آن‌ها با عنوان «شخصیت‌بخشی»<sup>۱</sup> یا «تشخیص» اشاره می‌شود. «شخصیت‌بخشی» یکی از صنایع ادبی شناخته شده است؛ همان‌طور که از خود این اصطلاح برمی‌آید، در این نوع از استعاره‌های وجودی به امر یا وجودی فاقد مشخصه حیات، ویژگی یا انجام کاری نسبت داده می‌شود که فقط از یک موجود ذی‌حیات یا به عبارت دیگر زنده برمی‌آید؛ در مواردی هم ویژگی یا کاری که فقط از انسان به عنوان موجودی صاحب شعور و خرد برمی‌آید، به موجودات زنده دیگر نسبت داده می‌شود؛ برای مثال ما در زبان فارسی ممکن است به جمله‌ای همچون «سنگ هم بود تا حالا این حرف رو فهمیده بود» مواجه شویم که امر «فهمیدن» که اصولاً از ویژگی‌های موجود ذی‌حیات و ذی‌شعوری همچون انسان است، به «سنگ» نسبت داده شده است که اصولاً نه تنها فاقد شعور است بلکه از حیات نیز بی‌بهره است و در دسته جانداران جای نمی‌گیرد.

استعاره‌هایی که در بالا معرفی شدند و برای آن‌ها مثال‌هایی ارائه شد، استعاره‌های اصلی مورد بحث در زبانشناسی شناختی هستند؛ این استعاره‌ها در زبان‌های مختلف بررسی، تحلیل و کاویده شده‌اند و تحقیقاتی که درباره آن‌ها انجام شده است، نشان می‌دهد که استعاره در همه زبان‌ها کاربردی فراگیر دارد؛ همچنین با توجه به نقشی که این استعاره‌ها در انتقال معنای کاربردشناختی<sup>۲</sup> زبان بر عهده دارند، کاربردشان در گفتمان‌های مختلف، از جمله گفتمان‌های سیاسی بررسی شده است؛ این بررسی‌ها نتایج بسیار قابل توجهی در پی داشته‌اند و از آن جمله اهمیت کاربرد استعاره در انتقال جنبه‌های خاصی از معنا را بیش از پیش به ما خاطر نشان می‌کنند. انواع استعاره‌های شناختی همچنین علاوه بر متون مهم زبان‌های مختلف، در متون

- 
1. Personification
  2. Pragmatic meaning

دینی‌ای همچون قرآن کریم بررسی شده است که همین باعث گشوده شدن پنجره‌های جدیدی به فهم ابعاد معنایی مختلف این متون مقدس شده است.

### تحلیل داده‌ها

در ادامه این تحقیق بر اساس آنچه در این فصل درباره استعاره در زبان‌شناسی شناختی گفته شد، استعاره را در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب بررسی خواهیم کرد؛ داده‌های این تحقیق که از بیانات و پیام‌های مقام معظم رهبری استخراج شده‌اند و برای اطمینان از نبود هرگونه تغییر یا دخل و تصرفی در فرمایش‌های مقام معظم رهبری، همه داده‌ها از سایت Khamenei.ir برگرفته شده‌اند؛ ذکر این نکته هم ضروری است که این نوع استعاره‌ها در کلام رهبر معظم انقلاب زیاد به کار برده شده‌اند و آنچه که در اینجا تحلیل شده است، فقط نمونه‌هایی از استعاره‌های مورد نظر این تحقیق هستند. در ادامه در هر مورد ابتدا بخشی از فرمایش‌های مقام معظم رهبری که استعاره یا استعاره‌هایی در ارتباط با گفتمان دفاعی ایشان در آن به کار رفته است، آورده می‌شود و سپس به تحلیل داده مورد نظر پرداخته می‌شود.

### متن شماره ۱

... این طرح کلانی که الان آقای درباردار سیاری بیان کردند، خوب، بلندپروازانه است؛ لیکن من داشتن چنین نظرها و ایده‌هایی را صد درصد تأیید می‌کنم. به دنبال این باشید که بتوانید حضور مقتدرانه و شجاعانه خودتان را برای دفاع از عزت کشور و ملتتان به همه نشان دهید؛ البته این مقدماتی دارد و کارهای لازمی را باید انجام داد. وقتی انسان نگاه می‌کند، با توجه به بعضی از واقعیت‌های موجود، ممکن است بعضی از این خواسته‌ها دور از دسترس به نظر بیاید؛ لیکن من می‌گویم وارد راه می‌شویم، قدم‌ها را یکی پس از دیگری برمی‌داریم و هرچه جلوتر برویم، رسیدن به نتیجه برایمان آسان‌تر خواهد شد.

«... اینکه شما می‌بینید مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب به جان جمهوری اسلامی می‌افتند - البته تا حدی که می‌توانند - علتش همین است: عادت کرده‌اند از این سفره بی‌صاحب هرچه می‌خواهند و می‌توانند، بردارند و بهره‌برداری کنند؛ حالا که می‌بینند

نه ملت که صاحب اصلی این سرزمین است، بیدار شده، نمی‌گذارد، دست رد به سینه‌هایشان می‌زند؛ طبیعی است خشمگین می‌شوند؛ مسئله توطئه‌ها این است. گناه جمهوری اسلامی و گناه ملتی که به این جمهوری و به این اسلام دل سپرده و در راه او حرکت کرده، فقط همین است که می‌خواهد زیر بار زور و سلطه و توهین دیگران به شخصیت خودش نرود؛ البته این هم یک آزمایش است برای تاریخ تا تاریخ و نسل‌های آینده بدانند که اگر یک ملتی با احساس هویت، با اعتقاد به قدرت ذاتی خودش، نیروهایش را به صحنه آورد؛ چه نیروی علمی‌اش را، چه نیروی صنعتی‌اش را، چه نیروی تجربی‌اش را، چه مهارت‌هایش را، چه ایمانش را - که بالاترین نیروهاست - جسم و جاننش را وقتی به صحنه آورد، هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند بر عزم او، بر خواست او، بر همت او غلبه و سیطره پیدا کند، شکست می‌خورند؛ تا الآن هم شکست خورده‌اند، بعد از این هم شکست می‌خورند.

این حرف تکراری از دهن افتاده مهملی که راجع به ساخت سلاح اتمی به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند، نشان‌دهنده نهایت ناتوانی این‌ها حتی در زمینه تبلیغات است. جمهوری اسلامی هیچ اصراری هم ندارد که در دفاع خودش در این قضیه خیلی احساسات به خرج بدهد؛ نه ما اعتقاد به بمب اتم نداریم، به سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. برطبق مبانی اعتقادی ما، مبانی دینی ما، به کار بردن این‌گونه وسائل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است؛ این ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن آن را ممنوع کرده؛ ما دنبال این نمی‌رویم. ما دنبال آن چیزی می‌رویم که قدرت‌های سلطه‌گر حقیقتاً از آن باید بترسند و من اعتقاد این است الآن هم از همان می‌ترسند و آن، بیدار کردن روح حماسه و عزت اسلامی است در همه امت اسلام؛ ما این کار را خواهیم کرد؛ این را بدانند.

امت اسلامی را که اتفاقاً از لحاظ وضعیت جغرافیا در نقطه حساسی از دنیا هم قرار گرفته‌اند - هم از لحاظ سوق‌الجیشی، هم از لحاظ اقتصادی و منابع طبیعی - علی‌رغم میل خودشان، مورد استعمار قرار می‌دهند. ما رسالتمان این است، همتمان این است که به دنیای اسلام هشدار بدهیم؛ و این هشدار، مؤثر هم واقع شده؛ می‌بینید در جا به‌جا دنیای اسلام، نفرت از سلطه‌گران، از سیطره‌خواهان، به خصوص آمریکا، روزافزون است...



جمهوری اسلامی متکی به دل‌های میلیون‌ها انسان است. وقتی صدای واحدی از حنجره ده‌ها میلیون انسان با قدرت ادا می‌شود، این سخن قابل محو شدن نیست؛ امواج این سخن در دنیا باقی می‌ماند و ماندگار می‌شود. شوخی است؟ ده‌ها میلیون انسان با هم فریاد نفرت از استکبار، نفرت از نظام سلطه جهانی و پافشاری بر عزت ملی و ایمان اسلامی را سر می‌دهند، آن هم نه یک‌بار، نه دو بار؛ سی سال است که مردم دارند این فریاد را سر می‌دهند؛ این از بین‌رفتنی نیست؛ فریاد هماهنگ این همه حنجره و این همه دل، ماندنی است؛ این‌ها جزو قوانین حتمی طبیعت و تاریخ است؛ مثل قانون جاذبه است، مثل قوانین دیگر طبیعی است؛ لذا تخلف ندارد؛ این صدا ماندگار است. شرط این است که ما هر کدامی کار خودمان را درست انجام دهیم. من بارها این حدیث را از قول پیغمبر اکرم به مخاطبان گفته‌ام: «رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه»؛ رحمت خدا بر کسی که کار را انجام دهد و آن را محکم انجام دهد، درست انجام دهد، با اتقان انجام دهد. کار را باید با اتقان انجام داد... .

من می‌خواهم بر روی شناورهای زیرسطحی هم تأکید کنم؛ نیروی دریایی یکی از هدف‌ها و جهت‌گیری‌های کلی‌اش باید مسئله شناورهای زیرسطحی باشد. امروز اگر همان‌جور که قبلاً گفته‌ایم نیروی دریایی یک نیروی راهبردی است - که همین هم هست - و در دفاع از کشور جزو خطوط مسلّم حتمی است، باید با زیرسطحی‌ها منطقه را در دست بگیرید... .<sup>۱</sup>

برای تحلیل این متن نخستین نکته‌ای که باید بدان توجه کنیم، این است که بیانات فوق در دیدار با دست‌اندرکاران ناوشکن جماران بیان شده است؛ ساخت این ناوشکن یکی از دستاوردهای بسیار مهم صنعت دفاعی کشور در بخش دریانوردی بود که رهبر معظم انقلاب همواره در چنین دیدارها و مناسبت‌های دیگر، بر اهمیت آن در افزایش قدرت و اقتدار ایران اسلامی تأکید داشته‌اند. از نظر استعاری نخستین نکته‌ای که در متن فوق جالب توجه است این است که رهبر معظم انقلاب به اهداف نظام در این زمینه به عنوان یک «راه» می‌نگرند: «...با توجه به بعضی از واقعیت‌های موجود، ممکن است بعضی از این خواسته‌ها دور از دسترس

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰.

به نظر بیاید؛ لیکن من می‌گویم وارد راه می‌شویم، قدم‌ها را یکی پس از دیگری برمی‌داریم و هرچه جلوتر برویم، رسیدن به نتیجه برآیمان آسان‌تر خواهد شد.

در واقع، گفته می‌شود که اهداف یا خواسته‌های ما در این بخش همانند چیزی است که در انتهای راهی دوردست وجود دارد و طبیعتاً برای رسیدن به آن باید این مسافت طولانی را بپیماییم که همین ممکن است باعث دلسردی و ناامیدی عده‌ای شود که در مقابل رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند باید وارد راه شد، قدم‌ها را یکی پس از دیگری برداشت تا به «خواسته» یا هدف مورد نظر رسید؛ و همان‌گونه که افتادن در یک راه و پیمودن مسیر آن موجب آشنایی با آن و سهل شدن پیمودن بقیه مسیر می‌شود، «وارد شدن» در مسیر دستیابی به «خواسته»‌های صنعت دفاعی کشور در بخش دریایی و قدم برداشتن در این مسیر، موجب می‌شود که بهتر بتوانیم قدم‌های بعدی را برداریم و به هدف برسیم. از آنچه گفته شد می‌توانیم به این نتیجه برسیم که از منظر رهبر معظم انقلاب «پیشرفت و رسیدن به خواسته‌ها یک راه یا مسیر است» که این نگرش استعاری به موضوع موجب شده است عناصر و مؤلفه‌های مربوط به «راه/مسیر» به عنوان حوزه مبدأ، به حوزه مقصد یعنی «خواسته‌ها» یا اهداف مربوط به بخش صنایع دفاعی دریایی کشور انتقال داده شود و سخن گفتن درباره آن‌ها را اثرگذارتر کند؛ با این هدف که به مخاطب گفته شود با آنکه این راه ممکن است دارای پست و بلندی و موانع زیادی باشد، اما با هر قدمی که در آن برداریم، پیمودن بقیه آن برای ما سهل‌تر می‌شود و ما با سرعت بیشتری می‌توانیم به هدف برسیم.

در همین ارتباط، باید به این نکته هم اشاره کنیم که «راه» در فرهنگ و ذهنیت انسان ایرانی دارای تداعی‌های خاص خود است و با مفاهیمی همچون «سختی»، «مانع»، «راهزن»، «دوری»، «درازی»، «حرکت جمعی»، «شیرینی رسیدن به مقصد» و... در هم آمیخته است؛ از این رو استفاده از آن به عنوان حوزه مبدأ یک استعاره، برای سخن گفتن درباره خواسته‌ها و دستاوردها، موجب گره خوردن موضوع و گزاره مورد نظر گوینده با تجربه‌های تاریخی و زندگی مخاطب می‌شود که همین در نهایت پیام گوینده را برای مخاطب کاملاً قابل فهم و قابل پذیرش می‌کند.

نکته دیگری که در متن بالا دیده می‌شود، استفاده از استعاره‌های جهتی است؛ برای مثال به‌خوبی دیده می‌شود که از نگاه رهبر معظم انقلاب جهت فضایی پایین در ارتباط با «زیر سلطه» بودن است: «... اسلام، تفکر اسلامی و روح برخاسته از ایمان قرآنی اجازه نمی‌دهد که یک ملت این جور توانایی‌هایش سرکوب شود، استعدادهایش پامال شود؛ اجازه داده شود که به خاطر بی‌اعتنایی به توانایی ذاتی او، به حالت تخدیرشده بیفتد و دیگران بیایند بر سرنوشت او مسلط شوند؛ و به همین دلیل هم هست که ایشان در بیان این مفهوم از «بر» استفاده کرده‌اند که در زبان فارسی چه به عنوان حرف اضافه و چه به هنگامی که در ترکیب با فعل به کار برده می‌شود، به بالا بودن اشاره دارد.

به عبارت دیگر با توجه به بقیه گزاره‌های متن و موقعیت بیان آن، می‌توانیم بگوییم که از نظر مقام معظم رهبری گفتمان نظام جمهوری اسلامی ایران که گفتمان دفاعی نیز بخشی از آن است، مبتنی بر «اسلام، تفکر اسلامی و روح برخاسته از ایمان قرآنی» است که اصولاً اجازه نمی‌دهد ملتی سرکوب شود و کسی بالای سر او قرار گیرد و بر او مسلط شود؛ در بخش‌های دیگر متن نیز «از زیر بار زور و سلطه و توهین دیگران» نرفتن سخن گفته می‌شود که باز سلطه‌پذیری با جهت فضایی پایین و نفی سلطه با جهت فضایی مخالف آن بیان شده است؛ و در جایی تأکید شده است که «اگر یک ملتی با احساس هویت، با اعتقاد به قدرت ذاتی خودش، نیروهایش را به صحنه آورد؛ ... هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند بر عزم او، برخواست او، بر همت او غلبه و سیطره پیدا کند؛ شکست می‌خورند».

در متن بالا همچنین استعاره زیبای دیگری وجود دارد و آن این است که برای «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب» کشورهایی مثل ایران تا قبل از تأسیس نظام جمهوری اسلامی، «یک سفره بی‌صاحب» بوده‌اند که آن‌ها عادت کرده بودند «هرچه می‌خواهند و می‌توانند، بردارند و بهره‌برداری کنند». در واقع در این استعاره که باز در ارتباط با ذهنیت و تجربه زیسته مخاطب ایرانی در ارتباط با مفاهیمی همچون «سفره»، «مال بی‌صاحب»، «خوردن»، «چپاول کردن» و... است به عنوان حوزه مبدأ انتخاب شده است و عناصر و مؤلفه‌های مفهومی آن به رویکرد «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب» نسبت به کشورهایی مثل جمهوری اسلامی، به عنوان حوزه مقصد انتقال داده

شده است؛ تا برای مخاطب به‌خوبی مشخص شود که خوی چپاولگر این قدرت‌ها چه نگاهی به سرزمینی همچون ایران دارد و در واقع گفته شود همان‌گونه که انسان‌هایی به هنگام روبه‌رو شدن با «سفره بی‌صاحبی» هر آنچه که می‌خواهند از آن بدون اجازه از کسی و قائل شدن محدودیتی برای خود برمی‌دارند؛ «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب» نیز عادت داشته‌اند که با سرزمین‌هایی مثل ما چنین کنند و حال که نمی‌توانند درباره ایران اسلامی این کار را انجام دهند، با آن دشمنی می‌ورزند.

استعاره اخیر به‌ویژه زمانی برای مخاطب قابل درک می‌شود که می‌بینیم رهبر معظم انقلاب از توصیف‌هایی همچون «زورگو» و «سیطره‌طلب» برای «مستکبرین و قدرت‌های» دشمن جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده‌اند که آن‌ها نیز در ذهنیت ایرانیان مفاهیمی ناپسند و برآمده از خوی ستمگری و ددمنشی هستند؛ علاوه بر این‌ها، در این استعاره نکته دقیق دیگری هم نهفته است و آن این است که گفته می‌شود «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب» به غیر خود به عنوان «منبع» نگاه می‌کنند؛ منبعی که باید هرچه را که می‌خواهند از آن تأمین کنند، آن هم بی‌اجازه و هر طور که مایل هستند.

در ارتباط با استعاره‌ای که اخیراً درباره آن سخن گفتیم، در متن بالا «ملت پیکره زنده‌ای است» نیز استفاده شده است. زنده بودن قبل از هر چیز دیگری با حرکت کردن و کنشگری و هوشمندی در ارتباط است که در واقع برخی از مؤلفه‌های معنایی حوزه مبدأ این استعاره هستند (پیکره زنده) که به حوزه مقصد آن (ملت) انتقال داده شده است و همین این امکان را به گوینده داده است که از «بیدار» بودن «ملت» و «دست رد بر سینه» طرف مقابل سخن بگوید. مفاهیمی همچون «گناه»، «دل سپردن»، «حرکت» در راه اسلام و جمهوری اسلامی، «احساس هویت»، «توهین»، «شخصیت»، «آزمایش»، «نیرو»، «مهارت»، «ایمان»، «تجربه»، «عزم»، «همت» و... نیز از دیگر مفاهیمی هستند که بر اساس استعاره «ملت پیکره زنده است» به کار برده شده‌اند و موجب جاری شدن این استعاره در کلام گوینده و متن مبتنی بر آن شده‌اند؛ البته این استعاره خود در پیوند با استعاره دیگری است و آن این است که «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو و قدرت‌های سیطره‌طلب پیکره زنده‌ای است» که می‌تواند دارای «سینه» باشد، «خشمگین» شود و «توطئه» کند.

نکته‌ای که از چند استعاره درهم تنیده اخیر باید بدان اشاره کرد این است که گوینده متن مورد نظر، استعاره‌های مختلف را به صورت شبکه‌ای و مرتبط با هم به کار برده است که همین موجب تولید متنی منسجم و اثرگذار شده است که بخش زیادی از آن به خاطر پیوند دقیقی است که میان حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره‌های به‌کاربرده شده دارد.

#### متن شماره ۲

حسینیه امام خمینی (رحمه‌الله) امروز (چهارشنبه) میزبان نمایشگاه دستاوردهای صنعت دفاعی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بود و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا بیش از دو ساعت از فناوری‌های پیشرفته، بومی و دانش‌بنیان که محصول تلاش، ابتکار و دانش محققان و متخصصان داخلی است و اثر مستقیمی بر افزایش توان رزمی نیروهای مسلح دارد، بازدید کردند.

در این نمایشگاه، دستاوردهایی در زمینه طراحی و ساخت انواع سامانه‌ها و تجهیزات پیشرفته «موشکی»، «راداری»، «دریایی»، «اپتیکی»، «زرهی»، «پهپاد» و «مراکز ارتباطاتی» به نمایش گذاشته شد...

رهبر انقلاب اسلامی سپس در جمع وزیر، مسئولان، محققان و متخصصان وزارت دفاع، افزایش توان «دفاعی و تهاجمی» را حق مسلم و قطعی کشور دانستند و با تأکید بر لزوم ادامه مسیر افزایش توان دفاعی گفتند: در دنیایی که قدرت‌های «زورگو، سلطه‌گر و دارای کمترین جوهره اخلاق، وجدان و انسانیت» حاکم هستند و از تجاوز به کشورها و کشتار انسان‌های بی‌گناه هیچ ابایی ندارند، توسعه صنایع دفاعی و تهاجمی کاملاً طبیعی است؛ زیرا این قدرت‌ها تا اقتدار کشور را احساس نکنند، امنیت تأمین نخواهد شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بازدید از نمایشگاه دستاوردهای صنعت دفاعی را شیرین و خرسندکننده خواندند و افزودند: علت این خرسندی، علاوه بر دیدن توانایی‌های دفاعی که نقش بسزایی در افزایش سطح و ضریب اقتدار کشور دارد، مشاهده نیروهای عالم، محقق، پژوهشگر، اهل فکر و اقدام و با ایمان است که بسیار خوشحال‌کننده و لذت‌بخش است.

ایشان خاطرنشان کردند: وجود چنین نیروها و عناصری در مجموعه صنایع دفاعی کشور، همچون جواهری بسیار گران بها و غیرقابل قیمت گذاری است.

رهبر انقلاب اسلامی سپس در تبیین دلیل تأکید بر لزوم افزایش توان و گسترش صنایع دفاعی، خاطرنشان کردند: در شرایطی که قدرت‌های زورگوی دنیا، چتر قدرت خود را گسترانیده‌اند و هیچ رحمی در وجود آن‌ها به چشم نمی‌خورد و علناً مجلس عروسی و بیمارستان را به بهانه مبارزه با تروریسم بمباران می‌کنند و صدها انسان بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشند و به هیچ سازمان و نهادی هم پاسخگو نیستند، باید توان و قدرت دفاعی را افزایش داد تا قدرت‌های زورگو، احساس تهدید کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: البته ما برای گسترش صنایع دفاعی محدودیت‌هایی قائل هستیم و سلاح‌های کشتار جمعی همچون سلاح شیمیایی و سلاح هسته‌ای، بر اساس مبانی اعتقادی و دینی ممنوع هستند.

ایشان تأکید کردند: ممنوعیت سلاح شیمیایی در بخش تهاجمی است اما افزایش توان در بخش‌های دفاعی در برابر حمله شیمیایی اشکالی ندارد. رهبر انقلاب اسلامی گفتند: به غیر از این محدودیت‌ها، در بقیه زمینه‌ها هیچ محدودیتی برای افزایش توان دفاعی و نظامی وجود ندارد و پیشرفت در این عرصه‌ها یک وظیفه است. ...

فرمانده کل قوا در بخش دیگری از سخنان خود با قدردانی از وزارت دفاع و محققان و متخصصان سازمان‌های مختلف نیروهای مسلح، افزودند: یکی از عوامل برجسته در پیشرفت صنایع دفاعی کشور، ارتباط بخش دفاعی با دانشگاه و شرکت‌های دانش‌بنیان است.

... ایشان این پیشرفت‌ها را نتیجه حرکت عظیم علمی کشور در ۱۲ سال گذشته دانستند و تأکید کردند: جنبش نرم‌افزاری و حرکت علمی که اکنون به صورت «گفتمان عمومی» درآمده و دانشمندان جوان ما موفق به شکستن خطوط مرزی علم شده‌اند، باید با قدرت ادامه یابد؛ زیرا پیشرفت در هر عرصه‌ای، زمینه‌ساز پیشرفت‌های جدید در بخش‌های دیگر خواهد شد.

نخستین استعاره‌ای که در متن بالا مشخص شده، این است که نیروهای مؤمن و انقلابی و متخصص شاغل در صنایع دفاعی کشور، «جواهری بسیار گران بها و غیرقابل قیمت‌گذاری» هستند که این نشان از نوع نگاه رهبر معظم انقلاب به امر دفاع دارد.

در واقع همان‌گونه که برخی گوهرها آن‌قدر گران‌بها هستند که نمی‌توان برای آن‌ها قیمتی تعیین کرد، به باور رهبر معظم انقلاب، نیروهای متخصص شاغل در صنایع دفاعی کشور نیز جواهر گران‌بهایی هستند که امکان قیمت‌گذاری آن‌ها وجود ندارد؛ که این به دلیل کار خاص و منحصر به فردی است که آن‌ها در زمینه دفاع از ایران اسلامی بر دوش دارند؛ به عبارت دیگر به خاطر اهمیت خاص امر دفاع از کشور و نظام اسلامی، کار در این حوزه از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که متخصصان آن را تبدیل به گوهرهایی گران‌بها و غیرقابل قیمت‌گذاری می‌کند؛ و از این رو می‌توان گفت این استعاره خود مرتبط با این استعاره بنیادی‌تر است که «فعالیت در عرصه دفاع جواهری بسیار گران‌بها و غیرقابل قیمت‌گذاری» است.

دومین استعاره مشهود متن اخیر این است که «قدرت قدرت‌های زورگوی جهان چتری گسترده است». چتر گسترده، برخلاف چتر بسته که به‌طور معمول در گوشه‌ای رها شده است، دارای ویژگی‌هایی است که یکی از آن‌ها قرار گرفتن بر بالای یک یا چند نفر است تا از ریزش باران یا برف یا تابش نور و گرما بر سر آن‌ها جلوگیری کند. در واقع ویژگی استعاری بارز چتر فراگیری آن است که مانع رسیدن چیزی به فرد یا گروهی می‌شود و به عبارت دیگر هر چتری همین‌که بر سر فرد یا گروهی قرار گرفت او یا آن‌ها را در حوزه قلمرو یا سیطره فردی قرار می‌دهد که چتر را در دست دارد؛ در متن مورد نظر نیز رهبر معظم انقلاب از این استعاره استفاده کرده‌اند تا نشان دهند که قدرت‌های زورگوی جهان قدرت و سلطه خود را بر جهان گسترانیده‌اند و در تلاش هستند که هر کسی را به زیر چتر خود که در واقع همان خوی سلطه‌گری آن‌ها است درآورند. آشنایی مخاطبان رهبر معظم انقلاب با مفهوم «چتر» و کارکردهای این وسیله ساده، انتقال پیام از طریق ساخت استعاره‌ای بر گرد مفهوم چتر را تسهیل و اثرگذار می‌کند.

استعاره سوم متن اخیر «قدرت‌های زورگوی دنیا موجودات زنده هستند» همانند برخی از استعاره‌های مشابه دیگری هستند که در بالا آن‌ها را تحلیل کردیم؛ از این رو در اینجا نیازی به تحلیل مفصل آن نیست. فقط اشاره می‌کنیم که همان‌گونه که یک موجود زنده بی‌رحم (باید بدانیم که بی‌رحمی خود برآمده از سبعیت و درنده‌خویی است)، به عنوان حوزه مبدأ این استعاره، به موجودات دیگر رحم نمی‌کند و در چشم آن جز میل به دریدن و خون‌ریزی و

خوردن جاندار مقابل خود نیست، «قدرت‌های زورگوی دنیا» به عنوان حوزه مقصد این استعاره نیز جز به بی‌رحمی به بقیه جهان نظر نمی‌کنند؛ و از این رو عقلانیت حکم می‌کند که به آن‌ها نزدیک نشویم و خود را به لحاظ توان دفاعی در برابر آن‌ها توانمند و آماده نگه داریم. آخرین استعاره متن اخیر «پیشرفت در عرصه افزایش توان دفاعی و نظامی وظیفه است»، است که برآمده از مبانی اسلامی گفتمان و تفکر نظام اسلامی است. در واقع در اسلام «وظیفه» یا «تکلیف» امری است که شارع مقدس انجام آن را بر دوش هر فرد مسلمانی قرار داده است و آنچه که «وظیفه» یا «تکلیف» دینی باشد، انجامش با دیگر امور یا کارهایی که فرد ممکن است به انجام آن‌ها مبادرت کند متفاوت است و از اولویت و بایستگی خاص برخوردار خواهد بود؛ در اینجا نیز رهبر معظم انقلاب پیشرفت در عرصه افزایش توان دفاعی و نظامی کشور را نه به عنوان کاری معمول و حتی لازم که به عنوان «وظیفه‌ای» بیان فرموده‌اند که همین باعث می‌شود دست‌اندرکاران صنایع دفاعی کشور به کار و کوششی که می‌کنند به‌عنوان وظیفه و تکلیفی دینی بنگرند.

### متن شماره ۳

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا ظهر امروز (یکشنبه) در دیدار فرماندهان و مسئولان قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، این قرارگاه را «خط مقدم دفاع از حیثیت و موجودیت کشور» خواندند و با اشاره به نقش بی‌بدیل نیروی انسانی در پیشرفت بخش‌های مختلف از جمله نیروهای مسلح، تأکید کردند: باید با کار و تلاش بی‌وقفه، استعداد‌های پرشمار نیروی انسانی را شکوفا کنید و آن را در خدمت رفع نیازها و کمبودهای کشور قرار دهید... .

ایشان، نسخه علاج‌بخش مشکلات کشور را به‌کار گرفتن و فعال کردن این توانایی‌ها و استعداد‌های جوشان خواندند و با تقدیر از هماهنگی ارتش و سپاه در قرارگاه پدافند هوایی و همچنین همکاری این قرارگاه با وزارت دفاع و دانشگاه‌ها و مراکز علمی در برطرف کردن



نیازها و کمبودها، افزودند: کار و تلاش را با آهنگی پرشتاب‌تر از قبل ادامه دهید و با ارائه طرح‌های نو و ابتکاری در جهت خودکفایی کشور، به پیش بروید.<sup>۱</sup>

نخستین استعاره متن اخیر برآمده از این نگرش استعاری است که «قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خط مقدم دفاع از حیثیت و موجودیت کشور است»؛ این استعاره مبتنی بر مفاهیمی است که از حوزه‌های مفهومی «خط مقدم»، «حیثیت» و «موجودیت»، به‌عنوان حوزه مبدأ، به حوزه «قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء»، به‌عنوان حوزه مقصد، منتقل شده‌اند؛ به عبارت دیگر همان‌گونه که خط مقدم دارای شرایط خاصی از جمله لزوم آمادگی و هوشیاری کامل و همیشگی و رصد لحظه به لحظه تحركات دشمن و در صورت نیاز دادن پاسخ مقتضی و حتی کوبنده و بازدارنده به او است، به کار در قرارگاه مذکور نیز نباید به‌عنوان کاری معمول و روزمره نگریست؛ بلکه باید به مثابه حضور در خط مقدم به آن نظر کرد. پیداست زمانی که این خط مقدم مربوط به «حیثیت» و «موجودیت کشور» باشد، نگه داشتن آن و پاسداری از آن، از اهمیت به مراتب بالاتری برخوردار است. در واقع رهبر معظم انقلاب با گزینش هوشمندانه مفاهیم حوزه مبدأ استعاره مورد نظر، بر اهمیت تکالیف قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء تأکید گذارده‌اند و پیام خود را بر این مبنا روشن‌تر و اثرگذارتر بیان کرده‌اند؛ به‌ویژه اینکه مفاهیم «خط مقدم»، «حیثیت» و «موجودیت کشور» برای نظامیان و کسانی که لباس سربازی نظام و کشور را بر تن دارند، بسیار معنامندتر هستند.

استعاره دوم متن اخیر نیز اثرگذار و پیچیده است: «به کار گرفتن و فعال کردن توانایی‌ها و استعداد‌های نیروی انسانی نسخه علاج‌بخش مشکلات کشور است» که خود مرتبط با استعاره‌های «مشکلات بیماری هستند» و «کشور موجودی زنده است» می‌باشد؛ در واقع رهبر انقلاب با به‌کارگیری این استعاره چندلایه، به مخاطب خود به نحوی روشن و نافذ این پیام را می‌دهد که کشور و جامعه شما موجودی زنده و ذی‌حیات است و به مانند هر موجود زنده و ذی‌حیات دیگری ممکن است بیمار شود؛ این بیماری‌ها در شرایط کنونی مشکلاتی هستند که کشور با آن‌ها دست به‌گریبان است؛ در عین حال گوینده می‌گوید این بیماری قابل درمان

۱. دیدار فرماندهان قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) ارتش با فرمانده کل قوا، ۱۳۹۶/۶/۱۲

است و آن بهره‌گیری از استعدادها و توانایی‌های جوشان نیروی انسانی کشور به عنوان نسخه‌ی علاج و شفابخش آن است. استفاده از واژه‌های «نسخه» و «علاج» به خاطر پیوندی که با مفاهیم «بیماری» و «درمان» آن دارند، امکان حرکت راحت و سریع مخاطب از حوزه‌ی مبدأ به حوزه‌ی مقصد این استعاره را تسهیل کرده و بهره‌گیری از صفت «جوشان» درباره‌ی «توانایی‌ها و استعدادها» نیروی انسانی کشور، به خاطر بار احساسی و برانگیزاننده‌ی این واژه، پیام مورد نظر گوینده را همدلانه کرده است.

#### متن شماره ۴

یکی از خصوصیات ارتش جمهوری اسلامی ایران، بصیرت انقلابی و دینی است؛ پابندی دینی است، تعهد دینی است؛ این خیلی حرف بزرگی است؛ معنای تعهد دینی این است که ارتش به همه‌ی موازینی که اسلام برای نیروهای مسلح و برای فعالیت‌های نظامی مقرر کرده است، پایبند است. ارتش‌های دنیا آن‌وقتی که در یک عرصه‌ی احساس پیروزی می‌کنند، مهارگسیخته وارد میدان می‌شوند، کارهایی از آن‌ها سر می‌زند که شرم‌آور است و نمونه‌هایش را در جاهای مختلف دیده‌ایم....

ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، پایبند به تعهدات اسلامی‌اند؛ نه در پیروزی طغیان می‌کنند، نه در هنگام خطر دست به کارهای ممنوع و ابزارهای ممنوع می‌زنند. مدت‌های طولانی شهرهای ما - چه شهرهای مرزی و چه بعداً حتی تهران و اصفهان و بسیاری از شهرهای دیگر - زیر تهاجم وحشیانه و کور موشک‌های صدامی قرار داشت....

نیروهای مسلح بسیاری از کشورها - یا تا آنجایی که می‌شناسیم تقریباً همه‌ی کشورها - این تقیدات را ندارند؛ امروز نمونه‌اش را شما در یمن ملاحظه می‌کنید؛ چندی قبل در فلسطین دیدید، در غزه دیدید، در لبنان دیدید، در نقاط دیگر مشاهده کردید؛ این ملاحظات را نمی‌کنند، اما نیروی مسلح متعبد به قوانین اسلامی، این رعایت‌ها را می‌کند؛ ما اگر گفتیم - که گفته‌ایم - که از سلاح هسته‌ای استفاده نمی‌کنیم، به خاطر همین تقیدات است؛ به خاطر همین

پایبندی به تعبد اسلامی و مقررات اسلامی و قوانین اسلامی است؛ این یکی از برترین خصوصیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است.

امروز دشمنان ما، جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند به دخالت در اینجا و آنجا که این خلاف واقع است؛ چنین چیزی وجود ندارد؛ ما در هیچ‌جا دخالت نمی‌کنیم. ما در آنجایی که مورد تهاجم قرار بگیریم البته دفاع می‌کنیم، دفاع جانانه، اما دخالت نمی‌کنیم. ما از کسانی و عواملی که به مردم بی‌دفاع حمله می‌کنند، به غیرنظامی‌ها حمله می‌کنند، کودکان را نابود می‌کنند، زنان را به قتل می‌رسانند، خانه‌ها را خراب می‌کنند، متنفریم، اعلام بیزاری می‌کنیم، اعلام برائت می‌کنیم؛ این‌ها از اسلام چیزی نفهمیده‌اند، از وجدان انسانی هم چیزی نفهمیده‌اند. خصوصیت نیروهای مسلح ما این است که به مبانی اسلام و قوانین الهی که در همه‌جا قانون الهی رایج است - حتی در جنگ، یا در صلح - پایبند است... .

یک خصوصیت دیگری که باید نیروهای مسلح ما به آن توجه داشته باشند، خوشبختانه توجه هم کرده‌اند و این کاملاً آشکار است، مسئله عمل به آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِه عَدُوِّ اللَّهِ وَ عَدُوِّكُمْ» است. معنای این آیه این است که غافلگیر نشوید؛ معنایش این است که اگر چنانچه دشمنی به شما حمله کرد، شما بر اثر کمبود امکانات، کمبود سلاح و مهمات، کمبود آمادگی، خسارت تحمل نکنید که خسارت شما خسارت ملت است، خسارت شما خسارت اسلام است... .

خوشبختانه نیروهای مسلح در بخش‌های مختلف، خودشان یا بالمباشره یا با برنامه‌ریزی و با استفاده از دستگاه‌های علمی و فناوری توانسته‌اند کارهای بزرگی بکنند و این کار باید ادامه پیدا کند. آنچه من تأکید می‌کنم این است که پیشرفت‌های کشور در زمینه‌های تسلیحاتی و در زمینه‌های آمادگی‌های رزمی باید همچنان طریق پیشرفت را ادامه بدهد؛ دشمنان ما این را نمی‌خواهند... .

نخیر، جمهوری اسلامی اولاً ثابت کرده است و نشان داده است که در دفاع از خود کاملاً مقتدرانه و در نهایت اقتدار عمل می‌کند؛ همه ملت مثل یک مشت مستحکم گرد هم می‌آیند و در مقابل متجاوز، در مقابل متعرض، در مقابل مهاجم غیرمنطقی می‌ایستند...<sup>۱</sup>

۱. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران (به مناسبت روز ارتش جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۹۷/۱/۳۰.

در تحلیل برخی از نمونه‌های بالا اشاره کردیم که بسیاری از استعاره‌های شناختی موجود در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب بر اساس آموزه‌های اسلامی و مفاهیم شرع مقدس اسلام شکل گرفته‌اند؛ یکی از بیاناتی که این موضوع به خوبی در آن جلوه‌گر است، همین بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران است که به مناسب روز ارتش انجام گرفته است.

در این بیانات، مبنای اسلامی گفتمان دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران به خوبی تبیین شده است و مفاهیم آن در سراسر متن بیانات فرماندهی معظم کل قوا نشر پیدا کرده است؛ از همین رو است که ایشان از «بصیرت انقلابی و دینی»، «پایبندی دینی»، «تعهد دینی»، «پایبند به تعهدات اسلامی»، «نیروی مسلح متعهد به قوانین»، «تقیدات اسلامی و دینی»، «پایبندی به تعهد اسلامی و مقررات اسلامی و قوانین اسلامی» و مفاهیم مشابه استفاده می‌کنند و عملکرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را مبتنی بر آن‌ها معرفی می‌کنند.

به عبارت دیگر این مفاهیم مبدأ و نقطه عزیمت شکل‌گیری گزاره‌های استعاری محوری گفتمان دفاعی نظام اسلامی هستند که به انحاء مختلف در بیاناتی که رهبر معظم انقلاب درباره عملکرد و خط‌مشی نیروهای مسلح دارند جاری و متجلی می‌شود؛ و در موارد زیادی هم از جمله متن بالا مورد تأکید قرار می‌گیرند: «خصوصیت نیروهای مسلح ما این است که به مبنای اسلام و قوانین الهی که در همه‌جا قانون الهی رایج است - حتی در جنگ، یا در صلح - پایبند است.» در موارد زیادی هم ایشان کلام خویش را به آیات کلام‌الله مجید مستند می‌کنند که نمونه بارز آن را در متن بالا با کاربرد آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» می‌بینیم؛ کاربرد این آیات شریفه گذشته از آنکه کلام را مستند به دستور الهی می‌کند، آن را اثرگذار و غیرشخصی می‌کند.<sup>۱</sup>

اما در متن اخیر، افزون بر سرشت استعاری مبتنی بر دستورهای اسلامی متن، در دو مورد دیگر نیز مقام معظم رهبری از استعاره بهره برده‌اند: یکی آنجا که «پیشرفت‌های کشور در

۱. یکی دیگر از بیانات مقام معظم رهبری که در آن بر اهمیت ایمان و اعتقاد دینی در امر دفاع تأکید فرموده‌اند، بیانات ایشان در دانشکده علوم دریایی نوشهر در ۱۳۸۸/۷/۱۴ است.

زمینه‌های تسلیحاتی و در زمینه‌های آمادگی‌های رزمی» را به مثابه «طریق» معرفی می‌کنند؛ و یکی آنجا که به «ملت» در مقام دفاع از خود و دفع تجاوز اجنبی به مثابه «مشت مستحکم» می‌نگرند. در واقع در این دو مورد مفاهیم مربوط به «طریق» یا «راه» از یک طرف و مفاهیم مربوط به «مشت مستحکم» به دو حوزه «پیشرفت در زمینه‌های تسلیحاتی و آمادگی‌های رزمی» و «دفاع از خود» انتقال یافته‌اند و کلام را استعاری کرده‌اند؛ چراکه مخاطب ایرانی از طریق یا راه تصویری دارد که مهم‌ترین آن این است که اگر می‌خواهی به مقصد بررسی باید آن را بیمایی؛ و از مشت مستحکم هم مفاهیمی همچون گره‌کردگی و اقتدار و آمادگی برای رزم در ذهن مخاطب ایرانی شکل می‌گیرد.

#### متن شماره ۵

اهمیتی که برای نیروهای مسلح و کسانی که در این کسوت انجام وظیفه می‌کنند و به کشور خود و ملت خود خدمت می‌کنند و اهمیتی که برای این مجموعه قائلیم، اولاً از این جهت است که مجموعه نیروهای مسلح، برترین عامل در حفظ امنیت کشورند. نیروهای مسلح به گفته امیر مؤمنان دژ ملت، باروی ملت، حصن و حصار مستحکم مردم سرزمین‌های خود هستند و امنیت را این‌ها تأمین می‌کنند....

دومین دلیل این است که نیروهای مسلح در راه این انجام وظیفه، هزینه‌ای را آماده شده‌اند پردازند که با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست. نیروهای مسلح، جان خود را به این میدان آورده‌اند. نظامی مدافع از امنیت کشور - چه ارتشی و چه سپاهی و چه دیگر بخش‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی - برای اینکه امنیت را حفظ کنند، جان خود را به میدان آورده‌اند؛ این، چیز بزرگی است. علت اینکه شهیدان عزیز ما هرگز از یاد ملت نمی‌روند، این است که این سرمایه را فدا کردند؛ اهل دنیا نه فقط از جان، از خواسته‌های حقیر هم نمی‌گذرند؛ مردان حق، سلحشوران، مدافعان ارزش‌های معنوی، حاضرند جان خود را کف دست بگیرند و در این میدان قدم بگذارند.

عزیزان من! جوانان برومند دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران! شما یکی از پایه‌های مستحکم اقتدار این کشور محسوب می‌شوید. هر ملتی حق دارد و وظیفه دارد که در

اقتدار خود بکوشد. ملت‌ها اگر خود را به مرحلهٔ اقتدار نرسانند، در کشاکش درگیری‌های جهانی و قدرت‌طلبی‌ها لگدمال خواهند شد. آن ملتی که به ضعف خو کند، ضعف را برای خود عیب بزرگ نشمارد؛ آن ملت شایستهٔ سربلندی و عزت نیست. قدرت‌ها، چکمه‌پوشان عالم، سرنیزه‌داران مستبد و دیکتاتور بین‌المللی، به چنین ملتی رحم نخواهند کرد. ملت‌ها وظیفه دارند خود را مقتدر کنند.<sup>۱</sup>

در متن بالا چند استعارهٔ شناختی مشخص وجود دارد:

«نیروهای مسلح به گفتهٔ امیر مؤمنان دژ ملت، باروی ملت، حصن و حصار مستحکم مردم سرزمین‌های خود هستند» (مستند به کلام حضرت علی علیه‌السلام)؛ در واقع در این استعاره مفاهیم مربوط به «دژ»، «بارو» و «حصار» که همگی برای ذهنیت و تصور تاریخی ایرانیان آشنا هستند و تصوراتی همچون مستحکم بودن، نفوذناپذیری، ستر بودن و پایداری را در ذهن زنده می‌کنند؛ به حوزهٔ مقصد این استعاره یعنی «نیروهای مسلح» کشور انتقال داده می‌شوند؛ به عبارت دیگر نیروهای مسلح یک کشور باید به مانند یک دژ/ بارو/ حصار مستحکم، نفوذناپذیر، ستر و پایدار باشند و در برابر تجاوزات اجانب و کسانی که چشم طمع به آن دژ/ بارو/ حصار و مردمانش را دارند، بایستند.

«کار نیروهای مسلح در میدان بودن است»؛ میدان نیز در تصور جمعی ایرانی و حتی انسانی با مفاهیمی همچون «رزم» و «جنگ» و حتی در معرض دید دیگران قرار داشتن گره خورده است؛ از این رو وقتی که کار و عملکرد کسانی به مثابه قرار داشتن در میدان است، از آن افراد انتظار می‌رود که همواره آمادهٔ رزم باشند و بدانند که عملکرد آن‌ها در معرض دید دیگران است و همه آن را می‌بینند.

«اقتدار یک ملت بنای مستحکمی است»؛ در این استعاره گفته می‌شود که اگر ملتی مقتدر باشد یا به عبارت دیگر نیروهای مسلح مقتدری داشته باشد که گویی که خود بنای مستحکم و استواری است که هیچ دشمنی قدرت نفوذ به آن، ضربه زدن به آن را نخواهد داشت.

۱. بیانات در دانشکدهٔ علوم دریایی نوشهر، ۱۴/۷/۱۳۸۸.

«چکمه‌پوشان عالم» و «سرنیزه‌داران مستبد و دیکتاتور بین‌المللی» هم ترکیب‌های استعاری دیگر این متن هستند که دربارهٔ قدرت‌های استکباری جهانی به کار برده شده‌اند. از آنجا که «چکمه» و «سرنیزه» با مفاهیمی همچون زورگویی و ستم در ذهن مخاطب ایرانی گره خورده‌اند، کاربرد آن‌ها دربارهٔ قدرت‌های استکباری جهان ماهیت عملکرد آن‌ها را به‌خوبی برای مخاطب روشن می‌کند.

در ادامه با مبنا قرار دادن سؤالات اصلی و فرضیه‌های تحقیق نتایج آن را بیان می‌کنیم.

### نتیجه‌گیری

سؤال اول تحقیق به این صورت بیان شد: «استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبری معظم انقلاب چگونه هستند؟»

در ارتباط با این سؤال پاسخ زیر مطرح شد: بررسی و تحلیل داده‌های تحقیق که مستخرج از تعدادی از بیانات رهبر معظم انقلاب در امور دفاعی یا جمع دست‌اندرکاران امور دفاعی کشور یا مردم هستند، نشان داد که انواع استعاره‌های شناختی در کلام رهبر معظم انقلاب در زمینه‌های دفاعی متجلی شده‌اند؛ این استعاره‌ها به نحوی منسجم و اندام‌وار در متن جاری شده‌اند و به روشنی می‌توان حوزهٔ مبدأ و مقصد آن‌ها را در متن مشخص کرد؛ لذا فرضیهٔ اول تحقیق مبنی بر وجود استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب تأیید می‌شود. لازم است این نکته را یادآوری کنیم که بر اساس اصول و مبانی زبانشناسی شناختی، کاربرد استعاره یکی از مشخصات اصلی زبان انسان - چه در گفتار و چه در نوشتار - است؛ لذا استفاده از انواع استعاره‌ها در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب نیز دور از انتظار نبوده است؛ و همان‌طور که دیدیم و در بررسی سؤالات و فرضیه‌های دیگر تحقیق نیز خواهیم دید، این استعاره‌ها با هدف تأکید بر مبانی و جنبه‌های خاصی از گفتمان دفاعی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی است، به کار برده شده‌اند.

سؤال دوم تحقیق به شرح زیر است:

«کدام نوع از استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر انقلاب بیشتر دیده می‌شوند؟»

در ارتباط با سؤال دوم تحقیق، فرضیهٔ زیر بیان شده است:

«با توجه به گفتمان ارزشی نظام جمهوری اسلامی، انتظار می‌رود که استعاره‌های ساختاری و وجودی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب بیشتر به کار رفته باشند».

بررسی و تحلیل داده‌ها، به خوبی نشان داد که انتخاب دقیق مفاهیم از یک حوزه مبدأ و انتقال آن به حوزه مقصد استعاره، از مشخصات بارز کلام رهبری در متن‌های بررسی شده است؛ برای مثال دیدیم که مفاهیم مربوط به «راه» به عنوان حوزه مبدأ به «اهداف» به عنوان حوزه مقصد انتقال داده شده است؛ لذا می‌توانیم بگوییم که استعاره‌های ساختاری در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب - و احتمالاً گفتمان ایشان در زمینه‌های دیگر - کاربرد زیاد و مشخصی دارد.

همچنین دیدیم که در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب به مفاهیمی همچون «استکبار» و «ملت» به مثابه پیکره زنده‌ای نگریسته می‌شود که دارای رفتارهای مشخصی هستند؛ در اینجا نیز دو حوزه مبدأ و مقصد استعاره و حرکت از یکی به دیگری - به عبارت دیگر، انتقال مفاهیمی اولی به دومی - کاملاً مشخص است که همین باعث شکل‌گیری مجموعه‌ای از استعاره‌های اثرگذار در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب شده است؛ لذا بر اساس این تحلیل‌ها می‌توان گفت که بخش دوم فرضیه مربوط به سؤال دوم تحقیق مبنی بر وجود بیشتر استعاره‌های ساختاری و وجودی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب نیز تأیید می‌شود.

سؤال سوم تحقیق به صورت زیر تنظیم شده است:

«چه تبیینی می‌توان برای استعاره‌های شناختی به‌کاربرده شده در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب به دست داد؟»

در ارتباط با این سؤال فرضیه زیر بیان شده است:

«با توجه به تفاوتی که میان معنای گزاره‌ای و کاربردشناختی در زبان وجود دارد، کاربرد استعاره‌های شناختی در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب، با هدف تأکید بر سویه‌های خاصی از معنی است.»

در تحلیل استعاره‌های موجود در کلام رهبر معظم انقلاب درباره‌ی امور دفاعی، دیدیم که مبنای این استعاره‌ها در بسیاری از موارد مفاهیم مرتبط با سنن و فرهنگ بومی و مفاهیم برآمده از اصول و ارزش‌های اسلامی هستند.



برای مثال دیدیم که رهبر معظم انقلاب مفاهیم «سفره» و «بی‌صاحب» را مبنای ساخت استعاره‌ای قرار داده‌اند تا بتوانند رویکرد «مستکبرین عالم، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های سیطره‌طلب» نسبت به کشورهایی همچون ایران را برای مخاطبان خود به صورت شفاف و روشن بیان کنند.

همچنین در موارد زیادی دیدیم که مبنای استعاره‌های به‌کاربرده شده در کلام رهبر معظم انقلاب مفاهیم اسلامی همچون «تکلیف»، «وظیفه»، «تعهد»، «تعبد» و «تقید» هستند؛ علاوه بر این کار در حوزه دفاعی کشور در کلام رهبر معظم انقلاب در موارد بارز و مشخصی مستند به آیات قرآنی است.

لذا با توجه به این موارد می‌توانیم بگوییم که تحلیل داده‌های تحقیق، فرضیه سوم آن را نیز تأیید می‌کند؛ به این دلیل که استعاره‌هایی که در گفتمان دفاعی رهبر معظم انقلاب، بر مبنای مفاهیم مرتبط با سنن و فرهنگ بومی و اصول و ارزش‌های اسلامی به کار برده شده‌اند، با هدف تأکید بر خطیر و خاص بودن کار در این زمینه استفاده شده‌اند و در واقع این استعاره‌ها در کل «دفاع» در جامعه اسلامی را به مثابه «تکلیفی» مهم برجسته می‌کنند.

در واقع با توجه به تبحر و دقت رهبر معظم انقلاب در کاربرد زبان فارسی، بررسی استعاره‌هایی که ایشان در صحبت از موضوعات مهم به کار می‌برند، هم می‌تواند قابلیت‌های زبان فارسی در این زمینه را نشان دهد، هم می‌تواند الگویی باشد برای استفاده درست و به‌موقع از این امکان زبانی برای انتقال معنی و تأکید بر بخش‌های مشخصی از آن.

## منابع

## فارسی

۱. ارسطو (۱۳۳۷)، هنر شاعری، بوطیقا، ترجمه و مقدمه و حواشی از فتح‌الله مجتبیایی، تهران: بنگاه نشر اندیشه.
۲. پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۳)، بررسی استعاره‌های کلامی - تصویری در چند پوستر مناسبتی زبان فارسی، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، شماره ۱۱.
۳. رادویانی، محمدین عمر (۱۹۴۹)، ترجمان البلاغه، به اهتمام و تصحیح و حواشی و توضیحات احمد آتش، استانبول: چاپخانه ابراهیم خروس.
۴. رجایی، محمد خلیل (۱۳۵۹)، معالم‌البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، شیراز: سازمان چاپ دانشگاه شیراز.
۵. دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳)، زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی (ویراست دوم)، تهران: سمت.
۶. جرجانی (۱۳۷۴)، اسرارالبلاغه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. صفوی، کورش (۱۳۷۷)، «زبان» در زبان‌شناسی و ادبیات: تاریخچه چند اصطلاح (ترجمه)، تهران: هرمس.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۳۳)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران: نشر صدرا.
۹. فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۹۱)، سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: انتشارات سخن.
۱۰. فرشید ورد، خسرو (۱۳۴۹)، نقد شعر فارسی، تشبیه و استعاره در زبان فارسی، تهران: انتشارات وحید.
۱۱. هاشمی، زهره (۱۳۸۹)، استعاره‌های مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون، مجله ادب پژوهی، شماره ۱۲.
۱۲. هاوکس، ترنس (۱۳۸۰)، استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.

## انگلیسی

1. Beardsly, M.P. (1967) 'Metaphor', in P. Edwards (ed.), Encyclopedia of philosophy, vol. 5, New York: Macmillan, pp. 284- 289.
2. Bonebakker (1978) 'ISTiCARA', in Encyclopedia of Islam, pp. 248-252.
3. Culler, J. (2001) The Pursuit of Signs, London: Routledge.
4. Davidson, D. (1980) 'What Metaphors Mean', in P. Platts (ed.), Reference, Truth and Reality, London: Routledge and Kegan Paul, pp. 238-254.
5. Deignan, A (2008), Corpus Linguistics and Metaphor, The Cambridge Handbook of Metaphor and Thought, Cambridge University Press.
6. Goatly, A. (1997) The Language of Metaphors, London: Routledge.
7. Henle, P. (1972) 'Metaphor', in P. Henle (ed.), Metaphor in Language, Thought + culture, U. S. A: The University of Michigan, pp. 173- 195.
8. Jakobson, R./ Halle M. (1956) Fundamentals of Language, Netherlands: Mouton and Co's- Gravenhage.

9. Kavecses, Z(2010), *Metaphor: A Practical Introduction*, 2nd, Edition, Oxford University Press.
10. Kofman, S. (1996) *Nietzsche and Metaphor*, translated by Duncan Large, London: The Athlone Press.
11. Lakoff, G., and Johnson, M. (1980 a) *Metaphors We Live By*, Chicago: University of Chicago Press.
12. Lakoff, G., and Johnson, M. (1980 b), 'Conceptual Metaphor in Everyday Language', in *The Journal of Philosophy*, vol. LXXVII, No. 8, p
13. Lakoff, G., and Johnson, M. (1993) 'The contemporary Theory of Metaphor', in A. Ortony (ed.),
14. Langacher, R. (1994) 'Cognitive Grammar', in R. E. Asher (ed.), *The Encyclopedia of Language and Linguistics*, Oxford: Pergamon Press, p. 590- 591.
15. Maalej, Z. (1999) 'Metaphor Making and Processing', in *Journal of Literary semantics*.
16. Malmkjaer, K. (1991) 'Metaphor', in *The Linguistics Encyclopedia*, London: Routledge, pp. 306- 312.
17. Meisami, JS. (1998) 'ESTEcARA', in E. Yarshater (ed.), *Encyclopedia Iranica*, vol. VIII, Costa Mesa: Mazda publishers, pp. 649- 651.
18. *Metaphor and Thought*, 2nd edition, Cambridge: Cambridge University Press, pp.202-52.
19. Ortony, A (1976) 'Metahor a Multidimensional problem', in A. Ortony, *Metaphor and Thought*, Cambridge: Cambridge University Press.
20. Steen, G.J (1994). *Understanding Metaphor in Literature: an Emprical Approach*. London: Longman.

## Analyzing the Cognitive Metaphors in the Statements Made by the Supreme Leader on Defense

*Hadith Eqbal and Roya Farzin Rad*

### **ABSTRACT**

This research has been conducted with analytical-descriptive method by using content analysis. In answering the question "How are the cognitive statements made in the Supreme Leader's defense discourse?", it has been replied that various cognitive metaphors are expected to have been used in the Supreme Leaders statements on defense. Similarly, considering the value discourse on the part of the Islamic Republic of Iran's regime, structural and existentialism metaphors have been predominantly in the Supreme Leader's defense discourse. The Supreme Leader's use of cognitive metaphors can be said to have been made with emphasis on specific strains of meaning. The concepts related to indigenous culture and traditions aligned with the discourse on Islamic defense system constitute the basis of these metaphors. In this research, different kinds of Islamic concepts and metaphorical compounds are enumerated in the statements made by the Supreme Leader, which are increasingly important in developing defense strategies.

**KeyWords:** *cognitive metaphors; statements on defense; the Supreme Leader*

## An Assessment of Operations Research Methods for Studying Military Issues

*MohammadReza Fathi; MohammadHassan Maleki & Milad Aghaei*

### ABSTRACT

Operations research has long been concerned with military issues, where its start and growth has been linked with such issues. Operations research methods and techniques have abundant capabilities for solving military problems. The present research is fundamental in terms of orientation, interpretative in terms of philosophy, and descriptive in terms of target. The present research is aimed at conducting an argumentative and descriptive evaluation of capabilities for operations research methods for studying military issues. Having this in mind, military issues were initially classified using Jackson's common typology and a few basic dimensions. There are also other typologies like Mingers' and Kassires' typologies in the related literature that are mostly methodological. In each field, an example of military issues has been explained for further transparency. Then, convenient methods were established for each problem by using the methodological classifications provided by the researchers in this article, interviewing the internal and external elites, and reviewing the case examples and literature. Using Jackson's typology, the problems are divided into six categories, namely normative-operational, pluralist-operational, pragmatic-operational, normative-social, and pragmatic-social. In this research, unlike the previous researches that are of a methodological or problem nature, both aspects have been taken into regard, and capabilities of operations research techniques have been evaluated in a reasoning way for each field. Similarly, a directive and framework was presented for mixed methodology to encounter such problems in terms of the type of methods and the paradigmatic nature.

**KeyWords:** *methodology; operations research; military issues; typology*

## **A Study of Shiite Geopolitical Situation with Iran at the Center and Its Impact upon Shiites' Political Status in the West Asia**

Sajjad Kamari, Seyyed Yahya *Safavi* and Ezzatollah Ezzati

### **ABSTRACT**

Any community's security environment serves as a function of the interaction and conflict between the invariables of both internal and external environment. Iran's security environment, thus, is vulnerable and prone to crisis, because of its ideological-revolutionary nature and in terms of historical, cultural and ethnic characteristics due to its geopolitical and geostrategic location. So, this research intends to theoretically address the concept of 'Shi'ite critical geopolitics' and the 'discourse based on resistance' by criticizing traditional geopolitical approaches. This article, which has been conducted in the form of an analytical model (hypothetico-deductive), uses descriptive research method. Data has been collected by using library method. The findings in this research indicate that, due to geopolitical weaknesses of Shiites in other countries of the region, the Islamic Republic of Iran requires a convergence at the heart of which lie other commonalities including cultural, historical, geographical and economic considerations so that it could be able to contribute to improve the Shiites' status in the countries of the region by overcoming those weaknesses in the long term together in the light of other components only to capitalize on their improved geopolitical status in the region in the future.

**KeyWords:** *geopolitics; Shiites; political situation; national security*

## **An Analysis of the Reasons Why a Transformation Occurred in Turkey's Foreign Policy towards the Syrian Crisis**

*Hamid Darj & Hossein Mas'udNia*

### **ABSTRACT**

Turkey is one of the main actors that is influential in the Syrian crisis. From the very time when the Syrian crisis started, Turkey made every effort to topple the Damascus regime by creating a fundamental change in its policies towards Syria, providing total support for the terrorist groups, and leaving its doors opened to the Takfiris in order to restore the Neo-Ottomanist Empire. However, the developments in Syria, a concern on the part of the Turkish officials that insecurities in Syria may spill over Turkey's borders, as well as the potential formation of a government model similar to Iraq's in Syria all caused Ankara to turn away from its policies towards the Syrian developments and adopt, instead, the policy of proximity to, and approaching Iran and Russia only to meet its regional objectives and interests. The main question in this research is: What are the reasons of rotation in Turkey's foreign policy towards the Syrian crisis (i.e. war to diplomacy) and favouring a diplomatic settlement of the crisis? The hypothesis in this article is that failures in the battlefield, the division in Turkey's camp between its regional and transregional allies accompanied by the upper hand that the opposition gained in action, have been among the main reasons for Turkey's rotation in its foreign policy. Also, the method of quality analysis has been used to collect data.

**KeyWords:** *Turkey; the Syrian crisis; Post-ISIS; Neo-Ottomanism; the constructivist theory*

## The Identity Patterns of the West Asia and the Regional Security Order

*Seyyed Hamed Musavi, Heshmatollah FalahatPisheh  
and MohammadBagher KhorramShad*

### ABSTRACT

Despite the new versions of political Islam appearing in the West Asia, three discourse patterns of political Islam can at least be identified, namely: the pattern of Shiite political Islam (revolutionary and transformational) with the Islamic Republic of Iran at the centre; the pattern of Salafi-Wahhabi political Islam (traditional conservative) led by Saudi Arabia; and the pattern of Ekhwani political Islam (civil pragmatist) in Egypt and Turkey. Because of the remarkable and efficient capabilities and characteristics shown by the mentioned-above countries in the West Asia, the regional security order will keep being influenced by the rivalry in these discourse identities. Based on the hypothesis in this article, due to the fundamental conflict that exists in norms, images, beliefs as well as the advent of the competitive and hegemonical nature of the discourses in the West Asia region, it faces a serious challenge to establish an optimal security order in the region. In this research, the idea of evolving the identity of a regional discourse based on the identity commonalities contained in the Islamic civilization has been offered as the nodal point of that discourse in order to establish a regional security order.

**KeyWords:** *Identity; discourse; political Islam; Islamic civilization; security order*



## The Key Drivers in the Defense Diplomacy of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in the West Asia Region

*Hossein Minaei and Farhad HadiNejad*

### ABSTRACT

Defense diplomacy is a means by which states attempt to exploit their own capabilities and privileges in defense field in order to make other countries dependent on themselves, enhance mutual security dependence, win trust, prevent the occurrence of conflicts, and establish regional security frameworks and the like. One of the characteristics of defense diplomacy under the present circumstances is the fact that it is considered as a means of giving identity and legitimacy in countries' defense and strategic policies. Iran-Arabia relations are transitioning from rivalry towards direct confrontation in recent years. Saudi Arabia's proxy wars with Iran in the West-Asia region especially in Iraq and Syria, as well as the former's all-out efforts to prevent the Shiite power in Yemen and Bahrain from gaining momentum has caused the Saudis to become engaged in attritional wars, one of the effects of which is the deteriorated relations between Saudi Arabia and the Islamic Republic of Iran. One fundamental requirement in any project on foresight is the identifying of key drivers. With this in mind, this article has been produced with the aim of identifying the key drivers in IRI's defense diplomacy with Saudi Arabia in the West Asia region by exploiting a diverse array of futurology methods including literature review, expert panel, and cross-matrix analysis using MicMac software. In so doing, the expertise of practitioners in defense field and foreign policy were used, along with key drivers that have been presented in the conclusion.

**KeyWords:** *foresight; driver; cross-matrix analysis; defense diplomacy.*

## **Table of Contents**

*The Journal of Defense Policy, Vol. 26 Serial No. 104, Autumn 2018*

<b>Title</b>	<b>Page</b>
<i>The Key Drivers in the Defense Diplomacy of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in the West Asia Region .....</i>	<i>4</i>
<b>Hossein Minaei</b> <b>Farhad HadiNejad</b>	
<i>The Identity Patterns of the West Asia and the Regional Security Order .....</i>	<i>5</i>
<b>Seyyed Hamed Musavi</b> <b>Heshmatollah FalahatPisheh</b> <b>MohammadBagher KhorramShad</b>	
<i>An Analysis of the Reseans Why a Transformation Occurred in Turkey's Foreign Policy towards the Syrian Crisis .....</i>	<i>6</i>
<b>Hamid Darj &amp; Hossein Mas'udNia</b>	
<i>A Study of Shiite Geoploitical Situation with Iran at the Center and Its Impact upon Shiites' Political Status in the West Asia .....</i>	<i>7</i>
<b>Sajjad Kamari</b> <b>Seyyed Yahya Safavi</b> <b>Ezzatollah Ezzati</b>	
<i>An Assessment of Operations Research Methods for Studying Military Issues .....</i>	<i>8</i>
<b>MohammadReza Fathi</b> <b>MohammadHassan Maleki</b> <b>Milad Aghaei</b>	
<i>Analyzing the Cognitive Metaphors in the Statements Made by the Supreme Leader on Defense .....</i>	<i>9</i>
<b>Hadith Eqbal</b> <b>Roya Farzin Rad</b>	
<i>English Abstracts</i>	
<b>Seyyed Saadat Hoseini</b>	



**The Journal of Defense Policy**

**Vol. 26, No. 4, Autumn 2018, Serial No. 104 (ISSN-1025-5087)**

***Imam Hossein (P.B.U.H) Comprehensive University  
Center for Strategic Defense and Security Studies***

Chairman Manager: Dr. Mohammad Reza Shaabani Asl

Editor in chief: Dr. Seyyed Yahya Safavi

Editor: Dr. Sohrab Fazel

Managing Editor: Dr. Khosro Hassanlou

***Editorial Board***

Dr. Ali Akbar Ahmadiyan

Dr. Seyyed Yahya Safavi

Dr. Hossein Hosseini

Dr. Jahangir Karami

Dr. Hossein Dehghan

Dr. Hadi Morad Piri

Dr. Ebrahim Mottaghi

Dr. Seyyed Jalal Dehghani

***Examiner & Advisory Board***

Mohammad Javad Sobhani Far, Gholam Reza Alamati, Saeed Kafi, Mohammadreza Ahani, Abolfazl Pasban, Mohammadreza Shaabani Asl, Mahdi Heshmati, Mohammad Mobini, Mahdi Zarvandi, Khosro Hasanlou, Hasan Boloughzadeh, Seyyed Hamidreza Ghorayshi, Hasan Aboutalebi, Abbas Chegini, Naser Varesi, Alireza Nasr Esfahani, Abolfazl Amiri, Hadi Aghaey, Mohammadreza Besharati, Mahmoud Pakizeh, Davood Jafari, Reza Moghiseh, Mohammadhosein Jamshidi, Abbas Heydari, Hosein Hoseini, Mostafa Khodsiani, Masoud Dehghani, Allahmorad Seyf, Mohammad Shahini, Alireza Taghati, Mohammad Ali Abedi Pour, Mohammadreza Arab Baferani, Hosein Alaey, Behzad Ghasemi, Ahmad Kargar, Mostafa Mardanian.

Address: Defence & National Security Studies Center; Imam Hossein<sup>(PBUH)</sup> Comprehensive University, Shahid Babaee Expway, Tehran, The Islamic Republic of Iran

Tel: +9821-74188270

<http://journals.ihu.ac.ir>

E-male: [dp@ihu.ac.ir](mailto:dp@ihu.ac.ir)